

کیمهان ۵۱۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۶ اردیبهشت تا پنجشنبه ۱ خرداد ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۷۸

سفر به سه کشور عرب خلیج فارس
ابهام در سر نوشت جمهوری اسلامی

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۷۸ (۵۱۲)

۲۶ اردیبهشت تا ۱ خرداد ۱۴۰۴
۱۶ تا ۲۲ مه ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این کشور تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به گوشه‌ی متصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب «نامه‌ها و عاشقانه‌ها» با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۲۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل فرمایید.

Web: www.pirnia.com

E-mail: pirnia@pirnia.com

کیمهان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - «دشمن دائمی» وجود دارد! / الاهه بقراط
۴-۵	تیتز هفته - سفر به سه کشور عرب خلیج فارس ابهام در سر نوشت جمهوری اسلامی ... /
۶	شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «فاکس نیوز»: رژیم ایران از هر ابزاری برای طولانی تر کردن ... /
۷	شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «نیویورک پست»: چرا اکنون بهترین فرصت برای تغییر رژیم ... /
۸	دونالد ترامپ: در ایران مافیایی فاسد حاکم است که از مردم دزدی می کنند ... /
۹	جمهوریخواهان کنگره آمریکا خواستار «برچیدن کامل» برنامه هسته ای ایران شدند ... /
۱۰	فاکس نیوز: تأسیسات رنگین کمان» در سمنان پروژه مخفی تولید تسلیحات اتمی است ... /
۱۰-۱۱	موشک برآنی حوثی ها به اسرئیل همزمان با سفر رئیس جمهور آلمان به اورشلیم و سفر ترامپ ... /
۱۱	خدایان مرگ پذیر! ... / اخیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	نگاهی به خاطرات نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران (بخش ۱) ... /
۱۳	دوران رضاشاهی: آزادی زنان، شکست ملایان (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۱۳	افزایش ۷۵ درصدی اعدام ها در جمهوری اسلامی ... /
۱۴	ادعاهای متناقض درباره نتیجه مذاکرات: هشدار عراقچی به اروپا درباره فعال شدن احتمالی ... /
۱۵	وزیر خارجه اسرئیل در دیدار با وزیر خارجه آلمان: «جمهوری اسلامی خطرناک ترین رژیم جهان است» ... /
۱۶	وبسایت خبری «نشان»: ایرانی ها بازداشت شده در بریتانیا اعضای «یکان ۸۴۰ سپاه» ... /
۱۶-۱۷	ادعای عجیب عراقچی در واکنش به سخنان رئیس جمهور ایالات متحده: آمریکاعامل مشکلات ... /
۱۷	اسرئیل هیوم: توافق ترامپ و حوثی ها، فرصت به اسرئیل برای هدف قرار دادن رژیم ... /
۱۸	«محور نوهم»؛ همکاری روسیه و جمهوری اسلامی برای فریب ترامپ ... /
۱۹	روزنامه «تلگراف»: سپاه پاسداران برای بهمه زدن مذاکرات، حمله به سفارت اسرئیل در لندن را ... /
۲۰	یاد جدید در اولین سخنرانی اش از «صلح» و «بل» بجای «دیوار» و «جنگ» گفت ... / احمد رافت
۲۱	ادعای پزشکشان: بمب اتم حرام است؛ به دنبال آن نیستیم! ... /
۲۲	توافق امنیتی - اطلاعاتی جمهوری اسلامی با نیویورک ... /
۲۳	رویترز: جمهوری اسلامی در تدارک ارسال پر تانکرهای موشک «فتح» - ۳۶۰؛ به روسیه است ... /
۲۴-۲۵	سفر دونالد ترامپ به سه کشور حاشیه خلیج فارس برای جذب حمایت و سرمایه ... / احمد رافت
۲۵	پیام ترامپ از ریاض به دمشق: سوریه، خوشبخت و سعادتمند باش! ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۲۶	استیو وینکاف: تمام برنامه های غنی سازی در ایران از فرود و نطنز و اصفهان باید برچیده شود ... /
۲۶-۲۷	در آستانه چهارمین گفتگوی عراقچی و وینکاف: فلاح پیشه: ممکن است گفتگوی بعدی آتیه باشد ... /
۲۷	پایان چهارمین دور گفتگوها میان عراقچی و وینکاف ... /
۲۸	سفر واقع غیر عادی ترامپ به ریاض ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۲۹	نبرد در آسمان کشمیر: درس هایی برای خریداران تسلیحات روسی ... / شهرام سیزواری
۳۰	ادعای مقامات جمهوری اسلامی در واکنش به سخنان تحقیرآمیز ترامپ: «مادز نیستیم!» و ... /
۳۱	بازدید ترامپ از پایگاه «العدید» در قطر: جمهوری اسلامی ورشکسته است ... /
۳۱	تحریر یک شرکت و دو فردمر تب با برنامه های اتمی جمهوری اسلامی ... /
۳۲	جمهوری اسلامی و سه قدرت اروپایی در استانبول مذاکره خواهند کرد ... /
۳۲-۳۳	احمد میدری از دریافت دومین کارت زرد جست: تأیید فساد ساختاری در وزارت کار ... /
۳۳	امیدهای جمهوری اسلامی برای معامله با آمریکا و رفع تحریم ها به حداقل رسیده است ... /
۳۴-۳۵	دست کم ۱۰ آتش سوزی طی دو هفته: آمارهای مخدوش و سر نوشت میهمانان ختکان ... /
۳۵	یادشاهی: ضامن همبستگی، توسعه و دموکراسی یا سدره آن؟ ... / دیوید داعاری
۳۶	علی شمخانی در مصاحبه با «ان بی سی»: اگر تحریم ها فوری لغو شود، ایران از بین بردن ذخایر ... /
۳۶-۳۷	تحریر ۱۸ فرادیه به دلیل همکاری در توسعه برنامه های موشکی جمهوری اسلامی ... /
۳۷	دوران رضاشاهی: توانا بود هر که دانا بود: دانش بجای خرافات ... / فرید خلیفی
۳۷	تصور نگاری و خوشنویسی شاهنامه فردوسی و باعیات خیام به زبان های فارسی و انگلیسی ... /
۳۸-۳۹	ناباب شدن داروی حیاتی بیماران کلیوی در دارو خانه های ایران ... /
۳۹	ذهن در محاصره: یک تحلیل روانشناختی درباره «سر در گمی ساز مانیا فته» ... / دکتر علی سر کوهی
۴۰-۴۱	بحران تغییر ساعت مدارس برای خانواده ها: تشدید تبعیض آموزشی برای دانش آموزان مناطق ... /
۴۱	بزرگداشت عمر خیام در دانشگاه «سواس» لندن ... /
۴۲	فائوانی جمهوری اسلامی در مدیریت خشکسالی: توزیع فقر و تهدید امنیت غذایی ... /
۴۳	دولت پزشکشان علیه سفره خانوار: ارز تر جیبی واردات گوشت نیز حذف شد! ... /
۴۴	بحران مسئولیت ر و شنفکری در لحظه ی انقلابی ایران ... / الهام نجفی
۴۴-۴۵	حکیم قصاص متهمان به قتل دارپوش مهرجویی و همسرش قطعی شد ... /
۴۶-۴۷	قطع دو هفته ای برق صنایع بزرگ: خسارت هفتک اقتصادی و اختلاف درون دولت ... /
۴۷-۴۸	اعتراض شهر وندان به اختلال در کار و زندگی به دلیل قطع برق در استان های مختلف ایران ... /
۴۸-۴۹	صنعت نفت به ۲۰۰ میلیارد دلار و صنعت گاز به ۸۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد ... /
۵۰	باور نکردنی: پدیده گردوغبار در استان مازندران، هشت سبز سابق! ... /
۵۱	اقتصاد ایران در بیم و امید مذاکرات و توافق ... /
۵۲	اجاره خانه های چند میلیون تومانی و حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی کارگران! ... /
۵۳	موج جدید افزایش قیمت مواد خوراکی: یک دانه لوبیا ۱۷۵ تومان! ... /
۵۴	میانگین قیمت مسکن در تهران به ۱۴ میلیون تومان رسید ... /
۵۵	باز هم افزایش قیمت دارو: حذف داروهای سرطانی و بیماری های خاص از فهرست بیمه های درمانی ... /
۵۶-۵۷	گفتگو با دکتر محمود کویراوی «هزار داستان» از ایران باستان ... /
۵۷	توجه اهان بدتر از اهان است! ... / بهنام محمدی
۵۹	مذاکره برای جلوگیری از جنگی که در عمل جریان دارد؟! ... / بهنام محمدی
۵۸-۵۹	واشنگتون و بارکزی و نوروز در بهار پاریس: هنر یک نوش دارو، یک نجات دهنده و بر ای ... / کایون حلاجان
۵۹-۶۱	«پوران»: روایت های یک مددکار اجتماعی در آلمان (بخش ۱) ... /
۶۲-۶۳	خبرهای کوتاه ... /
۶۴	پشت جلد - عکس هفته بدون شرح / احمد الشرح (سوریه)، محمد بن سلمان (عربستان)، دونالد ترامپ (آمریکا)



باز نشر
باز نشر

سرمقاله

«دشمن دائمی» وجود دارد!

رسانه‌های وابسته در جمهوری اسلامی و آنهایی که همچنان به اصلاح و تحول رژیم و یا تغییر آن با حفظ خصوصیات فاشیستی و مذهبی، اما مورد قبول غرب، تلاش می‌کنند، بطور چشمگیر به «عادی‌سازی ترامپ» بین هواداران نظام پرداخته‌اند. در حالی که رژیم پیشتر وعدهی انتقام و قتل او را به عنوان «دشمن» و «قاتل سردار سلیمانی» داده بود، اما حالا روزی نیست که رسانه‌هایش از «ترامپ» نگویند و ننویسند!

در همین ارتباط است که رسانه‌های جمهوری اسلامی نه تنها سخنانی ترامپ در ریاض را بطور «مشروح» البته با تحریف و حذف منتشر کردند بلکه یک عبارت وی، با برگردان‌های جعلی، به



سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی به دستور ترامپ / تهران/ ۲۹ دسامبر ۲۰۲۴ / رویترز

ترجیع‌بند رسانه‌های داخل و خارج و افرادی تبدیل شد که برای معامله اتمی تلاش می‌کنند: «ما دشمن دائمی نداریم»، یا «من به دشمنان دائمی ایمان ندارم» و یا «آمریکا دشمن دائمی ندارد».

آیا آنها با «عادی‌سازی ترامپ» که منطبق بر منافع ملی کشور خود عمل می‌کند، برای «عادی» ساختن رابطه با «شیطان بزرگ» تلاش می‌کنند یا اینکه به گفته‌ی رهبرشان علی خامنه‌ای، «صلح امام حسن» را سرمشق قرار داده‌اند تا بطور «موقت و تاکتیکی» به لغو تحریم‌ها که هدف حیاتی آنهاست و بود و نبود رژیم و منافع زمامدارانش به آن وابسته است، برسند؟

اگرچه ترامپ در سخنانی ریاض عبارت «دشمنی دائمی» را درباره روسیه نیز به کار برده اما عبارتی که وی در ارتباط با توافق احتمالی با جمهوری اسلامی مطرح کرده و در رسانه‌های داخلی ایران بطور گسترده بازتاب یافته، دو جمله ساده است که هیچ تعبیر و تفسیر و زبان‌شناسی خاصی نمی‌خواهد و رسانه‌های فرنگی نیز همان را منتشر کرده‌اند: «من هرگز معتقد به داشتن دشمنان دائمی نبودم» و «از دشمنان دائمی خوشم نمی‌آید»، «فی‌خوایم دشمنان دائمی باشیم».

قضیه «دوست» و «دشمن» دائمی یا ابدی که جملات مشابهی در همین زمینه از هتری کیسینجر وزیر خارجه دهه هفتاد میلادی آمریکا و شارل دوگل رئیس جمهور فرانسه پس از جنگ جهانی دوم نقل می‌شود، به ژولیوس سزار برمی‌گردد که گویا گفته «ما نه متحدین ابدی داریم و نه دشمنان ابدی. ما فقط منافع پایدار داریم». این مفهوم را ژنرال دوگل به این شکل بیان کرده: «کشوری که شایسته‌ی نام خود است، جز منافع خود، هیچ دوستی ندارد». و هتری کیسینجر نیز درباره کشورش گفته: «آمریکا هیچ دوست و دشمن دائمی ندارد بلکه فقط منافع دارد». همه این جملات را می‌توان با کلمات متفاوت بیان داشت ولی مفهوم آن از روم باستان تا امروز چیزی نیست جز: اقدام بر اساس منافع ملی!

تلاش کشورهای غربی از جمله آمریکا، با هر دولتی که بر سر کار باشد، چه با مذاکره و چه با جنگ، حفظ منافع ملی خود است و نه برای خوش آمدن یا بد آمدن از جمهوری اسلامی و یا مخالفان آن! اگر غرب و دموکراسی‌ها روزی این نکته مهم را درک کنند که ممکن است دوست دائمی وجود نداشته باشد اما برخلاف ادعای سزار، دشمن دائمی حتما وجود دارد، آنوقت شاید همان راهی را در پیش بگیرند که به فروپاشی دشمن دائمی آنها در آلمان هیتلری و همچنین در اتحاد شوروی انجامید. و اگر هم هنوز قادر به درک دشمنی دائمی رژیم، یعنی ملغمه‌ی مذهبی فاشیسم و کمونیسم، نیستند و یا خود را با توهمی از «منافع ملی» به «کوچه علی‌چپ» می‌زنند، این وظیفه ایرانیان است که با تجربه‌ای که از سر گذرانده‌اند مرتب این دشمنی را به آنها گوشزد کنند و اطمینان بدهند که اگر جمهوری اسلامی این امکان و ابزار را می‌داشت که آمریکا و اسرائیل و جهان آزاد را نابود سازد، یک لحظه تردید نمی‌کرد چنانکه در تخریب ایران و منطقه نیز تردید نکرد!

تیتراژ هفته

سفر به سه کشور عرب خلیج فارس
ابهام در سرنوشت جمهوری اسلامی



● در حالی که تنها اقدام «غافلگیرکننده» دونالد ترامپ در جریان این سفر ملاقات با احمد الشّرع رهبر جدید دمشق و لغو تحریم‌های آمریکا علیه سوریه بود، علی شمعانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی «ایران حاضر است در ازای لغو فوری تحریم‌های آمریکا، متعهد شود که هیچوقت به دنبال سلاح هسته‌ای نرود، ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را نابود کند، اورانیوم را تنها در سطح مورد نیاز برای استفاده صلح‌آمیز غنی کند و به بازرسان بین‌المللی اجازه نظارت بدهد».

خارج درز نکرده است. ترامپ اما در «نشست سرمایه‌گذاری عربستان- آمریکا» با انتقاد از رویکرد خصمانه و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خاورمیانه گفته بود که رژیم «ایران وقت زیادی ندارد و باید سریع تصمیم بگیرد. آنها نمی‌توانند سلاح اتمی داشته باشند. آمریکا قوی‌ترین ارتش را دارد، اما نمی‌خواهد از آن استفاده کند.» منابع عربی نیز می‌گویند هر ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (پادشاهی سعودی، کویت، بحرین، عمان، امارات متحده عربی و قطر) بر مخالفت خود با اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند. کشورهای عرب خلیج فارس واهمه دارند که اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی بر کل منطقه به ویژه موقعیت خودشان تأثیرات ویرانگر داشته باشد.

میانجیگری قطر بین تهران و واشنگتن

در ادامه‌ی این سفر، رئیس جمهوری آمریکا چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت در جریان ضیافت شام همیم بن حمد آل ثانی امیر قطر، از رهبران این کشور خواست که از نفوذ خود بر جمهوری اسلامی ایران برای کمک جهت دست یافتن به توافق هسته‌ای میان واشنگتن و تهران استفاده کنند. ترامپ خطاب به امیر قطر گفت: «همکاری شما در رابطه با مذاکرات برای دستیابی به توافقی با [رژیم] ایران، می‌تواند به حل دوستانه این مشکل کمک کند.» وی بار دیگر تأکید کرد: «تنها دو مسیر وجود دارد: یکی دوستانه و دیگری غیردوستانه، و مسیر غیردوستانه، مسیری خوشونت‌آمیز است و من به این مسیر دوم علاقه ندارم و صراحتاً می‌گویم که آن مسیر را نمی‌خواهم، اما آنها باید زودتر بجنبند.»

سفر رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی را بدون شک از نظر اقتصادی می‌توان بسیار موفق و باارزش ارزیابی کرد. دونالد ترامپ در جریان این سفر سه روزه به سه کشور عرب حوزه جنوبی خلیج فارس توانست با قراردادهای میلیارد دلاری به خانه بازگردد.

رئیس جمهور آمریکا وعده داده بود که در جریان این سفر که ۲۳ اردیبهشت آغاز شد، تصمیم مهمی را اعلام کند. بلافاصله بازار حدس و گمان بسیار گرم شد؛ از تغییر جنجالی نام خلیج فارس به نام جعلی «خلیج عربی» تا برنامه‌ریزی در رابطه با آینده غزه‌ی جنگزده که شاید آغاز روندی باشد که به تشکیل کشور فلسطین بیانجامد. اما تنها اقدام «غافلگیرکننده» دونالد ترامپ در جریان این سفر ملاقات با احمد الشّرع رهبر جدید دمشق و لغو تحریم‌های آمریکا علیه سوریه بود. دیدار با احمد الشرع و رفع تحریم‌ها نیز به گفته‌ی ترامپ به درخواست محمد بن سلمان ولیعهد پرقدرت پادشاهی سعودی و رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه انجام گرفت آنهم در ازای قراردادهایی به ارزش بیش از یک تریلیون دلار با عربستان که آمریکا را به قبول آن وسوسه و مجبور ساخت.

پرونده اتمی و موشکی جمهوری اسلامی

در جریان دیدار دونالد ترامپ با محمد بن سلمان و همچنین نشست مشترک با رهبران ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در رابطه با جمهوری اسلامی، برنامه هسته‌ای و موشکی آن و سیاست‌های منطقه‌ای تهران نیز صحبت شد. ولی از محتوای این گفتگوها اطلاعات دقیقی به

تفاوت اصلی در ریشه ماجرا نمایان می‌شود. در حالی که کشورهای عربی بر تبدیل شدن به ستون‌های ثبات منطقه‌ای و تجارت جهانی متمرکز دارند، رهبران [رژیم] ایران برای دزدیدن ثروت مردم، برای تأمین مالی تروریسم و خونریزی در جهان متمرکز کرده‌اند.

این صحبت‌های دونالد ترامپ و واکنش‌هایی را در تهران برانگیخت؛ از جمله عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در اشاره به تحریم‌های آمریکا با اینکه مدعی شد: «طرف مقابل بداند که سیاست فشار حداکثری قبلاً شکست خورده است» اما با اعتراف به سیر قهقرایی کشور در دوران جمهوری اسلامی، تقصیر را به گردن ایالات متحده انداخت و افزود: «آمریکا با فشارها، تحریم‌ها و تهدیدات نظامی مانع پیشرفت کشور ما شده است! آمریکا عامل مشکلات اقتصادی است!» با اینهمه عراقچی با اصرار برای ادامه‌ی مذاکره با این «مقصر» گفت: «منتظر اعلام زمان و مکان دور بعدی مذاکرات از سوی مقامات عمان هستیم؛ رویکرد ما پیگیری مذاکره است.»

از سوی دیگر، علی شمخانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای روز چهارشنبه در گفتگو با ان‌بی‌سی نیوز گفت که جمهوری اسلامی «ایران حاضر است در ازای لغو فوری تحریم‌های آمریکا، متعهد شود که هیچوقت به دنبال سلاح هسته‌ای نرود، ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را نابود کند، اورانیوم را تنها در سطح مورد نیاز برای استفاده صلح‌آمیز غنی کند و به بازرسان بین‌المللی اجازه نظارت بدهد.»

پیشنهاد تکراری کنسرسیوم غنی‌سازی

از سوی دیگر، نیویورک تایمز در گزارشی به نقل از چهار مقام ایرانی می‌نویسد جمهوری اسلامی در چهارمین نشست در مورد پرونده هسته‌ای که یکشنبه ۱۱ ماه مه در مسقط برگزار شد، به استیو ویتکاف نماینده ویژه دونالد ترامپ در این مذاکرات، پیشنهاد ایجاد پروژه مشترک غنی‌سازی اورانیوم را با حضور کشورهای حاشیه خلیج فارس و سرمایه‌گذاری و نظارت آمریکا داده است. این پیشنهاد شامل یک کنسرسیوم سه‌جانبه هسته‌ای است که به جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد غنی‌سازی اورانیوم را با غلظت پایین انجام داده و سپس اورانیوم غنی‌شده را برای مصارف غیرنظامی در کشورهای عربی شریک این کنسرسیوم توزیع کند. البته پیشنهاد چنین کنسرسیومی جدید نیست و در سال‌های گذشته که کشورهای «تروتیکا» (آلمان و فرانسه و بریتانیا) در غیبت آمریکا طرف اصلی مذاکره اتمی با جمهوری اسلامی بودند، از طرف کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس مطرح شده بود! بر اساس آن پیشنهاد، تقریباً دو دهه پیش، شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه وقت عربستان اوایل آبان ۱۳۸۶ در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: «ما راه حلی پیشنهاد کردیم که شامل یک کنسرسیوم غنی‌سازی اورانیوم می‌شود تا سوخت هسته‌ای را بر اساس نیاز کشورهای منطقه برای مصارف صلح‌آمیز توزیع کند.» فیصل همچنین افزوده بود که تأسیسات مربوطه در یک کشور بی‌طرف مانند سوئیس ساخته شود. وی همچنین ابراز امیدواری کرد که جمهوری اسلامی این پیشنهاد را که البته به جایی نرسید، بپذیرد.

اکنون نیز آمریکا که بعید است بدون مشورت با متحدان اروپایی خود تصمیمی بگیرد، هنوز پاسخی به این پیشنهاد نداده است. ولی به نظر می‌رسد که کشورهای حاشیه خلیج فارس که در مذاکرات اتمی سال‌های گذشته جایی نداشتند، سرمست از نقش خود در این مناقشه‌ی طولانی، نگاه مثبت به طرح کنسرسیومی داشته باشند که خودشان مبتکر آن هستند.

توسط حماس و حمله ارتش اسرائیل به باریکه غزه که هنوز هم در جریان است، عملاً روابط بحرین و امارات متحده عربی نیز با اسرائیل متوقف گشت. همچنین تا کنون کلیه اقدامات دونالد ترامپ برای متقاعد ساختن عربستان سعودی به برقراری رابطه با اسرائیل و پیوستن به «پیمان ابراهیم» بی‌نتیجه مانده است. عربستان برقراری رابطه با



اسرائیل را مشروط به پایان جنگ در غزه و آغاز روندی که به تشکیل کشور مستقل فلسطین بیانجامد ساخته است. دونالد ترامپ در جریان دیدار با احمد الشرع نیز از سوریه خواست به این پیمان بپیوندد، ولی با در نظر گرفتن نفوذ ترکیه و پادشاهی سعودی بر حکومت جدیدی که در سوریه مستقر شده، بعید به نظر می‌رسد که بدون موافقت آنها رئیس جمهور آمریکا بتواند موفقیتی در این زمینه داشته باشد. البته برقراری روابط کشورهای عربی با اسرائیل یکی دیگر از پرونده‌هایی است که مستقیم پای جمهوری اسلامی را نیز به میان می‌کشد.

سخنان ترامپ و واکنش مقامات جمهوری اسلامی

وضعیت کنونی در جمهوری اسلامی نیز بخشی از صحبت‌های دونالد ترامپ در جریان دیدار اقتصادی-تجاری سه‌شنبه ۱۳ ماه مه ۲۰۲۵ در ریاض بود. رئیس جمهور آمریکا با اشاره به سیر قهقرایی ایران در دوران جمهوری اسلامی و مقایسه عملکرد رهبران عربستان سعودی و رژیم ایران گفت: «در حالی که شما بلندترین برج‌های جهان را در جده و دوی ساخته‌اید، نمادهای تهران ۱۹۷۹ در حال ویران شدن است و به خرابه تبدیل می‌شود. مدتی به خوبی پیش می‌رفتند حتا با سیستمی کاملاً متفاوت، اما آن ساختمان‌ها عمدتاً در حال فرو ریختن هستند، در حالی که شما در حال ساختن برخی از بزرگترین پروژه‌های زیرساختی، ساختمان‌ها و چیزهایی هستید که جهان نظیر آنها را ندیده، ایران تحت دهه‌ها بی‌توجهی و بی‌کفایتی گرفتار قطع برق چند ساعته روزانه شده است.»

وی همچنین گفت: «در حالی که شما بیابان‌های خشک را به زمین‌های حاصلخیز تبدیل کرده‌اید، رهبران ایران زمین‌های سرسبز و کشاورزی را به بیابان تبدیل کرده‌اند، مافیای فاسد آب باعث خشکسالی، خشک‌شدن رودخانه‌ها و بی‌آبی مردم ایران شده‌اند، در حالی که آنها خودشان ثروتمند می‌شوند، اما چیزی نصیب مردم نمی‌شود و سپس

دونالد ترامپ ضمن تشکر از میانجیگری قطر بین واشنگتن و تهران در سال‌های اخیر در همین ضیافت افزود: «امیدوارم که رهبران [جمهوری اسلامی] ایران عملکرد شما را درک کنند، و واقعاً کاری که شما برای آنها می‌کنید، لطف بزرگی است. نخست وزیر شما و رهبر بزرگ شما، کمک بسیاری کرده‌اند و ایرانی‌ها [مقامات جمهوری اسلامی] نیز

برای آنها احترام قائلند و به حرف‌هایشان گوش می‌دهند. اما آنها باید اقدام کنند و ما هر دو این را می‌دانیم؛ آنها باید تصمیم خود را بگیرند.»

رئیس جمهوری آمریکا در دوحه نیز دوباره تکرار کرد که خواهان شکوفایی و موفقیت ایران است و افزود که ایرانیان بسیاری را در سراسر آمریکا می‌شناسد «که انسان‌های فوق‌العاده‌ای هستند. ما می‌خواهیم این ماجرا به صورت مسالمت‌آمیز به پایان برسد و عواقب فاجعه‌باری نداشته باشد.»

وضعیت «مخاطره‌آمیز» جمهوری اسلامی

رئیس جمهور آمریکا در صحبت‌هایش در مورد جمهوری اسلامی، مواضع اسرائیل را ابزار فشار قرار داد و گفت: «نخست وزیر اسرائیل و هواداران او در آمریکا برای حل بحران هسته‌ای تهران خواستار حمله نظامی به تأسیسات اتمی هستند» و البته بلافاصله افزود که در نظر دارد از «گام گذاشتن در این مسیر خودداری کند.» دونالد ترامپ در ادامه صحبت‌هایش در ضیافت شام امیر قطر هشدار داد وضعیت کنونی در ارتباط با تهران «مخاطره‌آمیز» است. وی افزود: «ما می‌خواهیم مسئله را به نوعی حل کنیم که منجر به نجات جان میلیون‌ها نفر شود. چون چنین چیزهایی وقتی شروع شدند، از کنترل خارج می‌شوند. من بارها شاهد آن بوده‌ام. جنگ شروع می‌شود و اوضاع از کنترل خارج می‌شود. ما نمی‌خواهیم اجازه دهیم چنین اتفاقی بیفتد.»

یکی از اهداف دونالد ترامپ که به دوران ریاست جمهوری قبلی او برمی‌گردد، عادی سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل است که با نام «پیمان ابراهیم» شهرت یافته است. در آن دوره کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان به این پیمان پیوستند که با شدت گرفتن جنگ داخلی در سودان در عمل این کشور از «پیمان ابراهیم» خارج شد. پس از اقدام تروریستی ۷ اکتبر ۲۰۲۳

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «فاکس نیوز»:

رژیم ایران از هر ابزاری برای طولانی‌تر کردن عمر خود استفاده می‌کند



مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با فاکس نیوز / ۹ ماه مه ۲۰۲۵

و برای صلح و همزیستی با همسایگان نیامده‌اند... اینها همانچیزی است که در نگاه نهایی دولت‌های خارجی در مورد ایران نادیده گرفته می‌شود، اینکه جایگزین واقعی چیست؟ طبیعتاً مردم ایران خواستار پیوستن به جامعه آزاد هستند چون ارزش‌های مشترکی با جهان آزاد دارند، درست برعکس رژیم؛ بنابراین مذاکره با رژیمی که با این ارزش‌ها ناسازگار است، اتلاف وقت است.»

بخش دیگری از این مصاحبه در ارتباط با تصمیم احتمالی دونالد ترامپ برای تغییر نام «خلیج فارس» بود. رضا پهلوی در این مورد یادآوری کرد: «ویدیویی از پرزیدنت ترامپ وجود دارد مربوط به ۳۵ سال پیش که از عبارت خلیج فارس استفاده کرده است. او نیز مانند بسیاری از مردم دنیا و نسل‌های متعددی که به مدرسه رفته‌اند، می‌داند نام این پهنه آبی، برای هزاران سال خلیج فارس است... شما نمی‌توانید فقط با یک امضای سیاسی، نام یک منطقه را تغییر دهید.» در بخشی از این مصاحبه، مجری برنامه به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های تروریستی حکومت ایران و همچنین حضور حسین موسویان سفیر سابق رژیم در برلین، به عنوان پژوهشگر در دانشگاه «پرینستون» اشاره کرد. شاهزاده رضا پهلوی در این ارتباط توضیح داد: «در اوایل دهه ۸۰، من خودم شاهد بودم که بسیاری از مخالفان رژیم به دلیل بی‌توجهی‌ها در خاک اروپا ترور شدند. شاید همین نگرش اکنون به نیمکره غربی نیز رسیده باشد. از جمله در همین آمریکا. وقتی به یک رژیم تروریستی و شبه‌نظامیان آن فکر می‌کنید، نباید فقط تصور کنید که آنها لباس نظامی بر تن دارند و مسلح به مسلسل یا نارنجک هستند [تا همه آنها را ببینند]؛ بسیاری از آنها غیرنظامیانی هستند که به اندیشکده‌ها، لابی‌ها، اطراف افراد تأثیرگذار و حتی دانشگاه‌ها نفوذ کرده‌اند. نباید تعجب کنیم. هفته گذشته، هشت نفر دستگیر شدند که قصد حمله به سفارت اسرائیل در انگلستان را داشتند. این بخشی دیگر از الگوی رفتاری این رژیم است. در حالی که با طرف آمریکایی مشغول مذاکره برای توافق هستند اما عوامل‌شان نیز همچنان فعال‌اند.»

مذاکرات] خودش می‌گوید این یک عقب‌نشینی [صلح] موقت است و برای وقت‌کشی ناچار به پذیرش مذاکرات غیرمستقیم شده است.»

وی همچنین تأکید کرد: «رژیم پیشتر نیز چنین اقدامی کرده. بنابراین، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که باور کنیم رژیم تغییر دیدگاه داده؛ این دامی است که نباید در آن گرفتار شویم؛ دامی که این رژیم نه فقط برای دولت فعلی، بلکه برای دولت‌های پیشین آمریکا نیز پهن کرده و همواره از این فرصت‌ها بهره‌برداری می‌کند تا عمر خودش را طولانی‌تر کند.» مجری در ادامه از رضا پهلوی می‌پرسد: «به نظر پرزیدنت ترامپ از این دیدگاه‌هایی که مطرح کردید آگاه است، اما آیا وقت یک تغییر واقعی فرا نرسیده که رویکردی متفاوت در پیش بگیرد؟ آیا ارسال نامه برای خامنه‌ای درست بود؟» شاهزاده پاسخ داد: «ببینید، پرزیدنت ترامپ در دور اول ریاست جمهوری کاملاً مسیر درستی را پیش برد که نتایج مثبتی به همراه داشت و بخشی از کارزار فشار حداکثری بود که باعث شد رژیم عقب‌نشینی کند و بخش زیادی از درآمدهای خود را از دست بدهد. متأسفانه این سیاست در دوران جو بایدن وارونه شد. رژیم به بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان درآمد دست یافت که نباید به آن می‌رسید. این پول نه تنها صرف مردم ایران و افراد بی‌خانمان و گرسنه در خیابان نشد، بلکه برای تقویت نیروهای نیابتی خرج شد... عملیات تروریستی هفت اکتبر تصادفی نبود؛ آن فاجعه نتیجه تأمین مالی مداوم آنها و نیابتی‌ها بود. این همان مؤلفه‌هایی است که ترامپ در دور اول ریاست جمهوری درک کرد. اما بارها گفته‌ام فشار حداکثری کافی نیست و باید در کنار آن، حمایت حداکثری از مردم ایران نیز وجود داشته باشد.»

مذاکره با رژیم ایران وقت تلفن کردن است

شاهزاده پهلوی همچنین با اشاره به فعالیت‌های مخرب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «مأموریت آنها صدور انقلاب و ایدئولوژی انقلابی به سراسر جهان است

● شاهزاده رضا پهلوی روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ در مصاحبه با ماریا بارتیرومو در شبکه «فاکس نیوز» تأکید کرد ادعای حوثی‌ها در مورد پایان دادن به جنگ هیچ تضمینی ندارد، زیرا پشتیبانی رژیم ایران از آنها همچنان ادامه خواهد داشت.

● «عملیات تروریستی هفت اکتبر تصادفی نبود؛ آن فاجعه نتیجه تأمین مالی مداوم آنها و نیابتی‌ها بود. این همان مؤلفه‌هایی است که ترامپ در دور اول ریاست جمهوری درک کرد. اما بارها گفته‌ام فشار حداکثری کافی نیست و باید در کنار آن، حمایت حداکثری از مردم ایران نیز وجود داشته باشد.»

● «مأموریت آنها صدور انقلاب و ایدئولوژی انقلابی به سراسر جهان است و برای صلح و همزیستی با همسایگان نیامده‌اند... اینها همانچیزی است که در نگاه نهایی دولت‌های خارجی در مورد ایران نادیده گرفته می‌شود، اینکه جایگزین واقعی چیست؟ طبیعتاً مردم ایران خواستار پیوستن به جامعه آزاد هستند چون ارزش‌های مشترکی با جهان آزاد دارند، درست برعکس رژیم؛ بنابراین مذاکره با رژیمی که با این ارزش‌ها ناسازگار است، اتلاف وقت است.»

● «در اوایل دهه ۸۰، من خودم شاهد بودم که بسیاری از مخالفان رژیم به دلیل بی‌توجهی‌ها در خاک اروپا ترور شدند. شاید همین نگرش اکنون به نیمکره غربی نیز رسیده باشد. از جمله در همین آمریکا. وقتی به یک رژیم تروریستی و شبه‌نظامیان آن فکر می‌کنید، نباید فقط تصور کنید که آنها لباس نظامی بر تن دارند و مسلح به مسلسل یا نارنجک هستند [تا همه آنها را ببینند]؛ بسیاری از آنها غیرنظامیانی هستند که به اندیشکده‌ها، لابی‌ها، اطراف افراد تأثیرگذار و حتی دانشگاه‌ها نفوذ کرده‌اند.»

شاهزاده رضا پهلوی روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ در مصاحبه با ماریا بارتیرومو در شبکه «فاکس نیوز» تأکید کرد ادعای حوثی‌ها در مورد پایان دادن به جنگ هیچ تضمینی ندارد، زیرا پشتیبانی رژیم ایران از آنها همچنان ادامه خواهد داشت. او بار دیگر مذاکره با جمهوری اسلامی را وقت تلف کردن دانست و گفت که این حکومت از هر ابزاری برای طولانی‌تر شدن بقای خود استفاده می‌کند.

رضا پهلوی در پاسخ به پرسشی در مورد ادعای پایان درگیری آمریکا با شبه‌نظامیان حوثی گفت: «۴۰ سال گذشته برای کسانی که تحولات ایران را دنبال کرده باشند، نشان داده که رفتار و الگوی عملکرد این رژیم همواره در یک مسیر ثابت مانده، و آن ادامه ایجاد بی‌ثباتی و درگیری در منطقه به عنوان ابزاری برای بقای خودش است. رژیم با تأمین مالی نیابتی‌ها و استفاده از آنها به عنوان ابزاری برای ارباب در سراسر جهان بهره می‌برد که تنها یک نمونه از آنها حوثی‌ها هستند. بخش عمده تأمین مالی، پشتیبانی تسلیحاتی و آموزش شبه‌نظامیان توسط حکومت ایران انجام شده است.»

او در همین ارتباط افزود: «بنابراین، این ادعای حوثی‌ها که می‌گویند ما دیگر قصد نداریم بجنگیم، چه کسی می‌تواند تضمین کند که دوباره جنگ را از سر نگیرند؟! آنهم زمانی که رژیم ایران دوباره به آنها بودجه بدهد. چرا که این محتمل‌ترین کار جمهوری اسلامی است. خامنه‌ای [در مورد

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «نیویورک پست»؛

چرا اکنون بهترین فرصت برای تغییر رژیم در ایران است؟

می‌گوید: «نباید فاجعه افغانستان و عراق پس از ۱۱ سپتامبر تکرار شود... تغییر در ایران هیچ شباهتی به هیچیک از آن سناریوها که به طرز فاجعه‌آمیزی بد مدیریت شدند ندارد. همین سبب شد که که «تغییر رژیم» بدنام شود در حالی که این موضوع از نظر مفهومی غلط نیست.»

رضا پهلوی در پاسخ به این پرسش که به این ترتیب «تغییر رژیم در ایران چه شکلی می‌تواند داشته باشد؟» گفت: «منطقی وجود دارد که می‌گوید، خب، گزینه اول دیپلماسی است، اما اگر گزینه اول کار نکند، گزینه دوم حمله به تأسیسات یا جنگ است! اما [بجای این دو] بیا بید به مردم ایران فرصت دهم تا مشکل را خودشان حل کنند آنهم وقتی که نمی‌توانید به نتیجه دیپلماتیک برسید و پیش از اینکه به اقدام نظامی نیاز پیدا کنید! این همان عنصر گمشده است.» شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر توصیه کرد که دولت‌های غربی در قبال رژیم ایران رویکردی مشابه با اتحاد جماهیر شوروی و همچنین پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی در پیش بگیرند. او تصریح کرد: «رئیس جمهور رونالد ریگان [نخست‌وزیر بریتانیا] مارگارت تاچر نقش مهمی در پایان اتحاد جماهیر شوروی ایفا کردند... انتظاری که از هم‌میهنان من از دنیای آزاد در خارج می‌رود، این است که، خب، شما می‌دانید، ما داشتیم همان ارزش‌هایی را برای خود آرزو داریم که شما، چه در انگلستان یا فرانسه و چه در کانادا یا ایالات متحده از آنها برخوردارید.»

دوستان آمریکایی

رضا پهلوی همچنین تأکید کرد که مردم ایران به دروغ‌هایی که رژیم ایران در مورد آمریکا و غرب به آنها گفته پی برده‌اند. «نیویورک پست» در ادامه می‌نویسد: «در تظاهرات اخیر، معترضان مخالف حکومت شعارهایی برای بازگشت پهلوی سر داده‌اند.» رضا پهلوی به شعارهای دیگری اشاره کرد که معترضان سر دادند از جمله «دشمن ما همین‌جاست، دروغ می‌گن آمریکاست.» او در اینباره می‌گوید: «پیام این است که به دولت‌های غربی گفته شود، نگاه کنید، ما اینجا در زندانیم. چرا به ما، مردم ایران، به عنوان شرکای واقعی خود و یک جایگزین برای این رژیم نگاه نمی‌کنید؟» وی می‌افزاید: «رئیس جمهور ترامپ در دوره اول خود با سیاست فشار حداکثری‌اش شاید به محبوب‌ترین رئیس جمهور آمریکایی پس از انقلاب اسلامی ۵۷ تبدیل شده است؛ چرا؟ چون ایرانی‌ها احساس کردند که این سیاست همان است که رژیم را ضعیف می‌کند و به نفع آنها است.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین تأکید کرد، در حالی که رژیم به شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» ادامه می‌دهد، اما این شعارها با خواست شهروندان معمولی ایران مشترک نیست. او در همین ارتباط بیان کرد: «وقتی حملات ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد، تنها کشوری در خاورمیانه که در خیابان‌های شهرهای بزرگ آن، بجای جشن گرفتن این حمله، مراسم برافروختن شمع و حمایت و همدلی با قربانیان برگزار شد، فقط ایران بود و بس!» وی گفت که به جوانان ایران باور دارد که سرانجام این رژیم وحشی را به پایان خواهند رساند: «نسل زد ایران امروز با ارزش‌های غربی هماهنگ هستند و نه با رژیمی جنگ‌طلب که می‌خواهد از آنها «شهید» بسازد.»



شاهزاده رضا پهلوی / ژنو / سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه توضیح داد: «این رژیم ذاتاً با دنیا سر ناسازگاری دارد و انتظار برای اینکه حکومت رفتار خود را تغییر دهد درواقع وقت‌تلف کردن است... ما دیدیم که در دوره اول دولت ترامپ، فشار حداکثری به نتایجی رسید و این رژیم را بیشتر منزوی کرد و تأمین مالی و سوخت‌رسانی به ماشین جنگی آن را محدود نمود. اما متأسفانه این موضوع در دولت بایدن برعکس شد! یعنی [جمهوری اسلامی] بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار از فروش نفت ایران داشت که نباید می‌داشت... این به آنها کمک کرد تا نیروی خود را گسترش دهند و از نیابتی‌های خود پشتیبانی کنند، چه حوثی‌ها و چه حزب‌الله یا حماس.»

به نوشته «نیویورک پست»، او در حالی این سخنان را بیان می‌کرد که پلیس بریتانیا چند ایرانی را در ارتباط با یک طرح مپ‌گذاری نافرجام در سفارت اسرائیل در لندن دستگیر کرد. تهران هرگونه دخالت در برنامه‌ریزی برای این حمله را رد کرده است، اما رضا پهلوی به این حادثه اشاره کرد و آن را نمونه دیگری از تروریسم و صدور بی‌ثباتی توسط رژیم دانست.

وی در ارتباط با طرح خنثی‌شده‌ی مپ‌گذاری در سفارت اسرائیل در لندن، جمهوری اسلامی را «اختاپوسی با بازوهای تروریستی» خواند و تأکید کرد: «اگر به بازوهای این اختاپوس نگاه کنید، همه جا هست؛ اما چشم‌اش در تهران است.» او همچنین خطاب به غربی‌ها گفت: «هربار که آتش روشن شد، شما ماشین‌های آتش‌نشانی خود را برای خاموش کردن آتش به اینجا و آنجا می‌فرستید. اما مشکل این است که هیچکس به دنبال این آتش‌افروزی‌ها نرفته است.»

«نیویورک پست» که در آغاز این گزارش و گفتگو از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان «رهبر احتمالی» آینده‌ی ایران نام برده، در ادامه می‌نویسد، ترامپ تا کنون به وضع تحریم‌های سخت‌تر علیه رژیم ایران ادامه داده، اما از برخورد نظامی خودداری کرده است؛ گزینه‌ای که رضا پهلوی نیز معتقد است بین عموم مردم که از درگیری در خاورمیانه خسته شده‌اند، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. او

● شاهزاده رضا پهلوی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «نیویورک پست» می‌گوید فشار ترامپ به حکومت و حمایت حداکثری از مردم ایران بهترین موقعیت برای تغییر رژیم است.

● او در این مصاحبه که ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) منتشر شده گفت: «جمهوری اسلامی حکومتی جنگ‌طلب و ریشه اصلی بی‌ثباتی در منطقه و صادرکننده افراط‌گرایی و تروریسم است و در طول تقریباً پنج دهه گذشته، امروز ضعیف‌تر از هر زمان دیگری است.»

● «در ایران اگر انقلاب اسلامی نشده بود، امروز دست‌کم کره جنوبی خاورمیانه بود اما در عوض، ما به کره شمالی تبدیل شده‌ایم.»

● «این رژیم ذاتاً با دنیا سر ناسازگاری دارد و انتظار برای اینکه حکومت رفتار خود را تغییر دهد درواقع وقت‌تلف کردن است... ما دیدیم که در دوره اول دولت ترامپ، فشار حداکثری به نتایجی رسید و این رژیم را بیشتر منزوی کرد و تأمین مالی و سوخت‌رسانی به ماشین جنگی آن را محدود نمود. اما متأسفانه این موضوع در دولت بایدن برعکس شد!» وی در ارتباط با طرح خنثی‌شده‌ی مپ‌گذاری در سفارت

اسرائیل در لندن، جمهوری اسلامی را «اختاپوسی با بازوهای تروریستی» خواند و تأکید کرد: «اگر به بازوهای این اختاپوس نگاه کنید، همه جا هست؛ اما چشم‌اش در تهران است.» ● «بیا بید به مردم ایران فرصت دهم تا مشکل را خودشان حل کنند آنهم وقتی که نمی‌توانید به نتیجه دیپلماتیک برسید و پیش از اینکه به اقدام نظامی نیاز پیدا کنید! این همان عنصر گمشده است.»

شاهزاده رضا پهلوی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «نیویورک پست» می‌گوید فشار ترامپ به حکومت و حمایت حداکثری از مردم ایران بهترین موقعیت برای تغییر رژیم است. او در این مصاحبه که ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) منتشر شده، از نادیده گرفته شدن تحریم‌های جمهوری اسلامی در دولت جو بایدن انتقاد کرد و خواستار افزایش فشارها علیه حکومت ایران شد.

رضا پهلوی در این مصاحبه عنوان کرد، «جمهوری اسلامی حکومتی جنگ‌طلب و ریشه اصلی بی‌ثباتی در منطقه و صادرکننده افراط‌گرایی و تروریسم است و در طول تقریباً پنج دهه گذشته، امروز ضعیف‌تر از هر زمان دیگری است.» او توضیح داد: «مردم ایران تلاش می‌کنند این پیام روشن را به جهان بفهرستند که اگر خواهان شریکی واقعی برای صلح هستید، این ما هستیم که شریک شما هستیم و نه این حکومتی که ۴۶ سال پیش کشور ما را به گروگان گرفته است. آنها دوست آمریکایی‌ها هستند.»

او می‌افزاید: «ایران اگر [در سال ۵۷] انقلاب نشده بود، امروز دست‌کم کره جنوبی خاورمیانه بود اما در عوض، ما به کره شمالی تبدیل شده‌ایم.»

او در این گفتگو به دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده توصیه کرد که علاوه بر «فشار حداکثری» علیه رژیم، همزمان از مردم ایران نیز «حمایت حداکثری» به عمل بیاورد و بیان داشت که این فشارها می‌تواند از طریق برچیدن برنامه‌ی اتمی رژیم و همچنین مقابله با صدور تروریسم و افزایش تحریم‌ها علیه آن باشد.

دونالد ترامپ: در ایران مافیایی فاسد حاکم است که از مردم دزدی می‌کند

● بخشی از سخنانی ترامپ به مقایسه عملکرد رهبران سعودی و رژیم ایران اختصاص داشت. وی با اشاره‌ای نه چندان غیرمستقیم به وقوع انقلاب ۵۷ و تغییر شرایط سیاسی ایران گفت: «در حالی که شما بلندترین برج‌های جهان را در جده و دوی ساخته‌اید، نمادهای تهران ۱۹۷۹ در حال ویران شدن است و به خرابه تبدیل می‌شود. مدتی به خوبی پیش می‌رفتند حتا سیستمی کاملاً متفاوت، اما آن ساختمان‌ها عمدتاً در حال فرو ریختن هستند»

● «در حالی که شما در حال ساختن برخی از بزرگترین پروژه‌های زیرساختی، ساختمان‌ها و چیزهایی هستید که

در حال فروپاشی در سوریه از بین رفت. به سوریه نگاه کنید و ببینید چه شد. در لبنان که پایتخت‌اش یک روز به پاریس خاورمیانه مشهور بود مزدوران حزب‌الله آرزوهای یک ملت را غارت کردند. آیا می‌توانید تصور کنید؟ اگر فقط رژیم ایران بجای نابود کردن منطقه، بر ساختن کشور خود تمرکز کرده بود تمام این بدبختی‌ها و خیلی بیشتر از آن، کاملاً قابل اجتناب و صد درصد قابل اجتناب بود و محمد [بن‌سلمان] این را می‌دانست، او می‌دانست، آدم‌های باهوش می‌دانستند.»

ترامپ در بخش دیگری از این سخنانی گفت: «من به دشمنان ابدی اعتقادی ندارم. بزرگترین دوستان کنونی آمریکا، زمانی دشمن آن بودند... من برای ارائه یک مسیر جدید به سوی آینده‌ای بسیار بهتر و امیدوارکننده‌تر به ایران اینجا هستم. اگر بتوانم با ایران توافق کنم بسیار خوشحال خواهم شد. اما اگر رهبری [رژیم] ایران این شاخه زیتون [صلح] را رد کند و به حمله علیه همسایگانش ادامه دهد، ما چاره‌ای نخواهیم داشت جز اعمال فشار حداکثری عظیم، رساندن صادرات نفت ایران به صفر و هر اقدام لازم برای جلوگیری از دستیابی این رژیم به سلاح هسته‌ای... ما هرگز به آنها اجازه نخواهیم داد که آمریکا و متحدان ما را با حمله هسته‌ای و تروریسم تهدید کنند.»

سخنرانی ترامپ به ویژه در میان کاربران ایرانی در

رئیس جمهوری آمریکا که در نخستین روز از سفر خاورمیانه‌ای خود در ریاض با محمد بن سلمان ولیعهد سعودی دیدار کرد، طی سخنانی به انتقاد از رهبران جمهوری اسلامی پرداخت و آنها را با رهبران عربستان مقایسه کرد و گفت در ایران مافیایی فاسد حاکم است که کشورشان را ویران کرده و از مردم دزدی می‌کند.

دونالد ترامپ روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ در «نشست سرمایه‌گذاری عربستان- آمریکا» با انتقاد از رویکرد خصمانه و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خاورمیانه گفت: «ایران وقت زیادی ندارد و باید سریع تصمیم بگیرد. آنها نمی‌توانند سلاح اتمی داشته باشند. آمریکا قوی‌ترین ارتش را دارد، اما نمی‌خواهد از آن استفاده کند.»

بخشی از سخنانی ترامپ به مقایسه عملکرد رهبران سعودی و رژیم ایران اختصاص داشت. وی با اشاره‌ای نه چندان غیرمستقیم به وقوع انقلاب ۵۷ و تغییر شرایط سیاسی ایران گفت: «در حالی که شما بلندترین برج‌های جهان را در جده و دوی ساخته‌اید، نمادهای تهران ۱۹۷۹ در حال ویران شدن است و به خرابه تبدیل می‌شود. مدتی به خوبی پیش می‌رفتند حتا سیستمی کاملاً متفاوت، اما آن ساختمان‌ها عمدتاً در حال فرو ریختن هستند، در حالی که شما در حال ساختن برخی از بزرگترین پروژه‌های زیرساختی، ساختمان‌ها و چیزهایی هستید که جهان نظیر آنها را ندیده،



سخنرانی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در مجمع سرمایه‌گذاری سعودی-آمریکا / عکس: رویترز

شبکه‌های اجتماعی با واکنش گسترده همراه شد. بسیاری می‌گویند ترامپ با این حرف‌ها علی‌خامنه‌ای و جمهوری اسلامی را تحقیر کرده است. شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با سخنان رئیس جمهوری آمریکا در «ایکس» نوشت: «پرزیدنت ترامپ درست می‌گوید. این رژیم، ایران و خاورمیانه را گروگان گرفته است. ایرانیان برای آینده‌ی روشنی که او از آن صحبت می‌کند، تنها مانع بین آنها و آن آینده، جمهوری اسلامی است. وقتی این رژیم از بین برود، صلح پایدار به منطقه‌ی ما خواهد آمد.»

برخی از کاربران نیز عنوان کرده‌اند که اگر ترامپ همه این واقعیت‌ها و شرایط جمهوری اسلامی و وضعیت ایران را می‌داند، پس چرا به دنبال معامله و توافق با رهبران دزد رژیم است؟! دونالد ترامپ در روز نخست سفر خود به خاورمیانه در ریاض و در حالی که با محمد بن سلمان قراردادهای بزرگ اقتصادی و تسلیحاتی امضاء کرد گفت ایالات متحده «متحدی قدرتمندتر از عربستان سعودی ندارد. ارزش قرارداد تسلیحاتی جدید آمریکا و عربستان ۱۴۲ میلیارد دلار است.

ایران تحت دهه‌ها بی‌توجهی و بی‌کفایتی گرفتار قطع برق چند ساعته روزانه شده است.»

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه‌ی مقایسه‌ی جمهوری اسلامی با گذشته‌ی ایران افزود: «در حالی که شما بیابان‌های خشک را به زمین‌های حاصلخیز تبدیل کرده‌اید، رهبران ایران زمین‌های سرسبز و کشاورزی را به بیابان تبدیل کرده‌اند، مافیای فاسد آب باعث خشکسالی، خشک شدن رودخانه‌ها و بی‌آبی مردم ایران شده‌اند، در حالی که آنها خودشان ثروتمند می‌شوند، اما چیزی نصیب مردم نمی‌شود و سپس تفاوت اصلی در ریشه ماجرا نمایان می‌شود. در حالی که کشورهای عربی بر تبدیل شدن به ستون‌های ثبات منطقه‌ای و تجارت جهانی تمرکز دارند، رهبران [رژیم] ایران برای دزدیدن ثروت مردم، برای تأمین مالی تروریسم و خونریزی در جهان تمرکز کرده‌اند.»

او همچنین افزود: «غم‌انگیزترین بخش ماجرا این است که آنها کل یک منطقه را با خود به زیر کشیده‌اند. زندگی‌های بی‌شماری در تلاش ایران برای حفظ یک رژیم

جهان نظیر آنها را ندیده، ایران تحت دهه‌ها بی‌توجهی و بی‌کفایتی گرفتار قطع برق چند ساعته روزانه شده است.»

● «در حالی که کشورهای عربی بر تبدیل شدن به ستون‌های ثبات منطقه‌ای و تجارت جهانی تمرکز دارند، رهبران [رژیم] ایران برای دزدیدن ثروت مردم، برای تأمین مالی تروریسم و خونریزی در جهان تمرکز کرده‌اند.»

● سخنرانی ترامپ به ویژه در میان کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی با واکنش گسترده همراه شد. بسیاری می‌گویند ترامپ با این حرف‌ها علی‌خامنه‌ای و جمهوری اسلامی را تحقیر کرد.

● شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با سخنان رئیس جمهوری آمریکا در «ایکس» نوشت: «پرزیدنت ترامپ درست می‌گوید. این رژیم، ایران و خاورمیانه را گروگان گرفته است. ایرانیان برای آینده‌ی روشنی که او از آن صحبت می‌کند، تنها مانع بین آنها و آن آینده، جمهوری اسلامی است. وقتی این رژیم از بین برود، صلح پایدار به منطقه‌ی ما خواهد آمد.»

جمهوریخواهان کنگره آمریکا خواستار «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران شدند

● فشارها به دولت دونالد ترامپ در مورد مذاکره با رژیم ایران رو به افزایش است. شماری از سناتورها و نمایندگان سرشناس حزب جمهوریخواه در کنگره آمریکا در حال جمع‌آوری امضاء برای پیش‌نویس دو نامه خطاب به رئیس جمهوری آمریکا هستند.

● سناتور تد کروز با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی برای تولید انرژی نیازی به تولید اورانیوم ندارد، گفت: «ایران روی دریایی از نفت نشسته است و انرژی کم ندارد.» او در راهروهای کنگره نیز به خبرنگاران گفت «توافقی» در کار نخواهد بود.

سختگیری بیشتر در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

در شرایطی که دونالد ترامپ و دستیاران او تلاش می‌کند از مسیر مذاکره با جمهوری اسلامی به یک توافق برسند، جمهوریخواهان سرشناس کنگره در این نامه‌ها به دولت گفته‌اند هرگونه توافق هسته‌ای احتمالی با جمهوری اسلامی باید شامل «برچیدن کامل برنامه هسته‌ای این رژیم» باشد.

آنها تأکید کرده‌اند که پروتکل‌های نظارتی توافق موسوم به «برجام» دیگر کافی نیستند و نمی‌توانند ضامن جلوگیری از دست یافتن رژیم ایران به سلاح هسته‌ای باشند.

پیش‌نویس نامه سنای آمریکا به ابتکار سناتور پت ریکتس از ایالت نبراسکا و سناتور تد کروز از تگزاس تهیه شده است. هر دو عضو کمیته روابط خارجی سنا هستند و از منتقدان سرسخت سیاست‌های معامله با رژیم ایران به شمار می‌روند. همچنین سناتور تام کاتن رئیس کمیته اطلاعات سنا و یکی از حامیان «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران از امضاکنندگان این نامه است.

در همین ارتباط روز پنجشنبه ۸ ماهه (۱۸ اردیبهشت) در کنگره جلسه‌ای در همین ارتباط برگزار شد و سناتورها و نمایندگان مواضع تندی علیه جمهوری اسلامی گرفتند.

سناتور تد کروز با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی برای

پیشنهاد گراهام به خامنه‌ای

گراهام نیز تأکید کرد که حمایت کنگره از چنین توافقی تنها زمانی ممکن است که به مسائل مرتبط با برنامه موشکی و فعالیت‌های تروریستی نیابتی جمهوری اسلامی نیز رسیدگی شود.

او افزود: «به مارکو روبیو گفته‌ام که چنین معاهده‌ای تنها در صورتی ممکن است که ۶۷ رأی سنا را کسب کند... برای توافقی در مورد برنامه هسته‌ای ایران، بدون پرداختن به برنامه موشکی و فعالیت‌های تروریستی، امکان کسب ۶۷ رأی وجود ندارد. پس آیا رسیدن به چنین توافقی ممکن است؟ بله، اگر [رژیم] ایران تغییر کند.»

گراهام ادامه داد: «من به آیت‌الله توصیه می‌کنم پیشنهادهای وزیر روبیو و استیو ویتکاف فرستاده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه را بطور جدی بررسی کند. اگر واقعاً خواهان برنامه‌ای صلح‌آمیز هستید، باید این برنامه را بطور کامل کنار بگذارید. افزون بر این، اگر پیشنهادهایی را که سناتور کاتن مطرح کرده اجرا کنید، می‌توانید روابط بهتری با ایالات متحده داشته باشید. بدون تغییرات اساسی، تصویب هیچ معاهده‌ای در سنای آمریکا ممکن نخواهد بود.»

به نظر می‌رسد صحبت این سیاستمداران درباره «تصویب



سناتور لیندزی گراهام و سناتور تام کاتن در کنگره آمریکا یک کنفرانس خبری مشترک درباره مذاکرات هسته‌ای / ۸ مه ۲۰۲۵

معاهده در سنای آمریکا» بیانگر این است که تقاضایی که رژیم ایران از دولت بایدن نیز داشت، در گفتگوهای اخیر مورد بحث قرار گرفته و در صورتی که جمهوری اسلامی کل برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد، چنین توافقی به شکل معاهده که به تصویب نهادهای حقوقی آمریکا نیز برسد، ظاهراً منتفی نیست.

لیندزی گراهام در پایان خطاب به حکومت ایران گفت: «شما ادعا می‌کنید تنها به دنبال برنامه‌ای صلح‌آمیز هستید. اگر چنین است، می‌توانید آن را داشته باشید؛ اما نه با غنی‌سازی. این برنامه باید بطور کامل متوقف شود و آنهم همین حالا.»

در حاشیه این نشست، برایان مست رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به تلویزیون «ایران اینترنشنال» گفت: «موضوع هسته‌ای مهم‌ترین بخش از مذاکرات کنونی ایران و آمریکا است. من به نتایج آن امیدوارم، چون می‌دانم رئیس جمهوری داریم که در نهایت چه از مسیر دیپلماتیک و چه از طریق اقدام عملی، ما را به هدف خواهد رساند.»

تولید انرژی نیازی به تولید اورانیوم ندارد، گفت: «ایران روی دریایی از نفت نشسته است و انرژی کم ندارد.» او در راهروهای کنگره نیز به خبرنگاران گفت «توافقی» در کار نخواهد بود.

لیندزی گراهام و تام کاتن، دو سناتور ارشد جمهوریخواه، هشدار دادند که سنا تنها در صورتی با توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی موافقت خواهد کرد که این توافق به «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای تهران منجر شود.

در پاسخ به این پرسش که چرا تصویب سنا ضروری است، در حالی که رئیس‌جمهور می‌تواند از نظر فنی توافقی را بدون دخالت کنگره اجرا کند، هر دو سناتور تأکید کردند که بدون تأیید کنگره، هیچ تضمینی برای پایداری چنین توافقی در دولت‌های آینده وجود نخواهد داشت.

کاتن اظهار داشت: «اگر خواهان توافقی پایدار و ماندگار هستند، باید آن را به سنا ارائه دهند و به‌عنوان یک معاهده به رأی بگذارند.» او تأکید کرد: «رژیم ایران باید برنامه هسته‌ای خود را کاملاً برچیند.»

● لیندزی گراهام و تام کاتن دو سناتور ارشد جمهوریخواه، هشدار داده‌اند که سنا تنها در صورتی با توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی موافقت خواهد کرد که این توافق به «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای تهران منجر شود.

● لیندزی گراهام تأکید کرد که حمایت کنگره از چنین توافقی تنها زمانی ممکن است که به مسائل مرتبط با برنامه موشکی و فعالیت‌های تروریستی نیابتی جمهوری اسلامی نیز رسیدگی شود.

● تام کاتن اظهار داشت: «اگر خواهان توافقی پایدار و ماندگار هستند، باید آن را به سنا ارائه دهند و به عنوان یک معاهده به رأی بگذارند.» او نیز تأکید کرد: «رژیم ایران باید برنامه هسته‌ای خود را کاملاً برچیند.»

فشارها به دولت دونالد ترامپ در مورد مذاکره با رژیم ایران رو به افزایش است. شماری از سناتورها و نمایندگان سرشناس حزب جمهوریخواه در کنگره آمریکا در حال جمع‌آوری امضاء برای پیش‌نویس دو نامه خطاب به رئیس جمهوری آمریکا هستند. محور این دو نامه ضرورت

فاکس نیوز: «تأسیسات رنگین کمان» در سمنان پروژه مخفی تولید تسلیحات اتمی است



تأسیسات مشهور به «رنگین کمان» در سمنان / عکس: فاکس نیوز

تردیده‌های بیشتری نسبت به ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای‌اش ایجاد می‌کند. «فاکس نیوز» به نقل از سازمان مجاهدین خلق گزارش داد که بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده مساحت این تأسیسات نزدیک به ۲۵۰۰ هکتار است. جمهوری اسلامی مدعی است این تأسیسات یک کارخانه شیمیایی است. برخی منابع داخلی ادعا کردند این گزارش تلاش اسرائیل و مخالفان نظام برای مختل کردن مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا است که گفته می‌شود قرار است دور چهارم آن به زودی انجام شود.

وبسایت «انصاف نیوز» در یادداشتی به قلم مصطفی نجفی تحلیلگر مسائل منطقه این گزارش را «خطرناک» توصیف کرد و نوشت: «انتشار این گزارش در بحبوحه مذاکرات تعلیق شده ایران و آمریکا، بدون تردید با اهداف امنیتی‌سازی مجدد پرونده هسته‌ای کشورمان ترتیب داده شده است که خود می‌تواند علاوه بر تحت‌الشعاع قرار دادن دیپلماسی، تنش و تقابل را به شکل فزاینده‌ای بالا ببرد.»

وبسایت سازمان مجاهدین در ارتباط با این پروژه نوشته است: افشای نقش شرکت‌های پوششی از جمله «دیبا انرژی سینا» و شرکت مادر آن یعنی «پیش‌تازان توسعه صنعتی آریا رازی» در این فعالیت‌ها نیز اهمیت زیادی دارد. این ساختارها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که فعالیت‌های حساس و نظامی را در پوشش پروژه‌های صنعتی یا تحقیقاتی پنهان کنند. ریاست این شرکت مادر در مقطعی بر عهده ناصر مالکی از فرماندهان سپاه پاسداران و معاون وقت سازمان هوافضا و وزارت دفاع جمهوری اسلامی بوده که نام وی از سال ۲۰۰۷ در لیست تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد.»

● شبکه «فاکس نیوز» پنجشنبه ۸ ماه مه (۱۸ اردیبهشت) با استناد به تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد که یک مرکز مخفی تسلیحات هسته‌ای در استان سمنان فعال است.

● بر اساس این گزارش، این تأسیسات که از سوی مقامات ایرانی با نام رمز «سایت رنگین کمان» شناخته می‌شود، بیش از یک دهه در حال فعالیت بوده و در قالب یک شرکت تولید مواد شیمیایی به نام «دیبا انرژی سینا» فعالیت داشته است.

● وبسایت «انصاف نیوز» با در یادداشتی به قلم مصطفی نجفی تحلیلگر مسائل منطقه این گزارش را «خطرناک» توصیف کرد و نوشت: «انتشار این گزارش در بحبوحه مذاکرات تعلیق شده ایران و آمریکا، بدون تردید با اهداف امنیتی‌سازی مجدد پرونده هسته‌ای کشورمان ترتیب داده شده است که خود می‌تواند علاوه بر تحت‌الشعاع قرار دادن دیپلماسی، تنش و تقابل را به شکل فزاینده‌ای بالا ببرد.»

شبکه «فاکس نیوز» پنجشنبه ۸ ماه مه (۱۸ اردیبهشت) با استناد به تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد که یک مرکز مخفی تسلیحات هسته‌ای در استان سمنان فعال است.

بر اساس این گزارش، این تأسیسات که از سوی مقامات ایرانی با نام رمز «سایت رنگین کمان» شناخته می‌شود، بیش از یک دهه در حال فعالیت بوده و در قالب یک شرکت تولید مواد شیمیایی به نام «دیبا انرژی سینا» فعالیت داشته است.

کارکرد اصلی «سایت رنگین کمان» استخراج تریتیوم است، ایزوتوپی رادیواکتیو که برای افزایش قدرت تسلیحات هسته‌ای به کار می‌رود. برخلاف غنی‌سازی اورانیوم، تریتیوم تقریباً هیچ کاربرد صلح‌آمیز یا تجاری ندارد و این مسئله

موشک‌پرانی حوثی‌ها
به اسرائیل همزمان
با سفر رئیس‌جمهور
آلمان به اورشلیم و سفر
ترامپ به کشورهای
حاشیه خلیج فارس



شهروندان اسرائیلی پس از شنیده شدن صدای آژیر پناه گرفته‌اند

● حوثی‌ها بار دیگر سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت یک موشک به اسرائیل پرتاب کردند. سازمان امداد و نجات اسرائیل اعلام کرد که این حادثه تلفات جانی نداشته، اما چند نفر به دلیل اضطراب یا جراحات سطحی حین فرار به پناهگاه‌ها تحت مراقبت و درمان قرار گرفتند.

● در زمان به صدا درآمدن آژیر خطر فرانک والتر اشتاین‌مایر رئیس‌جمهور آلمان، در مسیر حرکت از هتل کینگ دیوید» در اورشلیم به اقامتگاه ریاست جمهوری برای شرکت در ضیافت شصتمین سالگرد روابط آلمان و اسرائیل بود. محافظان وی را به هتل بازگردانده و به اتاق امن منتقل کردند. همچنین در همان زمان، مایک هاکی سفیر آمریکا در اسرائیل نیز در محل حضور داشت و به اتاق امن هدایت شد. پس از رفع خطر، رئیس‌جمهور آلمان راهی اقامتگاه ریاست جمهوری شد. همزمان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز برای یک سفر سه روزه به سه کشور حاشیه خلیج فارس در عربستان بسر می‌برد.

● «وای نت» گزارش داد مقامات اسرائیل در حال بررسی حمله به اهداف مرتبط با جمهوری اسلامی هستند. آنها گفتند که رژیم «ایران بدون هزینه از این قضیه عبور نخواهد کرد. روشن است که حوثی‌ها به حملات خود ادامه خواهند داد، بنابراین ما در حال آماده شدن برای تشدید پاسخ خود هستیم.»

موشک‌پرانی شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی، همزمان با سفر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه همچنان ادامه دارد.

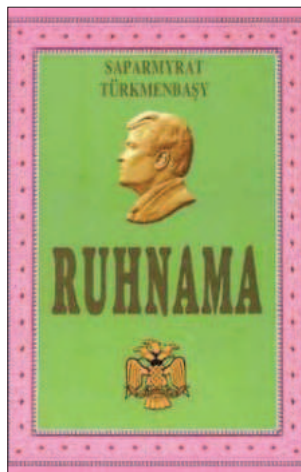
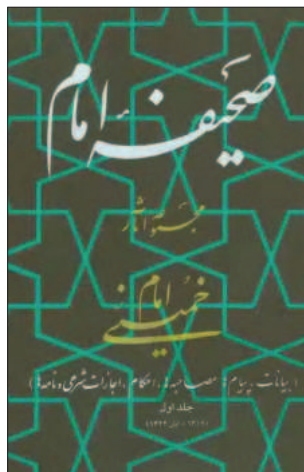
پایگاه خبری «وای نت» گزارش داد عصر روز سه‌شنبه

بازنش

خدایان مرگ پذیر!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۳۸) دی ۱۳۸۵



جا «ترکمن‌باشی» با ژستهای آرتیستیک، خود را به رخ پرستندگانش می‌کشد.

نام «ترکمن‌باشی» زینت‌بخش فرودگاهها، بندرها، خیابانها، میدانها، استادیومهای ورزشی بود. در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، یک پیکره دوازده متری صفر مراد نیازوف از طلای ناب بر فراز برجی به ارتفاع ۷۰ متر نصب شده است که بیست و چهار ساعت یک بار به گرد خود می‌چرخد تا در همه حال نگاهش به جانب خورشید باشد! حتی آخرین ستاره دنباله‌دار و آخرین نمونه طالبی - گرمک کشت ترکمنستان را به نام نامی ترکمن‌باشی مفتخر کرده بودند.

ترکمن‌باشی، به تدریج که پایه‌های قدرتش استحکام یافت، هر کس را در دستگاه حکومت داعیه سرجنبانی داشت، سر به نیست کرد. او رئیس جمهوری مادام‌العمر بود با حفظ سمت نخست وزیر و فرمانده کل قوا.

مثل همه خودکامگان خود خداپندار، رسالت خود را بی آن که کتاب مقدس به جامعه بشری ارمغان کند، ناتمام می‌انگاشت. از این رو دو جلد کتاب، که «صحیفه نور» او محسوب می‌شود، به نام «روخوانا» انتشار داد. جلد اول در سال ۲۰۰۱ و جلد دوم در سال ۲۰۰۴.

در مقدمه جلد اول آمده است «آن کس که کتاب مرا بخواند ابواب هوشمندی به رویش گشوده می‌شود و به درک اسرار طبیعت و ارزشهای انسانی نایل می‌آید».

هنگامی که جلد دوم «روخوانا» انتشار یافت، او گفت «بدیهی است هرکس این کتاب را بخواند به بهشت خواهد رفت!» کتاب مقدس نیازوف به ۳۰ زبان ترجمه شده است و یک نسخه از آن توسط موشک فضایی روسی - اوکرائینی به مدار زمین فرستاده شد تا سایه تعالیم سیاسی - مذهبی این نابغه دهر بر سر همه جهانیان، ابدالذهر باقی بماند.

آموختن «روخوانا» در مدارس ترکمنستان و همچنین برای کلیه کارکنان دولت اجباری است. برای دریافت گواهینامه رانندگی نیز الزاماً می‌بایستی علاوه بر علامات جاده و دانستنی‌های فنی و قواعد نشستن پشت فرمان، یک دوره ۱۳ ساعته آموزش «روخوانا» را طی کرد.

آه که چقدر دلم می‌خواهد روزی که نوبت دیدار من با ملک‌الموت فرا رسد، به عنوان آخرین درخواست یک محکوم به مرگ، از او بپرسم وقتی می‌خواستی جان صفرمراد نیازوف را بگیری چه حالی داشت!

در روزهای پایانی سال ۲۰۰۶ یکی دیگر از تحفه‌های تربیت‌یافته در مکتب «خودخدا پنداری» به داس اجل گرفتار آمد و گورش را از جهان گم کرد. او صفر مراد نیازوف نام داشت. حاکم خودکامه ترکمنستان.

کیش خودخدا پنداری سابقه‌اش در تاریخ زندگی بشر بسی فراتر از ادیان الهی است. آئین خداپرستی در حقیقت برای حذف فرمانروایانی که دعوی خدایی داشتند به بشر عرضه شد و هنگامی که با استقرار دولت ماتریالیستی، دوران پرستش خدای آسمانی در کشور پهناور روسیه پایان گرفت، جای خالی خدا را فرمانروای سیل از بناگوش در رفته تصاحب کرد.

ژوزف ویساریونویچ استالین بنیانگذار کیش خودخداپنداری در عصر جدید بود. مائوتسه دونگ - که سرگذشت او را همین چند هفته در «کیهان» می‌خوانید - پس از مرگ استالین، این کیش را در چین رواج داد و جوجه‌های استالین و مائو در کشورهای اقماری چین و شوروی از آلبانی گرفته تا کره شمالی به تقلید از آنها حاکمیت خداگونه برقرار کردند. صفر مراد نیازوف یکی از آن «خودخداخوانده» ها بود که به مدت ۲۱ سال بر ترکمنستان فرمان راند و پنج میلیون ترکمن وظیفه داشتند او را پرستش کنند.

در حکومت شورایی که ظاهراً مدار کار بر شور و استشاره است، حرف اول و آخر با صفر مراد نیازوف بود. همه چیز به نام وی آغاز و به کام وی انجام می‌شد. خدا خودش می‌داند و بس که در مقام آفرینش، چه مایه‌ای از خودبینی و خودخواهی در وجود این دُرْدانه حسن کبابی به بودیعت نهاده و چه لعبتی آفریده بود که خود را سرآمد آفریدگان و مظهر تمام عیار کمال و جمال می‌پنداشت. مطبوعات جهان، بالاتفاق، مرگ صفر مراد نیازوف را با کلماتی چون دیکتاتور بلهوس و سرکوبگر بسته‌ترین کشور گیتی تیتز زدند.

در سرزمینی به مساحت ۴۸۸ هزار کیلومتر مربع، دیوار به دیوار کشور عزیز ما ایران، تا روزی که عزرائیل به سراغ صفر مراد نیازوف رفت، مردم نامی جز نام او نمی‌شنیدند و چهره‌ای جز چهره او نمی‌شناختند. ترکمنها به هر سو که می‌نگریستند خود را با تصاویر عظیم «ترکمن‌باشی» روبرو می‌یافتند. روی دیوارهای بلند ساختمانهای عمومی، روی اسکناسها، روی تمبرها، روی پرده تلویزیونها، روی بطریقه‌های ودکا، روی قوطیهای کنسرو، همه جا و همه

۱۳ ماه مه (۲۳ اردیبهشت)، آژیرهای هشدار موشکی در ده‌ها شهر و شهرک در مناطق مرکزی اسرائیل، منطقه شارون، شفیلا و نواحی اطراف اورشلیم به صدا درآمد. علت این هشدار، شلیک یک موشک بالستیک از سوی گروه حوثی‌ها در یمن به سوی اسرائیل بود. بنا به اعلام ارتش اسرائیل، این موشک با موفقیت توسط سامانه پدافند موشکی «آرو» (پیکان) رهگیری و منهدم شد. ارتش این کشور تأکید کرد: «آژیرها مطابق با پروتکل فعال شدند». آژیر خطر در شهرهایی از جمله تل‌آویو، اورشلیم، ریشون لتسیون، بنی براق، هرتزلیا، حولون، بات یام، رمت‌گان، نس‌زیونا، رحوت، مودعین، بیت‌شمش، کفار سابا و هود هسرون شنیده شد. در پی این حمله، فرودگاه بین‌المللی بن گوریون تمامی پروازهای ورودی و خروجی را بطور موقت متوقف کرد. سازمان امداد و نجات اسرائیل اعلام کرد که این حادثه تلفات جانی نداشته، اما چند نفر به دلیل اضطراب یا جراحات سطحی حین فرار به پناهگاه‌ها تحت مراقبت و درمان قرار گرفتند.

در زمان به صدا درآمدن آژیر خطر، فرانک والتر اشتاین‌مایر رئیس‌جمهور آلمان، در مسیر حرکت از «هتل کینگ دیوید» در اورشلیم به اقامتگاه ریاست جمهوری برای شرکت در ضیافت شصتمین سالگرد روابط بین آلمان و اسرائیل بود. محافظان، وی را به هتل بازگرداندند و به اتاق امن منتقل کردند. همچنین در همان زمان، مایک هاکبی سفیر آمریکا در اسرائیل نیز در محل حضور داشت و به اتاق امن هدایت شد. پس از رفع خطر، رئیس‌جمهور آلمان راهی اقامتگاه ریاست جمهوری شد. همزمان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز از روز سه‌شنبه ۱۳ ماه مه برای یک سفر سه روزه به سه کشور حاشیه خلیج فارس در عربستان بسر می‌برد.

شلیک این موشک با وجود توافق آتش‌بس میان حوثی‌ها و ایالات متحده صورت گرفت. حوثی‌ها گفته بودند که این توافق شامل اسرائیل نمی‌شود و در روزهای اخیر حملات خود را علیه این کشور تشدید کردند. «وای نت» در ادامه نوشته است: در تعطیلات آخر هفته و در پی حملاتی مشابه، میلیون‌ها اسرائیلی با شنیدن صدای آژیرها به پناهگاه‌ها هدایت شدند. یک مقام امنیتی اسرائیلی می‌گوید: «ما به حمله علیه حوثی‌ها ادامه خواهیم داد و به هیچ توافقی متعهد نیستیم. هر توافقی هم که بین حوثی‌ها و آمریکایی‌ها وجود داشته باشد، برای ما الزام‌آور نیست. حوثی‌ها تاوان پس خواهند داد.»

منابع اسرائیلی افزودند در حالی که ایالات متحده حملات خود را به مواضع حوثی‌ها متوقف کرده، اسرائیل قصد دارد کارزار خود را در یمن تشدید کند.

این منابع گفته‌اند «اهداف اسرائیل شامل انهدام بیشترین تعداد ممکن از پرتابگرها و گسترش حملات به زیرساخت‌های حیاتی و بنادری است که همچنان تحت کنترل حوثی‌ها هستند و هدف نهایی نابودی کامل آنهاست.»

مقامات همچنین اعلام کردند که اسرائیل در حال بررسی حمله به اهداف مرتبط با جمهوری اسلامی ایران است. آنها گفتند که رژیم «ایران بدون هزینه از این قضیه عبور نخواهد کرد. روشن است که حوثی‌ها به حملات خود ادامه خواهند داد، بنابراین ما در حال آماده شدن برای تشدید پاسخ خود هستیم.»

در پی حمله موشکی از یمن به اسرائیل، یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها روز چهارشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که «در چارچوب حمایت از ملت مظلوم فلسطین و محکومیت نسل‌کشی مردم غزه توسط رژیم صهیونیستی، نیروی موشکی نیروهای مسلح یمن در یک عملیات نظامی منحصر به فرد فرودگاه بن‌گوریون تل‌آویو هدف قرار گرفت.»



اکبر اعتماد

نگاهی به خاطرات نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران (۱) رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی برای مشارکت هسته‌ای با ایران

بازنشر

(تاریخ نشر در کیهان لندن: شهریور ماه ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳)

تفسیر سیاسی دو هفته پیش (کیهان ۱۳۲۰) به خاطرات دکتر اکبر اعتماد نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران اشاره داشت که آرشیو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران

ایران و شوروی

کشور دیگری که مهم بود شوروی بود. ولی ما اصلاً برنامه‌ای با آنها در نظر نگرفته بودیم تا یک روز سفیر شوروی آمد، مرا دید و گفت شما چرا نمی‌آید شوروی. گفتم من باید دلیلی داشته باشم که بروم به شوروی. گفت تو همه جا می‌روی، چرا به شوروی نمی‌آیی. گفتم که به من مربوط نیست، تو برو به اعلیحضرت بگو، هرچه فرمودند می‌کنم. منظورم از این حرف این بود که وقتی سفیر شوروی در این زمینه با اعلیحضرت صحبت می‌کند، حتماً پاسخی خواهد شنید. و این مهم بود که او مستقیماً پاسخ اعلیحضرت را

انتشار داده است. دکتر اعتماد در این گفتگو از رقابتی که بین قدرت‌های بزرگ جهانی، از جمله آمریکا و روسیه شوروی، برای مشارکت در پروژه احوادث نیروگاه هسته‌ای بوشهر وجود

برنامه سفر را باید قبلاً تهیه بکنید، به من بدهید. من وقتی که برنامه سفر را دیدم، می‌آیم. آن هم ترتیبش این است که من یک فهرست از جاهایی که می‌خواهم ببینم به شما می‌دهم، و من باید این جاها را ببینم. چون عازم مسکو بود، بعد از سفرش به مسکو آمد و گفت موافقم. این برنامه بالاخره راه افتاد. ما یک هیأتی درست کردیم و آماده شدیم که برویم شوروی. حالا از ده روز قبل از موعد سفر، سفیر شوروی می‌گفت این برنامه امشب می‌رسد، فردا می‌رسد. من عصبانی شدم و گفتم من نمی‌آیم تا برنامه نباشد. بالاخره سفیر آمد و گفت من قول می‌دهم وقتی که به فرودگاه مسکو رسیدید، آنها برنامه را به شما بدهند. در

داشت سخن می‌گوید. نگاهی دوباره به این بخش از خاطرات دکتر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران - تلاش‌ها و تنش‌ها) به مناسبت راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، خالی از فایده نیست.

برگشتیم و بعد با ترن رفتیم به اوکراین و به مسکو برگشتیم.

● یعنی شما از مسکو با ترن رفتید به لنینگراد. بعد با ترن به اوکراین؟

- بله و این خود خیلی خسته‌کننده بود. در شوروی، اگر با ترن سفر کنید یا با هواپیما، باید همیشه به مسکو برگردید و بعد به جای دیگری بروید و این خود بسیار ناراحت‌کننده بود. بعد از سه چهار روز چند نفر از همکارانم احساس خستگی شدید و ناراحتی معده کردند. بدین ترتیب نمی‌توانستیم از بازدیدها درست استفاده کنیم. یک بار که به مسکو برگشتیم وزیر بازرگانی شوروی یک ضیافت ناهار ترتیب داده بود. او کمی موهایش سفید بود. آن وقت من جوانتر بودم و موی سفید نداشتم. او بلند شد، نطق کرد، بعد من بلند شدم، گفتم که من فقط می‌خواهم به شما بگویم آقای وزیر، چرا موی شما سفید شده و موی من سفید نشده؟ گفت چرا؟ گفتم برای این که این زندگی که شما برای من این چند روزه درست کرده‌اید، شما هم حتماً همین زندگی را دارید، و جای تعجب نیست که موی سر شما سفید شده است. این چه زندگی است که برای ما درست کرده‌اید؟ این طرز بازدید نیست. این قدر خسته و درمانده می‌شویم که از بازدید چیزی درک نمی‌کنیم. گفت مگر چطور شده؟ برنامه را بیاورید ببینم چرا این جوری شده. گفتم من دیگر به این بازدیدها نمی‌روم و خواهش می‌کنم ما را از بقیه برنامه معذور بدارید. اردلان (سلطان احمد) سفیر ایران هم همانجا بود. به اردلان گفتم من الان خواهش می‌کنم ترتیب برگشت ما را بدهید. تا عصر امشب ما برمی‌گردیم. بالاخره آن آقای وزیر معذرت خواست و گفت برنامه را عوض می‌کنیم. همین کار را هم کرد و مقداری از بازدیدهای کم‌اهمیت را که مورد نظر ما نبود، حذف کرد و شد یک برنامه نسبتاً معقول. بعد به برنامه ادامه دادیم و خیلی استفاده کردیم و رویهم‌رفته خوش گذشت.

در شوروی من هیچ مذاکره‌ای در زمینه همکاری‌های اتمی نکردم. به بازدید محدودش کردم. جز در یک مورد که آنهم به نتیجه نرسید. موضوع آنهم این بود که ما یک برنامه برای اکتشاف اورانیوم داشتیم که سطح ایران را با هواپیما و هلیکوپتر پرواز کنیم. این هواپیماها دستگاههایی داشتند که تغییرات مغناطیسی و تشعشع را در سطح زمین اندازه‌گیری می‌کردند و از روی آن ما به آنچه در زیر زمین است پی می‌بردیم. در این پروازها خطر این بود که اگر خلبانان نزدیک مرز بروند، نتوانند مرز را تشخیص بدهند و بروند آتور مرز. ما به روسها گفته بودیم که این پروازها جنبه نظامی ندارند، و اگر هواپیمایی از مرز گذشت آنها نباید شدت عمل به خرج بدهند. آنها می‌گفتند به ما مربوط نیست، ما هر کس بیاید می‌زنیم و تعهدی



فرودگاه مسکو، ضمن پذیرائی مفصل، برنامه را به ما دادند. برنامه را نگاه کردم. دیدم همه چیز را قاطی کرده‌اند. مخصوصاً یک نیرنگ زده بودند، و آن این بود که علاوه بر جاهایی که مورد نظر من بود، چندین بازدید دیگر هم گذاشته بودند که در آن کشور پهنای از این همه نقاط بازدید کردن بسیار مشکل بود. بالاخره برنامه شروع شد و با عجله و با سرعتی زیاد از تأسیسات و مراکز تحقیقاتی مختلف بازدید کردیم، ولی خیلی زود احساس کردیم که خستگی و کمبود خواب و ناراحتی‌های ناشی از بی‌موقع و مخصوصاً به غذا خوردن ما را از پا درمی‌آورد. اول با ترن رفتیم به لنینگراد و به مسکو

بشنود و به دولتش اطلاع بدهد. رفت به اعلیحضرت گفت. اعلیحضرت مرا صدا کردند، فرمودند تو چرا نمی‌روی شوروی. گفتم من کاری ندارم که بروم شوروی. فرمودند خوب، حالا ضرر ندارد، به تو فشار می‌آورند، برو. گفتم چشم؛ ولی اجازه بفرمایید که من با سفیرشان شرط بگذارم. گفتند شرط چه می‌خواهی بگذاری؟ گفتم شرط می‌خواهم بگذارم که آن چیزهایی را که من می‌خواهم، به ما نشان بدهند و نه آن چیزهایی را که آنها می‌خواهند. فرمودند خیلی خوب. برو با او شرط بگذار. بعد سفیر شوروی را دیدم و گفتم برای بازدید از شوروی آمادگی دارم. ولی شرطش این است که

دوران رضاشاهی؛ آزادی زنان، شکست ملایان (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



اجازه حکومت بر همه چیز زنان را می‌داد. رضاشاه از همان زمان نخست‌وزیری با اینکه تلاش می‌کرد با روحانیت شیعه مدارا کند تا شاید کشور از گزند آنها در امان بماند، به دنبال برچیدن بساط حجاب در کشور بود.

ایران در دوران رضاشاه شاهد تغییرات بنیادینی بود که راه یک جامعه عقب‌مانده را برای رسیدن به قرن بیستم هموار می‌کرد. آزادی زنان، نیمی از جمعیت ایران یکی از این تغییرات تعیین‌کننده است. تا پیش از حکومت رضاشاه، قوانینی که براساس فقه شیعه تنظیم شده بود به مردان

→ نمی‌توانیم بدهیم. این را ما به مذاکره گذاشتیم و گفتیم همکاری را از اینجا شروع کنیم. این یکی را بیایید حل کنید. اگر توانستیم حلش کنیم، آن وقت به بقیه‌اش می‌رسیم. خوب شما به ما گارانتی می‌دهید. ما می‌خواهیم توی مملکت خودمان بپریم، ولی خلبان ممکن است زیادی برود. آنها گفتند ما یک دستور کلی به نظامیان داده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم بگوییم این هست، آن نیست. گفتیم پس اگر می‌خواهید نشان بدهید که با ایرانی‌ها همکاری می‌کنید بیایید یک کار دیگر بکنید، ۱۵ کیلومتر ما از آنور می‌گذاریم کنار، نمی‌پریم، ولی این ۱۵ کیلومتر روی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر که با شما مرز مشترک داریم، سطح وسیعی را تشکیل می‌دهد که حیف است اطلاع درباره این سطح وسیع از دست برود. شما بیایید ۱۵ کیلومتر هم از آنور مرز، یعنی در داخل شوروی، بگذارید که با ۱۵ کیلومتر اینور مرز می‌شود یک نوار به عرض ۳۰ کیلومتر. در این نوار ۳۰ کیلومتری همین برنامه را اجرا بکنیم. ولی با همکاری شما، و بعد اطلاعات را هر دو طرف مورد استفاده قرار بدهند. ولی این پیشنهاد را هم قبول نکردند و مذاکرات در همین‌جا خاتمه یافت.

برای آگاهی نسبت به نحوه عمل روسها بد نیست یکی از صحنه‌های بازدید را تشریح کنم. روسها در قزاقستان، در شمال شرقی دریای خزر، یک نیروگاه نمونه از نوع «fast breeder reactor» ساخته بودند که جنبه تجربی داشت و به اصطلاح «prototype» بود. در آن زمان فرانسوی‌ها و با مقداری فاصله روسها پیشرو این تکنولوژی بودند که امیدهای زیادی برای آینده در بر داشت. من بازدید از این نیروگاه را هم تقاضا کرده بودم و در برنامه گنجانیده شده بود. وقتی به آنجا رفتیم و از نیروگاه بازدید کردیم، توضیحات زیادی در زمینه نیروگاه به ما دادند و رئیس آن نیروگاه هم، که یک متخصص روسی بود، با ما بود، ولی توضیحات را مسؤولان دیگر نیروگاه می‌دادند. به تدریج بر من و همکارانم روشن شد که توضیحاتی که می‌دهند در خیلی موارد صحیح نیست و گمراه‌کننده است. ما در چند مورد موضوع را به آنها تذکر دادیم و گفتیم که این مشخصاتی که شما می‌گویید با حسابهایی که ما می‌کنیم جور در نمی‌آید. بالاخره در مقابل اعتراضات ما رئیس نیروگاه مجبور به مداخله شد. او سراسیمه به یک کابین تلفن که در همان سالن بود رفت و مدتی در آن کابین صحبت می‌کرد. وقتی برگشت با حالتی عصبانی به همکاران خود اعتراض کرد که شما کار خود را بلد نیستید و اطلاعات درستی ارائه نکردید و حالا من خودم توضیحات لازم را خواهم داد. بعد شروع کرد و به نکاتی که مورد اعتراض ما بود پرداخت و به ما حق داد و اطلاعات درستی در اختیار ما قرار داد. این بار آنچه که می‌گفت درست به نظر می‌رسید و سر و ته حرفهایش با هم همخوانی داشتند.

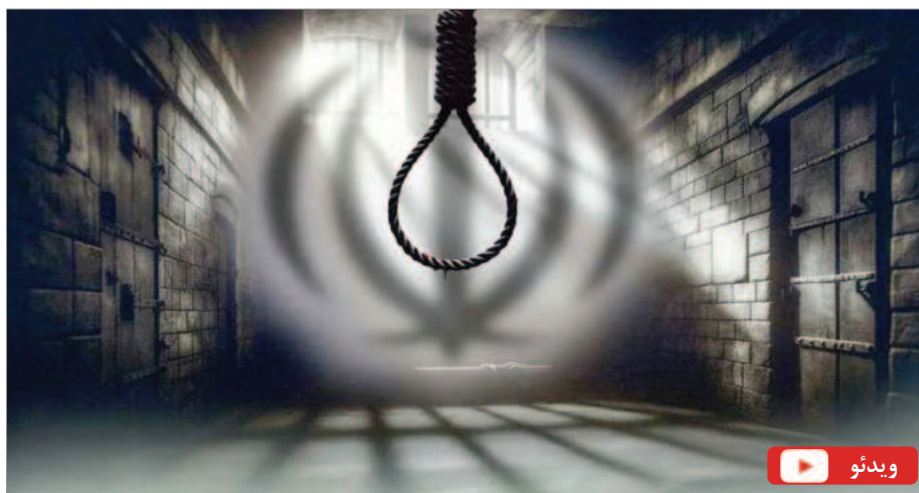
این واقعه نشان می‌دهد که روسها در ابتدا فکر می‌کردند که با گروهی از افراد روبرو هستند که اطلاع کافی نسبت به تکنولوژی هسته‌ای ندارند و فکر می‌کردند که به اصطلاح می‌توانند سر ما را شیره بمانند. بعد که متوجه شدند که در این زمینه به اشتباه رفته‌اند، صحنه را عوض کردند و توضیحات درست و کافی دادند. تلفن رئیس نیروگاه هم به احتمال قوی به مسؤولان مافوق بوده است که از آنها کسب تکلیف کند.

● روسها چه می‌خواستند از شما؟ فکر می‌کنید فقط می‌خواستند به طریقی آشنا بشوند؟

- فکر می‌کنم هدف آنها این بود که خارج از گود بمانند. خودشان هم نمی‌دانستند ما چه می‌خواهیم و نمی‌دانستند خودشان چه می‌خواهند. می‌خواستند که با ما در ارتباط باشند و از جزئیات برنامه ما سر دریاورند.

(در شماره آینده: تلاش آمریکا)

افزایش ۷۵ درصدی اعدام‌ها در جمهوری اسلامی



نفر در جمهوری اسلامی اعدام شده بودند. شمار زندانیانی که حکم اعدام آنها صادر شده و در انتظار اجرای حکم در زندان بسر می‌برند نیز دست‌کم ۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. اگر اجرای احکام اعدام در جمهوری اسلامی با همین گستردگی ادامه پیدا کند، از مرز هزار نفر در آخر سال میلادی خواهد گذشت. در ۲۰ سال گذشته چنین شمار بالایی از اعدام در جمهوری اسلامی، که بعد از چین در صدر کشورهای قرار دارد که احکام مرگ صادر می‌کنند، بی‌سابقه است.

احمد رأفت با محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران که اعدام‌ها در جمهوری اسلامی را به صورت روزانه دنبال می‌کند، گفتگویی انجام داده است.

از ابتدای سال جدید میلادی تا زمان تهیه این گزارش، ۳۸۱ نفر در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شدند. تنها در ماه آوریل دست‌کم ۱۱۰ نفر به چوبه‌های دار سپرده شدند. در چهار ماه نخست سال میلادی دست‌کم ۳۴۳ نفر، از جمله ۱۱ زن، اعدام شدند. این افراد به ترتیب به اتهام‌های مربوط به مواد مخدر (۱۶۹ نفر)، قصاص (۱۵۳ نفر)، اتهامات امنیتی (۱۲ نفر) تجاوز به عنف (۹ نفر) محکوم شدند. در چهار ماه نخست سال جاری یک نفر هم در ملاء عام اعدام شد.

اعدام‌های چهار ماه نخست امسال نسبت به همین برهه زمانی در سال گذشته میلادی افزایش چشمگیری (۷۵ درصد) داشته است. در چهار ماه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی ۱۹۵

ادعاهای متناقض درباره نتیجه مذاکرات؛ هشدار عراقچی به اروپا درباره فعال شدن احتمالی «مکانیسم ماشه»



عباس عراقچی و تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی در نشست رم / آوریل ۲۰۲۵

آنچه که از مذاکرات اخیر به گوش می‌رسد، توافقاتی که در حال شکل‌گیری است می‌تواند نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا باشد.

اظهارات ضد و نقیض

در این میان، استیو ویتکاف پیشتر گفته بود اگر مذاکرات یکشنبه سازنده نباشد، متوقف خواهد شد. اما بلافاصله پس از پایان مذاکرات یکشنبه اعلام شد که برای ادامه این گفتگوها توافق شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی باز هم در موارد بیشتری عقب‌نشینی‌هایی کرده باشد که فعلاً هیچ‌یک از طرفین در مورد آن صحبت علنی و رسانه‌ای نکرده‌اند.

از سوی دیگر عباس عراقچی نیز مدعی شده که بر سر دور بعدی مذاکرات توافق شده است. اما همزمان بدر البوسعیدی میانجی عمانی در «ایکس» نوشته است که دور پنجم این مذاکرات پس از آن برگزار خواهد شد که «دو طرف با رهبران خود مشورت کنند». برخی ناظران می‌گویند این اظهار نظر مقام عمانی نشان می‌دهد اصل برگزاری دور بعدی مذاکرات مشروط به تایید مقامات بالاتر در جمهوری اسلامی و آمریکا است.

احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه»

اما از اینها مهم‌تر افزایش فشارهای سه قدرت اروپایی علیه جمهوری اسلامی است. یک روز بعد از چهارمین گفتگو در مسقط، عباس عراقچی روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت در «ایکس» خطاب به اروپایی‌ها هشدار داد: «هرگونه سوء استفاده از ساز و کار اسنپ‌ک پیامدهایی به دنبال خواهد داشت و نه تنها پایان نقش اروپا در این توافق را رقم خواهد زد، بلکه ممکن است به تشدید تنش‌هایی منجر شود که بازگشتی برای آنها متصور نیست».

با همه اینها، اگرچه اینطور القاء می‌شود که گویا مذاکرات تهران و واشنگتن رو به پیشرفت است اما به نظر می‌رسد احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها و مهلت رو به پایان آن، وضعیت را برای جمهوری اسلامی بیش از پیش حاد کرده است. پیشتر عراقچی هشدار داده بود در صورت فعال شدن اسنپ‌ک و بازگشت تحریم‌ها، جمهوری اسلامی به سوی ساختن بمب اتم خواهد رفت!

دو طرف به یکدیگر نزدیکتر شده و «همدیگر را بهتر درک می‌کنیم!»

یک مقام آمریکایی نیز گفت: «توافق شد که مذاکرات برای بررسی و حل و فصل اختلافات فنی ادامه یابد... ما از نتیجه دلگرم هستیم و مشتاقانه منتظر نشست بعدی می‌مانیم که در آینده نزدیک برگزار خواهد شد.»

مقامات جمهوری اسلامی توافقی جدید را از یکسو به کاهش تنش‌های نظامی در منطقه و از سوی دیگر به لغو تحریم‌ها مشروط کرده‌اند اما به نظر می‌رسد با توجه به شروط آمریکا دستیابی به یک توافق احتمالی بسیار دشوار است. آمریکا علاوه بر برچیده شدن کامل فعالیت‌های اقی در ایران، خواستار انتقال حدود ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی به خارج از ایران و توقف ساخت موشک‌های بالستیک دوربرد شده است. شروطی که به گفته مقامات تهران «خلع سلاح» رژیم و زمینه‌سازی برای اجرای «مدل لیبی» است.

مذاکرات پیشرفت نداشته است

در هر صورت، در داخل ایران از نتیجه دور چهارم مذاکرات دو روایت کاملاً متفاوت نقل می‌شود. روزنامه اصولگرایی «وطن امروز» برخلاف مواضع عراقچی در گزارشی با اشاره به «رفتار طرف آمریکایی» می‌نویسد که «شائبه‌ها و تردیدهایی جدی درباره اراده و تمایل دولت ترامپ برای انجام توافق با ایران وجود دارد» و «آمریکایی‌ها خواستار توقف همه فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شده‌اند» که اراده جدی آمریکا را برای توافق با ایران زیر سوال می‌برد.

این روزنامه تأکید کرده، در «تمام چهار دور گفتگوها صرفاً یک روایت ثابت با کلمات ثابت درباره محتوای مذاکرات مطرح شده» و «مذاکرات در شرایطی است که نه نشانه‌ای از پیشرفت آن وجود دارد و نه اراده‌ای از سوی طرف آمریکایی برای توافق دیده می‌شود ولی شاید تمایلی هم ندارند این مذاکرات فعلاً به شکست منتهی شود.»

اما در نقطه مقابل، حسین مرعشی دبیرکل حزب «کارگزاران سازندگی» که به شدت مشتاق معامله با ترامپ هستند، در سرمقاله روزنامه «سازندگی» ادعا کرد «بر اساس

● در داخل ایران از نتیجه دور چهارم مذاکرات دو روایت کاملاً متفاوت نقل می‌شود. روزنامه اصولگرایی «وطن امروز» برخلاف مواضع عراقچی در گزارشی با اشاره به «رفتار طرف آمریکایی» می‌نویسد که «شائبه‌ها و تردیدهایی جدی درباره اراده و تمایل دولت ترامپ برای انجام توافق با ایران وجود دارد» و «آمریکایی‌ها خواستار توقف همه فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شده‌اند» که اراده جدی آمریکا را برای توافق با ایران زیر سوال می‌برد.

● اما حسین مرعشی دبیرکل حزب «کارگزاران سازندگی» که به شدت مشتاق معامله با ترامپ هستند، در سرمقاله روزنامه «سازندگی» ادعا کرد «بر اساس آنچه که از مذاکرات اخیر به گوش می‌رسد، توافقاتی که در حال شکل‌گیری است می‌تواند نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا باشد.»

● در حالی که عباس عراقچی مدعی شده که بر سر دور بعدی مذاکرات توافق شده است. اما همزمان بدر البوسعیدی میانجی عمانی در «ایکس» نوشته است که دور پنجم این مذاکرات پس از آن برگزار خواهد شد که «دو طرف با رهبران خود مشورت کنند.»

● یک روز بعد از چهارمین گفتگو در مسقط، عباس عراقچی روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت در «ایکس» خطاب به اروپایی‌ها هشدار داد: «هرگونه سوء استفاده از ساز و کار اسنپ‌ک پیامدهایی به دنبال خواهد داشت و نه تنها پایان نقش اروپا در این توافق را رقم خواهد زد، بلکه ممکن است به تشدید تنش‌هایی منجر شود که بازگشتی برای آنها متصور نیست.»

چهارمین گفتگوی نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در حالی در مسقط برگزار شد که استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ پیش از سفر به عمان در یک مصاحبه گفته بود باید تمام برنامه‌های غنی‌سازی در ایران از جمله تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان برچیده شود.

هرچند مشخص نیست بطور دقیق در مذاکرات یکشنبه ۲۱ اردیبهشت چه گذشت اما مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند گفتگوها «پیچیده اما مثبت و رو به جلو» بود. عباس عراقچی وزیر خارجه حتا ادعا کرد: «مواضع



کنفرانس خبری وزرای خارجه اسرائیل و آلمان در اورشلیم

وزیر خارجه اسرائیل در دیدار با وزیر خارجه آلمان «جمهوری اسلامی خطرناکترین رژیم جهان است»؛ نتانیاهو: رابطه من و پرزیدنت ترامپ عالی است

داد که اسرائیل پس از این هشدار بندر الحدیده را هدف حمله قرار داده است. اما منابع نظامی اسرائیلی اعلام کردند که تا شب یکشنبه هیچ حمله‌ای انجام نشده است. رسانه‌های حوثی نیز گزارشی از حمله منتشر نکرده‌اند. اسرائیل پیش از این در هفته گذشته دو بار مواضع حوثی‌ها را به شدت بمباران کرد.

حوثی‌ها روز جمعه ۱۹ اردیبهشت بار دیگر یک موشک بالستیک به اسرائیل پرتاب کردند. این حمله سه روز پس از توقف حملات آمریکا به حوثی‌ها انجام شد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا مدعی شد که حوثی‌ها تسلیم شده‌اند و توافق شده که حمله به کشتی‌های تجاری را متوقف کنند. با اینهمه پس از این اظهارات ترامپ، فرماندهان شبه‌نظامیان حوثی اعلام کردند این توافق شامل اسرائیل نمی‌شود.

طی روزهای منتهی به چهارمین گفتگو میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا درباره برنامه اتمی، برخی منابع از اختلاف میان بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل با دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا بر سر خاورمیانه گزارش داده و از جمله رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی به مانور تبلیغاتی در این زمینه پرداختند. در همین ارتباط «ان‌بی‌سی نیوز» به نقل از مقامات و دیپلمات‌های آمریکایی گزارش داد اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو بر سر چالش‌های مربوط به غزه و ایران در حال افزایش است. اما نتانیاهو روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت در یک پیام ویدیویی با اشاره به این موضوع که این «حرف بی‌اساس» را از رسانه‌ها شنیده است اعلام کرد: «نه من این حرف را زدم نه ترامپ و نه سخنگوی کاخ سفید! رابطه من و پرزیدنت ترامپ عالی است و در همه مسائل هم‌نظر هستیم.»

استیو ویتکاف نماینده ترامپ در امور خاورمیانه و مذاکره‌کننده ارشد اتمی نیز خبر مربوط به اختلاف ترامپ و نتانیاهو را «مضحک» خواند و گفت که فکر نمی‌کند تفاوت زیادی بین مواضع سیاست خارجی رهبران دو کشور وجود داشته باشد.

شد که وزیر خارجه آلمان برای دیدار با مقامات اسرائیلی به اورشلیم سفر کرده بود. گزارش شد که از محورهای اصلی گفتگوی آنها مسئله غزه، آزادی گروگان‌ها و تهدیدات جمهوری اسلامی بود.

سعار گفت: «جمهوری اسلامی خطرناکترین رژیم جهان است. نباید اجازه داد خطرناکترین رژیم جهان به خطرناکترین سلاح دست یابد. تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جمهوری اسلامی باید برچیده شود. باید از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کرد.»

یوهان وادفول نیز عنوان کرد، «من باور ندارم که بتوان از طریق راه حل نظامی، این درگیری را بطور دائم خاتمه داد. با این حال، خلع سلاح حماس و پایان دادن به کنترل نظامی این گروه بر غزه، ضرورتی فوری است.»

وزیر خارجه جدید آلمان که پس از تشکیل دولت جدید از اول ماه مه جانشین آنالنا بربوک (حزب سبزها) شده و از حزب اتحاد دموکرات مسیحی این کشور است افزود که آلمان برای تأمین امنیت اسرائیل هر اقدامی که ضروری باشد انجام خواهد داد، اما این بدان معنا نیست که برلین نمی‌تواند از اسرائیل انتقاد کند.

وزیر خارجه آلمان در عین حال تأکید کرد انتقادات از اسرائیل «نباید به یهودستیزی منجر شود».

هشدار تخلیه برای سه ساکنان سه بندر در یمن

ساعاتی پس از این دیدار، سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد، «با توجه به استفاده حوثی‌ها از بندر دریایی برای فعالیت‌های تروریستی خود، از همه افراد حاضر در این بندر می‌خواهیم که تا اطلاع ثانوی برای حفظ امنیت خود، آنها را تخلیه کرده و از آنها دوری کنند.»

برخی منابع گزارش دادند اهدافی در بندر الحدیده هدف حمله قرار گرفت اما گزارش دقیقی از این عملیات منتشر نشده است. این عملیات به تلافی ادامه حمله موشکی حوثی‌ها علیه اسرائیل انجام گرفت.

خبرگزاری رویترز به نقل از وزارت کشور حوثی‌ها گزارش

● گیدئون سعار وزیر خارجه اسرائیل و یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان یکشنبه ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) در اورشلیم دیدار کردند. ساعاتی بعد اسرائیل برای ساکنان سه بندر رأس عیسی، الحدیده و الصلیف هشدار تخلیه صادر کرد.

● سعار گفت: «جمهوری اسلامی خطرناکترین رژیم جهان است. نباید اجازه داد خطرناکترین رژیم جهان به خطرناکترین سلاح دست یابد. تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جمهوری اسلامی باید برچیده شود. باید از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کرد.»

● یوهان وادفول نیز عنوان کرد، «آلمان برای تأمین امنیت اسرائیل هر اقدامی که ضروری باشد انجام خواهد داد.»

● ساعاتی پس از این دیدار سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد، «با توجه به استفاده حوثی‌ها از بندر دریایی برای فعالیت‌های تروریستی خود، از همه افراد حاضر در این بندر می‌خواهیم که تا اطلاع ثانوی برای حفظ امنیت خود، آنها را تخلیه کرده و از آنها دوری کنند.»

● همزمان برخی منابع از اختلاف میان بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل با دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا بر سر خاورمیانه گزارش داده و از جمله رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی به مانور تبلیغاتی در این زمینه پرداختند. اما نتانیاهو روز یکشنبه در یک پیام ویدیویی با اشاره به این موضوع که این «حرف بی‌اساس» را از رسانه‌ها شنیده است اعلام کرد: «نه من این حرف را زدم نه ترامپ و نه سخنگوی کاخ سفید! رابطه من و پرزیدنت ترامپ عالی است و در همه مسائل هم‌نظر هستیم.» استیو ویتکاف نیز این «خبر» را «مضحک» خواند.

گیدئون سعار وزیر خارجه اسرائیل و یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان یکشنبه ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) در اورشلیم دیدار کردند. ساعاتی بعد اسرائیل برای ساکنان سه بندر رأس عیسی، الحدیده و الصلیف هشدار تخلیه صادر کرد. هشدار تخلیه برای ساکنان سه بندر یمن، در حالی صادر

ادعای عجیب عراقچی در واکنش به سخنان رئیس جمهور ایالات متحده: آمریکا عامل مشکلات اقتصادی ایران و خواهان یک نظام غیرمستقل است!



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی

● سخنان دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده در ریاض درباره «دزدی‌ها و فساد رهبران جمهوری اسلامی» و تبدیل شدن ایران پس از «۱۹۷۹» به یک ویرانه تحت حاکمیت مافیای فاسد رهبری رژیم، با واکنش و ادعای عجیب وزیر خارجه جمهوری اسلامی روبرو شد.

● عباس عراقچی روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در حاشیه جلسه هیأت دولت به خبرنگاران در ادعایی غیرواقعی که نه با روند زندگی در ایران پس از ۵۷ و نه با نظرات و زندگی مردم در این روزها مطابقت دارد، گفت: «متأسفانه دیدگاه فریبکارانه‌ای از سوی ترامپ مطرح شد. مردم ایران مسیر داشتن کشوری آزاد، مستقل، مردمسالار و پیشرفته را انتخاب کرده‌اند، ولی آمریکا با فشارها، تحریم‌ها و تهدیدات نظامی مانع پیشرفت کشور ما شده است!»

سخنان دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده در ریاض درباره «دزدی‌ها و فساد رهبران جمهوری اسلامی» و تبدیل شدن ایران پس از «۱۹۷۹» به یک ویرانه تحت حاکمیت مافیای فاسد رهبری رژیم، با واکنش و ادعای عجیب وزیر خارجه جمهوری اسلامی روبرو شد.

عباس عراقچی روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در حاشیه جلسه هیأت دولت به خبرنگاران در ادعایی غیرواقعی که نه با روند زندگی در ایران پس از ۵۷ و نه با نظرات و زندگی مردم در این روزها مطابقت دارد، گفت: «متأسفانه دیدگاه فریبکارانه‌ای از سوی ترامپ مطرح شد. مردم ایران مسیر داشتن کشوری آزاد، مستقل، مردمسالار و پیشرفته را انتخاب کرده‌اند، ولی آمریکا با فشارها،

مقیم بریتانیا هستند که ممکن است در زمینه تدارکات، پشتیبانی و برنامه‌ریزی این عملیات مشارکت داشته باشند.» وبسایت «نشنال» همچنین نوشته است که این گروه از مدت‌ها پیش زیر رصد و پیگرد و مراقبت سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا قرار داشته که هدف از آن، شناسایی الگوهای فعالیت، ارتباطات و مأموریت‌های احتمالی آنها بوده است.

یگان ۸۴۰ یکی از شاخه‌های مخفی نیروی قدس سپاه پاسداران محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر در چندین کشور اروپایی، از جمله آلمان، فرانسه، ترکیه و قبرس نیز متهم به برنامه‌ریزی یا اجرای عملیات‌های مشابه شده است. برخی منابع اطلاعاتی غربی، این یگان را بازوی اجرایی ترورهای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. در ماه‌های اخیر، مقامات بریتانیایی چندین بار نسبت به

وبسای وبسایت خبری «نشنال»: ایرانی‌های بازداشت‌شده در بریتانیا اعضای «یگان ۸۴۰» سپاه پاسداران هستند



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در راهپیمایی حکومتی «روز قدس» / عکس: رویترز

افزایش تهدیدهای امنیتی از سوی عوامل جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند. وزارت کشور بریتانیا نیز در گزارش‌هایی اشاره کرده که تهدیدهای رژیم ایران نه تنها متوجه مخالفان جمهوری اسلامی در تبعید، بلکه گاهی نهادهای دیپلماتیک کشورهای دیگر نیز مورد نظر بوده است.

پلیس ضدتروریسم بریتانیا اخیراً هشت مرد، از جمله شش تبعه ایرانی را به اتهام برنامه‌ریزی برای انجام یک حمله تروریستی بازداشت کرد.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در ارتباط با بازداشت چند تبعه ایرانی به اتهام اقدامات تروریستی در چند شهر انگلیس، به نقل از منابع مطلع از درون حکومت ایران، نوشت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی این افراد توطئه حمله به سفارت اسرائیل را طراحی کرده بود تا مذاکرات با آمریکا را بر هم بزند.

این روزنامه به نقل از منابعی در داخل جمهوری اسلامی نوشت که یک جناح تندرو در سپاه پاسداران مسئول تأیید حمله به سفارت اسرائیل در مرکز لندن بوده است.

«تلگراف» به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی گزارش داد که تحقیقاتی در داخل سپاه پاسداران آغاز شده، زیرا نگرانی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه بخشی از این نهاد از کنترل خارج شده باشد. وی این حمله را با هدف به شکست کشاندن مذاکرات میان تهران و واشنگتن تأیید کرده است.

بر اساس اطلاعات دریافتی، این توطئه شامل حمله مسلحانه به سفارت اسرائیل در منطقه کنزینگتون لندن بوده است؛ ساختمانی که فاصله اندکی با کاخ کنزینگتون دارد.

● وبسایت خبری «نشنال» در گزارشی اعلام کرد که چند شهروند ایرانی که اخیراً توسط نهادهای امنیتی بریتانیا به اتهام تلاش برای انجام عملیات تروریستی علیه سفارت اسرائیل در لندن بازداشت شده‌اند، از اعضای «یگان ۸۴۰» نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند.

● یک منبع امنیتی بریتانیایی گفته است که این افراد احتمالاً با پوشش مهاجر و از طریق مسیر قاچاق انسان و قایق‌های مهاجران، وارد خاک بریتانیا شده‌اند. این منبع افزوده است: «کارآگاهان و افسران اطلاعاتی در حال بررسی شبکه‌ای گسترده‌تر از افراد ایرانی مقیم بریتانیا هستند که ممکن است در زمینه تدارکات، پشتیبانی و برنامه‌ریزی این عملیات مشارکت داشته‌اند.»

وبسایت خبری «نشنال» در گزارشی اعلام کرد که چند شهروند ایرانی که اخیراً توسط نهادهای امنیتی بریتانیا به اتهام تلاش برای انجام عملیات تروریستی علیه سفارت اسرائیل در لندن بازداشت شده‌اند، از اعضای «یگان ۸۴۰» نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند؛ واحدی مخفی که مأموریت آن اجرای عملیات برون‌مرزی از جمله ترور، خرابکاری و آدم‌ربایی در خارج از ایران است.

بر اساس این گزارش که جمعه نهم ماه مه ۲۰۲۵ (۱۹ اردیبهشت‌ماه) منتشر شده، یک منبع امنیتی بریتانیایی گفته است که این افراد احتمالاً با پوشش مهاجر و از طریق مسیر قاچاق انسان و قایق‌های مهاجران، وارد خاک بریتانیا شده‌اند. این منبع افزوده است: «کارآگاهان و افسران اطلاعاتی در حال بررسی شبکه‌ای گسترده‌تر از افراد ایرانی

اکنون تضمین شده است.

در عوض، حوثی‌ها نیز آزادی خود را برای شلیک موشک از یمن به سمت فرودگاه بین‌المللی بن گوریون حفظ کرده‌اند. اینکه فرودگاه ویران شده صنعا و اسکله هم‌اران شده الحیدیه مانع از برگزاری رژه‌های پیروزی پر زرق و برق توسط حوثی‌ها و حامیان‌شان نشد، خود گویاست و البته که حق هم دارند. آنها نه تنها آمریکا را مجبور به تسلیم کردند، بلکه واشنگتن را وادار به چشم‌پوشی از [امنیت] اسرائیل نمودند. در بخش دیگری از این مقاله آمده، «همیشه می‌توان امیدوار بود یا خیال‌پردازی کرد که واشنگتن و اورشلیم هماهنگ‌تر از چیزی هستند که به چشم می‌آید. آمریکا حملاتش را در یمن در نقطه‌ای استراتژیک و از دیدگاه خودش خاتمه می‌دهد تا تمرکز سیاسی و منابع نظامی‌اش را بر مأموریت واقعاً مهم‌تر که مقابله با رژیم ایران است

اسرائیل هیوم: توافق ترامپ و حوثی‌ها، فرصت به اسرائیل برای هدف قرار دادن رژیم ایران است



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و همکارانش عملیات هوایی در یمن را زیر نظر دارند

متمرکز کند.»

در این خیال‌پردازی، اسرائیل به نوبه خود «خوشتنداری» می‌کند تا به آمریکا کمک کند از طریق مجاری دیپلماتیک زمان و مشروعیت برای اقدامات احتمالی خود بخرد. طبق این دیدگاه، «دمدی‌مزاجی» منتسب به پریزدنت دونالد ترامپ، از جمله تغییرات پیاپی در کادر رهبری دولت، بخشی از ایجاد یک پرده دود برای پنهان کردن اهداف واقعی و مهره‌های بازی است.

اما هیچ امتیازی در دل بستن به این توهم وجود ندارد. معنای عملی عقب‌نشینی آمریکا در برابر حوثی‌ها این است که اسرائیل اکنون آزاد است اهدافی را در یمن مورد حمله قرار دهد. بسیار مهم‌تر از آن: اسرائیل باید بیش از هر زمان دیگری احساس آزادی برای اقدام علیه جمهوری اسلامی داشته باشد. در این زمینه، حق با بنی گانتز [رهبر مخالفان نتانیاهو] است. او در دو هفته گذشته مواضع سیاسی و استراتژیک روشنی اتخاذ کرده که سال‌ها بود از او نشنیده بودیم. او گفت: «مسئله بر سر یمن نیست، بلکه بر سر

[رژیم] ایران است.»

یک هفته پیش از این دونالد ترامپ مدعی شده بود: «حوثی‌ها تسلیم شده‌اند؛ می‌گویند دیگر کشتی‌ها را هدف قرار نخواهند داد. ما به این تصمیم احترام می‌گذاریم؛ هم‌اران‌ها را متوقف خواهیم کرد» اما کمتر از ۴۸ ساعت بعد از این اظهارات، حوثی‌ها بار دیگر به اسرائیل موشک پرتاب کردند. برخی از ناظران عنوان کردند که تصمیم ترامپ نشان می‌دهد در مورد خاورمیانه و موضوع ایران با بنیامین نتانیاهو اختلاف دارد.

● روزنامه «اسرائیل هیوم» در مقاله‌ای به انتقاد از رویکرد دونالد ترامپ در قبال تحولات یمن پرداخته و در نهایت تأکید کرده است که اسرائیل باید به صورت مستقل در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی وارد عمل شود.

● ایلهان اورکیبی تحلیلگر سیاسی در مقدمه این مقاله که ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ منتشر شده می‌نویسد توافق دولت ترامپ با حوثی‌ها در ظاهر شبیه به زیر گرفتن اسرائیل با یک مینی‌بوس است. آمریکا منافع اقتصادی‌اش را تأمین کرده و آزادی کشتیرانی برای کشتی‌های تجاری در باب‌المنند اکنون تضمین شده است.

● وی می‌نویسد: «همیشه می‌توان امیدوار بود یا خیال‌پردازی کرد که واشنگتن و اورشلیم هماهنگ‌تر از چیزی هستند که به چشم می‌آید. آمریکا حملاتش را در یمن در نقطه‌ای استراتژیک و از دیدگاه منافع خودش خاتمه می‌دهد تا تمرکز سیاسی و منابع نظامی‌اش را بر مأموریت واقعاً مهم‌تر که مقابله با رژیم ایران است متمرکز کند.»

روزنامه «اسرائیل هیوم» در مقاله‌ای به انتقاد از رویکرد دونالد ترامپ در قبال تحولات یمن پرداخته و در نهایت تأکید کرده است که اسرائیل باید به صورت مستقل در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی وارد عمل شود.

ایلهان اورکیبی تحلیلگر سیاسی در مقدمه این مقاله که ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ منتشر شده می‌نویسد توافق دولت ترامپ با حوثی‌ها در ظاهر شبیه به زیر گرفتن اسرائیل با یک مینی‌بوس است. آمریکا منافع اقتصادی‌اش را تأمین کرده و آزادی کشتیرانی برای کشتی‌های تجاری در باب‌المنند

→ تحریم‌ها و تهدیدات نظامی مانع پیشرفت کشور ما شده است! آمریکا عامل مشکلات اقتصادی است و خواهان یک نظام غیرمستقل است که این با خواست ملت ایران متفاوت است!»

رئیس جمهوری آمریکا روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ در «نشست سرمایه‌گذاری عربستان- آمریکا» با انتقاد از رویکرد خصمانه و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خاورمیانه با اشاره به وضعیت ایران پس از وقوع انقلاب ۵۷ و سال «۱۹۷۹» گفت، «در حالی که شما بیابان‌های خشک را به زمین‌های حاصلخیز تبدیل کرده‌اید، رهبران ایران زمین‌های سرسبز و کشاورزی را به بیابان تبدیل کرده‌اند، مافیای فاسد آب باعث خشکسالی، خشک‌شدن رودخانه‌ها و بی‌آبی مردم ایران شده‌اند، در حالی که آنها خودشان ثروتمند می‌شوند، اما چیزی نصیب مردم نمی‌شود.»

این سخنان رئیس جمهور آمریکا کاملاً منطبق بر واقعیت‌های ایران است اما عباس عراقچی که هم در ایران زندگی می‌کند و هم چند دهه است در مقامات مختلف مسئولیت‌های متعددی بر عهده داشته و از این لحاظ می‌بایست بیشتر از مقامات خارجی نسبت به وضعیت کشور اطلاع و آگاهی داشته باشد، با نادیده گرفتن ۴۶ سال بی‌کفایتی و غارت منافع ملی ایران تحت حاکمیت رژیمی که وی وزیر خارجه آن است، مدعی شد: «یکی از دلایل مشکلات اقتصادی ملت ایران، آمریکا بوده است زیرا آنها خواستار یک نظام حکومتی وابسته و حرف‌گوش‌کن بوده‌اند و این با عزت ملت ایران در تناقض است!»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی مانند دیگر مقامات رژیم به صحرای کربلا نیز زد و افزود، ترامپ «سعی می‌کند ایران را عامل ناامنی معرفی کند در حالی که باید گفت چه کسی ۶۰ هزار نفر را در غزه کشته است؟ آیا ما عامل ناامنی هستیم؟ طرف مقابل بداند که سیاست فشار حداکثری قبلاً شکست خورده است.» این در حالیست که گروه تروریستی حماس که مورد حمایت مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی قرار دارد، با ارتکاب فاجعه‌ی هفتم اکتبر ۲۰۲۳ مسبب آغاز جنگ غزه شد.

عراقچی در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره روند مذاکره با آمریکا نیز گفت: «منتظر اعلام زمان و مکان دور بعدی مذاکرات از سوی مقامات عمان هستیم؛ رویکرد ما پیگیری مذاکره است.»

وی همچنین تأکید کرد: «بسیار علاقمند هستیم که یک تفاهم منطقه‌ای نسبت به این مذاکرات و نسبت به یک توافق احتمالی به وجود بیاید که منجر بشود به افزایش امنیت و افزایش به اصطلاح درک منطقه‌ای بین ایران و کشورهای منطقه بدون دخالت هیچ کشور خارجی.»

سخنرانی ترامپ به ویژه در میان کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی با واکنش گسترده همراه شد. بسیاری می‌گویند ترامپ با این حرف‌ها علی‌خامنه‌ای و جمهوری اسلامی را تحقیر کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با سخنان رئیس جمهوری آمریکا در «ایکس» نوشت: «پریزدنت ترامپ درست می‌گوید. این رژیم، ایران و خاورمیانه را گروگان گرفته است. ایرانیان برای آینده‌ی روشنی که او از آن صحبت می‌کند، می‌جنگند. تنها مانع بین آنها و آن آینده، جمهوری اسلامی است. وقتی این رژیم از بین برود، صلح پایدار به منطقه‌ی ما خواهد آمد.»

برخی از کاربران نیز عنوان کرده‌اند که اگر ترامپ همه این واقعیت‌ها و شرایط جمهوری اسلامی و وضعیت ایران را می‌داند، پس چرا به دنبال معامله و توافق با رهبران دزد رژیم است؟!

تجربه دیپلماتیک، به عنوان فرستاده ویژه ترامپ برای این مذاکرات است. این انتخاب، که ریشه در روابط شخصی ویتکاف با رئیس جمهور دارد، به مسکو و تهران فرصتی طلایی داده تا با ارسال پیام‌های گمراه‌کننده و بهره‌گیری از بی‌تجربگی او، مذاکرات را به نفع خود هدایت کنند. ایگور دسیاتنیکوف نویسنده این مقاله تحلیل هشدار می‌دهد که این تصمیم، دیپلماسی آمریکا را به ابزاری در دست رقبا تبدیل کرده است.

دسیاتنیکوف استراتژیست سیاست کلان بین‌المللی و مسائل ژئوپلیتیک ساکن آمریکاست و در حال تکمیل تحصیلات عالی و تکمیلی خود در رشته علوم سیاسی و امنیت بین‌الملل با تمرکز بر جهان پس از اتحاد شوروی در دانشگاه هاروارد است و با «ژئوپلیتیکال مانیتور» نیز در زمینه سیاست خارجی و مسائل امنیتی همکاری می‌کند. او در پایان تحلیل خود استدلال می‌کند که افتادن در دام «توهم توافق» تبعاتی فراتر از اوکراین و برنامه هسته‌ای ایران خواهد داشت. مشروعیت بخشیدن به الحاق اراضی اوکراین به روسیه، تشدید رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه، تضعیف اتحادهای غربی مانند ناتو، و ارسال سیگنال ضعف به قدرتهای تجدیدنظرطلب مانند چین، تنها بخشی از پیامدهای این مسیر خطرناک هستند. چنین نتایجی نه تنها اعتبار آمریکا را خدشه‌دار می‌کنند، بلکه نظم بین‌المللی مبتنی بر نظام حقوقی موجود را نیز به مخاطره می‌اندازند.

تقویت اتحادها و هوشیاری در برابر فریب‌های دیپلماتیک استوار باشد.

در مقاله‌ای تحلیلی منتشرشده در وبسایت The Hill، نویسنده با بهره‌گیری از داده‌ها، روندهای تاریخی و تحلیل ژئوپلیتیک، به بررسی استراتژی هماهنگ و پیچیده‌ای میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد که هدف آن بهره‌برداری از تمایل رئیس جمهور دونالد ترامپ به کسب پیروزی‌های دیپلماتیک سریع در سال ۲۰۲۵ است. این مقاله استدلال می‌کند که مسکو و تهران، نه با هدف حل واقعی بحران‌ها، بلکه با طراحی نمایشی دیپلماتیک، به دنبال پیشبرد منافع ژئوپلیتیک خود و تضعیف جایگاه جهانی ایالات متحده هستند.

دونالد ترامپ با آغاز دومین دوره ریاست جمهوری‌اش، وعده‌های جسورانه‌ای مطرح کرد: پایان دادن به جنگ اوکراین «ظرف ۲۴ ساعت» و دستیابی به توافق هسته‌ای جدید با جمهوری اسلامی بجای برجام. این وعده‌ها، اگرچه برای هوادارانش جذاب بود، اما همانطور که مقاله تأکید می‌کند، نشان‌دهنده رویکردی معامله‌محور و ساده‌انگارانه به سیاست خارجی است. در این فضا، کرملین و تهران با درک دقیق از سبک شخصی ترامپ و اشتیاق او به موفقیت‌های رسانه‌ای، تله‌هایی دیپلماتیک طراحی کرده‌اند که ظاهری از پیشرفت دارند اما در باطن، منافع آمریکا را به خطر می‌اندازند. روسیه با سیگنال‌هایی مبنی بر آمادگی برای مذاکره

«محور توهم»: همکاری روسیه و جمهوری اسلامی برای فریب ترامپ

● در مقاله‌ای تحلیلی منتشرشده در وبسایت The Hill، نویسنده با بهره‌گیری از داده‌ها، روندهای تاریخی و تحلیل ژئوپلیتیک، به بررسی استراتژی هماهنگ و پیچیده‌ای میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد که هدف آن بهره‌برداری از تمایل رئیس جمهور دونالد ترامپ به کسب پیروزی‌های دیپلماتیک سریع در سال ۲۰۲۵ است.
● روسیه با سیگنال‌هایی مبنی بر آمادگی برای مذاکره



در جمع‌بندی تحلیلی که The Hill منتشر کرده، این هشدار استراتژیک ارائه می‌شود: در جهانی پیچیده و پرآشوب، دیپلماسی نمایشی و راهبردهای ساده‌انگارانه نه تنها به صلح منجر نمی‌شوند، بلکه آمریکا را به ابزاری در دست رقبای ژئوپلیتیک آن تبدیل می‌کنند. برای گریز از این دام، ایالات متحده نیازمند رویکردی واقع‌گرایانه است که بر دیپلماسی حرفه‌ای، حفظ فشار اقتصادی و نظامی، تقویت اتحادها و هوشیاری در برابر فریب‌های دیپلماتیک استوار باشد. تنها با چنین استراتژی‌ای می‌توان جایگاه جهانی آمریکا را حفظ کرد و از تبدیل پیروزی‌های ظاهری به شکست‌های استراتژیک جلوگیری نمود.

*منبع: The Hill

*ترجمه و تنظیم: دیوید اعتباری

در باره اوکراین، درواقع به دنبال خرید زمان برای بازسازی توان نظامی، تحکیم کنترل بر مناطق اشغالی و تضعیف عزم غرب است. در همین حال، رژیم حاکم بر ایران با اعلام آمادگی ظاهری برای گفتگوهای هسته‌ای، برنامه هسته‌ای خود را شتاب داده و نفوذ منطقه‌ای‌اش را از طریق نیروهای نیابتی مانند حزب‌الله و حوثی‌ها گسترش می‌دهد. مقاله با استناد به شواهد تاریخی یادآور می‌شود که این تاکتیک‌ها تازگی ندارند؛ از توافقات مینسک که به ابزاری برای فشار بر اوکراین تبدیل شد تا مذاکرات برجام که رژیم ایران از آن برای کسب امتیازات اقتصادی بدون توقف کامل فعالیت‌های هسته‌ای بهره برد، از این دست هستند.

یکی از نقاط ضعف کلیدی که مقاله به آن اشاره دارد، انتصاب استیو ویتکاف، یک تاجر املاک و مستغلات بدون

درباره اوکراین، درواقع به دنبال خرید زمان برای بازسازی توان نظامی، تحکیم کنترل بر مناطق اشغالی و تضعیف عزم غرب است. در همین حال، رژیم حاکم بر ایران با اعلام آمادگی ظاهری برای گفتگوهای هسته‌ای، برنامه هسته‌ای خود را شتاب داده و نفوذ منطقه‌ای‌اش را از طریق نیروهای نیابتی مانند حزب‌الله و حوثی‌ها گسترش می‌دهد.

● در جمع‌بندی تحلیلی که The Hill منتشر کرده، این هشدار استراتژیک ارائه می‌شود: در جهانی پیچیده و پرآشوب، دیپلماسی نمایشی و راهبردهای ساده‌انگارانه نه تنها به صلح منجر نمی‌شوند، بلکه آمریکا را به ابزاری در دست رقبای ژئوپلیتیک آن تبدیل می‌کنند. برای گریز از این دام، ایالات متحده نیازمند رویکردی واقع‌گرایانه است که بر دیپلماسی حرفه‌ای، حفظ فشار اقتصادی و نظامی،

در این زمینه منتشر نشده است.

زمینه مذاکرات هسته‌ای

مذاکرات فعلی با هدف محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران در ازای کاهش تحریم‌ها در حال انجام است. ایران در حال حاضر اورانیوم را تا سطح ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند که بسیار بالاتر از سقف ۳/۶۷ درصد تعیین‌شده در توافق سال ۲۰۱۵ است، اما هنوز به سطح ۹۰ درصدی مورد نیاز برای ساخت سلاح نرسیده است.

سه دور از این مذاکرات طی هفته‌های گذشته برگزار شده و از سوی هر دو طرف «مثبت» ارزیابی شده، اما دور چهارم بطور ناگهانی و بدون توضیح لغو شد.

در چرخشی معنادار، سپاه پاسداران نیز از تیم مذاکره‌کننده حمایت کرده است. رسول سناپی‌راد معاون سیاسی دفتر رهبری، اخیراً گفته بود: «سپاه از تیم مذاکره‌کننده با آمریکا حمایت می‌کند». این اظهارات در تضاد با موضع سنتی سپاه است که همواره مخالف گفتگو با آمریکا بوده است.

با این حال، برخی جناحین جمهوری اسلامی همچنان این مذاکرات را «خیانت» می‌دانند و آن را بی‌احترامی به خون قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه تلقی می‌کنند که در سال ۲۰۲۰ در حمله ارتش آمریکا کشته شد. محمدعلی ابطی معاون ریاست جمهوری اسلامی در دوران محمد خاتمی گفته بود: «هرچه مذاکرات بیشتر پیش

حمله به سفارت اسرائیل در مرکز لندن بوده است. تلگراف به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی گزارش داد که تحقیقاتی در داخل سپاه پاسداران آغاز شده، زیرا نگرانی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه بخشی از این نهاد از کنترل خارج شده و این حمله را با هدف به شکست کشاندن مذاکرات میان تهران و واشنگتن تأیید کرده است.

بر اساس اطلاعات دریافتی، این توطئه شامل حمله مسلحانه به سفارت اسرائیل در منطقه کنزینگتون لندن بوده است؛ ساختمانی که فاصله اندکی با کاخ کنزینگتون دارد. برخی منابع گزارش داده‌اند که چهار ایرانی، و به گفته برخی دیگر هفت ایرانی، در رابطه با این پرونده بازداشت شده‌اند و هم‌اکنون تحت بازجویی قرار دارند. یووت کوپر وزیر کشور بریتانیا اعلام کرد که این عملیات یکی از بزرگترین عملیات‌های ضدتروریستی و ضدجاسوسی در سال‌های اخیر بوده است.

در حالی که جمهوری اسلامی ایران رسماً هرگونه نقش در این حمله را رد کرده، برخی مقامات در تهران از آغاز تحقیقات داخلی در سپاه خبر داده‌اند تا مشخص شود آیا برخی نیروهای این نهاد به صورت خودسرانه دست به اقدام زده‌اند. یکی از مقامات ایرانی در اینباره گفته است: «همه اعضای سپاه با مذاکرات با آمریکا موافق نیستند و اکنون تحقیقات داخلی برای روشن‌شدن ابعاد بازداشت‌ها در جریان است.» او تأکید کرده که این حمله در سطح فرماندهی سپاه بررسی

روزنامه «تلگراف»:

سپاه پاسداران برای بهم زدن مذاکرات، حمله به سفارت اسرائیل در لندن را طراحی کرده بود

● روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در ارتباط با بازداشت چند تبعه ایرانی به اتهام اقدامات تروریستی در چند شهر انگلیس، به نقل از منابع مطلع از درون حکومت ایران، نوشت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی این افراد توطئه حمله به سفارت اسرائیل را طراحی کرده بود تا مذاکرات با آمریکا را بر هم بزند. ● این روزنامه به نقل از منابعی در داخل جمهوری



رژه بسیج و سپاه در خیابان‌های تهران در حمایت از آرمان‌های فلسطین

برود و نتایج آن مثبت‌تر شود، مخالفان بیشتری در هر دو طرف دست به کار خواهند شد و درست وسط میز مذاکره مین خواهند کاشت.»

موضع آمریکا

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در تازه‌ترین اظهارات خود اعلام کرد که به دنبال توافقی با ایران است که منجر به نابودی سانتریفیوژهای این کشور شود. او هشدار داد که اگر دیپلماسی شکست بخورد، گزینه نظامی همچنان روی میز خواهد بود.

او گفت: «خیلی ساده است. ما به دنبال توافقی کاملاً قابل‌راست‌آزمایی هستیم. فقط دو گزینه داریم: یا آنها را به خوبی نابود کنیم، یا به شدت.»

با تصویب نشده و هیچ عملیات رسمی‌ای از سوی مقامات عالی‌رتبه برنامه‌ریزی نشده است.

این مقام همچنین احتمال نقش داشتن متحدان منطقه‌ای ایران را نیز مطرح کرده و گفته است: «برخی از کشورهای منطقه از پیشرفت مذاکرات تهران و واشنگتن ناراضی هستند و ممکن است در این توطئه دست داشته باشند.»

وی ادامه داد: «می‌توانستند به منافع اسرائیل در هر جای منطقه حمله کنند، اما لندن را انتخاب کردند؛ یعنی قلب اروپا. این تنها راهی بود که می‌توانست مذاکرات را مختل کند. ما تقریباً مطمئنیم که این اقدام با هدف توقف گفتگوها صورت گرفته است.»

همچنین گمان می‌رود مهاجمان از طریق ارائه درخواست پناهندگی وارد بریتانیا شده باشند، اما هنوز جزئیات دقیقی

اسلامی نوشت که یک جناح تندرو در سپاه پاسداران مسئول تأیید حمله به سفارت اسرائیل در مرکز لندن بوده است.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در ارتباط با بازداشت چند تبعه ایرانی به اتهام اقدامات تروریستی در چند شهر انگلیس، به نقل از منابع مطلع از درون حکومت ایران، نوشت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی این افراد توطئه حمله به سفارت اسرائیل را طراحی کرده بود تا مذاکرات با آمریکا را بر هم بزند.

این حمله «قریب‌الوقوع» از سازمان اطلاعات داخلی بریتانیا (MI-5) و پلیس ضد تروریسم خنثی شد.

این روزنامه به نقل از منابعی در داخل جمهوری اسلامی نوشت که یک جناح تندرو در سپاه پاسداران مسئول تأیید

پاپ جدید در اولین سخنرانی اش از «صلح» و «پل» بجای «دیوار» و «جنگ» گفت



رابرت فرانسیس پرووست ملقب به «لئو چهاردهم» / ۸ ماه مه ۲۰۲۵ / رویترز

او را در رسانه‌های اجتماعی، «ضد ترامپ»، «حامی مرزهای باز» و فردی «مارکسیست مانند فرانسیس» و «بازیچه‌ای در دست مارکسیست‌ها» خواند.

هواداران دونالد ترامپ در رابطه با انتخاب یک کاردینال آمریکایی به عنوان پاپ جدید دو نوع واکنش تا کنون از خود نشان داده‌اند. بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده نظراتی کم و بیش شبیه لورا لومر بیان داشته‌اند، ولی برخی دیگر انتخاب یک آمریکایی را به عنوان رهبر کلیسای کاتولیک نشان قدرتمندی و تاثیرگذاری دونالد ترامپ می‌دانند. برخی از کارشناسان واتیکان نیز از تاثیر دونالد ترامپ بر انتخاب کاردینال‌ها می‌گویند ولی از دیدگاهی متفاوت، به گفته این کارشناسان، دقیقاً برای مقابله با دونالد ترامپ و نظرات او یک آمریکایی به عنوان پاپ برگزیده شده است. پاپی که به گفته همین کارشناسان، در اولین سخنرانی اش چند بار از لزوم ساخت «پل» بین مردمان جهان صحبت کرد، در حالی که دونالد ترامپ صحبت از کشیدن «دیوار» در مرزها و انزوای آمریکا از بقیه جهان می‌کند. همین کارشناسان چنین تفسیر کرده‌اند که دقیقاً برای همین خط‌کشی با سیاست‌های دولت کنونی آمریکا، پاپ جدید در اولین سخنرانی اش به ایتالیایی و اسپانیایی صحبت کرد و کلمه‌ای به زبان انگلیسی نگفت.

پاپ جدید در اولین سخنرانی اش نه تنها اشاراتی به ادامه راهی که پاپ فرانسیس رفته داشت، بلکه در چند مورد از لزوم صلح صحبت کرد. جمله او مبنی برای دستیابی به «صلح غیرمسلح» و «صلحی که بتواند خلع سلاح کند»، بیش از دیگر نکاتی که در این سخنرانی بود مورد توجه بیش از ۵۰۰ رسانه‌ای که مستقیم مراسم انتخاب رهبر جدید کلیسای کاتولیک را پوشش می‌دادند قرار گرفت. این جمله در زمانی که شعله‌های جنگ غزه را در آتش می‌سوزاند، هند و پاکستان بار دیگر به درگیری مسلحانه کشانده شده‌اند، و جنگ روسیه که همچنان علیه اوکراین ادامه دارد، با توجه به نفوذ جهانی کلیسای کاتولیک نه تنها بین یک میلیارد و نیم پیروان این مذهب بلکه حتی در بین پیروان دیگر ادیان و دولت‌های شرق، غرب و پنج قاره، می‌تواند اهمیت ویژه‌ای پیدا کند.

کاتولیک را عهده‌دار بود، اولین پاپی است که رساله یا بخشنامه‌ای در سال ۱۷۸۹ در رابطه با کارگران و زحمتکشان و لزوم حمایت کلیسا از آنها نوشت. انتخاب لقب «لئو چهاردهم» از سوی رابرت فرانسیس پرووست حکایت از حمایت و توجه او به افشار زحمتکش دارد.

فعالیت‌های او در سال‌های اخیر به عنوان اسقف و سپس کاردینال نیز بیانگر توجه ویژه او به وضعیت مهاجرین است. در همین رابطه وی بارها از سیاست‌های دونالد ترامپ، چه در دوران کنونی و چه در دوره ریاست جمهوری نخست وی انتقاد کرده و به همین دلیل انتخاب او به عنوان اولین پاپ آمریکایی از همان لحظه اول، گذشته از تبریک رسمی دونالد ترامپ و معاونش جی دی وانس و وزارت خارجه ایالات متحده، انتقادهای تندی به دنبال داشته است. پیام‌های او در رسانه‌های اجتماعی در ارتباط با سیاست‌های دولت کنونی آمریکا به ویژه در مورد مهاجرین و بستن مرزها کم نیستند. او به عنوان کاردینال در یکی از آخرین نوشته‌هایش در شبکه «ایکس» معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا را به شدت مورد انتقاد قرار داده بود. جی‌دی وانس در مصاحبه‌ای توجه به دیگران را طبقه‌بندی کرده و گفته بود خانواده، نزدیکان، اطرافیان و هم‌میهنان در اولویت قرار دارند و در نهایت می‌توان به فکر دیگران هم بود. رابرت فرانسیس پرووست در «ایکس» خطاب به معاون دونالد ترامپ با ذکر نام او نوشته بود «شما اشتباه می‌کنید، حضرت عیسی از ما نخواست است عشق خود را نسبت به دیگران طبقه‌بندی کنیم.»

تیموتی برولیو رئیس کنفرانس اسقف‌های آمریکا بلافاصله پس از انتخاب رابرت فرانسیس پرووست به عنوان پاپ جدید گفت: «اختلاف در دیدگاه‌های کلیسای کاتولیک با دونالد ترامپ وجود دارند و ادامه خواهند داشت و فکر نکنم در رابطه با مقولاتی چون مهاجرت و یا کمک‌های بین‌المللی با یک پاپ آمریکایی در رم این اختلافات حل شوند. تغییر باید در کاخ سفید انجام گیرد». دقیقاً در همین رابطه کسانی چون لورا لومر از حامیان پرنفوذ و سرسخت دونالد ترامپ که از چهره‌های جنجالی شبکه‌های اجتماعی است، بلافاصله پس از آنکه نام پاپ جدید از بالکن میدان سن پیترو اعلام شد،

● کاردینال رابرت فرانسیس پرووست با نام لئو چهاردهم به عنوان رهبر جدید کلیسای کاتولیک و اولین پاپ از ایالات متحده آمریکا انتخاب شد.

● پاپ‌ها بلافاصله پس از انتخاب برای خود لقبی انتخاب می‌کنند. این انتخاب نوعی اعلام موضع نیز به شمار می‌رود. لئو سیزدهم اولین پاپی بود که در رساله‌ای به کارگران و زحمتکشان و لزوم حمایت کلیسا از آنها پرداخت. انتخاب نام لئو چهاردهم از سوی رابرت فرانسیس پرووست حکایت از توجه او به افشار زحمتکش دارد.

● فعالیت‌های او در سال‌های اخیر به عنوان اسقف و سپس کاردینال نیز حکایت از توجه ویژه به وضعیت مهاجرین دارد. در همین رابطه بارها از سیاست‌های دونالد ترامپ، چه در دوران کنونی و چه در دوره نخست ریاست جمهوری وی انتقاد کرده است.

● لورا لومر از حامیان پرنفوذ دونالد ترامپ و از چهره‌های جنجالی شبکه‌های اجتماعی، در توتیتی بلافاصله پس از آنکه نام پاپ جدید از بالکن میدان سن پیترو اعلام شد او را «ضد ترامپ»، «حامی مرزهای باز» و فردی «مارکسیست مانند فرانسیس» خواند.

● یکی از جملات کلیدی اولین سخنرانی پاپ جدید اشاره به «صلح غیرمسلح» و «صلحی که بتواند خلع سلاح کند» بود که بیش از دیگر نکات مورد توجه بیش از ۵۰۰ رسانه‌ای که مستقیم مراسم انتخاب رهبر جدید کلیسای کاتولیک را پوشش می‌دادند قرار گرفت.

احمد رأفت - رابرت فرانسیس پرووست با لقب «لئو چهاردهم» رهبر جدید کلیسای کاتولیک است. او دومین پاپ از قاره آمریکا، پس از خورخه ماریو برگولیو آرژانتینی، و اولین رهبر کلیسای کاتولیک از ایالات متحده آمریکا است. این روحانی ۶۹ ساله که در شیکاگو در خانواده‌ای مهاجر با پدری فرانسوی- ایتالیایی و مادری اسپانیایی‌تبار متولد شده و بیش از دو دهه در پرو زندگی و فعالیت مذهبی داشته است. پاپ لئو چهاردهم به محفل پیروان قدیس آگوستین یکی از تاثیرگذارترین فیلسوفان کلیسای کاتولیک در قرن پنجم پس از میلاد مسیح تعلق دارد. قدیس آگوستین متولد عنابه در الجزایر امروزی است. پاپ جدید در دانشگاه فیلالدفیا در رشته فلسفه و سپس ریاضی تحصیل کرده است.

پاپ جدید در دومین روز اجلاس مجمع کاردینال‌ها در نمازخانه سیستین در واتیکان و در دور چهارم رای‌گیری انتخاب شد. نام او در روزهای قبل به عنوان یکی از کاندیداهای جانشینی فرانسیس اول مطرح نبود و گفته می‌شود تنها پس از سه رای‌گیری اول به عنوان کاندیدای توافقی جناح‌های مترقی و محافظه‌کار در دستور کار قرار گرفت. این پاپ ضمن اینکه با بسیاری از نظرات و سیاست‌های پاپ قبلی به ویژه در زمینه محیط زیست، مهاجرت و حمایت و توجه به افشار حاشیه‌ای توافق دارد، با برخی دیگر از نظرات پاپ فرانسیس در رابطه با نقش محوری خانواده سنتی و یا رابطه کلیسای کاتولیک با جامعه ال‌جی‌بی‌تی پلاس موافق نیست و نگاهی محافظه‌کارانه دارد.

پاپ‌ها بلافاصله پس از انتخاب از سوی مجمع کاردینال‌ها برای خود نامی را انتخاب می‌کنند. این انتخاب نوعی اعلام موضع نیز به شمار می‌رود و حکایت از سیاست و فلسفه‌ای دارد که آنها در این مقام جدید آن را دنبال خواهند کرد. لئو سیزدهم که از فوریه ۱۹۷۸ تا ژوئیه ۱۹۰۳ ریاست کلیسای

ادعای پزشکيان: مباحتم حرام است؛ به دنبال آن نيستيم!



بازديد پزشکيان از نمايشگاه دستاوردهای نظامی / ۱۴ بهمن ۱۴۰۳

از جمله در ارتباط با ابهامات و پرسش‌های بازسان آژانس همکاری نکرده است.

گروسی همچنین گفت آژانس همچنان در ایران حضور دارد و بازرس‌ها ادامه دارند، اما ابهام‌هایی در برنامه هسته‌ای این کشور باقی مانده که باید برطرف شود. او تأکید کرد برای پیشرفت در مسیر دیپلماتیک با عباس عراقچی و استیو ویتکاف در تماس است.

تناقض در گفتار و واقعیت میدان

در این میان، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا که برای دیدار با رهبران دولت‌های عربی به خاورمیانه سفر کرده است. او پیش از آغاز سفر رسمی خود به عربستان سعودی، قطر و امارات روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت در یک کنفرانس خبری در کاخ سفید در مورد گفتگوهای هسته‌ای بین آمریکا و رژیم ایران گفت: «اتفاقات بسیار خوبی در مورد ایران در حال رخ دادن است».

ترامپ رفتار جمهوری اسلامی را «هوشمندانه و منطقی» دانست و افزود: «مذاکرات به خوبی پیش می‌رود.» او همچنین گفت: «ما می‌خواهیم ایران کشوری ثروتمند، شاد، فوق‌العاده و عالی باشد، اما نباید سلاح اتمی داشته باشد... خیلی ساده است. فکر می‌کنم آنها فهمیده‌اند که من جدی هستم، آنها می‌دانند ما چه می‌خواهیم.»

اما همزمان با اظهارات دونالد ترامپ، وزارت خزانه‌داری آمریکا سه فرد و همچنین شرکت «فناوران آینده‌نگر پویا پارس» را تحریم کرد. آنها همگی در پیوند با سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی ایران (سپند) بودند و به دلیل دست داشتن در «در کارهایی که بطور مادی به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی کمک می‌کنند یا خطر کمک مادی به آن» تحریم شدند. این در حالیست که پس از چهارمین دور مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا، عباس عراقچی گفت «مذاکرات‌ها رو به جلو است» و یک مقام آمریکایی هم گفتگوها را «دلگرم‌کننده» خواند. با اینهمه مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته این روزها مرتب از «خط قرمز»ها و اینکه برچیده شدن برنامه هسته‌ای رژیم قابل قبول نیست، حرف می‌زنند!

دارد که «فتوا» و «اطمینان دادن شفاهی» کافی نیست و می‌بایست شواهد عینی در دست داشته باشد تا بتواند درباره صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، شورای حکام و جامعه جهانی را متقاعد کند. پزشکيان اما باز به صحرای کربلا زد و اشاره کرد که «اساساً به لحاظ اعتقادی با این مسئله مشکل داریم!» وی توضیح داد طبق فتوای علی خامنه‌ای هر اقدامی برای ساخت سلاح هسته‌ای «حرام» است. وی همچنین مدعی شد «جمهوری اسلامی به دنبال صلح و آرامش در منطقه است اما این رژیم صهیونیستی است که به دنبال ایجاد ناامنی و ناآرامی در منطقه است.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید ایران تنها کشوری است سلاح اتمی ندارد اما اورانیوم را تا ۶۰ درصد یعنی نزدیک به درجه‌ای که برای تسلیحات لازم است غنی‌سازی می‌کند. کارشناسان و متخصصان آژانس به تکرار اعلام کرده‌اند که غنی‌سازی ۶۰ درصدی هیچ کاربرد غیرنظامی معتبری ندارد.

طبق آخرین گزارش رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به شورای حکام آژانس ارائه شد، ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران به ۲۷۵ کیلوگرم رسیده است. این میزان برای ساخت شش مباحتم کافی است. گروسی همچنین در بیانیه‌ای گفته بود، «چهار سال از زمانی که آژانس توانسته است دسترسی تکمیلی در ایران داشته باشد می‌گذرد.»

اکنون در شرایطی که سایه‌ی یک جنگ نیز بیش از پیش گسترده می‌شود، گروسی در مصاحبه با روزنامه آرژانتین «لاناسیون» با هشدار نسبت به پیامدهای حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای در ایران گفت که چنین اقدامی می‌تواند به یک بحران بزرگتر منجر شود و لزوماً زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را نابود نخواهد کرد زیرا توان بازسازی آن را دارد. او تأکید کرد که تنها راه واقعی، دستیابی به یک توافق سیاسی شفاف و قابل راست‌آزمایی است. یعنی چیزی که جمهوری اسلامی از آن سر باز می‌زند و هر وقت هم به آن تن داده، بطور کامل

مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم که طی هفته‌های اخیر کمتر درباره مذاکرات اتمی صحبت کرده بود، در جلسه هیأت دولت که ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ برگزار شد، مدعی شد: «ما می‌توانیم این اطمینان را بدهیم که جمهوری اسلامی ایران هیچگاه به دنبال مباحتم هسته‌ای نبوده و نیست!» «اطمینانی» که البته با وجود فعالیت‌های رژیم در ارتباط با تأسیسات مخفی و غنی‌سازی اورانیوم در سطحی که اساساً در مصارف غیرنظامی هیچ کاربردی ندارد، قابل اعتماد نیست!

او اشاره کرد که «اساساً به لحاظ اعتقادی با این مسئله مشکل داریم!» وی توضیح داد طبق فتوای علی خامنه‌ای هر اقدامی برای ساخت سلاح هسته‌ای «حرام» است. پزشکيان همچنین مدعی شد: «جمهوری اسلامی به دنبال صلح و آرامش در منطقه است اما این رژیم صهیونیستی است که به دنبال ایجاد ناامنی و ناآرامی در منطقه است.»

با اینکه پس از چهارمین دور مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا، عباس عراقچی گفت «مذاکرات‌ها رو به جلو است» و یک مقام آمریکایی هم گفتگوها را «دلگرم‌کننده» خواند اما مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته این روزها مرتب از «خط قرمز»ها و اینکه برچیده شدن برنامه هسته‌ای رژیم قابل قبول نیست، حرف می‌زنند!

مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی می‌گوید: «در مذاکره با آمریکا جدی و به دنبال توافق هستیم، اما بحث کنار گذاشتن تأسیسات هسته‌ای ایران قابل قبول نیست.»

مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم که طی هفته‌های اخیر کمتر درباره مذاکرات اتمی صحبت کرده بود، در جلسه هیأت دولت که ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ برگزار شد، مدعی شد: «ما می‌توانیم این اطمینان را بدهیم که جمهوری اسلامی ایران هیچگاه به دنبال مباحتم هسته‌ای نبوده و نیست!» «اطمینانی» که البته با وجود فعالیت‌های رژیم در ارتباط با تأسیسات مخفی و غنی‌سازی اورانیوم در سطحی که اساساً در مصارف غیرنظامی هیچ کاربردی ندارد، قابل اعتماد نیست! از همین رو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اصرار

توافق امنیتی- اطلاعاتی جمهوری اسلامی با اتیوپی؛ رژیم ایران در شاخ آفریقا به دنبال چیست؟



سفر احمد رضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به اتیوپی

در جنگ با تیگرایها بودند اما بعداً به دلیل خلع سلاح اجباری و اختلافات ارضی، علیه دولت قیام کردند.

آبی احمد نخست‌وزیر همچنین با مخالفت فزاینده از سوی گروه قومی خود، یعنی اورومو، و ارتش آزادیبخش اورومو روبروست. دلیل اصلی نارضایتی، تلاش او برای تحمیل حاکمیت متمرکز بر منطقه اورومو در نظام فدرالی کشور است.

همکاری امنیتی با رژیم ایران می‌تواند به اتیوپی در مقابله با این بحران‌ها کمک کند. همچنین ممکن است در صورت وقوع جنگ احتمالی دیگر با اریتره، به افزایش آمادگی دفاعی اتیوپی کمک کند.

بازی‌های قدرت منطقه‌ای

در بخش دیگری از این مقاله آمده، این نخستین بار نیست که اتیوپی با دو رقیب منطقه‌ای یعنی ایران و امارات همکاری می‌کند. امارات یکی از بزرگترین شرکای تجاری اتیوپی است. در سال ۲۰۱۶، تحت فشار عربستان و امارات، تنها کشور در شاخ آفریقا که روابطش را با جمهوری اسلامی ایران قطع نکرد، اتیوپی بود. این تصمیم توسط نخست‌وزیر وقت، هیله‌مارام دسالین، گرفته شد. در جنگ تیگرای، اتیوپی هم از رژیم ایران و هم از دولت‌های امارات و ترکیه پنهان و کمک نظامی دریافت کرد.

در جنگ داخلی سودان نیز اتیوپی مواضع متغیری داشته و گاهی با نیروهای پشتیبانی سریع و گاهی با ارتش سودان همکاری کرده است. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران از ارتش سودان و امارات از شبه‌نظامیان پشتیبانی کرده‌اند.

به اعتقاد اریک لاپ، نویسنده‌ی این مطلب، همکاری امنیتی همزمان اتیوپی با رژیم ایران و امارات نشان‌دهنده نوعی همگرایی نادر میان رقبای منطقه‌ای است که در سایر درگیری‌ها مانند یمن و سودان در مقابل یکدیگر قرار دارند. حکومت ایران سال‌هاست از طریق عوامل خود در اتیوپی به دنبال یارگیری و افزایش نفوذ است.

امارات متحده عربی صورت گرفت. این دیدار بر استرداد مجرمان فرامرزی متمرکز بود. همکاری همزمان با رژیم ایران و امارات نشان‌دهنده رویکرد عملگراییه اتیوپی در سیاست خارجی‌اش است؛ کشوری که پس از جنگ تیگرای، نیازمند جلب حمایت از همه طرفین است.

از سال ۲۰۱۶، اتیوپی به دروازه ورود حکومت ایران به شاخ آفریقا تبدیل شده است. در آن سال، بسیاری از کشورهای منطقه روابط خود را با رژیم ایران قطع کردند. این اقدام نتیجه فشار عربستان سعودی و امارات بود که قصد داشتند حضور جمهوری اسلامی در شاخ آفریقا و دریای سرخ را کاهش دهند تا از حمایت آن از حوثی‌های یمن جلوگیری کنند.

اتیوپی اولین کشور در آفریقا است که در دهه ۱۹۶۰ با ایران روابط برقرار کرد و تا پیش از انقلاب ۱۹۷۹ یکی از شرکای اصلی تجاری ایران در قاره آفریقا بود. این رابطه استراتژیک بر پایه سیاست‌های ضد کمونیستی و غرب‌گرایانه محمدرضا شاه پهلوی و امپراتور هایل‌سالاسی بنا شده بود.

پس از انقلاب، روابط دو کشور در دوران محمود احمدی‌نژاد دوباره احیا شد. او برای مقابله با انزوای بین‌المللی رژیم ایران و دور زدن تحریم‌های آمریکا به دنبال سیاست فعال در آفریقا بود. حسن روحانی در ابتدا این روابط را کاهش داد، اما در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش، پس از خروج آمریکا از برجام، روابط را از سر گرفت. ابراهیم رئیسی نیز با ارسال پنهان و کمک‌های نظامی به دولت اتیوپی در جنگ تیگرای، روابط جمهوری اسلامی را با آن کشور بیش از پیش مستحکم کرد.

منافع اتیوپی

جنگ تیگرای منابع دولت این کشور را تحلیل برده و باعث بحران اقتصادی، افزایش تورم و بیکاری شده است. اتیوپی با تنش‌های قومی شدید مواجه است، از جمله با شبه‌نظامیان «فانو» در منطقه امهارا که ابتدا متحد دولت

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس اتیوپی (حبشه سابق) در تاریخ ششم مه ۲۰۲۵ (۱۶ اردیبهشت) توافق همکاری در زمینه امنیتی و اطلاعاتی امضاء کردند.

اریک لاپ پژوهشگر سیاسی- امنیتی در مقاله‌ای که در وبسایت «the conversation» منتشر شد می‌نویسد برای جمهوری اسلامی، این توافق گامی مهم در راستای تقویت روابط با یک قدرت منطقه‌ای در شاخ آفریقا محسوب می‌شود.

به گزارش ایرنا «توسعه همکاری و تبادل اطلاعات و تجربیات در موضوع کنترل مرزها، مبارزه با جرائم سازمانیافته، تروریسم و جرائم سایبری، تولید و قاچاق مواد مخدر و روانگردان‌ها، قاچاق انسان، پولشویی، قاچاق اموال فرهنگی و تاریخی، قاچاق سلاح و مهمات و مواد منفجره و نیز جعل اسناد هویتی و برخورد با مهاجرت غیر قانونی، از مواد تفاهمنامه همکاری بود».

دولت آدیس‌آبابا با تنش‌های داخلی فزاینده‌ای روبروست از جمله درگیری با شاخه‌های تندرو جبهه آزادیبخش خلق تیگرای، بنابراین همکاری با جمهوری اسلامی می‌تواند به مقابله مؤثرتر با این گروه‌ها کمک کند.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس اتیوپی (حبشه سابق) در تاریخ ششم مه ۲۰۲۵ (۱۶ اردیبهشت) توافق همکاری در زمینه امنیتی و اطلاعاتی امضاء کردند.

به گزارش ایرنا «توسعه همکاری و تبادل اطلاعات و تجربیات در موضوع کنترل مرزها، مبارزه با جرائم سازمانیافته، تروریسم و جرائم سایبری، تولید و قاچاق مواد مخدر و روانگردان‌ها، قاچاق انسان، پولشویی، قاچاق اموال فرهنگی و تاریخی، قاچاق سلاح و مهمات و مواد منفجره و نیز جعل اسناد هویتی و برخورد با مهاجرت غیر قانونی، از مواد تفاهمنامه همکاری بود».

اریک لاپ پژوهشگر سیاسی- امنیتی در مقاله‌ای که در وبسایت «the conversation» منتشر شد می‌نویسد برای جمهوری اسلامی، این توافق گامی مهم در راستای تقویت روابط با یک قدرت منطقه‌ای در شاخ آفریقا محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی با استفاده از توان نظامی و امنیتی خود تلاش کرده تا روابط سیاسی و اقتصادی‌اش را با کشورهای آفریقایی گسترش دهد. یکی از غودهای این سیاست، ارسال پهپاد به دولت اتیوپی بود که به تغییر روند جنگ تیگرای (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲) در شمال این کشور کمک کرد.

تهران همچنین پهپادهای شناسایی و رزمی به ارتش سودان داده است که در جنگ داخلی جاری این کشور علیه شبه‌نظامیان «نیروهای پشتیبانی سریع» مورد استفاده قرار گرفته‌اند. توافق اخیر برای اتیوپی از دو جهت اهمیت دارد:

تقویت مقابله با شبه‌نظامیان قومی

دولت آدیس‌آبابا با تنش‌های داخلی فزاینده‌ای روبروست از جمله درگیری با شاخه‌های تندرو جبهه آزادیبخش خلق تیگرای، بنابراین همکاری با جمهوری اسلامی می‌تواند به مقابله مؤثرتر با این گروه‌ها کمک کند.

سیاست خارجی عملگراییه

این توافق پس از دیدار دِمَلاش گِره‌میکائیل رئیس پلیس اتیوپی، با هیاتی از رقیب منطقه‌ای جمهوری اسلامی یعنی

رویترز: جمهوری اسلامی در تدارک ارسال پرتابگرهای موشک «فتح-۳۶۰» به روسیه است



پرتابگرهای «فتح-۳۶۰»

با موانعی روبرو شده‌اند، هرچند که تهران اعلام کرده با برگزاری دور چهارم مذاکرات در روز یکشنبه ۱۱ ماه مه در عمان موافقت کرده است.

جک واتلینگ پژوهشگر ارشد مؤسسه خدمات سلطنتی بریتانیا می‌گوید: «مقامات ایرانی مسائل مربوط به ارسال تسلیحات به روسیه را جدا از مذاکرات هسته‌ای می‌دانند.» او افزود: «از دیدگاه [رژیم] ایران، مذاکره بر سر مسائل هسته‌ای به معنای قطع همکاری نظامی با روسیه نیست.» کارشناسان می‌گویند ممکن است یکی دیگر از عوامل تأخیر، نیاز جمهوری اسلامی به تغییر کامیون‌های تجاری اروپایی برای نصب پرتابگرها بوده باشد همانطور که برای زرادخانه داخلی خود انجام داده و ممکن است همین کار را برای روسیه نیز انجام داده باشد، چرا که ارتش روسیه در اوکراین با کمبود این وسایل نقلیه مواجه است.

کارشناسان می‌گویند با در اختیار داشتن پرتابگرها، روسیه قادر خواهد بود فشار بیشتری بر اوکراین وارد کند. فابیان هینز پژوهشگر مؤسسه مطالعات استراتژیک بین‌المللی می‌گوید: «این پرتابگرها تدارکات زیادی برای آماده شدن لازم ندارند و زمان پرواز موشک بسیار کوتاه است، بنابراین اجرای حمله به اهداف مهم بسیار سریع‌تر خواهد شد.»

استفاده از «فتح-۳۶۰» به روسیه امکان می‌دهد موشک‌های پیشرفته‌تری مثل «اسکندر» را برای حمله به زیرساخت‌های حیاتی مانند شبکه برق ذخیره کند، که این موضوع فشار بیشتری به سامانه‌های دفاع موشکی اوکراین وارد می‌کند.

رالف ساولسبرگ استاد آکادمی دفاعی هلند می‌گوید: «فتح-۳۶۰» طوری طراحی شده که افراد با آموزش اندک هم بتوانند با آن کار کنند. دلیل خرید این موشک‌ها توسط روسیه، کمبود توان تولید موشک‌های بومی خودش است.» او اضافه کرد: «این موشک‌ها چندان دقیق نیستند و قدرت انفجاری بالایی هم ندارند، اما به مشکلات اوکراین اضافه خواهند کرد.»

اسلامی این موشک‌ها را از طریق ۹ کشتی با پرچم روسیه که اکنون تحت تحریم قرار دارند ارسال کرده، اما در آن زمان به گفته منابع خبری، پرتابگرها همراه این محموله نبوده‌اند. اکنون مقامات غربی و منطقه‌ای که نخواستند نامشان فاش شود، می‌گویند که ارسال پرتابگرها نزدیک است. با این حال، از بیان جزئیات بیشتر درباره زمان یا دلیل تأخیر در ارسال پرتابگرها خودداری کرده‌اند.

وزارت دفاع روسیه و نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل هنوز پاسخی به درخواست رویترز برای اظهار نظر نداده‌اند. شورای امنیت ملی آمریکا نیز پاسخگویی را به وزارت خارجه واگذار کرد، اما آن نهاد نیز پاسخی فوری نداده است. سازمان سیا هم از اظهار نظر خودداری کرده است.

روسیه و رژیم ایران پیشتر ادعاهای مربوط به ارسال موشک یا دیگر تجهیزات نظامی از سوی تهران برای کمک به تداوم حمله روسیه به اوکراین را رد کرده بودند. با این حال، مقامات آمریکایی، اروپایی و اوکراینی می‌گویند جمهوری اسلامی هزاران پهپاد و گلوله توپ به روسیه داده است.

ژنرال کریستوفر کاولی فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا، به نمایندگان کنگره گفته بود که رژیم ایران بیش از ۴۰۰ موشک بالستیک کوتاه‌برد به روسیه داده است که احتمالاً اشاره به «فتح-۳۶۰» است.

تا کنون گزارشی مبنی بر انتقال دیگر موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد ایران به روسیه یا استفاده روسیه از «فتح-۳۶۰» در میدان نبرد منتشر نشده است.

استفاده از این موشک‌ها توسط روسیه ممکن است تلاش‌های دونالد ترامپ را برای برقراری آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح میان روسیه و اوکراین پیچیده‌تر کند و همچنین بر مذاکرات جداگانه آمریکا با ایران برای محدود کردن برنامه هسته‌ای تهران تأثیر بگذارد.

به گفته یک مقام منطقه‌ای، یکی از دلایل احتمالی تأخیر در ارسال پرتابگرها، مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای ایران و آمریکا با میانجیگری عمان است. این مذاکرات فعلاً

● به گفته دو مقام امنیتی غربی و یک مقام منطقه‌ای، جمهوری اسلامی در آینده نزدیک در حال آماده ساختن پرتابگرهای موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد برای ارسال به روسیه است.

● ژنرال کریستوفر کاولی فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا، به نمایندگان کنگره گفته بود که ایران بیش از ۴۰۰ موشک بالستیک کوتاه‌برد به روسیه داده است؛ که احتمالاً اشاره به «فتح-۳۶۰» است.

● خبرگزاری رویترز گزارش داد اگر این ارسال انجام شود، پرتابگرهای «فتح-۳۶۰» به روسیه کمک خواهند کرد تا حملات فرسایشی خود علیه اوکراین را تقویت کند.

● کارشناسان می‌گویند ممکن است یکی از عوامل تأخیر، نیاز جمهوری اسلامی به تغییر کامیون‌های تجاری اروپایی برای نصب پرتابگرها بوده باشد همانطور که برای زرادخانه داخلی خود انجام داده و ممکن است همین کار را برای روسیه نیز انجام داده باشد، چرا که ارتش روسیه در اوکراین با کمبود این نوع وسایل نقلیه مواجه است.

به گفته دو مقام امنیتی غربی و یک مقام منطقه‌ای، جمهوری اسلامی در آینده نزدیک در حال آماده ساختن پرتابگرهای موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد برای ارسال به روسیه است؛ موشک‌هایی که ایالات متحده می‌گوید تهران در سال ۲۰۲۴ برای استفاده علیه اوکراین به مسکو تحویل داده بود. خبرگزاری رویترز روز جمعه ۹ ماه مه (۱۹ اردیبهشت) گزارش داد اگر این ارسال انجام شود، پرتابگرهای «فتح-۳۶۰» به روسیه کمک خواهند کرد تا حملات فرسایشی خود علیه اوکراین را تقویت کنند و همچنین روابط امنیتی عمیق‌تر میان تهران و مسکو را نشان می‌دهد. این موشک با بُردی در حدود ۱۲۰ کیلومتر، به نیروهای روسیه اجازه خواهد داد تا اهداف نظامی در خط مقدم اوکراین، مراکز جمعیتی نزدیک مرز و اهداف نزدیک را هدف قرار دهند. ایالات متحده سپتامبر ۲۰۲۴ اعلام کرده بود، جمهوری

سفر دونالد ترامپ به سه کشور حاشیه خلیج فارس برای جذب حمایت و سرمایه



محمد بن سلمان و دونالد ترامپ / ریاض / ۱۳ مه ۲۰۲۵ / رویترز

نایب فراموش کرد که در روزهای گذشته، دونالد ترامپ با یکی از دستورهای اجرایی خود نام خلیج مکزیک را نیز به «خلیج آمریکا» تغییر داد. البته اتحادیه اروپا نیز در اقدامی مناقشه‌برانگیز در سال گذشته طی بیانیه‌ای صحبت از «اشغال» سه جزیره تب بزرگ و کوچک و ابوموسی در خلیج فارس توسط ایران کرد. سال‌هاست که امارات متحده عربی در هر مناسبتی ادعای مالکیت این سه جزیره ایرانی را مطرح می‌کند، ولی این اولین بار است که ۲۷ کشور اروپایی بر این ادعا به صورت رسمی صحنه گذاشتند.

پرونده دیگری که در این سفر، به ویژه در جریان دیدار دونالد ترامپ با رهبران هر ۶ کشور «شورای همکاری خلیج فارس» روی میز قرار خواهد گرفت، جنگ ویرانگر غزه و آینده فلسطینی‌ها است. دونالد ترامپ در نخستین روزهای دوره جدید ریاست جمهوری‌اش گفته بود که کشورش می‌خواهد غزه را به «ریویری خاورمیانه» تبدیل کند. پیشنهادی که با واکنش مثبت اسرائیل و مخالفت سخت کشورهای عربی مواجه شد. پروژه‌ای که پس از آن دیگر از سوی ترامپ مطرح نشد. این پیشنهاد که هیچ پشتیبان دیگری بجز اسرائیل پیدا نکرد، در عمل جابجایی جمعیت ۲/۱ میلیون نفری این منطقه و انتقال آنها به کشورهای عربی بود. کشورهای عربی هم در مخالفت با این پیشنهاد و پذیرفتن این جمعیت فلسطینی در خاک خود، در نشستی مشترک طرحی جانشین ارائه دادند که البته اسرائیل و آمریکا آن را نپذیرفتند.

عبدالله حکیم روزنامه‌نگار فلسطینی در رام‌الله به کیهان لندن می‌گوید: «پیوستن پادشاهی سعودی به پیمان ابراهیم که در دوران ریاست جمهوری قبلی دونالد ترامپ با به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی امیرنشین بحرین و امارات متحده عربی شکل گرفت، تا زمانی که مشکلی به نام فلسطین وجود دارد قابل تصور نیست. مقامات سعودی بارها و بارها تکرار کرده‌اند که تنها زمانی اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت و با این کشور مناسبات رسمی برقرار خواهند کرد، که چشم‌انداز ایجاد کشوری مستقل به نام فلسطین در دستور کار اسرائیل و آمریکا»

آمریکایی نیز در این سفر رئیس‌جمهور را همراهی می‌کنند که از جمله می‌توان به ایلان ماسک رئیس شرکت تسلا، اندی جاسی مدیرعامل آمازون، مارک زاکربریگ صاحب شرکت متا، سم آلتمن مدیرعامل آپ‌ان‌آی و مدیران عامل شرکت‌های بلک‌راک، سیتی‌گروپ، آی‌بی‌ام، بوئینگ، دلتا ایرلاینز، آمریکن ایرلاینز، یونایتد ایرلاینز و بسیاری دیگر اشاره کرد. همراهانی که فهرست آنها خود گویای اهمیت اقتصادی این سفر است.

رؤسای جمهور آمریکا طبق سنتی نانوشته برای اولین سفر خود پس از ورود به کاخ سفید کشورهای اروپایی و یا کانادا را انتخاب می‌کنند که متحدین تاریخی این کشور هستند. سفر هفته گذشته دونالد ترامپ به رم برای حضور در مراسم تشییع پاپ فرانسیس اول را می‌توان سفر رسمی به حساب آورد، اگرچه تصویر دیدار او با ولودیمیر زلینسکی رئیس‌جمهور اوکراین در داخل کلیسای سن پتر بدون شک در صفحات تاریخ ثبت خواهد شد.

عمر العبادی روزنامه‌نگار سعودی ساکن بریتانیا به کیهان لندن می‌گوید: «رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال متحدین جدیدی است که در راستای سیاست‌های او بدون چانه‌زنی حرکت کنند و همزمان از بنیه مالی قوی برخوردار باشند. پادشاهی سعودی، امارات متحده عربی و قطر همگی این دو خصوصیت را دارند، زیرا هم در منطقه نفوذ دارند و هم از امکانات مالی بسیاری برخوردارند و هم مانند اروپا نمی‌خواهند در تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید نقش داشته باشند و یا در مورد آنها ابراز نظر کنند.» همین تحلیلگر سعودی-بریتانیایی در ادامه می‌افزاید: «البته نباید نادیده گرفت که سعودی‌ها و قطری‌ها، به دلایل مختلفی، در سال‌های اخیر نقش مهمی در خارج از منطقه خاورمیانه نیز به عهده گرفته‌اند.»

در ازای این سرمایه‌گذاری گسترده توسط کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، دونالد ترامپ مجبور است به خواست‌های سیاسی این کشورها نیز پاسخی مثبت دهد. به نظر می‌رسد یکی از کم‌هزینه‌ترین این پاسخ‌ها تغییر نام خلیج فارس به نام جعلی «خلیج عربی» است.

● هدف اصلی دونالد ترامپ از اولین سفر رسمی‌اش به پادشاهی سعودی گفتگوهای اقتصادی است. پادشاهی سعودی قول یک تریلیون دلار سرمایه‌گذاری در ۴ سال آینده به وی داده است. امارات هم متعهد شده بیش از یک تریلیون دلار در یک دهه آینده در آمریکا سرمایه‌گذاری کند.

● هیأتی که دونالد ترامپ را در سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس همراهی می‌کند تنها مارکو رویو وزیر امور خارجه، پیت هگست وزیر دفاع، و اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری را در بر نمی‌گیرد. بسیاری از کارآفرینان سرشناس آمریکایی نیز در این سفر وی را همراهی می‌کنند. ● یک تحلیلگر سعودی به کیهان لندن می‌گوید: «رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال متحدین جدیدی است که در راستای سیاست‌های او بدون چانه‌زنی حرکت کنند و همزمان از بنیه مالی قوی برخوردار باشند. پادشاهی سعودی، امارات متحده عربی و قطر همگی این دو خصوصیت را دارند.»

● در ازای این سرمایه‌گذاری گسترده توسط کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، دونالد ترامپ نیز مجبور است به خواست‌های سیاسی این کشورها پاسخ مثبت دهد که به نظر می‌رسد یکی از کم‌هزینه‌ترین این پاسخ‌ها تغییر نام خلیج فارس به نام جعلی «خلیج عربی» است.

احمد رأفت - دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جمهوری مناقشه‌برانگیز ایالات متحده آمریکا در اولین سفر رسمی در دور دوم اقامت خود در کاخ سفید وارد ریاض شد. وی در دور اول نیز در اولین سفر رسمی خود راهی پادشاهی سعودی شده بود. در این سفر، برخلاف سفر قبلی، دونالد ترامپ از اسرائیل بازدید به عمل نخواهد آورد، بلکه در قطر و امارات متحده عربی توقف کوتاهی خواهد داشت.

انتخاب پادشاهی سعودی به عنوان اولین کشوری که دونالد ترامپ برای سفر رسمی خود انتخاب کرده است، می‌تواند چند دلیل داشته باشد، که بدون شک قول سرمایه‌گذاری یک تریلیون دلاری محمد بن سلمان ولیعهد پر قدرت سعودی، در چهار سال آینده در ایالات متحده مهم‌ترین آن است. توقف چند ساعته دونالد ترامپ در دوحه نیز برای امیر این شیخ‌نشین بیش از نیم میلیارد دلار هزینه داشته که قرار است یک بوئینگ آخرین مدل را پیشکش رئیس‌جمهور آمریکا کند. البته هنوز مشخص نیست که این هوابهای مجلل که گفته می‌شود مبالغ زیادی خرج دکور داخلی آن شده، هدیه‌ای به نهاد ریاست جمهوری قدرتمندترین کشور دنیاست، یا پس از پایان دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، همراه او کاخ سفید را ترک کرده و در آشیانه‌ی خصوصی وی در ایالت فلوریدا جا بگیرد. این در حالیست که خود ترامپ روز دوشنبه ۱۲ ماه مه اعلام کرد که این هدیه به وزارت دفاع ایالات متحده است.

امارات متحده عربی نیز متعهد شده در ده سال آینده بیش از یک تریلیون دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند. در این میان، به نظر می‌رسد دونالد ترامپ که تا کنون نتوانسته موفقیتی قابل ذکر در زمینه اقتصادی داشته باشد، از این سفر با دستان پر به واشنگتن باز خواهد گشت.

هیأتی که دونالد ترامپ را در سفر به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس همراهی می‌کند، تنها مارکو رویو وزیر امور خارجه، پیت هگست وزیر دفاع و اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری را در بر نمی‌گیرد. بسیاری از کارآفرینان سرشناس

پیام ترامپ از ریاض به دمشق: سوریه، خوشبخت و سعادتمند باش!



محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و احمد الشرع رئیس جمهور سوریه / ریاض/ ۱۴ مه ۲۰۲۵ / رویترز

او در پاسخ به منتقدانش که از مذاکره با ایران ناراضی اند گفت: «من همیشه در کنار صلح و شراکت می ایستم، احمقها کسانی هستند که غیر از این فکر می کنند.»

ترامپ معتقد است که می تواند رژیم ایران را به تغییر کامل سوق دهد و به همین دلیل فرصتی دوباره به آنها می دهد.

مهم ترین بخش سخنان رئیس جمهور آمریکا اعلام صریح و بدون شرط از سر گرفتن روابط با دولت رسمی سوریه بود. تا دیروز، دیپلمات های سوری در نیویورک اجازه نداشتند فراتر از چند بلوک حرکت کنند و سقف کمک های خارجی به دولت سوریه تنها ۱۵ میلیون دلار در ماه بود، صرفاً برای پرداخت حقوق کارمندان.

چرا ترامپ سیاست خود را در ارتباط با دولت احمد الشرع تغییر داد؟ ترامپ قانع شده که بهتر است دولت جدید سوریه را بابت اشتباهات دولت قبلی مجازات نکند و مردم سوریه به خاطر «احتمالات آینده» تنبیه نشوند.

درواقع ادامه تحریم ها به معنای تجزیه بیشتر سوریه بود. عربستان نیز بر این باور است که باید فرصتی داد تا سرنوشت سوریه دگرگون شود. ترامپ گفت: «زمان درخشش سوریه فرا رسیده؛ ما تمام تحریم ها را متوقف می کنیم. سوریه خوشبخت و موفق باش... چیز خارق العاده ای به ما نشان بده!»

در مورد عربستان، ترامپ بارها از محمد بن سلمان تقدیر کرد و به یاد آورد که هشت سال پیش نیز به این کشور آمده بود و شاهد اصلاحات مثبت بوده است. او گفت: «من در ارزیابی خود درباره ولیعهد حق داشتم.»

وی افزود: «با عربستان گام هایی برداشتیم تا رابطه مان از همیشه قوی تر شود» و در عین حال تأکید کرد که آمریکا در برابر هرگونه تهدید علیه خود یا شرکایش با «نیروی سهمگین و ویرانگر» پاسخ خواهد داد.

این سفر همچنان ادامه دارد و امروز دومین روز آن است، جایی که ترامپ در نشست سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ریاض شرکت کرده است.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● ترامپ نه یک سخنرانی کلی ایراد کرد و نه سخنانی خاص درباره رابطه با عربستان، بلکه تمرکز اصلی سخنانش بر مسائل کلیدی منطقه بود.

● عربستان نیز بر این باور است که باید فرصتی داد تا سرنوشت سوریه دگرگون شود.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - «برای صحبت درباره آینده ای روشن برای خاورمیانه به ریاض آمده ام؛ این سخن دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا بود که چه در میان طرفدارانش و چه در میان مخالفانش طنین انداز شد. او سخنرانی اش را برای شامگاه ریاض انتخاب کرد تا همزمان با صبح آمریکا باشد.

ترامپ نه یک سخنرانی کلی ایراد کرد و نه سخنانی خاص درباره رابطه با عربستان، بلکه تمرکز اصلی سخنانش بر مسائل کلیدی منطقه بود.

او از اصلاحات اقتصادی در عربستان تمجید کرد و گفت: «سعودی ها برخی بیابان ها را به مزارع سرسبز تبدیل کردند، اما رژیم ایران مزارع سرسبز را به بیابان بدل کرد.»

با این حال افزود: «من اینجا نیستم که درباره گذشته ایران قضاوت کنم، بلکه راهی جدید پیش روی آن می گذارم.»

بزرگترین شگفتی صحبت های ترامپ اعلام مسیری تازه از سوی آمریکا بود: پایان دادن به قطع رابطه با سوریه و لغو تحریم ها. تا همین دو هفته پیش منابع وزارت خارجه آمریکا و حتی برخی مشاوران کاخ سفید با برداشتن تحریم های سوریه مخالفت می کردند و می گفتند: «بگذارید تا پایان سال صبر کنیم.»

ترامپ اما گفت که به صحبت های محمد بن سلمان ولیعهد سعودی گوش داده و نه تنها تحریم ها را لغو می کند، بلکه روابط دیپلماتیک با دمشق را که از سال ۲۰۱۲ قطع شده بود، از سر می گیرد.

او خطاب به جمهوری اسلامی نیز ابراز امیدواری کرد که بتواند آن را به مسیر مذاکره و دست کشیدن از برنامه هسته ای خود ترغیب کند. ترامپ گفت: «تهران هرگز به سلاح هسته ای دست نخواهد یافت. می خواهم با ایران معامله ای انجام دهم که دنیا را امن تر کند.»

➔ قرار گیرد.» این خواست را سعودی ها در دیدار این روزهای خود با دونالد ترامپ نیز مطرح خواهند کرد. «خبر غیرمنتظره ای» که دونالد ترامپ قول اعلام آن را در جریان این سفر به کشورهای خلیج فارس داده بود، به گفته ای روزنامه نگار فلسطینی می تواند در این رابطه باشد. عبدالله حکیم معتقد است تغییری در رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین که حکومت در نوار غربی رود اردن را در دست دارد، می تواند در همین جهت باشد.

عمر العبادی همچنین معتقد است که توافق هفته گذشته دونالد ترامپ با حوثی ها و توقف بمباران مواضع آنها از سوی آمریکا به پیشنهاد سعودی ها و با وساطت کشورهای عرب خلیج فارس انجام گرفته است. توافقی که اسرائیل را در بر نمی گیرد زیرا انصارالله بارها اعلام کرده است که به پرتاب موشک به سمت این کشور تا پایان اشغال غزه ادامه خواهد داد. اظهاراتی که منابع نزدیک به کاخ سفید هم آن را تأیید می کنند. دونالد ترامپ برای تضمین موفقیت اولین سفر رسمی خود، در هفته های گذشته بارها اقداماتی انجام داده که خشم و تگرانی دولت بنیامین نتانیاهو را برانگیخته است، اگرچه به نظر می رسد نخست وزیر اسرائیل تلاش دارد آنها را کم اهمیت جلوه دهد و در همین ارتباط خبر درباره اختلاف بین خود و ترامپ را تکذیب و تأکید کرد که در همه مسائل مواضع یکسانی دارند. این در حالیست که رسانه های اسرائیلی نگرانی از سیاست های آمریکا در منطقه را نه تنها بروز می دهند بلکه بسیار خطرناک ارزیابی می کنند.

همزمان پادشاهی سعودی و دیگر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس با نگرانی به گفتگوهای جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا در رابطه با پرونده هسته ای تهران نگاه می کنند. عدم موفقیت این گفتگوها که پس از وقفه ای کوتاه دوباره یکشنبه ۱۱ ماه مه در مسقط برگزار شد، کابوسی برای امیرنشین های خلیج فارس است. آنها نگران واکنش های احتمالی جمهوری اسلامی به جنگ احتمالی در صورت شکست این مذاکرات هستند. دونالد ترامپ بارها در روزهای گذشته از دو گزینه توافق با بمباران صحبت کرده است. عمر العبادی می گوید: «در ریاض این دو گزینه نیز از جمله پرونده هایی هستند که روی میز قرار خواهند گرفت.»

العبادی به افزایش نقش پادشاهی سعودی، قطر، عمان و امارات متحده عربی در سطح جهانی در دو سال گذشته اشاره می کند و می افزاید: «روس ها و چینی ها قبل از آمریکا روی این نقش پادشاهی سعودی و قطر حساب باز کردند و آمریکا که عقب مانده بود، برای از دست ندادن نفوذ تاریخی خود در منطقه مجبور است آن را جبران کند.» اشاره این روزنامه نگار سعودی به مذاکرات در رابطه با جنگ اوکراین در پادشاهی سعودی، نقش امارات متحده عربی در تبادل زندانیان جنگی بین مسکو و کی یف، و نقش قطر در مذاکرات بین آمریکا و طالبان افغانستان است. بحرانی که چین و روسیه را نیز درگیر کرده و آنها روی نقش کشورهای جنوب خلیج فارس در حل این مشکلات حساب باز کرده اند.

عبدالرحمن الراشد تحلیلگر بانفوذ سعودی در تحلیلی که در روزنامه «الشرق الاوسط» منتشر شده می نویسد: «سفر دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده به پادشاهی عربی سعودی قرار نیست یک دیدار تشریفاتی باشد. آنچه در پس این سفر تاریخی نهفته، فهرستی بلند از پرونده هایی است که اگر اجرا شوند، نه فقط روابط ریاض و واشنگتن را دگرگون می کنند، بلکه می توانند نظم سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه را متحول ساخته و حتی نظم جهانی را نیز تحت تاثیر قرار دهند.»

در آستانه‌ی چهارمین گفتگوی عراقچی و ویتکاف؛ فلاح‌پیشه: ممکن است گفتگوی بعدی آنها به قیامت بیافتد!



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی

● در آستانه چهارمین گفتگو میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا، علی خامنه‌ای در جمع شماری از هوادارانش سخنانی را که هیچکدام از کشورهای عربی و حتا خود فلسطینی‌ها نیز به آن اعتنایی ندارند تکرار کرد و گفت، اسرائیل با حمایت آمریکا و انگلیس در غزه جنایت می‌کند و «ملت‌ها باید در مقابل رژیم صهیونیستی و حامیانش بایستند و نگذارند مسائل مربوط به فلسطین به فراموشی سپرده شود.»

● برخی ناظران بر این باورند تند شدن لحن علی خامنه‌ای علیه اسرائیل و حامیان آن [آمریکا و انگلیس] یکی از علائم شکست مذاکرات است.

● استیو ویتکاف با صراحت گفت اگر روز یکشنبه توافق صورت نگیرد، مذاکرات متوقف خواهد شد.

● حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس در «ایکس» هشدار داد: «اگر مواضع ویتکاف، دستور کار قطعی آمریکا برای دور چهارم میز عمان باشد، دیدار پنجم او و عراقچی به قیامت خواهد افتاد.»

● طی حدود ۶۰ روز گذشته که از آغاز گفتگوهای جمهوری اسلامی و آمریکا در مسقط و رم می‌گذرد، فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کمتر مواضع تند نشان داده‌اند اما یک هفته پیش از آغاز دور چهارم و پس از آنکه ترامپ اعلام کرد تمام برنامه‌های غنی‌سازی در ایران باید برچیده شود، لحن آنها تغییر کرد و حتا از موشک بالستیک «قاسم بصیر» با بُرد ۱۲۰۰ کیلومتر و یک پایگاه زیرزمینی پهبادی رونمایی شد.

در آستانه چهارمین گفتگو میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا، علی خامنه‌ای در جمع شماری از هوادارانش سخنانی را که هیچکدام از کشورهای عربی و حتا

اورانیوم ایران است، نه برچیدن کامل آن؛ که برخلاف موضع بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بود. خواست نتانیاهو اجرای «مدل لیبی» و برچیدن کامل برنامه‌های اتمی رژیم ایران است.

اکنون به نظر می‌رسد ویتکاف و درواقع دونالد ترامپ در این مورد عقب‌نشینی کرده‌اند و آنها نیز موضوع «نابودی کامل برنامه‌های اتمی ایران» را مطرح می‌کنند آنهم در حالی که شماری از رسانه‌های مخالف دولت نتانیاهو در اسرائیل و غرب در روزهای اخیر مرتب از «اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو» گزارش می‌دهند.

ویتکاف در عین حال توضیح داد ایران می‌تواند نیروگاه بوشهر را حفظ کند، چرا که به گفته او «در آنجا هیچ توانایی برای غنی‌سازی یا داشتن سانتریفیوژ وجود ندارد و تنها برای



استیو ویتکاف / رویترز

اهداف غیرنظامی مانند تولید برق استفاده می‌شود.» او افزود: «اگر آنها به آن برنامه اتمی باور دارند، می‌توانند آن را توسعه دهند. هدف من در این مذاکرات این است که ایران را ترغیب کنیم به صورت داوطلبانه از برنامه غنی‌سازی فاصله بگیرد.» این همان «مدل لیبی» و کاریست که معمر قذافی در ارتباط با برنامه‌های اتمی آن کشور انجام داد و پس از مذاکراتی در دهه نود میلادی، همگی را در سال ۲۰۰۳ برچید و روابط خود را با غرب اعم از آمریکا و اروپا بهبود بخشید.

ویتکاف در همین ارتباط افزود: «اگر بتوانیم آنها را وادار کنیم که داوطلبانه چنین کاری کنند، این بهترین و دائمی‌ترین روش برای اطمینان از آن است که هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کنند.»

روزنامه «تایمز اسرائیل» با اشاره به مهم‌ترین بخش‌های مصاحبه ویتکاف نوشت جمهوری اسلامی غنی‌سازی را به ۶۰ درصد رسانده و این یعنی در آستانه غنی‌سازی با درجه تسلیحاتی است که موجودیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. پیش از این مقامات رژیم از جمله عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بودند که «خطوط قرمز غنی‌سازی غیرقابل عبور است.»

از سوی دیگر آنچه ویتکاف در این مصاحبه گفت دقیقاً نقطه مقابل ادعای علی شمخانی مشاور علی خامنه‌ای است. شمخانی که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است در «ایکس» نوشت «واشنگتن بالاخره با پذیرش ارزیابی آژانس و نهادهای اطلاعاتی خود، نداشتن سلاح هسته‌ای از سوی ایران را پذیرفت.»

قرار است نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا روز ۲۰ اردیبهشت در مسقط گفتگو کنند. در همین ارتباط ویتکاف اعلام کرد اگر گفتگوی یکشنبه سازنده نباشد، آمریکا مذاکرات را دیگر ادامه نخواهد داد.

استیو ویتکاف: تمام برنامه‌های غنی‌سازی در ایران از فردو و نطنز و اصفهان باید برچیده شود

● استیو ویتکاف در مصاحبه با وبسایت «برایت‌تارت» تأکید کرد «برنامه غنی‌سازی هرگز نباید در ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست: هیچگونه غنی‌سازی! این یعنی برچیدن کامل! یعنی هیچگونه تسلیحاتی‌سازی و یعنی اینکه نطنز، فردو و اصفهان که سه مرکز اصلی غنی‌سازی آنها هستند باید برچیده شوند.»

● او افزود که جمهوری اسلامی «ایران نباید سانتریفیوژ داشته باشد. آنها باید تمام مواد هسته‌ای موجود خود را رقیق کنند و به مکانی بسیار دور منتقل نمایند. برنامه غنی‌سازی هرگز نباید در ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست.»

● این اظهارات در حالی مطرح شده که ویتکاف ماه گذشته گفته بود آمریکا به دنبال محدود ساختن برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران است، نه برچیدن کامل آن، که برخلاف موضع بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل است. خواست نتانیاهو اجرای «مدل لیبی» و برچیدن کامل برنامه‌های اتمی ایران است.

استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ در امور خاورمیانه در آستانه چهارمین گفتگوی جمهوری اسلامی و آمریکا گفت، ایران نه باید سانتریفیوژ داشته باشد و نه به غنی‌سازی اورانیوم بپردازد!

استیو ویتکاف شنبه ۹ ماه مه (۱۹ اردیبهشت) در مصاحبه اختصاصی با وبسایت «برایت‌بارت» با تکرار مواضع دونالد ترامپ و مارکو ربیو وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد «برنامه غنی‌سازی هرگز نباید در ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست: هیچگونه غنی‌سازی! این یعنی برچیدن کامل! یعنی هیچگونه تسلیحاتی‌سازی و یعنی اینکه نطنز، فردو و اصفهان که سه مرکز اصلی غنی‌سازی آنها هستند باید برچیده شوند.» او توضیح داد «جمهوری اسلامی باید تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم خود را بطور کامل برچیند تا آمریکا بتواند ادعای آن مبنی بر نداشتن تمایل به ساخت سلاح هسته‌ای را باور کند.» ویتکاف همچنین افزود که جمهوری اسلامی «ایران نباید سانتریفیوژ داشته باشد. آنها باید تمام مواد هسته‌ای موجود خود را رقیق کنند و به مکانی بسیار دور منتقل نمایند. برنامه غنی‌سازی هرگز نباید در ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست.»

برخی منابع داخلی صحبت‌های ویتکاف را «نگران‌کننده» توصیف کردند به ویژه آنکه تأکید کرده است که «من واقعاً معتقدم آنها هیچ گزینه‌ای ندارند جز پذیرش موضع پرزیدنت ترامپ در مخالفت با غنی‌سازی. البته می‌توانند نه بگویند و ترامپ را آزمایش کنند، اما فکر می‌کنم این کار عاقلانه‌ای نخواهد بود.»

این اظهارات در حالی مطرح شده که ویتکاف ماه گذشته گفته بود آمریکا به دنبال محدود کردن برنامه غنی‌سازی

شبکه المیادین، خبرگزاری نزدیک به حزب الله لبنان حوالی عصر به وقت ایران به نقل از خبرنگارش در مسقط گزارش داد اختلافات در مذاکرات دور چهارم میان جمهوری اسلامی و آمریکا بالا گرفته است.

طبق گفته‌های این خبرنگار، اختلاف اصلی بر سر اصرار جمهوری اسلامی ایران بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران است. منابع غیررسمی به نقل از اروپایی‌ها گزارش دادند که ویتکاف به همراه ۱۲ کارشناس به مسقط رفت. مارک دوبوویتر مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) به این خبر واکنش نشان داد و نوشت: «خوشحال‌کننده است که کارشناسان فنی به فرستاده آمریکا [ویتکاف] پیوسته‌اند تا درباره برچیدن کامل برنامه هسته‌ای رژیم مذاکره کنند، درست همانطور که پریزدنت ترامپ، معاونش، مقامات ارشد امنیت

پایان چهارمین دور گفتگوها میان عراقچی و ویتکاف؛ اختلاف عمیق بر سر توقف کامل غنی‌سازی در ایران



عباس عراقچی و دستیارانش در مذاکرات اتمی / رم

ملی و رهبران جمهوریخواه در کنگره و حزب جمهوریخواه خواستار آن شده‌اند. غنی‌سازی، نه مپ، نه توافق.» ویتکاف پیشتر هشدار داده بود اگر مذاکرات یکشنبه سازنده نباشد، ادامه نخواهد یافت. او به نمایندگی از دولت ترامپ گفته بود جمهوری اسلامی باید تأسیسات نظنز، فردو و اصفهان را برچیند و اورانیوم غنی‌سازی شده را به منطقه‌ای دور و خارج ایران منتقل کند.

عباس عراقچی نیز گفته بود «ما با خون دانشمندان هسته‌ای خود بهای سنگینی برای غنی‌سازی اورانیوم پرداختیم و این قابل مذاکره نیست.» درست میان گفتگوهای دور چهارم، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در «ایکس» نوشت: «ایران قاطعانه مصمم است که حقوق قانونی و غیرقابل انکار خود را برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تحت NPT دنبال کند و در عین حال کاملاً آماده است تا به تعامل دیپلماتیک خود برای اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود که قبلاً نشان داده شده است، ادامه دهد.» او تأکید کرد جمهوری اسلامی مصمم به لغو تحریم‌هاست.

اندکی پیش از آغاز مذاکره در مسقط محمدرضا احمدی سنگری یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صحن علنی گفت: «با گرگ‌ها مذاکره کردن بیهوده است» و «نباید به آمریکایی‌ها اعتماد کرد.»

● شبکه المیادین خبرگزاری نزدیک به حزب الله لبنان حوالی عصر به وقت ایران به نقل از خبرنگارش در مسقط گزارش داد اختلافات در مذاکرات دور چهارم میان جمهوری اسلامی و آمریکا بالا گرفته است.

● اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: «ایران قاطعانه مصمم است که حقوق قانونی و غیرقابل انکار خود را برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تحت NPT دنبال کند.»

● ویتکاف پیشتر هشدار داده بود اگر مذاکرات یکشنبه سازنده نباشد، ادامه نخواهد یافت. او به نمایندگی از دولت ترامپ گفته بود جمهوری اسلامی باید تأسیسات نظنز، فردو و اصفهان را برچیند و اورانیوم غنی‌سازی شده را به منطقه‌ای دور و خارج ایران منتقل کند.

چهارمین دور از گفتگوها میان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ در امور خاورمیانه روز یکشنبه ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) در مسقط برگزار شد.

بر اساس گزارش‌های اولیه ویتکاف حدود یک ساعت دیر به جلسه رسید. آنهم در شرایطی که یک روز پیش سی‌ان‌ان به نقل از یک «مقام ایرانی» گزارش داد که آمریکایی‌ها مذاکره را «ج‌دی» نگرفته‌اند و از ابتدا به دنبال تله‌ای برای جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن گفتگوها بودند.

→ خود فلسطینی‌ها نیز به آن اعتنایی ندارند تکرار کرد و گفت، اسرائیل با حمایت آمریکا و انگلیس در غزه جنایت می‌کند و «ملت‌ها باید در مقابل رژیم صهیونیستی و حامیان‌ش بایستند و نگذارند مسائل مربوط به فلسطین به فراموشی سپرده شود.»

این در حالیست که قرار است عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و استیو ویتکاف نماینده دونالد ترامپ یکشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه در مسقط برای چهارمین بار گفتگو کنند.

طی روزهای اخیر آمریکا چندین نهاد، فرد و کشتی دیگر مرتبط با فروش نفت ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار داد. مقامات آمریکایی از جمله خود دونالد ترامپ، مارکو روبریو وزیر خارجه و استیو ویتکاف با صراحت اعلام کرده‌اند که زیرساخت‌های اتمی جمهوری اسلامی باید کاملاً برچیده شود. همچنین تأکید شد که اگر تهران گزینه دیپلماسی و توافق را نپذیرد، گزینه بعدی اقدام نظامی خواهد بود. در عین حال ترامپ در سخنانی که به نظر برخی از ناظران بیشتر یک مانور تبلیغاتی است، استفاده از نام جعلی «خلیج عربی» را بجای خلیج فارس مطرح کرد. اما جمهوری اسلامی هیچ واکنش مهمی نشان نداده است.

از سوی دیگر، ویتکاف به روشنی اعلام کرد که اگر روز یکشنبه توافق صورت نگیرد، مذاکرات متوقف خواهد شد. در این میان، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس در «ایکس» هشدار داد: «اگر مواضع ویتکاف، دستور کار قطعی آمریکا برای دور چهارم میز عمان باشد، دیدار پنجم او و عراقچی به قیامت خواهد افتاد.»

او همچنین در سخنانی دیگر گفته «فضای سنگین مذاکرات با آمریکا که اکنون شکل گرفته، به دلیل از دست دادن فرصت‌های گذشته است. جمهوری اسلامی اکنون تحت فشار است و با وجود تهدید نظامی، مذاکرات را دنبال می‌کند.»

برخی ناظران بر این باورند تند شدن لحن علی خامنه‌ای علیه اسرائیل و حامیان آن [آمریکا و انگلیس] یکی از علائم شکست مذاکرات است.

طی حدود ۶۰ روز گذشته که از آغاز گفتگوهای جمهوری اسلامی و آمریکا در مسقط و رم می‌گذرد، فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کمتر مواضع تند نشان داده‌اند اما یک هفته پیش از آغاز دور چهارم و پس از آنکه ترامپ اعلام کرد تمام برنامه‌های غنی‌سازی در ایران باید برچیده شود، لحن آنها تغییر کرد و حتا از موشک بالستیک «قاسم بصیر» با بُرد ۱۲۰۰ کیلومتر و یک پایگاه زیرزمینی پنهانی رونمایی شد.

اینطور که پیش می‌رود، به نظر می‌رسد اختلافات میان تهران و واشنگتن بیش از پیش بروز کند زیرا در دور اول و دوم مذاکره، جمهوری اسلامی مدام تأکید داشت که ویتکاف هنوز فراتر از مسائل اتمی چیزی مطرح نکرده است.

در داخل ایران منابع حکومتی می‌گویند اسرائیل و براندازان به شدت برای اخلال در مذاکرات تلاش می‌کنند. آنها حتا بازداشت تعدادی تبعه‌ی ایرانی عضو «یگان ۸۴۰» سپاه پاسداران را نیز دسیسه می‌دانند. این افراد برای حمله به سفارت اسرائیل در لندن برنامه‌ریزی می‌کردند.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در ارتباط با چند تبعه ایرانی به اتهام اقدامات تروریستی به نقل از منابع مطلع از درون حکومت ایران نوشت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی این افراد توطئه حمله به سفارت اسرائیل را طراحی کرده بود تا مذاکرات با آمریکا را بر هم بزنند.

سفر واقعاً غیرعادی ترامپ به ریاض



محمد بن سلمان و دونالد ترامپ / ریاض / ۱۳ مه ۲۰۲۵ / رویترز

شبه‌نظامی عراقی به نیروهای آمریکایی، برای نخستین بار در یک دهه اخیر اتفاق می‌افتد. همچنین خود برنامه کاری ترامپ در این دیدار نیز آن را از سفر قبلی متمایز می‌سازد. او واشنگتن را به عنوان مرکز تصمیم‌گیری کلان جهانی به کلی تغییر داده و برنامه‌های بزرگ برای تحول در داخل و خارج آغاز کرده و با چهار سال و اندی فرصت، زمان کافی برای تحقق آن دارد.

به نظر من، مهم‌ترین دستاورد این اجلاس برای عربستان، پایه‌ریزی یک رابطه کاری بلندمدت و مثبت با ترامپ و ایالات متحده است. روابط عربستان با آمریکا در هشت سال اخیر موفق بوده و حتی بسیاری از منتقدان سابق اکنون ثمرات آن را می‌بینند. چون این رابطه بر اساس منافع متقابل بنا شده و بنابراین توانایی استمرار را دارد. بسیاری از کشورها، حتی در اروپا، اکنون در حال الگوبرداری از رویکرد عربستان در تفاهم و توافق با ترامپ هستند که دیگر به ائتلاف‌های سیاسی و نظامی صرف با واشنگتن اکتفا نمی‌کند، بلکه در پی ایجاد منافع مشترک است.

رابطه یک تریلیون دلاری که عربستان به ترامپ وعده داده، یک سید پر از هدیه نیست، بلکه مجموعه‌ای از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عظیم است. این موضوع را می‌توان در توافق‌نامه‌های امضا شده و حضور تیم ترامپ در این سفر مشاهده کرد. همه اینها با رویکرد و تفکر محمد بن ولی‌عهد سعودی هماهنگ است؛ تمرکز بر ساخت و ساز، اقتصاد و غلبه بر مشکلات سیاسی و امنیتی با این هدف که روابطی ثمربخش و پایدار پایه‌گذاری شود.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

سعودی انجام شده که همگی در زمان خود اهمیت تاریخی و سیاسی داشتند. و اکنون، در این برهه از تاریخ، سفر ترامپ با تغییرات گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی همراه است؛ تغییری که از زمان پایان جنگ سرد تا کنون بی‌سابقه‌اند.

در سطح روابط دوجانبه، سفر ترامپ آغازگر فصل جدیدی است، به ویژه با توجه به ماهیت پرونده‌هایی که در دستور کار مذاکرات قرار دارد، برخی از آنها پیشتر آغاز شده‌اند و برخی دیگر در آینده تکمیل خواهند شد. از جمله پروژه هسته‌ای عربستان که در گذشته، آمریکا تمایلی به مذاکره درباره آن نداشت، اما اکنون احتمال اعلام آن وجود دارد، چرا که دولت ترامپ پیشتر اطلاعاتی در این زمینه فاش کرده بود. یکی از نکات جالب این است که عربستان در جریان اکتشافات معدنی خود که بخشی از پروژه عظیم توسعه‌ای ۲۰۳۰ است، موفق به کشف اورانیوم در صحرای خود شده، که پروژه هسته‌ای صلح‌آمیزش را شتاب خواهد داد.

در بُعد سیاسی، اگرچه روابط عربستان و آمریکا خوب است، اما همچنان به تنظیم و تثبیت نیاز دارد. توافق استراتژیک کوئینسی که پس از جنگ جهانی دوم میان ملک عبدالعزیز و رئیس‌جمهور روزولت امضا شد، اکنون از اعتبار افتاده است. ترامپ در پی توافق استراتژیک جدیدی با رهبری عربستان است؛ توافقی که با تحولات جدید، از جمله تبدیل شدن آمریکا به صادرکننده نفت، و پیدایش بازارهای بزرگتری برای عربستان در چین و هند، و همچنین پروژه ۲۰۳۰، هماهنگ باشد.

واقعیت این است که سفر دوم ترامپ به ریاض نسبت به سفر وی در دور اول ریاست جمهوری او متفاوت است. ناظران سیاسی از تغییرات واضح فضای سیاسی امروز آگاه‌اند: سقوط رژیم بشار اسد، فروپاشی قدرت حزب‌الله، نابودی توانایی‌های حوثی‌ها، و توقف حملات گروه‌های

● وعده‌های بزرگ در سفر ترامپ به سعودی، همان چیزی است که این نخستین سفر رسمی خارجی وی در دور دوم ریاست جمهوری‌اش و آغاز فعالیت‌های دیپلماتیک جهانی‌اش را «غیرعادی» می‌سازد. آنهم در حالی که بیش از دو ماه کار روی این سفر در جریان بود و چنین سطحی از آمادگی‌ها در تاریخ روابط دولت‌های آمریکا و عربستان سابقه نداشته است.

● واقعیت این است که سفر دوم ترامپ به ریاض نسبت به سفر وی در دور اول ریاست جمهوری او متفاوت است. ناظران سیاسی از تغییرات واضح فضای سیاسی امروز آگاه‌اند: سقوط رژیم بشار اسد، فروپاشی قدرت حزب‌الله، نابودی توانایی‌های حوثی‌ها، و توقف حملات گروه‌های شبه‌نظامی عراقی به نیروهای آمریکایی، برای نخستین بار در یک دهه اخیر اتفاق می‌افتد. همچنین خود برنامه کاری ترامپ در این دیدار نیز آن را از سفر قبلی متمایز می‌سازد.

● مهم‌ترین دستاورد این اجلاس برای عربستان، پایه‌ریزی یک رابطه کاری بلندمدت و مثبت با ترامپ و ایالات متحده است. روابط عربستان با آمریکا در هشت سال اخیر موفق بوده و حتی بسیاری از منتقدان سابق اکنون ثمرات آن را می‌بینند. چون این رابطه بر اساس منافع متقابل بنا شده و بنابراین توانایی استمرار را دارد. بسیاری از کشورها، حتی در اروپا، اکنون در حال الگوبرداری از رویکرد عربستان در تفاهم و توافق با ترامپ هستند که دیگر به ائتلاف‌های سیاسی و نظامی صرف با واشنگتن اکتفا نمی‌کند، بلکه در پی ایجاد منافع مشترک است.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - به راه انداختن یک برنامه هسته‌ای برای عربستان، قراردادهای نظامی، توافق‌نامه دفاعی، پایان دادن به جنگ غزه، مسیر راه حل دو کشوری برای فلسطین و اسرائیل، مذاکره با جمهوری اسلامی ایران و قراردادهای تریلیون دلاری در تجارت و سرمایه‌گذاری، همه این موضوعات پرزحمت در سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا به ریاض گنجانده شده است. در این سفر، گروهی از سران و مدیران برجسته شرکت‌های فناوری ایلان ماسک به عنوان رئیس شرکت‌های تسلا و اسپیس‌ایکس و همچنین مدیران شرکت‌هایی مانند اوپن ال، متا، آلفابت، بوئینگ و سیتی‌گروپ ترامپ را همراهی می‌کنند.

این وعده‌های بزرگ در سفر ترامپ به سعودی، همان چیزی است که این نخستین سفر رسمی خارجی وی در دور دوم ریاست جمهوری‌اش و آغاز فعالیت‌های دیپلماتیک جهانی‌اش را «غیرعادی» می‌سازد.

بیش از دو ماه کار روی این سفر در جریان بود و چنین سطحی از آمادگی‌ها در تاریخ روابط دولت‌های آمریکا و عربستان سابقه نداشته است. در این مدت مذاکرات متعددی برگزار شده تا زمینه‌ساز توافق در تمامی پرونده‌های سیاسی، اقتصادی و دفاعی باشد. پیش از این سفر نیز سیاستمدارانی از منطقه و جهان به ریاض سفر کردند تا محورهای جدیدی را برای بحث و تبادل نظر در این سفر مطرح کنند.

در پنجاه سال گذشته، طبق آرشيو وزارت خارجه آمریکا، دوازده سفر رسمی رؤسای جمهور آمریکا به عربستان

نبرد در آسمان کشمیر؛ درس‌هایی برای خریداران تسلیحات روسی



جنگنده‌های JF-17 Thunder نیروی هوایی پاکستان در آزمایش «عمان ۲۳» بر فراز آب‌های شمالی دریای عرب در نزدیکی کراچی/ ۱۳ فوریه ۲۰۲۳ / رویترز

رادار، قابلیت چندمنظوره و هماهنگی سامانه‌ها مواجه است. تفاوت دکترین هوایی؛ پاکستان چابک، هند کند عامل کلیدی دیگر در نتیجه این درگیری، تفاوت در رویکرد راهبردی دو کشور است. پاکستان بر اجرای عملیات‌های دقیق، ضربه‌ای و سریع تمرکز دارد؛ از جمله استفاده بهینه از سامانه‌های سبک، واکنش‌پذیر و قابل بازیابی. در مقابل، هند همچنان متکی بر قدرت‌نمایی سنتی و سامانه‌های سنگین با کارایی پایین در سناریوهای نبرد نامتقارن است.

پیامدهای استراتژیک: روسیه بازنده پنهان نبرد
این نبرد نه تنها شکست هند بود، بلکه زنگ خطری برای کشورهای مصرف‌کننده تسلیحات روسی از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شود. در جهان امروز، قدرت برتر هوایی را نه وزنه پرنده‌ها، بلکه هوش سامانه‌ها، دقت سلاح‌ها و انعطاف عملیاتی تعیین می‌کند. چین توانسته با الهام از اف ۱۶- و افزودن فناوری‌های بومی، یک نمونه موفق‌تر تولید کند. پاکستان نیز با تکیه بر این مدل، موازنه هوایی را به سود خود تغییر داده است. رویارویی هوایی در آسمان کشمیر، تنها یک رویداد محلی نبود؛ بلکه نشانه‌ای روشن از تغییر توازن در عرصه جنگ‌های هوایی آسیاست. جمهوری اسلامی که همچنان به قراردادهای پر زرق و برق با مسکو دل بسته است، چشم به روی واقعیت ناکارآمدی پلتفرم‌های روسی بسته است. اگر رویکرد دفاعی جمهوری اسلامی همچنان بر پایه تسلیحات سنگین، کند، و وابسته به روسیه باقی بماند، تکرار تجربه هندوستان خواهد بود. از سوی دیگر تحریم‌ها که ناشی از ۴۶ سال سیاست‌های جنگ‌طلبانه حکومت علیه غرب است، مانع ورود تسلیحات نوین و به‌روز شده به کشور است. درواقع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دچار ضعف‌هایی عمیق هستند که بطور مستقیم ناشی از عملکرد حکومت است.

*شهرام سبزواری تحلیلگر مسائل نظامی

JF-17؛ محصول یک طراحی کاربردی با الهام از اف ۱۶-
جنگنده JF-17 که در ابتدا با مشارکت شرکت چینی چنگدو (Chengdu) و نیروی هوایی پاکستان ساخته شد، درواقع پاسخی ارزان‌قیمت و به‌روز به نیازهای یک نیروی هوایی در حال توسعه است. این پرنده جنگی از نظر طراحی به شدت از F-16 آمریکایی الگوبرداری شده، اما با فناوری‌های بومی چین ارتقاء یافته است. مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارتند از:

- طراحی آیرودینامیک چابک و سبک‌وزن
- توانایی نبرد هوایی در فواصل متوسط تا دور
- رادارهای AESA با قدرت کشف بالا
- موشک‌های هوا به هوا PL-15 با برد بیش از ۲۰۰ کیلومتر و سیستم هدایت فعال
- سیستم‌های پیشرفته جنگ الکترونیک برای مقابله با رادارهای دشمن

نسخه Block III این جنگنده اکنون یک پلتفرم چندمنظوره مدرن محسوب می‌شود و با هزینه‌ای به مراتب کمتر از جنگنده‌های غربی یا روسی، توان تهاجمی قابل توجهی ارائه می‌دهد.

شکست جنگنده‌های روسی؛ از افسانه تا واقعیت
در سوی مقابل، جنگنده‌های نیروی هوایی هند- عمدتاً MiG-29UPG و Su-30MKI - که از روسیه خریداری و به‌روز شده‌اند، در این نبرد هوایی کارایی چشمگیری از خود نشان ندادند. دلایل این ناکارآمدی عبارتند از:

- (۱) جنگنده «سوخو-۳۰» هرچند از نظر مانورپذیری تئوریک قوی است، اما به دلیل سطح مقطع راداری بالا، ضعف در جنگ الکترونیک، و اتکای بیش از حد به موشک‌های قدیمی R-77، در برابر پرنده‌های سبک‌تر و سریع‌تر چون JF-17 مغلوب شد.
- (۲) اگرچه هند تلاش کرده است «میگ-۲۹» را با ارتقاءهایی به‌روز کند، اما این جنگنده همچنان با محدودیت‌هایی در برد

• در رویارویی هوایی اخیر میان هند و پاکستان، جنگنده‌های JF-17 Thunder ساخت مشترک چین و پاکستان موفق شدند دست‌کم دو فروند جنگنده روسی ساخت نیروی هوایی هند را سرنگون کنند. این درگیری کوتاه اما معنادار، نشان داد که معیار برتری در نبردهای هوایی قرن بیست و یکم نه در اندازه و وزن پرنده‌ها، بلکه در چابکی، هوشمندی سامانه‌ها و انعطاف‌پذیری عملیاتی است.

• رویارویی هوایی در آسمان کشمیر، تنها یک رویداد محلی نبود؛ بلکه نشانه‌ای روشن از تغییر توازن در عرصه جنگ‌های هوایی آسیاست. جمهوری اسلامی که همچنان به قراردادهای پر زرق و برق با مسکو دل بسته است، چشم به روی واقعیت ناکارآمدی پلتفرم‌های روسی بسته است.

• نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دچار ضعف‌هایی عمیق هستند که بطور مستقیم ناشی از عملکرد حکومت است.

شهرام سبزواری - وقتی کپی هوشمندانه اف ۱۶- آمریکایی، شکاری‌های روسی را به زمین زد، در حالی که فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر با آب و تاب از توافقات نظامی تازه با روسیه سخن گفته و وعده «بازسازی توان دفاعی» را داده بودند، میدان‌های واقعی نبرد در آسیا تصویری کاملاً متفاوت ارائه داد: ضعف تسلیحات روسی در میدان نبرد.

در رویارویی هوایی اخیر میان هند و پاکستان، جنگنده‌های JF-17 Thunder ساخت مشترک چین و پاکستان موفق شدند دست‌کم دو فروند جنگنده روسی ساخت نیروی هوایی هند را سرنگون کنند. این درگیری کوتاه اما معنادار، نشان داد که معیار برتری در نبردهای هوایی قرن بیست و یکم نه در اندازه و وزن پرنده‌ها، بلکه در چابکی، هوشمندی سامانه‌ها و انعطاف‌پذیری عملیاتی است.

ادعای مقامات جمهوری اسلامی در واکنش به سخنان تحقیرآمیز ترامپ: «ما دزد نیستیم!» و «خورد و خوراک رهبر معلوم است!»

● اظهارات دونالد ترامپ درباره دزدی و فساد رهبران جمهوری اسلامی که در سخنرانی خود در سفر به عربستان مطرح کرد، مقامات نظام را به واکنش و ادعاهای غیرواقعی واداشته است.

● مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، عباس عراقچی، غلامرضا سلیمانی، صادق آملی لاریجانی، علی فدوی و خیلی‌های دیگر به سخنان ترامپ علیه جمهوری اسلامی واکنش نشان داده‌اند.

● پزشکیان با ۴۸ ساعت تأخیر در جریان سفر به استان کرمانشاه گفت: «رئیس جمهوری آمریکا آمده در منطقه گفته ما مسئولان ایرانی و رهبران دزدیم اما خودشان دنیا را غارت می‌کنند.»

● با وجود مواضع تحقیرآمیز ترامپ علیه جمهوری اسلامی و مقاماتش، آنها همچنان برای ادامه مذاکرات و دستیابی به توافق اصرار می‌کنند. این اصرار با انتقاد شدید حامیان نظام روبرو شده است. حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان چاپ تهران اظهارات ترامپ را «اراجیف» خوانده و در سرمقاله این روزنامه نوشته «ترامپ با چه زبانی باید اعلام کند که مذاکره را به بازی گرفته است تا باورمان شود؟!»

اظهارات دونالد ترامپ درباره دزدی و فساد رهبران جمهوری اسلامی که در سخنرانی خود در سفر به عربستان مطرح کرد مقامات نظام را به واکنش و ادعاهای غیرواقعی واداشته است.

رئیس جمهوری آمریکا ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ در نخستین روز از سفر خاورمیانه‌ای خود در ریاض، طی سخنانی به انتقاد از رهبران جمهوری اسلامی پرداخت و عملکرد آنها را با رهبران عربستان مقایسه کرد و گفت در ایران مافیایی فاسد حاکم است که کشور را ویران کرده و از مردم دزدی می‌کند.

اولین کسی که رسماً به این حرف‌ها واکنش نشان داد، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود که گفت این دیدگاه‌ها «فریکارانه» است و تقصیر را گردن ایالات متحده انداخت و مدعی شد: «آمریکا عامل مشکلات اقتصادی ایران و خواهان یک نظام غیرمستقل است!» همزمان وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای رسماً حرف‌های ترامپ را محکوم کرد و آن را «کذب، تفرقه‌افکنانه و گمراه‌کننده» دانست.

مسعود پزشکیان با ۴۸ ساعت تأخیر روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت در جریان سفر به استان کرمانشاه به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «رئیس جمهوری آمریکا آمده در منطقه گفته ما مسئولان ایرانی و رهبران دزدیم اما خودشان دنیا را غارت می‌کنند.» او البته تلویحاً دزدی‌ها را تأیید کرد اما خامنه‌ای را مبرا دانست و مدعی شد، «زندگی رهبر ما معلوم است. خورد و خوراکش معلوم است. زندگی آنهايي که دارند دنیا را غارت می‌کنند هم معلوم است.»

اغلب مقامات حکومت بر این باورند که ترامپ این صحبت‌ها را هدفمند بیان کرده و هدف اصلی او رو در رو قرار دادن مردم و نظام است. در همین ارتباط پزشکيان گفت: «ترامپ خوابش را ببیند که نارسایی‌ها را به رخ ما بکشد.» وی افزود: «دشمنان می‌خواهند ما با هم دعوا کنیم ولی ما دعوا نمی‌کنیم!»



دونالد ترامپ در عربستان / رویترز

بیابان تبدیل کرده‌اند، مافیای فاسد آب باعث خشکسالی، خشک شدن رودخانه‌ها و بی‌آبی مردم ایران شده‌اند، در حالی که آنها خودشان ثروتمند می‌شوند، اما چیزی نصیب مردم نمی‌شود.»

ترامپ تحقیر مقامات جمهوری اسلامی را در دوحه نیز ادامه داد و در جریان دیدار با شیخ همیم بن حمد آل ثانی امیر قطر گفت که رژیم «ایران باید بسیار قدرداران شما [امیر قطر] باشد چون دیگران برخلاف قطر، دوست دارند که ما شدیداً به ایران حمله کنیم.»

این حرف‌های ترامپ بازتاب زیادی در بین مردم داشت. سخنرانی ترامپ به ویژه در میان کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی با واکنش گسترده همراه شد. بسیاری می‌گویند ترامپ با این حرف‌ها علی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی را تحقیر کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با سخنان رئیس جمهوری آمریکا در «ایکس» نوشت: «پرزیدنت ترامپ درست می‌گوید. این رژیم، ایران و خاورمیانه را گروگان گرفته است. ایرانیان برای آینده‌ی روشنی که از آن صحبت می‌کند، می‌جنگند. تنها مانع بین آنها و آن آینده، جمهوری اسلامی است. وقتی این رژیم از بین برود، صلح پایدار به منطقه‌ی ما خواهد آمد.»

برخی از کاربران نیز عنوان کرده‌اند که اگر ترامپ همه این واقعیت‌ها و شرایط جمهوری اسلامی و وضعیت ایران را می‌داند، پس چرا به دنبال معامله و توافق با رهبران دزد رژیم است؟!

با وجود مواضع تحقیرآمیز ترامپ علیه جمهوری اسلامی و مقاماتش اما آنها قویاً برای ادامه مذاکرات و دستیابی به توافق اصرار می‌کنند. این اصرار با انتقاد شدید حامیان نظام روبرو شده است. حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان چاپ تهران اظهارات ترامپ را «اراجیف» خوانده و در سرمقاله این روزنامه نوشته «ترامپ با چه زبانی باید اعلام کند که مذاکره را به بازی گرفته است تا باورمان شود؟!»

یاوه‌گویی برای ناامید کردن مردم

سردار پاسدار غلامرضا سلیمانی رئیس سازمان بسیج گفت، «این یاوه‌گویی‌ها برای ناامید کردن مردم است و ما با این قبیل برنامه‌ها باید امید را تزریق کنیم» و «رسانه‌های دشمن به دنبال سیاه‌نمایی هستند.»

پاسدار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران نیز ترامپ را متهم به «تفرقه‌افکنی» کرد.

صادق آملی لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه روز چهارشنبه این مجمع گفت: «رئیس جمهور آمریکا در دو سه روز اخیر سخنانی علیه ایران مطرح کرده که باید به حساب عدم تعادل او گذاشت. متأسف هستیم که رئیس جمهور آمریکا به این میزان از نظر فکری نامتعادل است.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز عنوان کرد «ترامپ در توهم بسر می‌برد.»

ادعای مصطفی پورمحمدی: سر سعودی‌ها کلاه رفت!

برخی از مقامات نیز قرارداد بزرگ تجاری- نظامی آمریکا و عربستان را زیر سؤال برده‌اند از جمله مصطفی پورمحمدی رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی گفت: «قرارداد هزار میلیارد دلاری ترامپ با عربستان سعودی نوعی تاراج دارایی‌های مردم منطقه است، سران این کشور شب را به پایکوبی و بدمستی می‌گذرانند اما فردا متوجه می‌شوند که چه کلاهی سرشان رفته و چه عزت و شرفی از دست‌شان رفته است.»

ترامپ در بخشی از سخنرانی خود به مقایسه عملکرد رهبران سعودی و رژیم ایران پرداخت و گفت: «در حالی که شما بلندترین برج‌های جهان را در جده و دوی ساخته‌اید، نمادهای تهران ۱۹۷۹ در حال ویران شدن است و به خرابه تبدیل می‌شود... در حالی که شما بیابان‌های خشک را به زمین‌های حاصلخیز تبدیل کرده‌اید، رهبران [جمهوری اسلامی] ایران زمین‌های سرسبز و کشاورزی را به

بازدید ترامپ از پایگاه «العُدید» در قطر؛ جمهوری اسلامی ورشکسته است

او در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اینکه در میانه یک سفر تاریخی بسر می‌برد و روز فوق‌العاده‌ای را با امیر قطر سپری کرده است، گفت: «قطر از آمریکا تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله پهپاد خریداری کرده و قرارداد خرید ۴۲ میلیارد دلار تجهیزات نظامی از آمریکا را امضاء کرده است.»

ترامپ در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به اینکه اولویت وی پایان دادن به جنگ‌هاست، هشدار داد که ایالات متحده دشمنان خود و متحدان آنان را «بدون حتی لحظه‌ای فکر کردن» با قدرتی «ویرانگر» هدف قرار خواهد داد.

او در ادامه جمهوری اسلامی را حکومتی ورشکسته نامید که نمی‌تواند حماس یا هیچ گروه دیگری را تأمین مالی کند. ترامپ همچنین با اشاره به این موضوع که کشور پایگاه هوایی بگرام در افغانستان را حفظ خواهد کرد، گفت نیروی هوایی آمریکا به زودی جنگنده «اف۴۷» را در اختیار خواهد داشت.

دونالد ترامپ پیشتر در شامگاه چهارشنبه ۱۴ ماه مه در ضیافت شام تمیم بن حمد آل‌ثانی امیر قطر ضمن تأکید بر اینکه مسئله هسته‌ای ایران تنها دو راه حل دارد، یکی دوستانه و دیگری خشونت‌آمیز، خواستار کمک رهبران این کشور برای حصول توافق هسته‌ای با تهران شد و گفت که وضعیت کنونی «واقعا خطرناک» است.



سخنرانی دونالد ترامپ در العُدید / عکس: رویترز

توجه حقوق نیروهای نظامی خبر داد و گفت: «بودجه نظامی فعلی آمریکا بیشترین میزان در طول تاریخ این کشور است.»

● ترامپ در جریان بازدید از پایگاه العُدید، از افزایش قابل توجه حقوق نیروهای نظامی خبر داد و گفت: «بودجه نظامی فعلی آمریکا بیشترین میزان در طول تاریخ این کشور است.»

● رئیس جمهوری آمریکا در بخشی صحبت‌های خود با اشاره به اینکه اولویت وی پایان دادن به جنگ‌هاست، هشدار داد که ایالات متحده دشمنان خود و متحدان آنان را «بدون حتی لحظه‌ای فکر کردن» با قدرتی «ویرانگر» هدف قرار خواهد داد.

● او در ادامه جمهوری اسلامی را حکومتی ورشکسته نامید که نمی‌تواند حماس یا هیچ گروه دیگری را تأمین مالی کند.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ در سومین روز از سفر خود به خاورمیانه از پایگاه هوایی العُدید محل استقرار سربازان آمریکایی در قطر بازدید کرد.

به گزارش رویترز، ترامپ «العُدید» را یکی از شگفت‌انگیزترین پایگاه‌ها در جهان خواند و از سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری قطر در این پایگاه خبر داد.

ترامپ با تأکید بر اینکه سربازان آمریکا مظهر قدرت این کشور و قوی‌ترین سربازان جهان هستند و ارتش آمریکا غرور را برای مردم این کشور به ارمغان می‌آورد، از افزایش قابل

تحریم یک شرکت و دو فرد مرتبط با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی



وزارت خزانه‌داری آمریکا

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) روز دوشنبه ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) در بیانیه‌ای اعلام کرد «محمدرضا صدیقی صابر» و «احمد حقیقت‌طلب» تحریم شدند. هر دو نفر در ارتباط با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تحریم شدند.

● همزمان دونالد ترامپ در یک اظهار نظر تأکید کرد «ما می‌خواهیم ایران کشوری ثروتمند، شاد و بزرگ باشد اما بدون بمب اتم».

یک روز پس از چهارمین دور از مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا که در مسقط برگزار شد، وزارت خزانه‌داری آمریکا یک شرکت و دو فرد ایرانی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) روز دوشنبه ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) در بیانیه‌ای اعلام کرد «محمدرضا صدیقی صابر» و «احمد حقیقت‌طلب» تحریم شدند. هر دو نفر در ارتباط با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تحریم شدند. همچنین شرکت «فناوران آینده‌نگر پویا پارس» مستقر در منطقه صنعتی شمس‌آباد تهران نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت. این شرکت زیر برند تجاری «ایده‌آل وکیوم» فعال است و تجهیزاتی را تولید می‌کند که در صنایع اتمی و نظامی کاربرد دارد.

در این بیانیه به نام محمدرضا مهدی‌پور اشاره شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد فروردین ۱۳۹۸ در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته بود. این فرد با «گروه شهید کریمی» از زیرمجموعه‌های وزارت دفاع در ارتباط بوده است.

این گروه به احتمال زیاد در توسعه، تأمین یا پشتیبانی فناوری‌هایی دخیل بوده که در برنامه هسته‌ای یا موشکی

و می‌دانند خواسته آمریکا چیست. او تأکید کرد «ما می‌خواهیم ایران کشوری ثروتمند، شاد و بزرگ باشد اما بدون بمب اتم».

تحریم‌های جدید آمریکا در شرایطی اعمال شده که پیش از آن عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بود برداشته شدن تحریم‌ها یکی از موضوعات اصلی مذاکرات مسقط بود و طرفین به درک نزدیک‌تری از یکدیگر رسیده‌اند!

رژیم ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند. همزمان دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در اظهاراتی درباره گفتگوهای میان تهران و واشنگتن عنوان کرد، «ما نمی‌خواهیم ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد، خیلی ساده است. فکر می‌کنم آنها فهمیده‌اند که من جدی‌ام.» او با اشاره به ادامه مذاکره با جمهوری اسلامی مدعی شد که مقامات تهران «عاقلاً و منطقی» رفتار می‌کنند.

جمهوری اسلامی و سه قدرت اروپایی در استانبول مذاکره خواهند کرد



هیات مذاکره کننده جمهوری اسلامی در رم / فروردین ۱۴۰۴

● دو منبع دیپلماتیک اروپایی و یک منبع ایرانی به رویترز گفته‌اند، قرار است نمایندگان جمهوری اسلامی و سه قدرت اروپایی روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در استانبول درباره «برجام» گفتگو کنند.

● مذاکرات قبلی که قرار بود در دوم مه (۱۲ اردیبهشت) برگزار شود، به دلیل تردید اولیه بریتانیا، فرانسه و آلمان به تعویق افتاد. آنها نگران بودند این گفتگوها مسیر جداگانه‌ای ایجاد کرده و مذاکراتی را که دولت ترامپ پیش می‌برد تحت تأثیر قرار دهد.

دو منبع دیپلماتیک اروپایی و یک منبع ایرانی به رویترز گفته‌اند، قرار است نمایندگان جمهوری اسلامی و سه قدرت اروپایی روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در استانبول درباره «برجام» گفتگو کنند. رویترز گزارش داد این مذاکرات در سطح دیپلمات‌های ارشد در حالی انجام می‌شود که هر دو طرف در تلاش هستند تا پیش از دور پنجم گفتگوی احتمالی میان رژیم ایران و آمریکا در روزهای آتی، موضع خود را مشخص کنند. مذاکرات قبلی که قرار بود در دوم مه (۱۲ اردیبهشت) برگزار شود، به دلیل تردید اولیه بریتانیا، فرانسه و آلمان به تعویق افتاد. آنها نگران بودند این گفتگوها مسیر جداگانه‌ای ایجاد کرده و مذاکراتی را که دولت ترامپ پیش می‌برد تحت تأثیر قرار دهد. اما دیپلمات‌ها اظهار داشتند که در نهایت تصمیم گرفتند به این گفتگو بپردازند چرا که این گفتگو و تأکید بر دیدگاه خود در مورد پارامترهای توافق جدید را به نفع خود دیدند. اصلی‌ترین نگرانی جمهوری اسلامی احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت مجدد تحریم‌های بین‌المللی است که با توافق برجام تعلیق شده‌اند.

رویترز می‌نویسد روابط میان سه قدرت اروپایی و ایران طی سال گذشته با وجود برخی دیدارهای پراکنده، بدتر شده است. این روابط در بحبوحه تحریم‌های جدید علیه برنامه موشکی جمهوری اسلامی، بازداشت شهروندان خارجی و

حمایت تهران از روسیه در جنگ اوکراین، تیره‌تر شده است. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه در حاشیه نشست هیات دولت در پاسخ به پرسش خبرنگاران گفت: «دور بعدی گفتگوهای ایران و اروپا در سطح معاونان وزرای خارجه، روز جمعه ۲۶ اردیبهشت‌ماه در استانبول برگزار خواهد شد.» او افزود: «متأسفانه اروپایی‌ها خودشان هستند که با سیاست‌های خودشان در مذاکرات انزوا پیدا کرده‌اند.»

پیشتر عراقچی هشدار داده بود در صورت فعال شدن اسنپ‌ک یا مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، جمهوری اسلامی به سوی ساختن بمب اتم خواهد رفت! بر اساس مفاد قطعنامه ۲۳۳۱ سازمان ملل، سه قدرت اروپایی می‌توانند تا پیش از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ تحریم‌های سازمان ملل را دوباره احیا کنند. روندی که در محافل دیپلماتیک به آن «مکانیسم بازگشت خودکار تحریم‌ها» یا «اسنپ‌ک» گفته می‌شود. این سه کشور در حال حاضر دخالتی در مذاکرات فعلی جمهوری اسلامی و آمریکا ندارند اما به دنبال هماهنگی نزدیک با واشنگتن هستند تا درباره زمان و نحوه احتمالی استفاده از مکانیسم بازگشت تحریم‌ها و افزایش فشار بر برنامه هسته‌ای ایران تصمیم بگیرند. آنهم در حالی که ترامپ در سفر خود به کشورهای حاشیه خلیج فارس همه کشورها را فرا خوانده تا تحریم‌های جاری علیه جمهوری اسلامی را واقعاً اجرا کنند. به گفته دیپلمات‌ها و طبق سندی که رویترز مشاهده کرده، در صورتی که تا ماه اوت توافق قابل توجهی حاصل نشود، سه کشور اروپایی حاضر در توافق برجام ممکن است مکانیسم ماشه را فعال کنند.

بر اساس اعلام عمان که نقش میانجی را در گفتگوهای اتمی جمهوری اسلامی و دولت ترامپ بازی می‌کند، دور بعدی مذاکرات آنها قرار است طی روزهای آتی پس از مشورت نمایندگان هر دو طرف با رهبران خود برگزار شود.

امیدهای جمهوری اسلامی برای معامله با آمریکا و رفع تحریم‌ها به حداقل رسیده است

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید: «رسیدن به یک توافق کاملاً در دسترس است، اما اگر هدف محروم کردن ایران از حقوق هسته‌ای خود باشد، ایران از هیچ‌یک از حقوق ملت خود عقب نخواهد نشست.»

● استیو ویتکاف پیشنهاد کرده، در صورت موافقت جمهوری اسلامی با برچیدن کامل برنامه‌های اتمی خود و خرید اورانیوم غنی‌شده از آمریکا، تحریم‌ها علیه ایران را لغو کند و استفاده از گزینه اقدام نظامی را نیز کنار بگذارد. این سیاست درواقع اجرای همان «مدل لیبی» است که اسرائیل نیز بر آن اصرار دارد.

● یک مقام جمهوری اسلامی به سی‌ان‌ان گفته بنا بر ارزیابی تهران، واشنگتن از ابتدا در مورد نیت خود از حضور در مذاکرات «صادق» نبوده و به نظر می‌رسد می‌خواهد از آن به عنوان «تله‌ای بزرگ برای سوق دادن وضعیت به سوی تشدید تنش‌ها» استفاده کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ در خاورمیانه و مذاکرات اتمی با رژیم ایران، قرار است روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت در



مسقط برای چهارمین بار به گفتگوهای هسته‌ای بپردازند. ویتکاف پیش از این گفتگوها تأکید کرد: «اگر گفتگوهای روز یکشنبه سازنده نباشد متوقف خواهد شد.» او در مصاحبه با وبسایت «برایت‌بارت» شروط اصلی توافق احتمالی با جمهوری اسلامی را بطور واضح چنین بیان کرد: (۱) برنامه غنی‌سازی هرگز نباید در ایران وجود داشته باشد، (۲) تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان باید برچیده شوند و (۳) جمهوری اسلامی باید تمام مواد هسته‌ای موجود خود را رقیق کند و به مکانی بسیار دور منتقل نماید.

در واکنش به این مواضع که چندان هم تازگی

احمد میدری از دریافت دومین کارت زرد جَست؛ تأیید فساد ساختاری در وزارت کار

بزرگی از حملات و اتهام‌ها علیه او، زمانی آغاز شد که تصمیم به تغییر این افراد و اعزام بازرسان به شرکت‌ها گرفت: «من فقط یک بازرس به یک شرکت فولادی فرستادم، ولی امروز تهدید می‌کنم که افشاگری می‌کنیم. اگر من وزیر اجازه نداشته باشم در شرکت فولاد خراسان بازرس بفرستم، بودن یا نبودن این وزارتخانه چه فرقی دارد؟» به گفته او، برخی از مدیران کنونی شرکت‌ها حتی یک روز هم سابقه مرتبط نداشته‌اند و در فاصله‌ی میان کشته شدن ابراهیم رئیسی تا استقرار دولت پزشک‌یان، با سرعت در هیئت‌های مدیره منصوب شده‌اند.

با پایان سخنان احمد میدری، پاسخ‌های او به رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی گذاشته شد که نمایندگان با ۱۲۵ رأی موافق، ۹۹ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع، پاسخ‌های او را قانع‌کننده دانستند. به این ترتیب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت پزشک‌یان توانست از خطر دریافت کارت زرد عبور کند.

احمد میدری یکبار دیگر در ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ و در رابطه با انتصابات در این وزارتخانه به مجلس شورای اسلامی احضار و نخستین کارت زرد خود را نمایندگان دریافت کرده بود. در آن نشست کامران غضنفری از افراد نزدیک به «جبهه پایداری» درباره انتصابات مدیران این وزارتخانه از جمله مدیر «شستا» (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی) از وزیر کار سؤال پرسید و وزارتخانه را متهم کرد که انتصاب برخی افراد با وجود اعلام منفی بوده است. نمایندگان مجلس شورای هم پس از شنیدن پاسخ‌های احمد میدری با ۹۹ رأی موافق، ۱۳۷ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از ۲۴۰ رأی مأخوذه اعلام کردند که



از پاسخ‌های وزیر قانع نشدند.

احمد میدری در آن نشست اعتراف کرده بود که زد و بندهای سیاسی بر انتصاب مدیران در جمهوری اسلامی سایه انداخته و این روند تحت روابط و رانت صورت می‌گیرد. او در بخشی از پاسخ خود به کامران غضنفری گفته بود «سیاست‌زدگی در نظام اداری اجازه وجود دولت کارآمد را به شدت محدود کرده است.»

بر اساس آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی کارت زرد در مجلس به معنای نارضایتی از عملکرد یک وزیر است و اگر یک وزیر سه بار از مجلس کارت زرد بگیرد، استیضاح خواهد شد.

● احمد میدری که در رابطه با «انتصاب‌های سیاسی در سازمان بهزیستی» به مجلس شورای اسلامی احضار شده بود، تواسست با قانع کردن نمایندگان از خطر دریافت کارت زرد عبور کند.

● مهمترین بخش سخنان احمد میدری اما نه دفاع از خود و دولت، بلکه تأیید وجود شبکه فساد در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین وزارتخانه‌های دولت بود!

● احمد میدری در صحن علنی مجلس شورای اسلامی درباره ساز و کار شبکه فساد در شرکت‌های زیرمجموعه وزارت کار گفته برخی از مدیران شرکت‌های زیرمجموعه وزارت کار برای اینکه در پُست خود باقی بمانند ماهانه یک میلیارد تومان هزینه می‌کنند!

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که امروز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی احضار شده بود تا درباره «انتصاب‌های سیاسی در سازمان بهزیستی» پاسخ دهد، در نهایت توانست با قانع کردن نمایندگان از خطر دریافت کارت زرد عبور کند.

احمد میدری وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در سخنانی که در دفاع از خود مطرح کرد گفت: «بنده یکبار دیگر هم در صحن مجلس حاضر شدم که از افرادی نام برده شد که آنها در وزارتخانه هستند و به عنوان مشاور یا معاون به کار گرفته شده‌اند که همه آن اطلاعات نادرست بود.»

او خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی افزود: «شما عزیزان بر اساس آن اطلاعات نادرست به بنده کارت زرد دادید. الان هم اگر قرار است اول من صحبت بکنم و بعد نماینده محترم و در نهایت رأی‌گیری بر اساس اطلاعاتی شود که بنده حق دفاع از آن را ندارم، این قضاوت به نظر من قضایستی نیست که مبتنی بر اطلاعات درست باشد؛ بنابراین این رویه منتج به تصمیم‌گیری صحیح نخواهد شد.»

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین گفت که «باید سوال را خود سوال‌شونده بیاید و توضیح دهد که منظورشان از انتصاب سیاسی چیست تا من بتوانم از خودم دفاع کنم.» احمدی میدری همچنین مدعی شد «ما در حال تصمیم‌گیری در خصوص سرنوشت سیاسی کشور هستیم» و افزود: «اینکه گفته شود افراد معلوم‌الحال در وزارتخانه هستند، موجب بی‌اعتمادی مردم به قوه مجریه می‌شود؛ افراد معلوم‌الحال یعنی چه؟ ما برای هر کدام از انتصابات سوابق افراد و بررسی و تأییدیه‌های آنها را از ۳ دستگاه نظارتی اخذ می‌کنیم.»

مهمترین بخش سخنان احمد میدری اما نه دفاع از خود و دولت، بلکه تأیید وجود شبکه فساد در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین وزارتخانه‌های دولت بود!

او درباره ساز و کار شبکه فساد در شرکت‌های زیرمجموعه وزارت کار گفت: «از حالا به نمایندگان مجلس می‌گویم که چون کسانی که در شرکت‌ها هستند در حال جابجایی‌اند و افرادی هستند که برخی از آنها فقط ماهانه یک میلیارد تومان هزینه می‌کنند، جابجا کردن‌شان به زودی مورد حمله قرار خواهد گرفت؛ اینها کسانی هستند که از اموال عمومی می‌برند.» وزیر کار دولت پزشک‌یان همچنین مدعی شد که بخش

نداشت و بارها توسط خود دونالد ترامپ تکرار شده بود، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت: «رسیدن به یک توافق کاملاً در دسترس است، اما اگر هدف محروم کردن ایران از حقوق هسته‌ای خود باشد، ایران از هیچیک از حقوق ملت خود عقب نخواهد نشست.»

در همین حال، روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی نوشت که استیو ویتکاف پیشنهاد کرده است که ایالات متحده در صورت موافقت جمهوری اسلامی با برچیدن کامل برنامه‌های اتمی خود و خرید اورانیوم غنی‌شده از آمریکا، تحریم‌های علیه آن را لغو کند و استفاده از گزینه اقدام نظامی را نیز کنار بگذارد. این سیاست درواقع اجرای همان «مدل لیبی» است که اسرائیل نیز بر آن اصرار دارد.

این روزنامه آمریکایی در عین حال به نقل از مقامات کاخ سفید افزوده که موضع دولت دونالد ترامپ در قبال برنامه هسته‌ای مشکوک جمهوری اسلامی متناقض بوده و همین موضوع به بحث‌های داخلی فراوانی در این کشور منجر شده است.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران درباره سخنان ویتکاف مبنی بر توقف غنی‌سازی و برچیدن سانتریفیوژها در ایران، نوشت «این دیگر اسمش مذاکره نیست، چماق است.»

«جوان» افزود این موضع نماینده آمریکا «عملاً مذاکرات را در دور چهارم به نقطه‌ای رسانده است که در این نقطه، پاسخ پرسش‌هایی درباره چشم‌انداز پیش رو و اینکه آیا اصلاً روند جاری می‌تواند ادامه داشته باشد و به نتیجه برسد، روشن خواهد شد.»

تله بزرگ برای شکست مذاکرات

تنها چند ساعت مانده به آغاز دور چهارم مذاکرات هسته‌ای رژیم ایران و آمریکا، سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام جمهوری اسلامی گزارش داد که بنا بر ارزیابی تهران، واشنگتن از ابتدا در مورد نیت خود از حضور در مذاکرات «صادق» نبوده و به نظر می‌رسد می‌خواهد از آن به عنوان «تله‌ای بزرگ برای سوق دادن وضعیت به سوی تشدید تنش‌ها» استفاده کند.

او گفت که طرف آمریکایی به پرسش‌های تهران «پاسخ‌های کوتاه و کلی» می‌دهد، «پیشنهادهای اصلی» را نادیده می‌گیرد و در طول مذاکرات «مدام موضع خود را تغییر می‌دهد.»

به گفته این «منبع آگاه»، این وضعیت باعث شده تهران به این نتیجه برسد که مذاکرات «احتمالاً به نتیجه مطلوب در زمینه رفع تحریم‌ها و بهره اقتصادی منجر نخواهد شد.» او همچنین گفت، در نتیجه‌ی شرایط موجود در مذاکرات، تهران «در حال آماده‌سازی برای مرحله بعدی است و طی یک ماه گذشته، بخش‌های سیاسی، اقتصادی و دیگر حوزه‌ها سناریوهای لازم را تهیه کرده‌اند.»

این مقام جمهوری اسلامی تأکید کرد که غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران «خط قرمز قطعی» جمهوری اسلامی در مذاکرات بوده و آمریکا «به خوبی از آن آگاه است.»

در همین ارتباط پیشتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس در «ایکس» هشدار داده بود، «اگر مواضع ویتکاف، دستور کار قطعی آمریکا برای دور چهارم میز عمان باشد، دیدار پنجم او و عراقچی به قیامت خواهد افتاد.»

گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که میزان ذخایر اورانیوم جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به سطحی رسیده که در صورت غنی‌سازی ۹۰ درصدی، برای ساخت شش بمب اتمی کفایت می‌کند و این برای غرب و به ویژه اسرائیل و همچنین اروپا قابل قبول نیست.

دست کم ۱۰ آتش سوزی طی دو هفته؛ آمارهای مخدوش و سرنوشت مبهم جانبازان انفجار «بندر رجایی»



● انفجار در «بندر رجایی» بندرعباس در نیمروز شبیه ششم اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ سرآغاز انفجارها و آتش سوزی‌هایی سریالی در سراسر ایران شد که هنوز علت واقعی و قابل استنادی برای هیچیک از این انفجارها و آتش سوزی‌ها اعلام نشده است.

● مقامات جمهوری اسلامی شمار افراد گمشده را ۱۱ تن اعلام کرده‌اند اما منابع محلی شمار مفقودشدگان را بیشتر دانسته و می‌گویند خانواده این افراد هر روز به نزدیکی محل انفجار آمده به دنبال رد و نشانی از عزیزان خود هستند.

● در حالی که تا چند روز پس از انفجار آمار جانبازان ۷۰ نفر اعلام شده بود اما سخنگوی دولت هشت روز پس از حادثه، در نشست خبری تعداد قطعی کشته‌شدگان را بر اساس اجساد شناسایی شده و گواهی فوت، ۵۷ نفر اعلام کرد!

● بسیاری از کارگران شاغل در «بندر رجایی» قرارداد کار نداشتند و به صورت روزمزد کار می‌کردند و در نتیجه نام آنها در فهرست نیروهای استخدامی شرکت‌های این بندر وجود ندارد.

با گذشت دو هفته از فاجعه انفجار در «بندر رجایی» همچنان خانواده‌های زیادی می‌گویند اعضای خانواده آنها که به عنوان کارگر یا راننده در این بندر فعال بوده‌اند از روز حادثه مفقود شده و جمهوری اسلامی نه تنها پایان عملیات جستجو را اعلام کرده بلکه اطلاعات دقیقی در اختیار این خانواده‌ها قرار نمی‌دهد.

انفجار «بندر رجایی» در نیمروز شبیه ششم اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ سرآغاز انفجارها و آتش سوزی‌هایی سریالی در سراسر ایران شد که هنوز علت واقعی و قابل استنادی برای هیچیک از این انفجارها و آتش سوزی‌ها اعلام نشده است.

بر اساس آمارهای گزارش شده طی دو هفته ۱۰ آتش سوزی در شهرهای مختلف ایران رخ داده است. روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، آتش سوزی در یک انبار در خیابان مولوی رخ داد. روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه نیز یک ساختمان متروکه قدیمی در خیابان سعدی کرمانشاه دچار آتش سوزی شد. همزمان در روز دوشنبه یک آتش سوزی در یک کارخانه رنگ شرکت ماکان ایوانکی و یک آتش سوزی در یکی از شهرک‌های صنعتی قم رخ داد.

روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت آتش سوزی دیگری در کارخانه موتوسیکلت سازی در مشهد و روز شبیه ۱۳ اردیبهشت منطقه قوچ حصار نظرآباد آتش سوزی رخ داد. همزمان در روز شبیه یک کارخانه رنگ سازی در شهرک صنعتی عباس‌آباد آتش گرفت و ۷۰ درصد مجموعه از بین رفت.

سعید پوش رئیس آتش‌نشانی دهدشت نیز نهم اردیبهشت ماه سه آتش‌سوی همزمان در سه مکان مختلف در دهدشت استان کهگیلویه و بویر احمد را تأیید کرد.

هشتم اردیبهشت ماه نیز در یکی از پرتددترین نقاط مرکزی شهر نور در استان مازندران آتش سوزی گسترده‌ای رخ داد که خسارات مالی قابل توجهی به همراه داشت.

اما شدیدترین آتش سوزی‌ها مربوط به انفجار مهیبی بود که در «بندر رجایی» رخ داد و همچنان علت اصلی این انفجار و محتویات کانتینری که کانون انفجار بود اعلام نشده است. گزارش‌های مختلفی وجود مواد شیمیایی مورد استفاده در سوخت جامد موشک‌های بالستیک را به عنوان

محتویات کانتینرهایی که در این بندر تجاری سبب انفجاری بیسابقه در ایران شدند را مورد تأکید قرار داده‌اند.

یک هفته پس از این حادثه رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در توضیح آخرین وضعیت رسیدگی به مجروحان حادثه بندرعباس اعلام کرد: «در این حادثه در مجموع ۱۵۶۶ مجروح با طیف علایم از خفیف تا شدید در هفت بیمارستان استان مراجعه داشتند که از این تعداد، ۱۵۱۶ نفر با حال عمومی مناسب ترخیص شده‌اند. تنها حدود ۱۷ اعزام به شیراز داشتیم که نیمی از آنها بیماران چشمی بوده‌اند و تاکنون ۱۹۳ عمل جراحی در اتاق‌های عمل انجام شده است. حدود ۳۸ نفر در ICU بستری شدند و اکنون ۲۵ بیمار در بیمارستان‌ها و از این تعداد پنج بیمار در ICU بستری هستند. ۵ نفر هم در بیمارستان‌ها فوت کردند.»

اکنون با گذشت دو هفته از فاجعه انفجار در «بندر رجایی» نه تنها علت این حادثه در روندی سازمان یافته از سوی جمهوری اسلامی پنهان مانده بلکه سرنوشت ده‌ها تن از افرادی که در این حادثه مفقود شده‌اند نیز مبهم و نامشخص است. مقامات جمهوری اسلامی شمار افراد گمشده را ۱۱ تن اعلام کرده اما منابع محلی شمار مفقودشدگان را بیشتر دانسته و می‌گویند خانواده این افراد هر روز به نزدیکی محل انفجار آمده به دنبال رد و نشانی از عزیزان خود هستند.

یکی دیگر از موارد مبهم در انفجار «بندر رجایی» آمار جانبازان این فاجعه است. در حالی که تا چند روز پس از انفجار، آمار جانبازان ۷۰ نفر اعلام شده بود اما سخنگوی دولت هشت روز پس از حادثه، در نشست خبری تعداد قطعی کشته‌شدگان را بر اساس اجساد شناسایی شده و گواهی فوت، ۵۷ نفر اعلام کرد!

دو روز بعد از رئیس جمعیت «هلال احمر» همچنان بر تعداد ۷۰ فوتی تأکید کرد. اگر چه آمار متناقض مورد توجه شهروندان و رسانه‌ها قرار گرفت اما دولت حاضر به شفاف سازی و توضیح در اینباره نشده است!

در آنسو اما تعداد جانبازان فاجعه انفجار در «بندر رجایی» نیز بیش از آمارهای مختلف منابع حکومتی عنوان می‌شود. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهند بسیاری از کارگران شاغل در «بندر رجایی» قرارداد کار نداشتند و به صورت روزمزد کار می‌کردند و در نتیجه نام آنها در فهرست نیروهای استخدامی شرکت‌های این بندر وجود ندارد. بخشی از این کارگران که از سیستان و بلوچستان آمده بودند حتی شناسنامه هم نداشتند!

روزنامه «اعتماد» در شماره امروز شبیه ۲۰ اردیبهشت به آمارهای مبهم قربانیان انفجار «بندر رجایی» پرداخته است. این گزارش به کارگرانی که بدون قرارداد و روزمزد یا با قراردادهای کوتاه مدت در «بندر رجایی» مشغول به کار بوده‌اند اشاره شده که از هیچ حقوقی برخوردار نیستند: «با توجه به اینکه طبق ادعای فعالان کارگری، بسیاری از مجروحان و جانبازان و حتی مفقودان حادثه انفجار کانتینرها در اسکله رجایی بندرعباس، کارگر غیر رسمی و روزمزدی بودند که به دلیل شائبه تخلف پیمانکار در نحوه به کارگیری این کارگران، حالا برای تعداد زیادشان حتی نمی‌توان طلب دیه و خسارت داشت چون هیچ سند مکتوبی از اشتغالشان موجود نیست.»

یک منبع آگاه در وزارت بهداشت در توضیح دلیل این تفاوت و همچنین در واکنش به برخی اعتراضات نسبت به تولید وزارت کشور و سازمان مدیریت بحران در اطلاع رسانی حادثه انفجار کانتینرها و محدودیت اعلام آمار فوتی‌ها از سوی وزارت بهداشت، به «اعتماد» گفت: «اتفاقاً تصمیم درستی اتخاذ شد چون طبق روال جاری کشور، همیشه تنها نهاد متولی اعلام آمار فوت در حوادث و بلایای طبیعی، سازمان پزشکی قانونی بوده و وزارت بهداشت فقط باید آمار مصدومین و مجروحان و وضعیت درمان را اعلام کند. در این حادثه هم وزارت بهداشت محدودیتی در اعلام آمار مجروحان و آرایه خدمات درمانی نداشت اما اعلام آمار فوت می‌توانست تداخل وظایف ایجاد کند چنانکه

نهاد پادشاهی را به ابزار انحصارطلبی خود تبدیل کنند؛ با شعارهایی که دیگران را طرد می‌کند یا با حمله به جریان‌های سیاسی دگراندیش، این نهاد ملی را وارد فضای نزاع و تقابل سازند. چنین مصادره‌ای، نهاد پادشاهی را از مدار همبستگی خارج کرده و به کانون چندقطبی‌سازی بدل می‌سازد؛ امری که هم اعتبار آن را در نگاه عمومی تضعیف می‌کند و هم کارکرد ملی‌اش را مختل می‌سازد.

رابطه پادشاه و شهروند، اگر بر پایه احترام متقابل و فارغ از واسطه‌های قدرت تعریف شود، می‌تواند به یکی از ستون‌های اصلی دموکراسی تبدیل گردد. در چنین نگاهی، نهاد پادشاهی حافظ حقوق بنیادین مردم است؛ نهاده‌ای که در برابر هرگونه انحصارطلبی، انحراف یا عدول از مسیر دموکراتیک، یادآور ارزش‌هایی چون آزادی، برابری و کرامت انسانی خواهد بود.

از سوی دیگر گفتمان پادشاهی، برخلاف ساختارهای ایدئولوژیک یا سیاست‌زده، در جوهر خود نه تنها توسعه‌محور، بلکه ملت‌گرا نیز هست. این نهاد، نه در پی حذف و سلطه، بلکه در پی ساختن، پیوند دادن و ارتقای ظرفیت‌های ملی است. پادشاهی، اگر در جایگاه بی‌طرف و ملی خود باقی بماند، می‌تواند پشتیبان فرآیندهایی باشد که توسعه را از سطح وعده و شعار، به یک مأموریت پایدار، غیرجناحی و نهادینه در بستر حکمرانی تبدیل می‌کنند.

اقتدار ملی نیز زمانی ماندگار خواهد بود که بر نهادهای معتبر، ساختارهای متوازن، و اعتماد عمومی استوار باشد، نه بر چرخش قدرت‌ها یا منازعات زودگذر. ساختار متوازن یعنی نظامی که در آن هیچ قدرتی خودسر، مطلق یا دائمی نیست، و همه اجزای حاکمیت در تعادل با یکدیگر عمل می‌کنند تا از دموکراسی، قانون و حقوق مردم محافظت شود. نهاد پادشاهی، اگر چنین نقش و وظیفه‌ای را بر عهده بگیرد، می‌تواند ستون استمرار و انسجام ملی باقی بماند، بی‌آنکه در رقابت‌های سیاسی گرفتار شود یا در یک جناح مستقر گردد.

حتی اگر در فدای ایران، شکل حکومت به آرای مردم به صورت جمهوری تعریف شود، تجربه‌های موفق در نزدیکی ایران- همچون هند یا اسرائیل- نشان می‌دهند که مدلهایی که بر پایه نهادهای ناظر مستقل، احزاب واقعی و ساختارهای قدرت غیرمتمرکز بنا شده‌اند، بسیار کارآمدتر، شفاف‌تر و پایدارتر از جمهوری‌های متمرکز هستند که در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به نوعی از دیکتاتوری انجامیده‌اند. نهادهای ناظر مستقل یعنی آندسته از ساختارهایی که بر عملکرد دولت و مقامات اجرایی نظارت دارند، بدون اینکه تابع همان قدرت باشند؛ مانند دیوان‌های نظارتی، رسانه‌های آزاد، یا یک نهاد پادشاهی یا رئیس جمهور غیراجرایی. احزاب واقعی، به معنای ساختارهایی فعال و آزادند که نماینده دیدگاه‌های مختلف جامعه‌اند و می‌توانند در رقابت انتخاباتی شرکت کنند، دولت تشکیل دهند یا در نقش منتقد باقی بمانند. و ساختار قدرت غیرمتمرکز، یعنی نظامی که در آن قدرت تنها در دست یک فرد یا مرکز جمع نمی‌شود، بلکه میان قوای سه‌گانه و سطوح مختلف حکمرانی تقسیم شده و در توازن قرار دارد.

در نهایت، آنچه سرنوشت یک نظام سیاسی را رقم می‌زند، نه صرفاً عنوان آن چون پادشاهی یا جمهوری، بلکه توانایی آن در تضمین گردش قدرت، تحقق توسعه پایدار، پاسداری از حقوق شهروندی، و جلوگیری از تمرکز و خودکامگی است. از همین رو، نهاد پادشاهی، اگر در خدمت این اصول قرار گیرد، می‌تواند نه تنها شکلی از حکومت، بلکه بخشی از راه حلی آینده‌نگر و در امتداد حافظه تاریخی ملت ایران، برای نظم‌ی مدنی، آزاد و پایدار در ایران فردا تلقی شود.

پادشاهی؛ ضامن همبستگی، توسعه و دموکراسی یا سد راه آن؟



که در وجدان عمومی ملت به عنوان نماد ثبات، بی‌طرفی و احترام متقابل یافته است.

اگر پادشاه در موقعیت نمادین خود باقی بماند، می‌تواند زمینه‌ساز فضایی برای رقابت سالم، قانونی و آزاد میان احزاب سیاسی باشد؛ فضایی که در آن همه شهروندان، فارغ از گرایش‌های مختلف، احساس آرامش و تعلق داشته باشند. چنین نقشی، پادشاه را به نقطه اتکای اعتماد و احترام عمومی تبدیل می‌کند؛ نهاده‌ای که در بزنگاه‌های بحرانی، با پافشاری بر حقوق مردم- به ویژه گروه‌های به حاشیه‌رانده‌شده یا کمتر نمایندگی‌شده و با تأکید بر اصول دموکراتیک، می‌تواند به حفظ ثبات و توازن اجتماعی کمک کند، بی‌آنکه در کار نهادهای اجرایی مداخله نماید.

نهاد پادشاهی در یک چارچوب مدرن، متشکل از شخص پادشاه، شاهزادگان، همسران آنها و خانواده سلطنتی، دفتر پادشاهی، مشاوران، و برخی نهادهای تشریفاتی یا هماهنگ‌کننده است که همگی در چارچوب قانون اساسی، به گونه‌ای بی‌طرفانه و نمادین ایفای نقش می‌کنند. هدف این ساختار، تقویت پیوستگی ملی، پاسداری از نظم قانونی، و جلوگیری از تمرکز قدرت است- نه مداخله در امور اجرایی یا رقابت‌های سیاسی و انحصار قدرت. در نتیجه، هر یک از افراد وابسته به این نهاد، تا زمانی که بطور رسمی و صریح از وابستگی سیاسی یا نهاده‌ای خود به نهاد پادشاهی اعلام کناره‌گیری نکرده‌اند، نباید وارد رقابت‌ها و منازعات سیاسی شوند؛ چرا که حفظ بی‌طرفی نهاد پادشاهی، شرط لازم برای ایفای نقش اعتمادساز و فراگیر آن در ساختار ملی است. همچنین، اعضای این نهاد موظف‌اند در گفتار، رفتار و حتی ظاهر شخصی خود، شأن و وقار نهاد پادشاهی را حفظ کنند و همواره نماینده‌ای شایسته برای این نماد فرهنگی، ملی و تاریخی باشند؛ چرا که هرگونه بی‌توجهی به این مسئولیت، می‌تواند به تضعیف اعتبار ملی، کاهش اعتماد عمومی، و آسیب به شأن این نهاد بینجامد.

خطر آنجاست که افراد و گروه‌هایی پر سر و صدا بکوشند

دیوید اعتباری - در میانه‌ی بحث‌های فزاینده درباره آینده نظام سیاسی ایران، بازخوانی نقش و جایگاه نهاد پادشاهی از منظر تاریخی و نهادی، ضرورتی دوباره یافته است. این نوشتار می‌کوشد، فارغ از تعصب یا واکنش‌های هیجانی، تحلیلی مبتنی بر تجربه تاریخی، منطق نهادی و نگاه آینده‌نگر از فلسفه وجودی، کارکرد و ظرفیت‌های بالقوه نهاد پادشاهی در ایران ارائه دهد.

نهاد پادشاهی در روند تاریخی، سیاسی، فرهنگی و فلسفی ایران، پاسخی‌ست به یک نیاز بنیادین ملی: وجود نهادهای فرا جناحی که حافظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، انسجام اجتماعی، استمرار تاریخی، و ضامن حقوق و کرامت شهروندی باشد. نهاده‌ای که فراتر از رقابت‌های سیاسی، تضمین‌کننده توازن قدرت، تقویت هویت ملی، و پشتیبان روند توسعه پایدار باشد.

برای نمونه، در نظام‌های پادشاهی مشروطه موفق جهان، شاهدیم که پادشاه به عنوان داور نهایی و ضامن قانون اساسی عمل می‌کند، بدون آنکه در تصمیم‌گیری‌های روزمره دولت مداخله داشته باشد. به همین دلیل، فرو کاستن این نهاد به سطح یک جریان سیاسی- حتی اگر آن جریان خود را مدافع اصلی پادشاهی بدانند- نه تنها با روح نظام پادشاهی ناسازگار است، بلکه نگاه بخش‌های مختلف جامعه را نیز نسبت به آن خدشه‌دار می‌سازد.

پادشاهی در سرشت خود فراسیاسی است. وظیفه‌اش نه نمایندگی یک جریان، بلکه بازتاب کل ملت و نهاد پیوستگی ملی است. تقلیل این نهاد به سطح یک جناح، حزب یا گفتمان خاص، آن را از کارکرد فراگیر خود تهی می‌سازد و موجب تضعیف اعتماد عمومی و کاهش شأن و اعتبار آن در میان مردم می‌شود. اگر قرار است این نهاد به عامل همبستگی و انسجام بدل شود، باید از صف‌بندی‌های روزمره سیاسی فاصله بگیرد و از تبدیل شدن به ابزار جریان‌های پرتنش پرهیز کند، زیرا ارزش آن، در بازتابی است

→ ارزیابی اولیه از تلفات جانی درست نبود و به همین دلیل تعداد متوفیان ۷۰ نفر اعلام شد در حالی که در بررسی‌های تخصصی کارشناسان پزشکی قانونی بر پیکرها یا بقایای اجساد معلوم شد که برخی نمونه‌ها مربوط به یک جانبخته بوده است.»

روزنامه «اعتماد» تأکید کرده فاجعه انفجار کانتینرها در اسکله رجایی بندرعباس، بعد از فاجعه انفجار معدن زغال‌سنگ پروده طیس که ۳۱ شهریور پارسال رخ داد، دومین حادثه شغلی پرتلفات در دولت چهاردهم است با این تفاوت که تمام قربانیان انفجار معدن زغال‌سنگ پروده طیس، کارگر بودند و تمام جانبختگان، مرد بودند، این حادثه خسارتی بیرون از معدن ایجاد نکرد و اجساد تمام جانبختگان هم از محل حادثه بیرون آورده شد چنانکه آمار قطعی فوتی‌ها، تا چند روز بعد از فاجعه و به دنبال فوت چند نفر از مجروحان به ۵۳ نفر رسید ولی در حادثه انفجار کانتینرها در اسکله رجایی بندرعباس، هم کارمند و هم کارگر قربانی شدند در حالی که تعداد قابل توجهی خانم هم بین قربانیان بودند و با وجود تلاش شبانه‌روزی امدادگران و آتش‌نشانان، گستردگی حریق و شدت انفجار و ابعاد فاجعه به حدی بود که تعداد قطعی فوتی‌ها فعلاً نامعلوم است.

این گزارش در ادامه نوشته «وجه مشترک هر دو حادثه، نادیده گرفتن الزامات ایمنی و مقررات بود که البته در حادثه انفجار کانتینرهای اسکله رجایی بندرعباس، سهمی از قصور متوجه برخی مدیران دولتی است که با بی‌توجهی به تخلف صاحبان کانتینرهای منفجر شده، زمینه بروز چنین فاجعه تلخی را فراهم کردند.»

تحریم ۱۸ فرد و نهاد به دلیل همکاری در توسعه برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی

● بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، این شبکه در پروژه‌هایی برای تولید داخلی مؤلفه‌های کلیدی مورد استفاده در موشک‌های بالستیک، به ویژه فیبر کربن، با نهادهای وابسته به سپاه پاسداران همکاری داشته است.

● اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ایالات متحده اجازه نخواهد داد ایران به توانمندی تولید داخلی موشک‌های قاره‌پیما دست یابد. پیگیری بی‌وقفه برنامه موشکی از سوی جمهوری اسلامی، تهدیدی غیرقابل‌قبول برای امنیت ایالات متحده و ثبات منطقه است».

● پی بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای گفت: «ایران همچنان برای انجام فعالیت‌های مخرب خود در خاورمیانه به شدت به چین وابسته است. این نمونه دیگری از چگونگی ارائه حمایت‌های اقتصادی و فنی کلیدی توسط حزب کمونیست چین و شرکت‌های مستقر در چین به ایران و نیروهای نیابتی آن است که باعث بی‌ثباتی منطقه‌ای و تهدید شرکا و متحدان ایالات متحده می‌شوند».

● در فهرست این تحریم‌ها شرکت «گسترش الیاف پیشرفته» به دلیل همکاری با سازمان جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تأمین فیبر کربن و تجهیزات مورد استفاده در ساخت موشک تحریم شده است. همچنین شرکت‌های «شریف همراه پژوهان علم و فناوری» و «سرآمد سازه‌سازان سروش» نیز به دلیل نقش در واردات مواد حساس از چین هدف تحریم قرار گرفته‌اند.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، شش فرد و ۱۲ نهاد مستقر در ایران و چین را به دلیل دخالت در تلاش‌ها برای تأمین مواد حیاتی مورد نیاز برنامه موشک‌های بالستیک حکومت ایران، تحریم کرد.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، این شبکه در پروژه‌هایی برای تولید داخلی مؤلفه‌های کلیدی مورد استفاده در موشک‌های بالستیک، به ویژه فیبر کربن، با نهادهای وابسته به سپاه پاسداران همکاری داشته است.

اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ایالات متحده اجازه نخواهد داد ایران به توانمندی تولید داخلی موشک‌های قاره‌پیما دست یابد. پیگیری بی‌وقفه برنامه موشکی از سوی جمهوری اسلامی، تهدیدی غیرقابل‌قبول برای امنیت ایالات متحده و ثبات منطقه است».

پی بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای گفت: «ایالات متحده نهادهای و افرادی را که عمدتاً

شدیدتر اقتصادی در صورت نپذیرفتن توافق برای محدود ساختن برنامه هسته‌ای نمود.

در این میان، اظهارات ترامپ با انتقاد مسعود پزشکیان مواجه شد. او در سخنانی که به صورت زنده از تلویزیون دولتی پخش شد، گفت: «ترامپ فکر می‌کند می‌تواند ما را تحریم کند بعد دم از حقوق بشر بزند.» وی سپس مانند



علی شمخانی دبیر سابق شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی

اگرچه جمعه که سال‌هاست برای آمریکا شاخ و شانه می‌کشد، رئیس‌جمهور آمریکا را خطاب قرار داد و گفت: «ترامپ! همه جنایات و ناآرامی‌های منطقه زیر سر توست!» و سپس با گزافه‌گویی افزود: «ترامپ خوابش را ببیند که نارسایی‌ها را به رخ ما بکشد. با مردم توانمندی که داریم همه مشکلات را حل خواهیم کرد!»

پزشکیان همچنین با همان لحن ادامه داد که ترامپ «فکر می‌کند می‌تواند بیاید، شعار بدهد و ما را بترساند. برای ما شهادت بسیار شیرین‌تر از مردن در رختخواب است. آمدی که ما را بترسانی؟ ما در برابر هیچ زورگویی سر خم نمی‌کنیم.» علی شمخانی نیز از لحن ترامپ و تهدیدهای مداوم او ابراز نارضایتی کرده و گفته است: «از شاخه زیتون صحبت می‌کنم، اما فقط سیم خاردار دیده‌ایم.»

در مصاحبه روز چهارشنبه NBC، شمخانی نگرانی خود را از نقش بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در تلاش برای تخریب این روند از طریق لابیگری در واشنگتن نیز ابراز داشت. او گفت: «اگر آمریکایی‌ها اثر بی‌بی نتانیاهو را خنثی کنند، می‌توانند به راحتی توافق را امضا کنند.»

در این گزارش ادعا شده که نشانه‌هایی وجود دارد که ترامپ ممکن است در حال فاصله گرفتن از نتانیاهو باشد. پیشتر NBC به نقل از دو مقام آمریکایی، دو دیپلمات خاورمیانه‌ای و دو منبع مطلع دیگر، گزارش داده بود که اختلاف نظرهایی بین ترامپ و نتانیاهو در مورد استراتژی‌های مقابله با چالش‌های منطقه‌ای از جمله رژیم ایران شکل گرفته است. این رسانه آمریکایی که اتفاقاً ترامپ در هفته‌های اخیر طی چند نوبت آن را بدترین رسانه خوانده است، در پایان می‌نویسد در حالی که نتانیاهو از اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای در ایران حمایت می‌کند، منابع گفته‌اند ترامپ به تدریج به این نتیجه رسیده که با توافق با حکومت ایران می‌توان تهدید دستیابی آن به سلاح هسته‌ای را از میان برداشت.

از سوی دیگر، نتانیاهو هفته گذشته اعلام کرد که از رسانه‌ها درباره اختلاف خودش و رئیس‌جمهور آمریکا شنیده است ولی «روابط ما عالیست و در همه مسائل هم‌نظریم».

علی شمخانی در مصاحبه با «ان‌بی‌سی»:

اگر تحریم‌ها فوری لغو شود، ایران از بین بردن ذخایر هسته‌ای را می‌پذیرد

● علی شمخانی مشاور علی خامنه‌ای می‌گوید، جمهوری اسلامی حاضر است در ازای لغو فوری تحریم‌های آمریکا، متعهد شود که هیچوقت به دنبال سلاح اتمی نمی‌رود و از غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا صرف نظر خواهد کرد.

● شمخانی در مصاحبه با شبکه NBC آمریکا که ۲۴ اردیبهشت پخش شد، عنوان کرده که جمهوری اسلامی ایران آماده است تا با رعایت شرایطی خاص، توافقی هسته‌ای با دونالد ترامپ را امضاء کند، مشروط بر اینکه تحریم‌های اقتصادی علیه آن لغو شوند.

علی شمخانی مشاور علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی می‌گوید، جمهوری اسلامی حاضر است در ازای لغو فوری تحریم‌های آمریکا، متعهد شود که هیچوقت به دنبال سلاح اتمی نمی‌رود و از غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا صرف نظر خواهد کرد.

شمخانی در مصاحبه با شبکه NBC آمریکا که ۱۴ ماه مه ۲۰۲۵ (۲۴ اردیبهشت) پخش شد، عنوان کرده که جمهوری اسلامی ایران آماده است تا با رعایت شرایطی خاص، توافقی هسته‌ای با دونالد ترامپ را امضاء کند، مشروط بر اینکه تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی لغو شوند.

در گزارش NBC آمده، شمخانی که از مشاوران سیاسی، نظامی و هسته‌ای اصلی خامنه‌ای است، یکی از بلندپایه‌ترین مقامات ایرانی به شمار می‌رود که به صورت علنی درباره این مذاکرات سخن گفته است.

او همچنین گفته در ازای لغو تحریم‌ها رژیم ایران متعهد خواهد شد هرگز به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نرود، ذخایر اورانیوم با غلظت بالا را که قابلیت استفاده تسلیحاتی دارند از بین ببرد و فقط به سطح پایین مورد نیاز برای مصارف غیرنظامی غنی‌سازی کند و به بازرسان بین‌المللی نیز اجازه نظارت بر این روند را خواهد داد.

در این گزارش تأکید شده است که اظهارات او شفاف‌ترین دیدگاه‌ها و اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای رسیدن به توافق است که از درون حلقه نزدیک به خامنه‌ای به صورت علنی بیان می‌شود.

مشاور رهبر جمهوری اسلامی در شرایطی از آمادگی نظام برای توافق با دولت ترامپ صحبت می‌کند که علی خامنه‌ای اخیراً در یک سخنرانی با استناد به یک روایت اسلامی گفت «صلح امام حسن با معاویه موقت و تاکتیکی» بود.

شمخانی همچنین درباره رابطه با آمریکا مدعی شده است که «اگر آمریکایی‌ها همانطور که می‌گویند عمل کنند، قطعاً می‌توانیم روابط بهتری داشته باشیم... این می‌تواند در آینده‌ای نزدیک به وضعیت بهتری منجر شود».

مشاور خامنه‌ای تنها چند ساعت پس از آن با NBC گفتگو کرده که ترامپ به رژیم ایران پذیرش «شاخه زیتون» را توصیه کرد. وی اما همزمان تهدید به اعمال تحریم‌های

دوران رضاشاهی؛ توانا بود هر که دانا بود؛ دانش بجای خرافات (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

شده بود. ولی در حالی که آخوندهای شیعه در دستگاه قاجار چنبره زده بودند و مشکلات داخلی و هرج و مرج کشور را فرا گرفته بود، مکتب‌خانه‌های آخوندی که خرافات در مغز کودکان می‌کاشتند، هنوز جای خود را به مدارس دولتی برای آموزش و پرورش مدرن نداده بودند.

جامعه عمدتاً بی‌سواد ایران در آن دوران تشنه‌ی تغییر بود اما احمدشاه قاجار ترجیح می‌داد بخش‌های زیادی از کشور در اشغال اجنبی باشد و خود در فرنگ زندگی را با عیش و نوش سپری کند. پس از انقلاب مشروطه با شعار معروف «آزادی و تجدد» که قرار بود راه ایران را به سوی جهان مدرن باز کند، برنامه مدارس دولتی تهیه

در چین و هنگ کنگ مستقر هستند، به دلیل حمایت‌شان از برنامه موشک بالستیک ایران تحریم می‌کند.» او افزود: «ایران همچنان برای انجام فعالیت‌های مخرب خود در خاورمیانه به شدت به چین وابسته است. این نمونه دیگری از چگونگی ارائه حمایت‌های اقتصادی و فنی کلیدی توسط حزب کمونیست چین و شرکت‌های مستقر در



بنزعلی خامنه‌ای کنار موشک‌های بالستیک سپاه در تهران/ رویترز

چین به ایران و نیروهای نیابتی آن است که باعث بی‌ثباتی منطقه‌ای و تهدید شرکا و متحدان ایالات متحده می‌شوند.» در فهرست این تحریم‌ها شرکت «گسترش الیاف پیشرفته» به دلیل همکاری با سازمان جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تأمین فیبر کربن و تجهیزات مورد استفاده در ساخت موشک تحریم شده است. همچنین شرکت‌های «شریف همراه پژوهان علم و فناوری» و «سرآمد سازه‌سازان سروش» نیز به دلیل نقش در واردات مواد حساس از چین هدف تحریم قرار گرفته‌اند.

طبق این بیانیه، «محمد رضایی» معاون سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران و مدیر این شرکت و «حامد دهقان» نایب‌رییس هیئت مدیره آن در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد حامد دهقان که پیشتر نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته بود.

شرکت‌های «پیش‌تازان کاوش گستر بشر» و «پیش‌تازان صنعت پرواز صدا» در ارتباط با نقش فعال در تأمین مواد و تجهیزات مورد نیاز برای برنامه موشکی نیروی هوافضای سپاه، بار دیگر هدف تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

دو نهاد وابسته به سپاه پاسداران با عنوان «سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه» و «سازمان جهاد خودکفایی سپاه» از جمله بازیگران اصلی در این روند معرفی شده‌اند که با تأمین فیبر کربن، مواد پیش‌ساز آن و تجهیزات صنعتی، به تلاش‌ها برای بومی‌سازی فناوری‌های موشکی در ایران کمک می‌کنند. این دو نهاد از سال ۲۰۱۷ به دلیل نقش در گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تحت تحریم آمریکا قرار دارند.

سه روز پیش از تحریم‌ها «محمد رضا صدیقی صابر»، «احمد حقیقت‌طلب» و «محمد رضا مهدی‌پور» و همچنین شرکت «فناوران آینده‌نگر پویا پارس» (ایده آل و کیوم) مستقر در منطقه صنعتی شمس‌آباد تهران مرتبط با تولید تجهیزات صنایع اقی و نظامی تحریم شده بودند.

تصویرنگاری و خوشنویسی شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام به زبان‌های فارسی و انگلیسی



ویدئو

هزمنند اهل کرمانشاه روغائی خواهد شد. سماء سلطانی فارغ‌التحصیل دانشگاه هنر تهران که تحصیلات تکمیلی خود را در رشته هنر در کالج آنجلا راسکین در کمبریج انجام داده است، بیش از چهار سال برای تصویرنگاری رباعیات خیام زمان گذاشته است. احمد رأفت با سماء سلطانی گفتگویی انجام داده است.

ده ماه مه در دانشگاه منچستر در بریتانیا، در پانزدهمین بزرگداشت فردوسی، شاهنامه به دو زبان فارسی- انگلیسی با خوشنویسی فریبا مقصودی و تصویرنگاری دخترش سماء سلطانی روغائی شد. هجدهم ماه مه نیز در دانشگاه سواس لندن، در شب بزرگداشت عمر خیام، رباعیات دو زبانه فارسی- انگلیسی این شاعر بزرگ ایران از همین دو

نایاب شدن داروی حیاتی بیماران کلیوی در داروخانه‌های ایران



● داروی حیاتی راپامیون (Rapamune) که برای جلوگیری از پس زدن پیوند کلیه در بدن بیماران دریافت‌کننده کلیه استفاده می‌شود نایاب شده است.

● به گفته یک بیمار «این دارو تا ۴ ماه قبل رایگان بود؛ اما دو ماه قبل به ۹۰۰ هزار تومان رسید و در آخرین مرتبه نیز به قیمت ۸ میلیون با بیمه تأمین اجتماعی فروخته شد و معلوم نیست بعداً نیز توزیع شود یا خیر».

● یک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز خبر داده بیمه‌ها، داروهای سرطانی و بیماری‌های خاص را از لیست خود حذف کرده‌اند و بیماران باید هزینه‌های هنگفتی برای تهیه دارو بپردازند.

در ادامه روند گرانی و کمبود دارو، داروی حیاتی راپامیون (Rapamune) که برای جلوگیری از پس زدن پیوند کلیه در بدن بیماران دریافت‌کننده کلیه استفاده می‌شود نایاب شده است. این دارو طی ماه‌های گذشته با قیمت‌های نجومی عرضه می‌شد اما اکنون دیگر در هیچ داروخانه‌ای پیدا نمی‌شود. وبسایت «دیده‌بان ایران» در گزارشی از نایاب شدن داروی راپامیون (Rapamune) در داروخانه‌های ایران خبر داده است.

بر اساس این گزارش، داروی راپامیون که از کشور ایرلند وارد می‌شود، برای بیماران پیوندی نقش حیاتی دارد و حذف یا وقفه در مصرف آن می‌تواند به از کار افتادن کلیه پیوند زده شده و در نتیجه بازگشت بیمار به دوره دیالیز منجر شود.

یکی از بیماران کلیوی که بیش از یک دهه است این دارو را مصرف می‌کند در گفتگو با «دیده‌بان ایران» گفته «بنده هر روز صبح دو عدد از این دارو را صرف می‌کنم و هنگامی که برای خرید سهمیه دو ماهه خود به داروخانه رفتم آنها اعلام کردند که این دارو را خیلی وقت است که تمام کرده و ندارند.» این بیمار کلیوی افزوده «به هرحال با دردرس فراوان توانستم این دارو را در یک داروخانه خصوصی پیدا کنم اما نکته مهم این است که این دارو تا ۴ ماه قبل رایگان بود؛ اما دو ماه قبل به ۹۰۰ هزار تومان رسید و در آخرین مرتبه نیز به قیمت ۸ میلیون با بیمه تأمین اجتماعی فروخته شد و معلوم نیست بعداً نیز توزیع شود یا خیر».

«دیده‌بان ایران» البته سوی دیگر بحران را نحوه توزیع دارو و نقش نهادهای مسئول به‌ویژه سازمان غذا و دارو در ایجاد این وضعیت ارزیابی کرده است.

بر اساس قانون، داروهای حیاتی بیماران پیوندی باید از طریق داروخانه‌های منتخب و زیر نظر وزارت بهداشت توزیع شوند با این حال، شواهد نشان می‌دهد که داروی راپامیون به این داروخانه‌ها به راحتی نمی‌رسد، و در گاهی موارد همچون دیگر داروهای خاص توزیع آن سلیقه‌ای و بدون نظارت مناسب صورت می‌گیرد.

عملکرد سازمان غذا و دارو، که مسئول مستقیم تأمین و توزیع داروهای وارداتی است، در هفته‌های اخیر با انتقاد شدید برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است.

طی روزهای گذشته یک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی خبر داد بیمه‌ها، داروهای سرطانی و بیماری‌های خاص را از لیست خود حذف کرده‌اند و بیماران باید هزینه‌های هنگفتی برای تهیه دارو بپردازند.

همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی با اعلام این خبر گفته بود «داروهای بیماران خاص از جمله بیماران سرطانی طبق

قانون باید تحت پوشش کامل بیمه باشند. اگر هم افزایش قیمتی رخ داده، بیمه موظف است ۱۰۰ درصد آن را برای این بیماران خاص پرداخت کند».

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده بود که «متأسفانه بیماران برای برخی داروها مجبورند مبالغی هنگفت پرداخت کنند؛ داروهایی که روزانه باید چند عدد مصرف کنند و قیمت هر عدد آن بیش از یک میلیون تومان شده است. این در حالی است که پیشتر تحت پوشش بیمه بوده‌اند».

به گفته همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی «سازمان غذا و دارو در زمینه افزایش قیمت داروها اقداماتی انجام داده که به‌نظر می‌رسد موجب فشار مضاعف به بیماران شده است. سازمان غذا و دارو عامل اصلی افزایش قیمت داروهاست».

علی خضریان، نماینده مجلس شورای اسلامی عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی در نامه‌ای به نصرالله پژمانفر رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد است. او گفته برخی مدیران فعلی یا سابق این سازمان، دارای منافع اقتصادی در شرکت‌های دارویی خصوصی هستند؛ مسأله‌ای که شائبه تضاد منافع و فساد سازمان‌یافته را در ذهن عموم تقویت می‌کند و او خواستار ورود کمیسیون اصل نود مجلس به بررسی تخلفات احتمالی در این حوزه شده است.

علی خضریان در این نامه تأکید کرده که افزایش قیمت دارو نه تنها موجب ایجاد مشکل مادی و معنوی برای مردم می‌شود بلکه سبب شکل‌گیری رانت و فساد گسترده در برخی شرکت‌های دارویی و میان سهامداران خواهد شد.

در این نامه آمده که «مسئله دارو یکی از موضوعاتی است که ارکان نظام با حساسیت ویژه آن را رصد می‌کنند و به دلیل نقش بی‌بدیل آن در زندگی مردم، همواره مورد توجه خاص قرار گرفته است. متأسفانه سازمان غذا و دارو در سال ۱۴۰۳، بدون هرگونه تغییر در نرخ ارز اختصاص یافته به این حوزه و تحت فضایی غیرواقعی، به بهانه افزایش نرخ ارز در بازار آزاد (که هیچ ارتباطی با حوزه دارو

نداشت)، اقدام به افزایش قیمت دارو به صورت فراقانونی در قالب کمیسیون‌های ظاهراً قانونی نمود».

در بخش دیگری از نامه آمده که «با وجود ادعای مسئولان مبنی بر «جلوگیری از کمبود دارو» و افزایش قیمت به این بهانه، طبق اعلام خودشان ۴۷۰ قلم دارو با کمبود مواجه شد! اظهارات تکان دهنده مدیر کل داروی سازمان غذا و دارو در یک سخنرانی عمومی که گفته است: «نظام کمبود دارو ایجاد کرده! اگر داروی ضدسرطان نباشد چه می‌شود؟ بیمار سرطانی می‌میرد و می‌گویند بهتر است یک غرغر کم شود؟!» نه تنها بیانگر بی‌تفاوتی نسبت به جان مردم است، بلکه اقدامی آشکار علیه امنیت ملی محسوب می‌شود».

علی خضریان همچنین تأکید کرده که «پیش از هر گونه افزایش قیمت دارو، می‌بایست سازمان‌های بیمه‌گر مطلع شده و قیمت‌های جدید در سامانه‌های نرم‌افزاری آنها ثبت می‌شد؛ اما این اقدام به عمد نادیده گرفته شد. نتیجه این بی‌تدبیری، تحمیل کل هزینه افزایش قیمت داروها بر دوش مردم بود که دقیقاً در تقابل با سیاست‌های کلی سلامت و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر «عدم افزایش پرداختی از جیب مردم» قرار دارد».

این نماینده مجلس شورای اسلامی به فساد جاری در ساختار تولید، تأمین و توزیع دارو اشاره کرده و نوشته «ریشه اصلی این فجایع، ارتباط مالی و مدیریتی مسئولان ارشد سازمان با شرکت‌های دارویی است. بسیاری از این افراد سهامدار، عضو هیئت مدیره، یا مؤسس شرکت‌هایی هستند که از رانت‌های اختصاصی (مانند مجوز واردات، قیمت‌گذاری، یا افزودن دارو به لیست کشوری) بهره‌مند شده‌اند».

او تأکید کرده که «همونه بارز این فساد، فوت ۷۲ بیمار دیالیزی به دلیل مصرف داروهای غیراستاندارد شرکت ثامن است که ریاست هیئت مدیره آن برعهده رئیس فعلی سازمان غذا و دارو بوده است!»

در آنسو دولت از سال گذشته ارز ترجیحی برای واردات بسیاری از اقلام دارو و تجهیزات پزشکی، و همچنین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های داروسازی از سال گذشته را حذف کرده و در سال جدید ارز ترجیحی برای همه اقلام دارو و تجهیزات پزشکی حذف شد.



ذهن در محاصره؛ یک تحلیل روانشناختی درباره «سردرگمی سازمانیافته»



● «سردرگمی» در اینجا نه صرفاً حالتی ذهنی، بلکه «ابزاری برای کنترل رفتار اجتماعی و سیاسی» است. تکرار اطلاعات متناقض، اخبار ضد و نقیض، تحلیل‌های سطحی و جهت‌دار، و بزرگنمایی یا سانسور رویدادها، همگی بخشی از یک استراتژی هستند که هدفش مختل کردن فرآیند تصمیم‌گیری و شکل گرفتن اراده جمعی است. در روانشناسی شناختی، چنین فضایی باعث فرسودگی ذهنی، کاهش اعتماد به نفس تحلیلی و افزایش تمایل به ساده‌انگاری واقعیت‌ها می‌شود.

● «تحریف آگاهی» منجر به آسیب‌های روانی اجتماعی می‌شود. نگه داشتن افراد در وضعیت مبهم، موجب ایجاد اختلالاتی چون اضطراب سیاسی مزمن، بی‌اعتمادی اجتماعی، و احساس بی‌تأثیری و یأس می‌شود. فرد و افرادی که دائم در معرض داده‌های مشوش قرار دارند، دچار نوعی «فلج تحلیلی» می‌شوند: نه می‌توانند به اطلاعات اعتماد کنند و نه از بی‌اطلاعی آسوده‌خاطر هستند. در روانشناسی اجتماعی، این وضعیت به تعلیق آگاهی سیاسی منجر می‌شود که مهم‌ترین پیامد آن، کنار کشیدن شهروندان از مشارکت فعال و مؤثر در فرآیندهای جمعی است.

● در چنین وضعیتی، ذهن خسته و بی‌پناه، به «ساده‌سازی» پناه می‌برد؛ بجای تحلیل دقیق، یا با نفی کامل همه بازیگران مواجه می‌شود («همه فاسدند»، «هیچکس برای ما کاری نمی‌کند») یا دچار «قطبی‌سازی» شدید می‌شود (حکومت بد است، پس اپوزیسیون خوب است، یا برعکس). رسانه‌های جریان‌ساز، با مهارت روانشناختی، این روند را تشدید می‌کنند. در نتیجه، «تفکر نقادانه جای خود را به هیجان‌های کنترل‌ناپذیر، آرزوهای ساده‌لوحانه» یا بدبینی فلج‌کننده می‌دهد.

دکتر علی سرکوهی - در جهانی که ابزارهای قدرت تنها به سلاح، دیپلماسی یا اقتصاد محدود نمی‌شوند، «ذهن انسان‌ها به اصلی‌ترین میدان نبرد» تبدیل شده است. در این میان، جامعه ایران به ویژه طی چهار دهه گذشته در معرض پروژه‌ای قرار گرفته که می‌توان آن را «سردرگمی

→ قیمت بیش از ۹۰۰ اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی طی سال ۱۴۰۳ با افزایش ۱۰۰ تا ۶۰۰ درصدی روبرو شده است. این در حالیست که بر اساس اعلام رئیس سازمان غذا و دارو، ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی از سال جدید حذف شده است؛ این خبر به معنای افزایش بیش از پیش قیمت دارو و تجهیزات پزشکی در هفته‌ها و ماه‌های آینده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در پی افزایش قیمت دارو بسیاری از مبتلایان به بیماری‌هایی چون سرطان ناچار شده‌اند روند درمانی خود را متوقف کنند. کارشناسان نسبت به افزایش مرگ و میر ناشی از عدم دسترسی به دارو در بیماران مختلف هشدار داده‌اند.

همچنین حذف ارز ترجیحی تجهیزات پزشکی نیز سبب شده بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ناچار به استفاده چندباره از تجهیزات یکبار مصرف شوند. از سوی دیگر بیماران نیز باید هزینه بسیاری از تجهیزات پزشکی را بپردازند.

این در حالیست که بسیاری از اقلام تجهیزات پزشکی مشمول بیمه‌های درمانی نیستند، شهروندان باید این اقلام را با قیمت آزاد تهیه کنند و همین موضوع نیز فشار مالی بر روی بیماران را افزایش داده است.

در چنین وضعیتی، ذهن خسته و بی‌پناه، به «ساده‌سازی» پناه می‌برد؛ بجای تحلیل دقیق، یا با نفی کامل همه بازیگران مواجه می‌شود («همه فاسدند»، «هیچکس برای ما کاری نمی‌کند») یا دچار «قطبی‌سازی» شدید می‌شود (حکومت بد است، پس اپوزیسیون خوب است، یا برعکس). رسانه‌های جریان‌ساز، با مهارت روانشناختی، این روند را تشدید می‌کنند. در نتیجه، «تفکر نقادانه جای خود را به هیجان‌های کنترل‌ناپذیر، آرزوهای ساده‌لوحانه» یا بدبینی فلج‌کننده می‌دهد.

راه مقابله با این وضعیت نه در آرمانگرایی افراطی است و نه در انفعال. «آگاهی نسبت به ساز و کارهای جنگ روانی»، شرط نخست حفظ سلامت روانی جمعی است. تفکر چندمنبعی (استفاده از منابع گوناگون برای تحلیل خبر)، فهم نیت‌های پشت پیام‌ها، و تمایز میان داده و تفسیر، از مهارت‌هایی هستند که باید آموزش داده شوند. شناخت این حقیقت که «هیچ خبری بی‌نیت نیست» و «قدرت‌ها فقط منافع خود را دنبال می‌کنند» نخستین گام برای بازی نخوردن در این میدان است.

از سردرگمی تا بلوغ سیاسی

سردرگمی یک ابزار سلطه روانی است، نه نتیجه‌ای طبیعی. در جهانی که شناخت، خود نوعی قدرت است، مقاومت در برابر سردرگمی، شکلی از کنشگری مدنی است. پایان این بازی، نه به دست قدرت‌های خارجی یا ساختار سیاسی داخلی، بلکه با بلوغ تحلیلی شهروندان آغاز می‌شود؛ بلوگی که به ما می‌آموزد چگونه احساسات‌مان را مهار کنیم، اطلاعات را غربال کنیم، و مسئولانه بیندیشیم. از این منظر، هر ذهنی که از سردرگمی عبور کند، به جزیره‌ای از آزادی تبدیل می‌شود.

در نهایت، در جهانی که رسانه‌ها نقشی محوری در شکل دادن به واقعیت دارند، پایبندی به اخلاق حرفه‌ای، به ویژه در کار رسانه‌ای، شرطی حیاتی برای حفظ اعتماد عمومی و سلامت روانی جامعه است؛ چرا که هر بی‌اخلاقی رسانه‌ای، می‌تواند ابزار جدیدی برای تداوم همان سردرگمی سازمانیافته باشد.

*دکتر علی سرکوهی روانشناس و استاد دانشگاه در سوند

سازمانیافته» نامید؛ شکلی از جنگ روانی مدرن که هدف آن نه تغییر سریع ساختار قدرت، بلکه فرسایش تدریجی درک جمعی، تحلیل سیاسی، و توان کنشگری آگاهانه است. این مقاله، با نگاهی روانشناختی، به تحلیل ساز و کارهای این سردرگمی و تأثیرات آن بر ذهن جمعی ایرانیان می‌پردازد. «سردرگمی» در اینجا نه صرفاً حالتی ذهنی، بلکه «ابزاری برای کنترل رفتار اجتماعی و سیاسی» است. تکرار اطلاعات متناقض، اخبار ضد و نقیض، تحلیل‌های سطحی و جهت‌دار، و بزرگنمایی یا سانسور رویدادها، همگی بخشی از یک استراتژی هستند که هدفش مختل کردن فرآیند تصمیم‌گیری و شکل گرفتن اراده جمعی است. در روانشناسی شناختی، چنین فضایی باعث فرسودگی ذهنی، کاهش اعتماد به نفس تحلیلی و افزایش تمایل به ساده‌انگاری واقعیت‌ها می‌شود.

نکته مهم و پیچیده در وضعیت ایران آن است که هم حکومت و هم قدرت‌های خارجی، با اهدافی متفاوت ولی با روش‌هایی همسان، در ایجاد این سردرگمی نقش دارند. قدرت‌های جهانی با تولید اطلاعات مبهم، حمایت مصنوعی از چهره‌های اپوزیسیون، و بازی‌های رسانه‌ای، ذهن جامعه را به سمت تحلیل‌های احساسی و ناپایدار سوق می‌دهند. از سوی دیگر، حکومت ایران با سانسور، ایجاد روایت‌های امنیتی، و بهره‌گیری از بحران‌های معیشتی، خود بخشی از این ابهام تحلیلی است. روانشناسی سیاسی این وضعیت را نوعی «هم‌پوشانی ناگفته» میان دو قطب قدرت برای کنترل جریان ادراکات عمومی می‌داند.

«تحریف آگاهی» منجر به آسیب‌های روانی اجتماعی می‌شود. نگه داشتن افراد در وضعیت مبهم، موجب ایجاد اختلالاتی چون اضطراب سیاسی مزمن، بی‌اعتمادی اجتماعی، و احساس بی‌تأثیری و یأس می‌شود. فرد و افرادی که دائم در معرض داده‌های مشوش قرار دارند، دچار نوعی «فلج تحلیلی» می‌شوند: نه می‌توانند به اطلاعات اعتماد کنند و نه از بی‌اطلاعی آسوده‌خاطر هستند. در روانشناسی اجتماعی، این وضعیت به تعلیق آگاهی سیاسی منجر می‌شود که مهم‌ترین پیامد آن، کنار کشیدن شهروندان از مشارکت فعال و مؤثر در فرآیندهای جمعی است.

ساز و کارهای روانی سردرگمی

بحران تغییر ساعت مدارس برای خانواده‌ها؛ تشدید تبعیض آموزشی برای دانش‌آموزان مناطق محروم و حاشیه‌نشین



کودکان حکایت دارند.

چند روز پس از آنکه هیئت دولت مسعود پزشکیان در پی کمبود شدید برق در کشور ساعت کار همه ادارات و سازمان‌های دولتی را به ساعت ۶ صبح تا یک بعد از ظهر تغییر داد، آموزش و پرورش نیز دستور تغییر ساعت کار مدارس به شش صبح تا یک بعد از ظهر صادر کرد. دولت همچنین روزهای پنجشنبه را نیز تا پایان تابستان تعطیل اعلام کرد.

شروع کلاس درس از شش صبح با خواب‌آلودگی دانش‌آموزان سبب کاهش کیفیت یادگیری در کودکان می‌شود که برخی از آنها باید ساعت ۴:۳۰ بامداد بیدار شوند تا ساعت ۶ در مدرسه حاضر باشند!

از سوی دیگر بر اساس اعلام آموزش و پرورش در مدارس دونوبته، آغاز رسمی آموزش از ساعت ۶ صبح الزامی است و نوبت اول از ساعت ۶ تا ۹/۳۰ و نوبت دوم (بعدازظهر) از ساعت ۱۰ تا ۱۳ برگزار خواهد شد!

مدارس دو نوبته بیشتر در محله‌های حاشیه‌ای یا مناطق محرومی واقع شده‌اند که از توسعه آموزشی عادلانه‌ای برخوردار نبوده و به علت تراکم جمعیت بالا و نبود فضای آموزشی کافی، مدارس در دو نوبت صبح و عصر فعال بودند.

تغییر ساعت کار هر نوبت از مدارس دونوبته به تنها سه ساعت به معنای ایجاد تبعیض آموزشی برای دانش‌آموزان ساکن مناطق محروم و محله‌های حاشیه‌ای است. کاهش ساعت آموزشی از شش به سه ساعت به معنای محرومیت آموزشی کودکانی است که به ناچار در مدارس دونوبته مشغول به تحصیل بوده‌اند!

وبسایت «خبر آنلاین» نیز در گزارشی نوشته تغییرات اخیر در ساعات فعالیت مدارس از ۸ به ۶ صبح، اگر چه به دلیل ناترازی انرژی و با هدف بهبود کیفیت جلوگیری از عقب‌ماندگی آموزش و تسهیل زندگی دانش‌آموزان انجام شده، اما تأثیرات قابل‌توجهی بر زندگی زنان شاغل، به‌ویژه مادران داشته؛ این تغییر بار مضاعفی بر دوش مادران

دانش‌آموزان ساکن مناطق محروم و محله‌های حاشیه‌ای است.

سخت‌گویی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به انتقادات برخی خانواده‌ها نسبت به تغییر ساعت آغاز فعالیت مدارس به ۶ صبح ادعا کرده که تغییر ساعت مدارس خواست خود خانواده‌ها بوده است!

در حالی که به علت کمبود برق ساعت کار مدارس به ساعت شش صبح تا یک بعد از ظهر تغییر کرده، گزارش‌ها از بروز مشکلاتی برای خانواده‌ها در پی این تغییر ساعت و همچنین کاهش کیفیت یادگیری و مشکلات سلامت در

● شروع کلاس درس از شش صبح با خواب‌آلودگی دانش‌آموزان سبب کاهش کیفیت یادگیری در کودکان می‌شود که برخی از آنها باید ساعت ۴:۳۰ بامداد بیدار شوند تا ساعت ۶ در مدرسه حاضر باشند!

● بر اساس اعلام آموزش و پرورش در مدارس دونوبته، آغاز رسمی آموزش از ساعت ۶ صبح الزامی است و نوبت اول از ساعت ۶ تا ۹/۳۰ و نوبت دوم (بعدازظهر) از ساعت ۱۰ تا ۱۳ برگزار خواهد شد!

● تغییر ساعت کار هر نوبت از مدارس دونوبته به تنها سه ساعت به معنای ایجاد تبعیض آموزشی برای



گذاشته است.

بزرگداشت عمر خیام در دانشگاه «سواس» لندن



کتابی به دو زبان انگلیسی و فارسی، با تصویرنگاری سماء سلطانی و خوشنویسی فریا مقصودی نیز روغائی خواهد شد. هنرمندان بسیاری با مدیریت حسین حدیثی آهنگساز و پژوهشگر موسیقی نیز در این مراسم حضور خواهد داشت که می‌توان به گروه دف‌نوازان زاگرس و همچنین گروه موسیقی بوشهری جاشو اشاره کرد. علاوه بر حسین حدیثی که خود نیز موسیقی ویژه‌ای برای این برنامه تهیه کرده و لیلی محسنی و نازنین نعیمو را همراهی می‌کند، رضا سعدی هم با نوای نی خود حضور خواهد داشت. پژوهشگر ایرانی عباس فیض و فیروزه عبدالله‌یوا- ملویل مدیر مرکز شاهنامه دانشگاه کمبریج نیز در این مراسم از عمر خیام و نقش او خواهند گفت.

احمد رأفت با حسین حدیثی از برگزارکنندگان این مراسم گفتگوئی انجام داده است.

یکشنبه ۱۸ مه (۲۸ اردیبهشت) در «گالری برونئی» دانشگاه سواس در لندن به مناسبت سالگرد تولد غیاث‌الدین ابوالفتح عَمَر بن ابراهیم خَیّام نیشابوری که با نام عمر خیام شهرت دارد، مراسمی از ساعت ۱۵ تا ۱۸ برگزار خواهد شد. این فیلسوف، ریاضیدان، ستاره‌شناس و شاعر و رباعی‌سرای ایرانی در دوران سلجوقی در ۱۸ مه ۱۰۴۸ میلادی متولد شده است. جایگاه علمی خیام بدون شک برتر از جایگاه ادبی اوست، ولی شهرت وی مدیون رباعیاتی است که جهانی شده‌اند. البته این شهرت در کشورهای غربی مدیون اولین ترجمه این رباعیات به زبان انگلیس توسط ادوارد فیتزجرالد است. در جریان این بزرگداشت که از سوی «هنرکده ساوث‌همپتون» در همکاری با مرکز پژوهش‌های ایرانی دانشگاه سواس، انجمن ایرانیان سواس، مرکز شاهنامه دانشگاه کمبریج و چند نهاد فرهنگی دیگر برگزار می‌شود،

بر اساس این گزارش با کم‌شدن ساعت آموزشی و نزدیک شدن به فصل امتحانات مادران به یک‌باره باز هم تبدیل به معلم خانگی شدند؛ آن‌ها باید دروس را یاد بگیرند، تکالیف را پیگیری کنند، و به سؤالات فرزندانشان پاسخ دهند. این در حالی است که ممکن است دانش کافی در برخی زمینه‌ها یا زمان کافی برای این کار نداشته باشند.

این گزارش افزوده در حالی که دانش‌آموزان در مدارس به منابع آموزشی متنوعی دسترسی دارند، مادران ممکن است دسترسی محدودی به این منابع داشته باشند. تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی، نرم‌افزارهای آموزشی و اینترنت پرسرعت می‌تواند برای آن‌ها هزینه‌بر باشد.

در این گزارش تأکید شده که ایجاد یک محیط آموزشی آرام و بدون حواس‌پرتی در خانه می‌تواند برای مادران خانه‌دار چالش‌برانگیز باشد. سروصدای خانه، کارهای روزمره و سایر اعضای خانواده می‌توانند تمرکز دانش‌آموزان را مختل کند.

علی‌فرهادی سخنگوی وزارت آموزش و پرورش هم امروز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه با اشاره به انتقادات برخی خانواده‌ها نسبت به تغییر ساعت آغاز فعالیت مدارس به ۶ صبح گفته تغییر ساعت مدارس خواست خود خانواده‌ها بوده است!

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش گفته «پس از مصوبه هیئت دولت در تاریخ ۱۷ اردیبهشت مبنی بر آغاز به کار ادارات از ساعت ۶ صبح، تقاضاهای زیادی از سوی والدین شاغل که فرزند دانش‌آموز دارند به آموزش و پرورش ارائه شد، این تغییرات باعث بروز مشکلاتی برای برخی خانواده‌ها شده است، چرا که ساعت رفتن دانش‌آموزان به مدرسه با زمان شروع کار والدین هم‌زمان نیست.»

علی‌فرهادی افزوده «امسال به دلیل ناترازی انرژی، افزایش دما و کاهش نزولات آسمانی، تولید برق با مشکل مواجه شده است و بخشی از این ناترازی را می‌توان با کاهش مصرف انرژی در مدارس و ادارات کنترل کرد.»

او با بیان اینکه در شیفت عصر، هوا گرم‌تر و مصرف انرژی در مدارس بیشتر است، گفت: تصمیم هیئت دولت درباره آغاز به کار ادارات از ساعت ۶ صبح، مدارس را نیز شامل می‌شد البته اجرای این تصمیم در مدارس با یک هفته تأخیر انجام شد تا به زمان پایان سال تحصیلی در دوره ابتدایی نزدیک‌تر شویم.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش همچنین گفته «زمان آموزش در مدارس ابتدایی تقریباً رو به پایان است و اکنون وارد فصل امتحانات شده‌ایم و مدارس متوسطه از هفته آینده امتحان دارند بنابراین تصمیم گرفته شد که تمام امتحانات نهایی و داخلی در شیفت صبح برگزار شود، به همین دلیل امتحانات پایه نهم که در نوبت عصر برگزار می‌شد، به صبح منتقل شد.»

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش که در ابتدای سخنانش ادعا کرده که تغییر ساعت مدارس خواست خانواده‌ها بوده، در پایان سخنانش گفته «قطعاً باز شدن مدارس در ساعت ۶ صبح برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار است، اما باید بپذیریم که شرایط انرژی در کشور عادی نیست و همه ما باید برای مدیریت بهتر این وضعیت، با یکدیگر همراهی کنیم و هیچ مدرسه‌ای اجازه ادامه فعالیت بعد از ساعت ۱۳ را ندارد.»

علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش دولت پزشکیان نیز با فرافکنی گفته «آنچه سخنگوی آموزش و پرورش اعلام و ابلاغ کرد، بخشنامه دولت بود. دولت ساعت آغاز به کار دستگاه‌های اجرایی، مدارس و دانشگاه‌ها را مشخص کرده و ما هم همان را ابلاغ کردیم.»

علیرضا کاظمی افزوده «ما حداقل یک هفته با این مسئله درگیر هستیم، کلاس‌های آموزشی مدارس ابتدایی و متوسطه به پایان می‌رسد و وارد امتحان‌ها می‌شوند!»

وزیر آموزش و پرورش همچنین گفته استان‌های مختلف می‌توانند مصوبه دولت را اجرا نکنند: «اگر استان‌ها تشخیص دادند به‌گونه دیگری عمل کنند، تصمیم به عهده استانداران و شورای آموزش و پرورش استان است زیرا افق‌ها یکسان نیست و افق از شرق تا غرب کشور تفاوت زیادی وجود دارد.»

سخنان وزیر آموزش و پرورش اما نشان از عمق بحران کمبود برق در کشور دارد. آنطور که مقامات وزارت آموزش و پرورش توضیح داده‌اند تغییر ساعت در مدارس پیرو تغییر ساعت کار ادارات صورت گرفته است.

اگر آنطور که علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش مدعی شده چالش‌های تغییر ساعت مدارس فقط برای یک هفته است و بعد از آن فصل امتحانات آغاز خواهد شد، پس دولت با آنچنان کسری بزرگی در برق روبروست که نتوانسته تغییر ساعت کار ادارات را یک هفته، و تا پایان

دوره آموزشی مدارس عقب بیاورد!

این در حالیست که فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز امروز به رقم ۲۰ هزار مگاواتی برق اعتراف کرده و گفته «با یک ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی مواجه هستیم که حاصل یک روز و دو روز نیست.»

در پی تشدید انتقادات به قطع مکرر بخش خانگی و صنعتی و تغییر ساعت کار ادارات و مدارس که زندگی مردم را با اختلال روبرو کرده، فاطمه مهاجرانی گفته «انگشت اتهام را به سمت یکدیگر دراز نکنیم!»

قابل توجه اینکه محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان چند هفته پیش گفته بود «ان‌شاءالله امسال ناترازی نخواهیم داشت.»

اکنون بر خلاف ادعای معاون اول رئیس دولت، نه تنها امسال ناترازی سهمگین برق وجود دارد بلکه دولت ناچار شده جیره‌بندی سراسری برق در بخش خانگی و صنعتی را از بعد از تعطیلات نوروز اعمال و حتی ساعات کار ادارات و مدارس را تغییر، و البته روزهای پنجشنبه را هم تا پایان تابستان تعطیل اعلام کند!

ناتوانی جمهوری اسلامی در مدیریت خشکسالی؛ توزیع فقر و تهدید امنیت غذایی



کرد. پیش‌بینی‌ها برای کشور ما، ایران، نیز روشن است؛ گرم‌تر و خشک‌تر می‌شود؛ اما شدت و دامنه دقیق آن قابل‌اندازه‌گیری نیست. در چنین شرایطی، سیستم‌های رایج اصلاح نباتات که روی تولید بذرهایی با ویژگی‌های خاص تمرکز دارند نمی‌توانند با هدف تغییر اقلیم به فعالیت و پژوهش بپردازند و این ادامه فعالیت اصلاح بذر به‌شیوه کلاسیک و رایج پاسخی مناسب برای سازگاری با تغییر اقلیم نخواهد بود.»

این پژوهشگر تأکید کرده که «تغییر اقلیم یک فرایند تدریجی و طولانی‌مدت است و اگر اجازه دهیم تنوع ژنتیکی بطور طبیعی و در بستر مزرعه، یعنی ریز اقلیم‌ها و اکوسیستم‌های خرد مختلف، حضور داشته باشد، این ظرفیت را دارد که به‌واسطه سازوکارهای طبیعی ژنتیک جمعیت، خود را با شرایط جدید اقلیمی سازگار کند.»

مآنده سلیمی معتقد است «فرا تر از «امنیت غذایی»، نیاز داریم تا به مفهوم «حاکمیت غذایی» نیز توجه کنیم. امنیت غذایی حتی با واردات محصولات کشاورزی از خارج از مرزهای کشور نیز می‌تواند تأمین شود، اما حاکمیت غذایی یعنی کشور در زمینه کنترل فعالیت‌ها و سیاست‌های مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی و کنترل تنوع ژنتیکی، بذر، خاک و آب نقش اساسی دارد و این فرایندها در انحصار شرکت‌ها و نهادهای بازار نیست و به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیز تعلق دارد و در این بین، دانش و تجربه بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع برای بهبود فرایندها به گردش درمی‌آیند.»

او در ادامه گفته «تنوع‌زیستی کشاورزی و بذر، نه تنها برای امنیت غذایی، بلکه برای دستیابی به حاکمیت غذایی، سازگاری با تغییر اقلیم و افزایش تاب‌آوری سیستم‌های تولید غذا، عنصری بنیادی و راهبردی است که باید بیش‌ازپیش به آن توجه شود و در راستای آن، سیاست‌گذاری و تحقیق تقویت شود.»

فرصت‌های اشتغال برای زنان و جوانان، و نبود زیرساخت‌های پشتیبان بازار کار مانند بیمه بیکاری، کارگاه‌های کوچک یا حمایت‌های فنی موجب شده بخش قابل توجهی از نیروی انسانی روستایی در حاشیه اشتغال باقی بمانند؛ نه فرصت تولید دارند، نه ابزار بازسازی.

تهدید کشاورزی و دامپروری اما به معنای تهدید امنیت غذایی کشور است؛ موضوعی که از سوی مقامات حکومتی نادیده گرفته شده است. در سال‌های گذشته تلاش نشده الگوی کشت متناسب با شرایط جدید اقلیمی کشور طراحی شود و البته هیچ برنامه حمایتی از کشاورزان و دامپروران نیز در دستور کار قرار نداشته است.

دامپروران و مرغداران صنعتی جدا از مشکلاتی که در تأمین علوفه و خوراک دام و مرغ دارند طی سه سال گذشته با قطع مکرر برق و گاز به دلیل بحران کمبود انرژی، خسارت سنگینی را متحمل شده‌اند و می‌گویند دستورالعمل‌های دولت در حوزه صادرات و واردات نیز به مشکل مضاعفی در افزایش زیان آنها تبدیل شده است.

در همین رابطه مآنده سلیمی پژوهشگر حوزه کشاورزی پایدار و حاکمیت غذایی در گفتگو با روزنامه «پیام‌ها» هشدار داده که «اگر با این رویکرد ادامه دهیم، کشاورزی در بسیاری از مناطق ایران از دست خواهد رفت و چشم‌اندازی روشن برای تولید غذا، حفاظت از نظام‌های میراث کشاورزی و تنوع‌زیستی کشاورزی وجود نخواهد داشت.»

این کارشناس توضیح داده که «در شرایط تغییر اقلیم، ما با پیامدهایی مانند کاهش عملکرد و پایداری عملکرد محصولات، تغییر در زمان گل‌دهی، جابه‌جایی الگوهای بارندگی، تغییر زمان کشت و برداشت، ورود آفات و بیماری‌های جدید و وقوع پدیده‌های حدی مانند خشکسالی، موج‌های گرما یا سرمای ناهنگام مواجهیم.» او افزوده «اینها همه نشان از آن دارند که دیگر نمی‌توان به الگوهای پیش‌بینی‌پذیر و روش‌های کلاسیک تولید تکیه

● چهار دهه ناکارآمدی جمهوری اسلامی در به کار گرفتن سیاست‌های مؤثر برای مدیریت منابع آب، در کنار تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی سبب گسترش خشکسالی در ایران شده است.

● سدسازی‌های غیرکارشناسی دسترسی کشاورزان به منابع آب را با بحران روبرو کرده و در آنسو خشک شدن مراتع کشور به علت سدسازی و کاهش بارندگی‌ها، دامپروری سنتی در کشور را در مقابل خطر نابودی قرار داده است.

افزایش خشکسالی در ایران پیامدهای مختلفی دارد که یکی از مهمترین آنها اثر منفی بر اقتصاد روستایی توزیع بیشتر فقر است. همچنین با نابودی کشاورزی و دامپروری، امنیت غذایی کشور با تهدیدی جدی روبروست.

چهار دهه ناکارآمدی جمهوری اسلامی در به کار گرفتن سیاست‌های مؤثر برای مدیریت منابع آب، در کنار تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی سبب گسترش خشکسالی در ایران شده است. سدسازی‌های غیرکارشناسی دسترسی کشاورزان به منابع آب را با بحران روبرو کرده و در آنسو خشک شدن مراتع کشور به علت سدسازی و کاهش بارندگی‌ها، دامپروری سنتی در کشور را در مقابل خطر نابودی قرار داده است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی توجهی به توسعه یا پایداری اقتصاد روستایی نداشته و ظرفیت غنی و قابل توجه این بخش را نه تنها نادیده گرفته بلکه آن را به نابودی کشانده است. بسیاری از روستاهای ایران طی سال‌های گذشته خالی از سکنه شده و روستاییانی که بطور حرفه‌ای انواع محورهای اقتصاد روستایی، از کشاورزی و دامپروری تا انواع صنایع دستی را از اجداد خود آموخته بودند، به حاشیه شهرها نقل مکان کرده و به امید داشتن درآمدی حداقلی به مشاغل چون کارگری ساده یا دستفروشی روی آورده‌اند.

روزنامه «جهان صنعت» در گزارشی به فقر خرنده ناشی از نابودی اقتصاد روستایی پرداخته و نوشته در دل اقتصادهای روستایی، اشتغال صرفاً یک منبع درآمد نیست؛ بلکه عنصری بنیادین برای حفظ ثبات، بازسازی اعتماد و پایداری ساختار اجتماعی است.

این مطلب تأکید کرده که اشتغال در مناطق روستایی صرفاً به معنای «داشتن کار» نیست، بلکه ترکیبی است از «امنیت روانی و مالی برای خانواده»، «توانایی برنامه‌ریزی برای آینده»، «امکان حفظ سکونت در زادگاه و جلوگیری از مهاجرت» و حتی «ظرفیت مقابله با بحران‌هایی چون خشکسالی، گرانی نهاده‌ها و نوسانات بازار محصولات کشاورزی» محسوب می‌شود.

«جهان صنعت» همچنین نوشته بررسی‌ها نشان می‌دهد در مناطقی که فرصت‌های شغلی متنوع‌تر بوده یا امکان فعالیت‌های مکمل (مانند باغداری، دامپروری، صنایع دستی یا مشاغل خدماتی) فراهم بوده، روستاها تاب‌آوری بالاتری در برابر خشکسالی داشته‌اند. برعکس، در مناطقی که اقتصاد به شدت تک‌محصولی و وابسته به کشاورزی دیم بوده است، کوچک‌ترین اختلال در بارندگی، زنجیره معیشت را مختل کرده و فشار معیشتی به سرعت به بحران مهاجرت، بدهی و فقر بدل شده است.

از سوی دیگر، ضعف در مهارت‌آموزی، کم‌بودن

دولت پزشکیان علیه سفره خانوار؛ ارز ترجیحی واردات گوشت نیز حذف شد!



● با تصمیم سازمان برنامه و بودجه تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای واردات گوشت قرمز حذف شده و واردکننده‌های گوشت باید از بازار ارز تجاری و دلار با قیمت حدود ۷۰ هزار تومانی برای واردات گوشت قرمز هزینه کنند.

● مهدی بختیاری‌زاده مدیر عامل سازمان میادین میوه و تره‌بار شهر تهران روز گذشته به خبرنگاری «فارس» گفته که «هفته آینده کلاً عرضه گوشت یارانه‌ای متوقف می‌شود».

● محمدرضا یزدان‌بخش کارشناس فروش نیز در گفتگو با «فارس» گفته حذف ارز ترجیحی باعث جهش قیمت کالاهای اساسی مانند گوشت، مرغ، لبنیات و... می‌شود و افزوده که دولت نباید ارز ترجیحی را بهانه‌های مختلف حذف کند بلکه باید نظارت را بیشتر کرده تا سفره مردم کوچک نشود.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، میزان مصرف گوشت قرمز هر فرد شهری در ۱۵ سال گذشته دست‌کم ۴۰ درصد کاهش یافته و این میزان در روستاها ۴۸ درصد بوده است. ● علیرضا رئیسی معاون وزیر بهداشت نیز آذرماه گذشته اعلام کرد که سرانه مصرف گوشت قرمز و سفید در میان ایرانیان به ۳۵ گرم در روز کاهش یافته است.

واردات گوشت گرم از فهرست کالاهای مشمول ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۴ حذف شده است. گوشت گرم وارداتی طی دو سال گذشته با نرخ دولتی حدود ۳۰۰ هزار تومان در بخشی از فروشگاه‌ها توزیع می‌شد و اکنون با این حذف، خانوارهای کم‌درآمد باید گوشت را با قیمت‌هایی بین ۶۵۰ هزار تا بیش از یک میلیون تومان برای هر کیلو خریداری کنند!

مان برنامه و بودجه واردات گوشت قرمز را از فهرست کالاهای مجاز برای دریافت ارز ترجیحی حذف کرده است. این اقدام به معنای حذف گوشت قرمز از سفره بخش زیادی از خانوارهای کم‌درآمد است.

حذف ارز ترجیحی برای واردات گوشت قرمز به این معناست که دیگر خبری از تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای واردات گوشت قرمز نیست و واردکننده‌های گوشت باید از بازار ارز تجاری و دلار با قیمت حدود ۷۰ هزار تومانی برای واردات گوشت قرمز هزینه کنند.

مهدی بختیاری‌زاده مدیر عامل سازمان میادین میوه و تره‌بار شهر تهران نیز روز گذشته به خبرنگاری «فارس» گفته که «هفته آینده کلاً عرضه گوشت یارانه‌ای متوقف می‌شود».

قیمت هر کیلو گرم ران گوسفندی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است. راسته گوسفندی یک میلیون و ۸۵ هزار تومان و راسته بدون استخوان گوسفندی با قیمت یک میلیون و ۸۴۹ هزار تومان به فروش می‌رسد. قیمت هر کیلو گوشت گوساله نیز دست‌کم ۶۵۰ هزار تومان است.

این ارقام به این معناست که یک خانوار کارگری برای خرید تنها یک کیلو گرم گوشت باید حدود ده درصد از حقوق خود را هزینه کند!

مهدی بختیاری‌زاده افزوده که تا اجرای کامل مصوبه جدید گوشت‌ها خریداری شده با ارز ترجیحی توزیع می‌شود اما به زودی دیگر خبری از این گوشت نیست و

چاره‌ای جز مراجعه به قصابی‌ها برای خرید گوشت با قیمت بالا باقی نمی‌ماند.

«عصر ایران» افزوده «زنگ خطر بعدی در نوسانات احتمالی گوشت قرمز را می‌شود لابلای آمارهای رسمی پیدا کرد. جایی که با تورم تکریمی گوشت گوساله در حدفاصل فروردین ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۴ روبرو می‌شویم اما تجربه نشان می‌دهد در سال جدید باید آماده هر اتفاقی باشیم».

در این میان افشین صدر دادرش مدیر عامل اتحادیه مرکزی دام سبک کشور از تصمیم سازمان برنامه و بودجه حمایت کرده و گفته «واردات گوشت گرم در سال‌های گذشته تأثیر چندانی بر کاهش قیمت در بازار نداشته، چراکه توزیع محدود به چند استان بوده و فقط صف‌های طولانی خرید ایجاد کرده است».

آمارها هم نشان می‌دهد در فاصله ۱۱ سال یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ سرانه مصرف گوشت قرمز در ایران تا ۸ کیلوگرم کاهش یافته است.

همچنین بر اساس گزارش مرکز آمار ایران میزان مصرف گوشت قرمز هر فرد شهری در ۱۵ سال گذشته دست‌کم ۴۰ درصد کاهش یافته و این میزان در روستاها ۴۸ درصد بوده است.

علیرضا رئیسی، معاون وزیر بهداشت نیز آذرماه گذشته اعلام کرد که سرانه مصرف گوشت قرمز و سفید در میان ایرانیان به ۳۵ گرم در روز کاهش یافته است.

با اینهمه به نظر می‌رسد خزانه خالی سبب حذف ارز ترجیحی برای واردات گوشت قرمز شده است. اگر چه برخی مقامات حکومتی معتقدند تخصیص ارز ترجیحی فساد زا بوده و تلاش می‌کنند حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی و دارو را توجیه کنند اما دولت به جای نظارت بر توزیع ارز و کالاهای وارداتی، تصمیم به حذف ارز ترجیحی گرفته تا صورت مسئله را پاک کند!

مردم در میادین شهرداری می‌توانند گوشت داخلی (بدون واسطه) را با قیمت ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار تومان خریداری کنند.

با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، گوشت قرمز از سفره بسیاری از خانواده‌ها پر می‌کشد؛ حالا یک کارگر ساده باید نزدیک به یک‌دهم حقوقش را فقط برای خرید یک کیلو گوشت (در بازار) بدهد و دیگر این کالای اساسی از نیاز روزانه به آرزوی ماهانه تبدیل می‌شود.

محمدرضا یزدان‌بخش کارشناس فروش نیز در گفتگو با «فارس» گفته حذف ارز ترجیحی باعث جهش قیمت کالاهای اساسی مانند گوشت، مرغ، لبنیات و... می‌شود و افزوده که دولت نباید ارز ترجیحی را بهانه‌های مختلف حذف کند بلکه باید نظارت را بیشتر کرده تا سفره مردم کوچک نشود.

شهرزاد مشیری معاون بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی در بازدید مسعود پزشکیان از وزارت جهاد کشاورزی، نارضایتی خود را در این زمینه به ریاست‌جمهوری ابراز کرد و نسبت به اثر این اقدام بر امنیت غذایی کشور هشدار داد.

مسئولیت تخصیص ارز برای واردات برخی کالاهای اساسی از جمله گوشت قرمز بر عهده سازمان برنامه و بودجه است اما مجری این طرح وزارت جهاد کشاورزی است.

معاون بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی به نبود تفکیک صحیح وظایف میان وزارت جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه اشاره کرده و گفته «تعیین اقلام کالای اساسی، از جمله تخم‌مرغ نطفه‌دار یا گوشت گرم، به وزارت جهاد سپرده نشده است و امسال تعدادی از آنها از فهرست کالاهای اساسی خارج شده‌اند؛ در صورتی که همچنان اثر مستقیم بر امنیت غذایی دارند».

وبسایت «عصر ایران» نیز گزارش داده کنار گذاشتن دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی از سازوکار واردات گوشت قرمز، در قدم اول منجر به حذف بسته‌های تنظیم‌بازاری از فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌شود و برخلاف سال گذشته

بحران مسئولیت روشنفکری در لحظه‌ی انقلابی ایران



از همین رو، ایران اکنون روشنفکران خود را فرا می‌خواند؛ به ویژه آنان که در رشته‌های علوم انسانی و هنر آموزش دیده‌اند تا به مسئولیت تاریخی خود پاسخ دهند. اکنون زمان آن است که کلیشه‌ها، تعصبات و قضاوت‌های از پیش ساخته را کنار بگذارند و در کنار ملت قرار گیرند. اکنون زمان آن است که روشنفکری، بخشی از راه حل باشد، نه بخشی از مسئله.

تاریخ در حال نگارش است. ما کارگران میهن‌پرست روشنفکران را تشویق به گذار از نظریه‌پردازی به سمت خدمت به مردم می‌کنیم. حتی اگر شما بیشتر از چهارده صدای ما را نشنیده، حذف کردید، و بر رنج‌های ما افزودید، هدف ما ساکت کردن شما نیست، بلکه تغییر نقش شما است: که از تماشاگر به مفسر درد ملی، از تحلیلگر بی‌طرف به رابط استراتژیک و از منتقد همیشگی به حامی سازنده‌ی رهبری شاهزاده رضا پهلوی ارتقا یابید. آنانی که نمی‌توانند از مسیر انتخاب‌شده‌ی مردم حمایت کنند، بهتر است کنار بروند تا اینکه بایستند و مانع گذار به ایران آینده شوند.

*الهام نجفی از اعضای «جنبش پیشاهنگان ایران»

– برای مقایسه نقش روشنفکران در جنبش‌های معاصر:
• Vaclav Havel, The Power of the Powerless (1978)
• Lisa Anderson, Demystifying the Arab Spring (Foreign Affairs, 2011)
– اشاره به نبود رهبری فکری در خیزش‌های عربی و پیامدهای آن.

• Firoozeh Kashani-Sabet, Conceiving Citizens
– درباره تجربه جنبش‌های اجتماعی ایران و نقش نجبان.
– برای بررسی ساختار آموزشی جمهوری اسلامی در رشته‌های علوم انسانی:

• دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم، «برنامه درسی رشته‌های علوم انسانی»، نسخه‌های منتشر شده از ۱۳۸۴ به بعد، نشان می‌دهد که دروس فقهی و ایدئولوژیک مانند «حقوق اسلامی»، «اندیشه اسلامی»، «فلسفه اسلامی» در اغلب رشته‌ها، حتی هنر و ادبیات، به صورت اجباری تدریس می‌شوند.

• بشیریه، حسین. موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: نشر نام، ۱۳۸۰. در این اثر، نقد مستقیمی بر تزریق فقه به علوم انسانی و نتایج آن در ذهنیت دانشجویان مطرح می‌شود.

– برای تحلیل دیدگاه‌های شاهزاده رضا پهلوی:
• گفتگو با شاهزاده رضا پهلوی در «صدای آمریکا» و «ایران اینترنشنال» طی سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۴، به ویژه در مصاحبه‌ها پیرامون «وحدت ملی»، «رهبری انقلاب» و «بحران روشنفکری» در ایران. شاهزاده رضا پهلوی، پیامی به ایرانیان داخل کشور، ۱۴۰۱. این پیام تأکید می‌کند که برخی روشنفکران با تردیدآفرینی، بجای حمایت از خواست اکثریت، باعث تضعیف حرکت ملی می‌شوند.

حکم قصاص متهمان به قتل داریوش مهرجویی و همسرش قطعی شد؛ ابهامات پرونده پابرجاست و خانواده قصاص و اعدام نمی‌خواهند

● رئیس کل دادگستری استان البرز با اعلام تأیید احکام صادره در پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در دیوان عالی کشور گفته «بر این اساس، رأی دو بار قصاص نفس متهم ردیف اول تأیید و جهت طی فرایند اجرا ارسال شد.»

● مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر در یک استوری اینستاگرامی با استفاده از هشتگ «نه به اعدام» اعلام کرده او و خانواده‌اش درخواست قصاص و اعدام ندارند.

● مانوش منوچهری وکیل خانواده مهرجویی پیشتر گفته بود «بسیاری از تماس‌ها و برنامه‌ها از گوشی‌های متهمان و مقتولان پاک شده‌اند و با توجه به ابهامات موجود، احتمالاً پای یک آمر در میان است.»

● وجود «آمر» یا «آمران» در قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر و فرضیه «حکومتی» بودن این قتل از ساعاتی پس از انتشار خبر وقوع قتل مطرح شده بود و ابهامات پرونده این فرضیه را قوت بخشیده است.

رئیس کل دادگستری استان البرز از تأیید حکم متهمان به پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در دیوان عالی کشور خبر داده است. متهم ردیف اول این پرونده پرابهام به «دو بار اعدام» محکوم شده است. مونا مهرجویی اعلام کرده او و خانواده‌اش قصاص و اعدام نمی‌خواهند.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با اعلام تأیید احکام صادره در پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در دیوان عالی کشور گفت که «بر این اساس، رأی دو بار قصاص نفس متهم ردیف اول تأیید و جهت طی فرایند اجرا ارسال شد.»

وی افزوده «متهم ردیف اول به اتهام ارتکاب دو فقره قتل عمد به دو بار قصاص نفس و به اتهامات دیگر از جمله سرقت به حدود ۲۷ سال حبس محکوم شد و برای سه متهم دیگر به اتهامات مختلف از قبیل شروع به قتل عمدی و معاونت در آن، ضرب و جرح عمدی و سرقت مجموعاً ۷۷ سال حبس تعیین شد.»

رئیس کل دادگستری استان البرز با اشاره به اینکه حکم شعبه اول دادگاه کیفری یک استان البرز در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ صادر شده بود گفته «با فرجام خواهی متهمان، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که دیوان عالی با ذکر مواردی جهت تکمیل تحقیقات، پرونده را به

الهام نجفی - در دوران‌های تحول تاریخی و قیام‌های مردمی، انتظار می‌رود که قشر تحصیلکرده به ویژه در حوزه‌ی علوم انسانی و هنر به صدای روشنی برای وحدت، آگاهی و راهنمایی و هدایت تبدیل شود. اما در ایران امروز، بسیاری از این افراد نه تنها توانسته‌اند با لحظه‌ی تاریخی مردم همراه شوند بلکه بجای تقویت صدای ملت و ایفای نقش در روند تغییر، برخی از آنان به منبع سردرگمی، تردید و حتی مانعی پنهان در مسیر انقلاب بدل شده‌اند.

یکی از ریشه‌های اصلی این ناکارآمدی در نوع گفتار و منطق گفتگویی آنها نهفته است. در میان بخشی از تحصیلکردگان علوم انسانی در ایران، گفتگوی سیاسی بجای آنکه برای حل مسئله باشد، برای اثبات برتری فردی و شکست دادن طرف مقابل طراحی شده است. نتیجه، چرخه‌ای از بحث‌های بی‌پایان، پیچیده و بی‌ثمر است؛ چرخه‌ای آشنا از سفسطه و مغالطه، که هدف در آن پیروزی لفظی است، نه رسیدن به راه حل. این سبک مناظره یادآور ساختار سنتی درس‌های حوزوی است؛ جایی که فرم مناظره و ظرافت‌های کلامی از خود حقیقت مهم‌تر می‌شود.

این نوع گفتگو، انرژی جامعه را می‌فرساید، ذهن مردم را خسته می‌کند، و باعث فرسایش امید و ضربه به انسجام ملی می‌شود؛ درست در زمانی که کشور نیازمند صراحت، شهامت و تصمیم‌گیری است.

بدتر آنکه، بسیاری از این تحصیلکردگان در فضای آموزش دیده‌اند که فقه اسلامی در ساختار درسی حتی در رشته‌های فلسفه، ادبیات و هنر نیز حضور داشته است. این آمیختگی، نسلی از روشنفکران «هنری» و «نرم‌افزاری» پدید آورده است که ناخودآگاه در چارچوب فکری فقهی می‌اندیشند؛ دوگانه‌اندیش، مبهم‌گو، و مایل به تعویق تصمیم‌گیری. آنها بجای ارائه‌ی تحلیل روشن، در مفاهیم انتزاعی، تردید دائمی و نسبی‌گرایی افراطی غرق می‌شوند. آنهم در حالی که مردم در خیابان جان می‌دهند.

اما اکنون، شرایط از همیشه بحرانی‌تر است. ایران در یک نقطه‌ی عطف تاریخی قرار دارد. ملت، پس از دهه‌ها سرکوب، شکنجه، اعدام و اشغال ایدئولوژیک، رأی خود را اعلام کرده است. مردم با صدایی بلند و واضح، شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان رهبر انقلاب ملی خود برگزیده‌اند. این انتخاب، نه نمادین، بلکه عمیق‌ترین نمود اراده‌ی ملی در چند دهه‌ی اخیر است.

در این لحظه، وظیفه‌ی روشنفکران این نیست که این صدا را بی‌ارزش جلوه دهند، آن را تحقیر کنند یا در پیچیدگی‌های لفظی محو سازند. وظیفه‌ی آنها این است که گوش بسپارند، فوریت تاریخی را درک کنند و در کنار مردم قرار گیرند. صدای روشنفکر نباید در برابر صدای ملت بایستد، بلکه باید آن را تقویت کند و بازتاب دهد.

اگر این قشر از تحصیلکردگان همچنان منافع شخصی، نظریه‌پردازی‌های ذهنی، و پیشداوری‌های تاریخی خود را بالاتر از حیات ملی قرار دهند، عواقب آن فاجعه‌بار خواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی پابرجا خواهد ماند. ماشین سرکوب نسل دیگری را خواهد بلعید. کشور ممکن است دچار فروپاشی، تکه‌تکه شدن، و بحران‌های جبران‌ناپذیر شود. در اینجا فقط از شکست سیاسی سخن نمی‌گوییم؛ بلکه از خطر فروپاشی ملی سخن است.

امیر موسی‌خانی همچنین پرسش‌هایی درباره این پرونده مطرح کرده بود: «چطور می‌شود برای دزدی به محل جرم وارد شد ولیکن گوشی آیفون و تبلت دست نخورده باقی ماند؟ در یک شهرک اقدام به قتل کنی ولی در همان محل به کار ادامه بدهی؟ مشکل می‌رویس با مرحوم مهرجویی برای سه سال قبل از قتل است، چرا باید سه سال کینه را نگه دارد و بعد اقدام کند؟ از کجا می‌دانسته دوربین‌ها خراب است و هنوز تعمیر نشده است؟ تفاوت ساعت خروج کریم از ویلای محل کار و ورود به ویلای مرحوم چگونه توجیه می‌شود؟»

پیشتر و در هجدهم اسفندماه سال گذشته نیز مانوش منوچهری، وکیل خانواده مهرجویی، در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته بود «بسیاری از تماس‌ها و برنامه‌ها از گوشی‌های متهمان و مقتولان پاک شده‌اند و با توجه به

[متهم ردیف اول] به شدت منکر انجام این اعمال بوده، حتی در ملاقات زندان نیز مدعی بود کلیه اظهارات ناشی از فشارها بوده است.»

امیر موسی‌خانی ضمن تأکید به اینکه متهمان نمی‌توانستند «انگیزه کافی» برای قتل را داشته باشند، گفته بود «ایرادات مطروحه به نظرم منطقی است هرچند پذیرش یا عدم پذیرش بر عهده مقام قضایی است. مهمترین مسأله‌ای که من به آن اشاره کردم بحث مترجم بود و دیگری ارائه صوت بازجویی‌های انجام‌شده و اعترافات کریم در مرحله بازجویی که هیچ یک مورد توجه قرار نرفت. هر چهار متهم مسأله مترجم داشتند، هر چند آنها توانایی صحبت به زبان فارسی را داشتند ولی زبان مادری متهمان کاملاً غیرقابل فهم برای فارسی‌زبانان است. حتی یکی از متهمان نیز در پرونده اعلام کرده که کریم به زبان محلی در آگاهی با آنان صحبت کرده

شعبه اول دادگاه کیفری یک استان البرز اعاده کرد که پس از رفع موارد اعلامی شعبه دیوان عالی کشور و تشکیل مجدد جلسات رسیدگی، رأی مجدد در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ با همان کیفیت رأی سابق صادر شد که این بار دیوان عالی کشور همان رأی اولیه از جمله حکم به دو بار قصاص نفس متهم ردیف اول را با توجه به دلایل متقن پرونده تأیید کرد.»

رئیس کل دادگستری استان البرز افزوده «با توجه به تأیید و قطعیت آرای محکومان، پرونده هم اکنون از سوی شعبه اول دادگاه کیفری یک استان البرز جهت اجرای احکام قطعی صادر شده به اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فردیس ارسال شد و فرآیند اجرای احکام آغاز شده است.»

در حالی که گفته رئیس کل دادگستری استان البرز احتمال



داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر در صحنه‌ای از مستند «الماس در گام لامینور» ساخته‌ی حسن صلحجو که قرار بود به مناسبت ۸۵ سالگی مهرجویی در ۱۷ آذرماه ۱۴۰۲ به نمایش درآید

ابهامات موجود، احتمالاً پای یک آمر در میان است.» این وکیل دادگستری تأکید کرده بود که «خیلی از تماس‌های گوشی‌های مقتولان که در روز آخر با آنها گرفته شده، هم پاک شده؛ همینطور اپلیکیشن‌های واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام از گوشی مقتولان و متهمان پاک شده بود و در موبایل‌ها اصلاً موجود نبود.»

او افزوده بود که «تاریخ تنظیمات بعضی تلفن‌ها نیز تغییر کرده بود و همان بخش اطلاعات موجود در گوشی‌ها به دلیل اختلال در تاریخ گوشی، قابل دسترسی نبود و به همین دلایل از دادگاه کیفری استان البرز تقاضا کردیم این امر جهت بررسی بیشتر به کارشناسی ارجاع شود که امیدواریم هر چه زودتر این امکان فراهم شود تا بتوانیم در صورت امکان به سرنخ‌های اولیه درباره قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر دست پیدا کنیم.»

مانوش منوچهری هم‌راه امسال نیز بار دیگر بر وجود رد پای فرد یا افرادی که دستور این دو قتل را صادر کرده‌اند تأکید کرده و با بیان اینکه چهار متهم پرونده، انگیزه کافی برای قتل آنها نداشتند، تأکید کرده است که «حتماً پای یک آمر دیگری» در میان است و آنها تنها اجراکننده اوامر او بوده‌اند.

وجود «آمر» یا «آمران» در قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر و فرضیه «حکومتی» بودن این قتل از ساعاتی پس از انتشار خبر وقوع قتل مطرح شده بود و ابهامات پرونده این فرضیه را قوت بخشیده است.

است، یعنی زبان محلی آنان با زبان فارسی تفاوت داشته است. معنای بعضی کلمات افغانی و محلی در این پرونده با معنای کلمات فارسی ایرانی تفاوت داشت. هر چهار متهم به لحاظ گفتاری و شنیداری فارسی را خوب بلد نبودند و این نقص در فهم معنای کلمات و معنای جملات به خوبی در جلسات مشهود بود. به نظرم قانوناً باید مترجم در کنار آنها می‌بود.»

این وکیل دادگستری تأکید کرده بود که «پرونده قتل آقای مهرجویی و همسرش یک پرونده بسیار پیچیده است که شاید هیچ وقت ابهامات در آن حل نشود. هیچ انگیزه قوی‌ای در این قتل‌ها وجود ندارد. پاسخ این سوال کماکان لاینحل باقی است که چرا باید چهار متهم با یک نقشه واحد، در یک مکان واحد و با یک قصد و انگیزه واحد، عملیاتی را شروع کنند ولی با یک بهانه و مشکل از اقدام منصرف شوند ولی یک هفته بعد همان تیم در همان محل با همان اشخاص اقدام به عملی کردن نقشه و قتل مرحوم مهرجویی و همسرش کنند؟ اگر قصد و انگیزه قتل بوده است، تفاوت این دو تاریخ چگونه توجیه می‌شود؟ کریم، موکلم من به شدت فرد معتقدی است، حتی شهود که از اهالی همان شهرک هستند گفته‌اند که به شدت به کریم اعتماد داشتند. کلید ۱۰ ویلا در دست کریم بوده که ویلای آقای مهرجویی به لحاظ مادی در برابر آن ویلاها چیزی نبوده است.»

اعدام متهم ردیف اول این پرونده وجود دارد که به گفته وکلای طرفین، و همچنین اعضای خانواده داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر این پرونده ابهامات زیادی دارد و حتی احتمال بی‌گناهی افرادی که به عنوان متهم پرونده بازداشت شده‌اند وجود دارد.

مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر نیز ساعاتی پیش در یک استوری اینستاگرامی با استفاده از هشتگ «نه به اعدام» اعلام کرد او و خانواده‌اش درخواست اعدام ندارند.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

در شرایطی که مراحل تحقیقات در این پرونده خیلی سریع پیش رفت و پرونده برای محاکمه متهمان و صدور حکم به دادسرا ارجاع و احکام نیز صادر شد، اما در تمام این مدت وکیل خانواده مهرجویی بر وجود ابهاماتی در پرونده اصرار داشت.

اسفندماه گذشته روزنامه «اعتماد» به نقل از امیر موسی‌خانی وکیل متهم ردیف اول این پرونده نوشته بود «از لحظه ورود اینجانب به عنوان وکیل در پرونده، کریم

قطع دو هفته‌ای برق صنایع بزرگ؛ خسارت هنگفت اقتصادی و اختلاف درون دولت درباره «مدیریت انرژی»



● مصطفی رجبی مشهدی مدیرعامل توانیر اعلام کرده بر اساس تصمیم جدید «کارگروه بهینه‌سازی مصرف انرژی» و در پی کمبود شدید برق در ایران قرار است محدودیت قطع برق صنایع به مدت دو هفته اجرا شود.

● آنچه مدیرعامل شرکت توانیر اعلام کرده در عمل به معنای قطع برق صنایع بزرگ طی دو هفته آینده است. موضوعی که سبب خاموش شدن خطوط تولید صنایع مهم در اقتصاد ایران خواهد شد.

● محمد اتابک وزیر صمت در واکنش به قطع دو هفته‌ای برق صنایع بزرگ مدعی شده: «این تصمیم که بدون حضور نماینده وزارت صمت اتخاذ شده، در تضاد کامل با تفاهم‌نامه اخیر بنده با وزیر نیرو است.»

● وزیر صمت افزوده «جای تأسف دارد که بار دیگر بخش صنعت کشور به عنوان نخستین اولویت در اعمال محدودیت‌های ناشی از کمبود برق در نظر گرفته شده است.»
● بحران برق در حالی در نیمه بهار و در شرایطی که هنوز دوره «بیک مصرف» آغاز نشده به اوج رسیده و برخی کارشناسان نسبت به خطر قطع برق سراسری (black-out) در کشور هشدار داده‌اند.

● تعطیلی پنجشنبه‌ها در کشور و تغییر ساعات کار ادارات و مدارس به شش صبح از جمله اقداماتی است که نشان از کمبود جدی برق در کشور و احتمال بروز خاموشی سراسری دارد!

مدیرعامل شرکت توانیر ضمن توضیحاتی درباره کاهش ظرفیت تولید برق در نیروگاه‌های آبی و تشدید بحران کمبود برق، از قطع برق دو هفته‌ای صنایع بزرگ کشور خبر داد. این خبر با واکنش تند وزیر صمت و هشدار او درباره خسارت گسترده اقتصادی این اقدام روبرو شده است.

مصطفی رجبی مشهدی مدیرعامل توانیر اعلام کرده بر اساس تصمیم جدید «کارگروه بهینه‌سازی مصرف انرژی» و در پی کمبود شدید برق در ایران قرار است محدودیت قطع برق صنایع به مدت دو هفته اجرا شود.

وی گفته «با توجه به گرمای زودرس امسال و تداوم خشکسالی، امکان استفاده از ظرفیت نیروگاه‌های برق آبی را حداکثر ۵۰ درصد سال گذشته داریم، به همین جهت امسال ناترازی‌ها قدری زودتر آغاز شد.»

مصطفی رجبی مشهدی افزوده «بر اساس تصمیم کارگروه مدیریت بهینه مصرف انرژی مقرر شده تا صنایع عمده همکاری‌های خود را با صنعت برق بیشتر کرده و این همکاری را حداکثر به مدت دو هفته ادامه دهند تا بتوانیم امکان تأمین برق بخش خانگی و فیبرهای عمومی کشور شامل بیمارستان‌ها، مراکز حساس مراکز آموزشی و سایر صنایع کوچک و متوسط و خدمات و تجارت را بیشتر فراهم کنیم.»

آنچه مدیرعامل شرکت توانیر اعلام کرده در عمل به معنای قطع برق صنایع بزرگ طی دو هفته آینده است. موضوعی که سبب خاموش شدن خطوط تولید صنایع مهم در اقتصاد ایران خواهد شد.

کمبود برق طی دو سال گذشته به اوج رسیده و بار اصلی این کمبود نیز بر صنایع و واحدهای تولیدی تحمیل شده است. جیره‌بندی برق صنایع امسال نیز پس از تعطیلات نوروز آغاز شد گفته شده بود برق صنایع بزرگ کشور از

مختلف دولت در روندی است که «مدیریت مصرف انرژی» خوانده شده و از سوی دیگر نشان می‌دهد بحران کمبود برق، آن هم در فصل بهار و در حالیکه هنوز کشور وارد دوره پیک مصرف نشده، تا چه حد عمیق است.

پیشتر نیز البته برخی کارشناسان نسبت به خطر قطع برق سراسری (black-out) در کشور هشدار داده بودند. از جمله مهدی عرب صادق کارشناس و تحلیلگر انرژی به تازگی در شبکه «ایکس» هشدار داده که «شوربختانه وزارت نیرو راه حل ناترازی برق نیست و خود بخشی از مشکل شده است! در صورت تداوم سیاست‌های وزیر فعلی نیرو و سکوت مجلس [شورای اسلامی] و عدم اقدام رئیس جمهور، امسال خاموشی سراسری (black-out) بسیار قریب الوقوع است و این یک آبروریزی بزرگ برای صنعت برق در کشور است!»

دولت به تازگی محدودیت‌ها یا همان جیره‌بندی‌های برق را افزایش داده بود. محمد بحرینیان فعال صنعتی و پژوهشگر توسعه هفته گذشته از دستور ۵۹ ساعته قطع برق در هفته به کارخانه‌ها خبر داده است.

این فعال صنعتی گفته «به واحدهای صنعتی اعلام شده که دو روز در هفته، روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۷ ساعت، یعنی از ساعت ۷ صبح تا ۲۴، باید ۹۰ درصد بار مصرفی خود را کاهش دهند. علاوه بر آن، ۱۵ اردیبهشت تا اطلاع ثانوی، همه روزها از ساعت ۱۸ تا ۲۳ هم باید مصرفی نداشته باشیم و در غیر این صورت، با قطعی برق مواجه خواهیم شد.»

او تأکید کرده «تصمیم‌های غیرکارشناسی و ناتوانی در مدیریت بحران انرژی، باعث شده واحدهای تولیدی با سهمیه‌بندی‌های عجیب و قطعی‌های مکرر برق مواجه شوند و این یعنی ضربه مستقیم به قلب تولید، بدون

جمله کارخانه‌های سیمان، فولاد و آلومینیوم سه روز در هفته به طور کامل قطع شود. قطع برق صنایع قرار بود این محدودیت از خردادماه تا مهرماه ادامه داشته باشد.

محمد اتابک وزیر صمت در واکنش به قطع دو هفته‌ای برق صنایع بزرگ مدعی شده که «این تصمیم که بدون حضور نماینده وزارت صمت اتخاذ شده، در تضاد کامل با تفاهم‌نامه اخیر بنده با وزیر نیرو است.»

وزیر صمت افزوده «جای تأسف دارد که بار دیگر بخش صنعت کشور به عنوان نخستین اولویت در اعمال محدودیت‌های ناشی از کمبود برق در نظر گرفته شده است.»

محمد اتابک با تأکید بر نقش کلیدی بخش صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور، افزوده که «هزینه‌های ناشی از قطع برق این بخش بسیار سنگین است» و «اولویت دادن به قطع برق صنایع عمده، آن هم در سالی که «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام‌گذاری شده، بطور جدی امنیت سرمایه‌گذاری در حوزه تولید را خدشه‌دار می‌کند.»

وزیر صمت همچنین گفته «وزارت صمت برای جلوگیری از تکرار خسارت‌های سنگینی که سال گذشته به صنایع بزرگ وارد شد، با تلاش فراوان و از طریق ایجاد تفاهم در دولت، برنامه‌ریزی دقیقی انجام داد تا بخش صنعت و معدن از اولویت نخست قطع برق خارج شود. در همین راستا، تفاهم‌نامه‌ای جامع با وزارت نیرو منعقد شد و نحوه قطع برق صنایع به صورت تفکیکی و جزئی تنظیم گردید. این حال، متأسفانه در کمتر از دو هفته، این تفاهم‌نامه از سوی وزارت نیرو نقض شده است.»

واکنش تند وزیر صمت به قطع برق دو هفته‌ای صنایع بزرگ کشور از یکسو نشان دهنده اختلاف میان بخش‌های

اعتراض شهروندان به اختلال در کار و زندگی به دلیل قطع برق در استان‌های مختلف ایران



که دولت برای آنچه «مدیریت ناترازی برق» می‌خواند در پیش گرفته است. قطع برق بخش خانگی که بین دو تا چهار ساعت، و گاهی دو بار در شبانه‌روز انجام می‌شود، قطع آب و اینترنت را نیز در پی دارد.

شهروندان در چند شهر ایران از جمله زابل، بهبهان و شهر ری در روزهای گذشته با تجمع مقابل فرمانداری و اداره برق به قطع مکرر برق و مشکلات ناشی از آن اعتراض کرده‌اند. قطع برق با قطع پمپ آب سبب قطع آب ساکنان طبقات دوم به بالای ساختمان‌ها می‌شود. اینترنت‌ها نیز همزمان قطع می‌شود و دستگاه‌های مختلفی که بطور روزمره مورد استفاده شهروندان است، از جمله کار خودپردازهای بانک و پمپ‌های بنزین نیز مختل می‌شوند.

شهروندان زیادی می‌گویند با قطع برق ادارات و خاموش شدن کامپیوترها، کارهای اداری آنها نیز انجام نمی‌شود. در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها نیز قطع برق خدمات‌رسانی به بیماران را به خطر می‌اندازد.

طی روزهای گذشته ویدئوهایی از نیمه‌کاره ماندن جراحی دندان بیمار در حالی که بیمار روی صندلی دندانپزشکی با لثه باز شده در حال خونریزی معطل مانده، یا از گیر کردن بیمار در دستگاه ام‌آر‌آی به علت قطع برق در وسط انجام ام‌آر‌آی منتشر شده است. اینهمه در حالیست که قطع برق بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها در مواردی خطر جانی برای بیماران به دنبال دارد.

در عمل، با قطع برق، کل زندگی شهروندان به ویژه در شهرها مختل می‌شود. چراغ‌های راهنمایی سر چهارراه‌ها از کار می‌افتد و ضمن ایجاد ترافیک شدید، آمار تصادفات را نیز افزایش می‌دهد.

قطع آسانسورها، ورودی پارکینگ‌ها و درهای برقی مجتمع‌ها از دیگر آثار قطع برق است. این

قطع برق بخش خانگی که بین دو تا چهار ساعت، و گاهی دو بار در شبانه‌روز انجام می‌شود، قطع آب و اینترنت را نیز در پی دارد که سبب اختلال عمیق در روند زندگی شهروندان می‌شود.

مردم در چند شهر ایران از جمله زابل، بهبهان و شهر ری در روزهای گذشته با تجمع مقابل فرمانداری و اداره برق به قطع مکرر برق و مشکلات ناشی از آن اعتراض کرده‌اند.

شهروندان زیادی نیز می‌گویند با قطع برق ادارات و خاموش شدن کامپیوترها، کارهای اداری آنها انجام نمی‌شود. در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها نیز قطع برق خدمات‌رسانی به بیماران را به خطر می‌اندازد.

قطع آسانسورها، ورودی پارکینگ‌ها و درهای برقی مجتمع‌ها از دیگر آثار قطع برق است. این موضوع سبب ساعت‌ها معطل ماندن اتومبیل‌ها در پارکینگ‌ها و یا عدم امکان استفاده از آسانسور برای شهروندان ساکن ساختمان‌های چندین طبقه است.

چراغ‌های راهنمایی سر چهارراه‌ها نیز از کار می‌افتد و ضمن ایجاد ترافیک شدید، آمار تصادفات را نیز افزایش می‌دهد.

قطع مکرر برق و ناکارآمدی و اقدامات مختل‌کننده‌ی دولت در مواجهه با بحران عمیق کمبود برق سبب نارضایتی و اعتراض شهروندان شده است. قطع برق پیامدهای مهم و گاه خطرناک از توقف آسانسورها تا قطع اینترنت و آب دارد که روند زندگی شهروندان را به شدت مختل می‌کند. در آنسو تغییر آغاز ساعت کار ادارات به ۶ صبح مشکلاتی را برای کارمندان ایجاد کرده که علاوه بر مشکل قطع آب و برق باید صبح زود راهی کار شوند!

قطع برق بخش خانگی در سراسر کشور و در کنار قطع برق بخش صنعت و کشاورزی، «راهکار» معیوبی است

اعلام رسمی تعطیلی، و مرگی خاموش برای صنعتی که قرار بود ستون فقرات اقتصاد و موتور محرک توسعه باشد.

دولت همواره تلاش دارد با متهم کردن شهروندان و «پرمصرف» دانستن آنها کمبود برق، گاز و بنزین و آب را گردن آنها بیندازد اما به عقیده کارشناسان بی‌توجهی جمهوری اسلامی به مدیریت منابع آبی و توسعه صنایع مرتبط با انرژی سبب بروز انواع «کمبودها» در کشور شده است. در همین رابطه فرزین سوادکوهی، کارشناس حوزه انرژی درباره شروع قطعی برق در فصل بهار گفته «این مشکل ریشه در عدم توسعه و توسعه‌نیافتگی دهه‌های گذشته دارد».

این کارشناس حوزه انرژی توضیح داده که «در تمام سال‌های گذشته و در همه دولت‌ها، تلاش بر این بوده است که قطعی در بخش خانگی به وجود نیاید و برق صنایع را قطع می‌کردند، چون می‌دانستند اگر در بخش خانگی برق قطع شود تاوان اجتماعی دارد و واکنش‌های مشکل‌ساز ایجاد می‌کند؛ اما اکنون به نوعی کارد به استخوان رسیده که چاره‌ای ندارند زودتر بخش خانگی را وارد چرخه بی‌برقی کنند».

فرزین سوادکوهی افزوده «واژه ناترازی مدت‌هاست که ورد زبان مسئولان مختلف شده است و از آن برای بیان مشکلات برق استفاده می‌شود، اما به نظر من با ناترازی مدیریتی مواجه شدیم که در همه‌ی حوزه‌های انرژی هم به آن دچار هستیم».

او همچنین از تبعیض در خاموشی‌ها انتقاد کرده و گفته «در استان‌های جنوبی که اتفاقاً بیش از هرجای دیگر در فصل گرما به برق نیاز دارند، ساعات خاموشی بیشتر از پایتخت و استان‌های شمالی است. بی‌عدالتی از همینجا شروع شده و بعد که به تهران رسیده، خاموشی‌ها از مناطق جنوب تهران آغاز شده است که این رفتار عدالت اجتماعی را مخدوش می‌کند».

قطع برق در بخش خانگی نیز طی روزهای گذشته تشدید شده است. تعطیلی پنجشنبه‌ها در کشور و تغییر ساعات کار ادارات و مدارس به شش صبح از جمله اقداماتی است که نشان از کمبود جدی برق در کشور و احتمال بروز خاموشی سراسری دارد!

حالا برخی مقامات دولت با فرافکنی و برخی با وعده به دنبال این هستند که در پی بحران کمبود انرژی و مشکلات تحمیل شده به شهروندان با جیره‌بندی برق بخش خانگی و صنعتی، اعتراضاتی شکل نگیرد!

محمد اتابک ساعتی پس از اعتراضات تند به وزارت نیرو برای قطع دو هفته‌ای برق صنایع، امروز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ در جلسه شورای اداری شهرستان هرسین گفت که «با هماهنگی‌های صورت گرفته با وزارت نیرو و وزارت کشور در حال افزایش ظرفیت تولید برق در بخش صنعتی هستیم تا محدودیت‌های قطعی برق را در واحدهای صنعتی کمتر شاهد باشیم».

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان نیز با اعتراف به اینکه «با یک ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی مواجه هستیم» گفته این بحران «حاصل یک روز و دو روز نیست» و «انگشت اتهام را به سمت یکدیگر دراز نکنیم»!

مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق نیز هفته گذشته با هشدار درباره تشدید بحران کمبود برق گفته «باید قبول کنیم امسال تابستان سختی داریم و مردم باید خود را برای این شرایط آماده و تمهیدات لازم را ببندیشند؛ من توصیه می‌کنم برای این شرایط، بادبزنی و آفتابه تهیه کنند».

صنعت نفت به ۲۰۰ میلیارد دلار و صنعت گاز به ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد

● حمیدرضا صالحی نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی اعلام کرده که «طبق آمارهای وزارت نفت، ۲۰۰ میلیارد دلار برای نفت و ۸۰ میلیارد دلار برای گاز نیازمند سرمایه هستیم.»

● نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی معتقد است «با توجه به کمبود گاز و فرآورده‌ها مانند بنزین، شرایط سختی پیش روی کشور است و باید سرمایه‌گذاری هرچه سریع‌تر انجام شود.»

● در حالی که رقم مورد نیاز سرمایه‌گذاری در صنعت نفت حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار اعلام شده، محسن پاک‌نژاد وزیر نفت دولت پزشکیان گفته سرمایه‌گذاری حدود ۱۰ میلیارد دلار تا پایان ۱۴۰۴ از اولویت‌های اجرایی و عملیاتی این وزارتخانه است!

در شرایطی که کمبود برق این روزها سبب جیره‌بندی برق در بخش خانگی و صنعتی شده، کارشناسان معتقدند بحران انرژی در ایران گسترده‌تر از صنعت برق است بطوری که صنعت نفت دست‌کم ۲۰۰ میلیارد دلار و صنعت گاز ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

حمیدرضا صالحی نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی اعلام کرده که «طبق آمارهای وزارت نفت، ۲۰۰ میلیارد دلار برای نفت و ۸۰ میلیارد دلار برای گاز نیازمند سرمایه هستیم.»

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی معتقد است این ارقام دور از منطق و حساب نیست چرا که «با توجه به کمبود گاز و فرآورده‌ها مانند بنزین، شرایط سختی پیش روی کشور است و باید سرمایه‌گذاری هرچه سریع‌تر انجام شود. سرمایه‌گذاری‌ها اگر خارجی باشد، طبق تجربه‌ی گذشته انجام می‌شود. اگر سرمایه‌گذاری داخلی باشد که با توجه به شعار سال باید تقویت شود، شرایط متفاوتی پیش می‌آید.»

حمیدرضا صالحی افزوده «مسئله این است که آیا امکان سرمایه‌گذاری داخلی وجود دارد؟ دولت‌ها در ایجاد تمایل برای سرمایه‌گذاران داخلی موفق نبوده‌اند. دولت در قیمت‌گذاری محصول دخالت می‌کند، از سرمایه‌گذار هم انتظار کار کردن دارد. در حوزه‌ی گاز چند سالیست که کنسرسیوم‌هایی هم ایجاد شده است، اما امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری نداشته‌ایم.»

عضو اتاق بازرگانی توضیح داده که «اگر بخواهیم تولید نفت‌مان به هدف ۴ میلیون در روز برسد، نیازمند سرمایه‌گذاری است. عراقی‌ها به ۶ میلیون بشکه در روز هم رسیده‌اند. میدین مشترک ما هم نیاز به سرمایه‌گذاری دارند. میدان آزادگان هم نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. چینی‌ها نیز در چند سال اخیر کاری در این حوزه نکرده‌اند. برای جبران عقب‌ماندگی‌ها به عدد ۲۰۰ میلیارد دلار نیاز داریم.»

او افزوده «خارجی‌ها تجربه‌ی کار در ایران دارند و

این جامعه‌شناس تأکید کرده که دولت باید این موضوع را از قبل پیش‌بینی می‌کرد؛ چون هشدارها از قبل داده شده بود: «مستولان اعلام کرده بودند که زیرساخت‌ها کهنه و فرسوده است و نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و جمعیت شهری در حال افزایش است و اتکای ما به برق بیش از گذشته است. در حال حاضر بخش تولید بیشترین آسیب را می‌بیند. درحالی‌که آنها روی وعده‌هایی که حکومت‌ها به آنها دادند سرمایه‌گذاری کردند و تبعات بسیار بدی دارد. این در حالی است که مقامات برای تأثیرات اجتماعی و اقتصادی فکری نکردند و برنامه‌ای ندارند. ممکن است همه ما درک کنیم که به دلیل تحریم یا کوتاهی این مسئله پیش آمده. ضمن اینکه لازم است گفته شود، قرار است چه اقداماتی انجام شود تا این وضعیت تمام شود.»

حسین ایمانی جاجرمی توضیح داده که در این شرایط نه فقط مردم بلکه مدیران هم غافلگیر می‌شوند و گستردگی این موضوع ما را از تدبیر و خردمندی که باید در دستگاه‌های اداری امروز باشد، ناامید می‌کند. تأکید جاجرمی بر این است که زندگی امروز باید پیش‌بینی‌پذیر باشد؛ چون ما برای زندگی روزمره باید به سازمان‌های عمومی اعتماد کنیم و اگر نباشد فشارهای عصبی به افراد وارد می‌شود.

به عقیده او این اتفاقات سبب از دست رفتن جنبه پیش‌بینی‌پذیری می‌شود و فشارهای عصبی و روانی دارد و تنها محدود به تبعات اقتصادی نیست: «عوارض روحی و روانی این شرایط، روحیه جامعه را که خیلی هم خوب نیست، بدتر می‌کند. اگر نتوانند این مسائل را حل کنند در بلندمدت می‌توانند تبدیل به بحران‌های اجتماعی شود. جامعه ایران همین حالا هم طبقاتی و قطبی شده است. ثروتمندان پیش‌بینی این مسائل را از قبل کردند و من شنیدم، در زمستان برخی از افرادی که در مناطق خوش آب و هوا زندگی می‌کنند، منابع آب عظیم و ژئراتور برق خریداری کردند که فشاری به آنها نباشد.»

قابل توجه اینکه هفته گذشته مسعود دانشمند فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از راهکارهای دولت برای عبور از بحران کمبود برق گفته بود «طرح جدید دولت برای کاهش ساعت کاری کارمندان در بهترین حالت ۵ تا ۶ درصد مصرف را کاهش می‌دهد.»

مسعود دانشمند افزوده بود «آن تصمیم گیرانی که برای ساخت آپارتمان‌های بلندمرتبه مجوز می‌دهند چرا فکری به حال وضعیت مصرف آب، برق و سایر انرژی‌ها نمی‌کنند؟ نمی‌شود که ظاهر شهر را مدرن جلوه دهیم و مدام برج و مجتمع‌های چند ده واحدی بسازیم اما در نهایت وقتی به مرحله بهره‌برداری و استفاده می‌رسیم، مثل عهد قاجار باشیم.»

عضو اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده بود که «بطور طبیعی سالانه حدود ۷ تا ۸ درصد، رشد مصرف برق داریم. اما متأسفانه مستولان به این وضعیت رشد، توجه کافی نشان نداده‌اند. درواقع در هیچ سالی نبوده که این ۷/۸ درصد را در بخش تولید رسماً افزایش دهیم. امسال افزون بر این مشکل، با مشکل نیروگاه‌های برق آبی مواجه‌ایم و این نیروگاه‌ها عملاً در دسترس نیستند. یعنی سطح آبی که پشت سدهای ما از جمله سد کرج است، پایین‌تر از سطح مورد نیاز نیروگاه‌ها است. بنابراین ما از نعمت نیروگاه‌های برق آبی نیز محرومیم.»

مسعود دانشمند تأکید کرده بود که «اکتو بهترین کار این است که با اعطای تسهیلات گسترده، نیروگاه‌های خورشیدی را توسعه دهیم. تمام شهرهای آفتاب خیز، از یزد تا اصفهان و کرمان، این امکان را دارند که میزبان نیروگاه‌های خورشیدی شوند.»

➔ موضوع سبب ساعت‌ها معطل ماندن اتومبیل‌ها در پارکینگ‌ها و یا عدم امکان استفاده از آسانسور برای شهروندان ساکن ساختمان‌های چندین طبقه است. ویدئوهای زیادی در شبکه‌های اجتماعی از ناوایانی منتشر شده که به علت قطع برق نتوانسته‌اند تنور را به کار بیاورند و خمیر آماده شده از بین رفته است. کسبه نیز از کسادی بیش از پیش بازار به علت قطع برق و اختلال در روند فعالیت کسب و کارشان خبر می‌دهند. روزنامه «هم‌میهن» در شماره امروز شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ به مشکلات شهروندان با قطع برق و اعتراضات آنها پرداخته است.

در این گزارش آمده یک نفر نوشته هزار تخم بلدرچین داخل دستگاه گذاشته و فقط ۱۰۰ قطعه از آن سالم مانده. یک نفر دیگر نوشته است که خانه‌اش در یکی از روستاهای محمداًباد سیستان به دلیل نوسان برق، آتش گرفته است. جواد هراتی، مدیر گروه عدالتخواهان سیستان به «هم‌میهن» گفته برق این شهر بیش از برخی شهرهای بزرگ قطع می‌شود: «مردم می‌گویند در حق این شهر ظلم می‌شود؛ چون این روند در شهرهای دیگر کمتر است. زابل اصلاً کارخانه ندارد و فقط یک بازار و چندکارگاه کوچک دارد. همه کاسبی‌های مردم هم در این بازار انجام می‌شود اما در اوج فروش، برق می‌رود.»

«هم‌میهن» نوشته ۱۹۴۲ کیلومتر دورتر از زابل، در شهر دزفول هم وضعیت قطعی برق به همین اندازه آزاردهنده است. برق خوزستانی‌ها دقیقاً زمانی قطع می‌شود که دمای هوا به گرم‌ترین درجه رسیده و برق شهر، دو ساعت تمام قطع می‌شود. حالا قرار است کارمندان این استان هم مثل باقی شهرها، از شش صبح تا یک ظهر سرکار بروند تا از میزان مصرف برق کاسته شود.»

خدیجه، ساکن این شهر است و می‌گوید: «بگو اعتراض مردم به آسیب‌دیدن وسیله‌های برقی است که بسیار گراند. ما در هر اتاق خواب یک کولر داریم، هرکدام که خراب شود، می‌دانی چقدر باید هزینه کنیم؟ ما نمی‌توانیم برای کارهای روزمره برنامه‌ریزی کنیم. خیابان‌ها خیلی تاریک می‌شود. تا سال قبل چراغ‌های خیابان را قطع نمی‌کردند، حالا وقتی برق می‌رود، شهر می‌شود ظلمات. اینجا و قطعی برق، با هم جور درمی‌آیند.»

کمبود برق باعث شده که ساعت کاری کارمندان دولت به ساعت ۶ صبح تا ۱۳ تغییر کند؛ دولت همچنین روزهای پنجشنبه رادر سراسر کشور تا پایان تابستان تعطیلی اعلام کرد. تغییر ساعات کار ادارات سبب دردسری جدید برای اقشار کارمند، به ویژه زوج‌های دارای فرزند خردسال شده است. کارمندان می‌گویند برای اینکه ساعت ۶ صبح سر کار حاضر باشند باید کودکان خود را ساعت ۵ صبح به مهدکودک و مدرسه ببرند در حالیکه مهدکودک‌ها و مدارس در آن ساعت تعطیل هستند!

در همین رابطه حسین ایمانی جاجرمی، جامعه‌شناس شهری است و اعتقاد دارد تخصص‌های مختلف، سازمان‌های متعدد و انواع خدمات، هزاران فعالیت و کسب‌وکار، امکانات درمانی و خدماتی به خصوص در کلانشهرها، همه متکی به زیرساخت‌ها است.

حسین ایمانی جاجرمی گفته «این بخش‌ها قسمت مهمی از زندگی امروزی را تشکیل می‌دهند و باید مثل ساعت کار کنند. هر گونه اختلالی در هر کدام از اینها پیش بیاید، نظم زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تبعاتی دارد که شاید در طول روزها، ماه‌ها یا سال‌های اول متوجه آن نباشیم. به بیان دیگر، اثرات انباشتی دارد و تا جای ممکن نباید اجازه دهیم زیرساخت‌های انرژی دچار مسئله شوند.»

توزیع بنزین سوپر را در کشور عملیاتی کنند.»
مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت «بر اساس این مصوبه به دنبال این هستیم که از طریق وزارت اقتصاد و امور دارایی که مجوزها را راهبری و مدیریت می‌کند مجوزی برای شرکت‌های واردکننده دریافت کنیم.»
او همچنین توضیح داد که «ورود بنزین سوپر به کشور زیرساخت نیاز دارد، بخش خصوصی انبارهایی که گوشه و کنار کشور حتی در کنار سواحل یا نزدیک به سواحل داریم می‌تواند آنها را اجاره کرده و واردات ذخیره‌سازی بنزین سوپر را انجام دهد.»
او افزود که «دولت هیچ‌گونه مداخله‌ای در فرآیند واردات و توزیع نخواهد داشت. اینکه واردات از چه کشورهایی انجام شود، بستگی به شرایط بازار دارد. مزیت مهم این

مقدمه‌چینی کند ولی در آنسو مقامات دولتی مدام چنین نقشه‌ای را انکار کنند!»
حمیدرضا عزیزی فارسیانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اول اردیبهشت‌ماه جاری از سمنرخ شدن بنزین خبر داد و اعلام کرد قیمت بنزین آزاد ۲۰ هزار تومان برای هر لیتر در نظر گرفته شده است.
وی همچنین گفت در طرح جدید تخصیص یارانه بنزین بر اساس کد ملی بجای کارت سوخت صورت خواهد گرفت. این تغییرات بر اساس طرح اصلاح نظام توزیع سوخت قرار است انجام شود.
حمیدرضا عزیزی فارسیانی درباره «مکانیسم اجرایی» این طرح هم گفت «در این سیستم جدید، هر شهروند ایرانی بر اساس کد ملی خود سهمیه بنزین دریافت می‌کند. به

حضورشان در ایران می‌تواند مؤثر باشد. ۲۰۰ میلیارد دلار هم در داخل وجود ندارد و ناچار باید به سمت سرمایه خارجی برویم.»
حمیدرضا صالحی بر ضرورت اصلاح مدیریت انرژی در کشور تأکید کرده و گفته «بعد از مقاومتی که برخی از دولتمردان روی ساخت پالایشگاه در داخل کردند و گزینه‌ی واردات را در اولویت قرار دادند، شرایط تغییر کرد و پالایشگاه خلیج فارس وارد مدار شد. با این پالایشگاه تا حد زیادی از واردات بی‌نیاز شدیم. اگر چه همچنان گازوئیل و بنزین وارد می‌شود. در موضوع مصرف هنوز هم مشکل داریم و خودروهای پرمصرف مشکل اصلی کمبود بنزین هستند. سیاست واردات خودروهای برقی در حاشیه است. باید نگاهمان را به مصرف انرژی عوض کنیم. در رابطه با



اقدام در آن است که بنزین سوپر به صورت کامل توسط بخش خصوصی تأمین و توزیع می‌شود و به این ترتیب، اکوسیستم توزیع سوخت کشور با ورود بازیگران جدید دچار تحول خواهد شد.»
کرامت ویس کرمی گفت «ساز و کار تعیین قیمت از طریق بورس انرژی تعیین می‌شود یعنی وارد کننده باید قیمتی که دارد باید از این طریق تعیین شود از مواردی است که سرمایه‌گذار بخش خصوصی اعم از واردکننده و توزیع کننده انجام می‌دهند.»
در همین رابطه روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ علیرضا نظری، رئیس مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب‌وکار از تصویب کاربرگ‌های مربوط به واردات بنزین سوپر در کمیته تخصصی این وزارتخانه خبر داد.
علیرضا نظری گفت «این اقدام در راستای ماده ۹ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۳ و تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ صورت گرفته که بر اساس آن، هیئت وزیران و مجلس شورای اسلامی مجوز واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی را صادر کرده‌اند. این فرایند از اواخر بهمن ۱۴۰۳ با مکاتبه اولیه وزارت نفت با وزارت اقتصاد آغاز شد، اما با تأخیرهایی مواجه شد که بعضاً ناشی از عدم آگاهی کامل برخی اعضای دولت از جزئیات و مراحل اجرایی کار بود.»
او همچنین گفت شرکت‌های واردکننده تا دو ماه فرصت دارند تا شرایط فنی، اهلیت و صلاحیت‌های موردنظر وزارت نفت را احراز کنند.

عنوان مثال، برای هر فرد روزانه یک لیتر بنزین با قیمت یارانه‌ای ۳۰۰۰ تومانی در نظر گرفته می‌شود که در ماه به ۳۰ لیتر می‌رسد.»
وی توضیح داد که «برای مثال در این مکانیسم، برای یک خانواده چهارنفره با یک خودرو، سقف ماهانه ۱۲۰ لیتر بنزین با قیمت یارانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. مصرف بیشتر از این مقدار به صورت پلکانی محاسبه خواهد شد؛ ۱۲۰ تا ۲۰۰ لیتر با قیمت ۱۰۰۰۰ تومان و مقادیر بالاتر با قیمت آزاد ۲۰۰۰۰ تومان.»
همزمان در اوایل اردیبهشت‌ماه کرامت ویس کرمی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران هم از واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی و فروش با نرخ آزاد خبر داد.
او توضیح داد که «دولت این سیاست را تدوین و به وزارت نفت تکلیف کرده تا از این طریق شرکت‌هایی را شناسایی کرده و با تأیید صلاحیت، آنها را به عنوان واردکننده معرفی کند. همچنین مقرر شد شرکت‌های توزیع کننده بنزین ویژه را وارد کنند و با قیمت آزاد عرضه کنند، شیوه‌نامه‌ای در این زمینه در مجموعه پالایش و پخش و وزارت نفت تدوین شده که بر اساس این شیوه‌نامه باید به درگاه ملیر مراجعه کرده و از این طریق هم واردکننده و هم توزیع‌کننده شناسایی شده و از مجموعه پالایش و پخش گواهی دریافت کند.»
کرامت ویس کرمی افزود که «شرکت‌های توزیع کننده می‌توانند هم ذخیره‌سازی بنزین سوپر را انجام دهند و هم

گازوئیل چرا باید در اعداد بزرگ قاچاق شود؟ همه می‌دانند که به جای پول قاچاق گازوئیل چه محصولاتی وارد می‌شود که مورد نیاز هم نیست. ما می‌توانیم با مدیریت گازوئیل و بنزین، حتی به صادرکننده تبدیل شویم.»
عقب‌ماندگی جمهوری اسلامی از توسعه صنعت نفت و گاز و برق، و همچنین ناتوانی از جذب سرمایه‌گذاری را می‌توان در مقایسه با نیاز این صنایع به جذب سرمایه، با رقم مورد ادعای وزارت نفت برای جذب سرمایه‌گذاری دید. در حالی که رقم مورد نیاز سرمایه‌گذاری در صنعت نفت حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار اعلام شده، محسن پاک‌نژاد وزیر نفت دولت پزشکیان گفته سرمایه‌گذاری حدود ۱۰ میلیارد دلار تا پایان ۱۴۰۴ از اولویت‌های اجرایی و عملیاتی این وزارتخانه است. در شرایطی که این روزها مشکل کمبود برق بحران‌ساز شده، همانطور که حمیدرضا صالحی اشاره کرده احتمال بروز بحران‌های مشابه به علت کمبود بنزین و گاز و گازوئیل برای مصرف داخلی نیز وجود دارد.
دولت در شرایطی که نتوانسته طی سالهای گذشته ظرفیت تولید بنزین را متناسب با نیاز داخل کشور بالا ببرد، اکنون ایجاد محدودیت و افزایش قیمت را در دستور کار قرار داده است.
افزایش قیمت بنزین از ابتدای آغاز به کار دولت پزشکیان و طی هشت ماه گذشته بطور جدی مورد بحث بوده اما هراس جمهوری اسلامی از تکرار اعتراضات آبان ۹۸ که در پی افزایش سه برابری قیمت بنزین آزاد صورت گرفت، سبب شده دولت با احتیاط برای افزایش قیمت بنزین

باورنکردنی؛ پدیده گرد و غبار در استان مازندران، بهشت سبز سابق!



تشکیل و تدابیر و راهکارهای لازم اندیشیده شود.

کاهش سطح آب‌های زیرزمینی که به علت چهار دهه مدیریت نامطلوب منابع آبی کشور از سوی جمهوری اسلامی بحران‌زا شده، سبب درگیر شدن همه استان‌های ایران با پدیده فرونشست شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد از میان ۳۲ استان ایران تنها استان گلستان است که تا کنون پدیده فرونشست در آن نمایان نشده است.

علی‌بیت‌الهی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی دی‌ماه گذشته با هشدار درباره خطر «سستی زمین» در استان مازندران اعلام کرد که برداشت نامتعارف آب از چاه‌ها و سفره‌های زیرزمینی در این استان طی سال‌های گذشته سبب فرونشست شدید زمین به ویژه در شرق این مازندران شده است.

با توجه به افت سطح آب زیرزمینی به ویژه در محدوده‌های شرقی استان مازندران (بنا به تأکید مسئولان آب استان) و آمارهای اعلامی و با توجه به نوع نهشته‌های آبرفتی در نوار بین کوهستان (جنوب- ساحل (شمال) مازندران، وقوع و توسعه پدیده «فرونشست زمین»، به عنوان فرجام این پروسه در محدوده‌های شرقی استان، قابل انتظار است.

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی تأکید کرده بر اساس آخرین پردازش‌های انجام شده توسط «سازمان نقشه برداری کشور» در استان مازندران، مناطقی به وسعت تقریبی ۴۱۰۰ کیلومتر مربع در شرق استان مازندران و در نواحی شهری و اطراف گلوگاه، بهشهر، نکا، سورک، ساری، جویبار، بابلسر، کیاکلا، قائمشهر (شاهی)، بابل، فریدونکنار، محمودآباد و آمل دچار فرونشست زمین است.

فرهاد خلردی مدیر وقت مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای مازندران در ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ اعلام کرده که در پایان تیرماه سال ۱۴۰۳ سطح آب‌های زیرزمینی مازندران نسبت به پایان تیر ۳۰ سال پیش، ۹۴ سانتیمتر پایین‌تر رفته است. از نظر حجم آبخوان نیز کاهش ۱۶۶ میلیون متر مکعبی نسبت به دوره دراز مدت رخ داده است.

پایین دست بیاید و طبیعتاً شهروندان آملی و بابی را دچار چالش‌های خطرناکی کند.

احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی نیز گفته «سه کانون گرد و غبار در منطقه می‌تواند استان‌های شمالی کشور را تهدید کنند که عبارتند از کانون اول عراق و صحرای عربستان، کانون دوم بیابان‌های آسیای میانه و به‌خصوص قره‌قوم در ترکمنستان و کانون سوم بیابان‌های شمال‌غربی کشور.»

بر اساس توضیحات احد وظیفه «این توفان‌ها و گردوغبارها به راحتی به استانی مانند مازندران نمی‌رسد. گردوغبار پدیده سطوح پایین است و باید آنقدر خیزش داشته باشد که ارتفاعات البرز را رد کند. برای مثال اگر رطوبت کم شود، غبارها از شرق سوریه و عراق عبور می‌کنند و جریان سطحی شدید سبب خیزش گردوخاک می‌شود و این خیزش به تراز بالاتر هم می‌رسد و از شرق اردن و سوریه به مناطق بالاتر منقل می‌شود و به تراز سه هزار متر بالاتر از سطح دریا هم می‌رسد و ممکن است توسط جریان‌های جنوب‌غرب و غربی به سواحل خزر برسد.»

اینهمه در حالیکه از چند سال پیش کارشناسان نسبت به احتمال بروز پدیده گرد و غبار در استان‌های شمالی کشور از جمله استان مازندران که زمانی بهشت سبز ایران به شمار می‌رفت، هشدار داده بودند.

برای فونه علی محمد شاعری نماینده پیشین بهشهر، نکا و گلوگاه در مجلس شورای اسلامی خردادماه سال ۱۳۹۵ هشدار داده بود که «ادامه کاهش تراز آبی میانکاله در مازندران این شبه‌جزیره را به کانون جدید ریزگردها در کشور تبدیل می‌کند و وضعیت کاهش آب در تالاب میانکاله بدتر از دریاچه ارومیه است. تراز آبی این تالاب نسبت به سال‌های پیش ۱۳۰ سانتی‌متر کاهش یافته است، در حالیکه کاهش تراز آبی در دریاچه ارومیه ۸۰ سانتی‌متر بود. باید برای جلوگیری از بروز بحران ریزگرد در این شبه جزیره ۶۸ هزار هکتاری اقدامات فوری و لازم انجام شود تا زمانی که میانکاله وارد بحران جدی و بروز مسائل غیر قابل پیشگیری و حاد نشده است، جلسات لازم برای خروج از این وضعیت

● گزارش‌هایی از افزایش میزان ریزگردها در استان مازندران که زمانی بهشت سبز کشور به شمار می‌رفت، منتشر شده است؛ کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و عقب‌نشینی آب دریای مازندران از جمله دلایل بروز ریزگرد در این استان است.

● داریوش عبادی دبیر شبکه تشکلهای محیط زیست و منابع طبیعی مازندران با ابراز نگرانی از وضعیت میانکاله گفته «این تالاب تا سال ۱۴۲۰ کاملاً خشک می‌شود و این، یعنی کانون بزرگی از ریزگرد ایجاد می‌شود که کیلومترها را درمی‌نوردد.»

● جواد یعقوب‌زاده کنشگر و فعال محیط زیست: معادنی که در جاده هراز وجود دارند، از جمله دیگر منابع داخلی گرد و غبار برای مازندران هستند؛ معادنی که هر کسی که از آن جاده عبور می‌کند با دریایی از گرد و خاک‌شان مواجه می‌شود.

در حالی که طی هفته‌های گذشته توفان گرد و غبار مناطق غرب، جنوب غرب و مرکز ایران را فراگرفته بود، اکنون گزارش‌هایی از افزایش میزان ریزگردها در استان مازندران منتشر شده است؛ ریزگردهایی که علت اصلی آن بادهای آلوده به گرد و غبار از ترکمنستان و عقب‌نشینی آب دریای مازندران عنوان می‌شود.

روزنامه «پیام ما» در گزارشی از افزایش گرد و غبار در استان سرسبز مازندران خبر داده و نوشته «شن‌های ساحل با پسروی دریا رطوبت خود را از دست می‌دهند و آب دریا که قبلاً تالاب‌های مهم استان‌های شمالی را سیراب می‌کرد، هر روز کم‌رقرتر از قبل می‌شود.»

داریوش عبادی دبیر شبکه تشکلهای محیط زیست و منابع طبیعی مازندران به «پیام ما» گفته «در حال حاضر مسئله ریزگرد و غبار در استان‌های شمالی به دغدغه بدل نشده است، اما با شدت گرفتن عقب‌نشینی دریای کاسپین و خشکی تالاب‌ها در استان‌های شمالی باید دغدغه آینده را داشت.»

داریوش عبادی افزوده «ما نگران وضعیت میانکاله هستیم. بعضی تحقیقات می‌گویند این تالاب تا سال ۱۴۲۰ کاملاً خشک می‌شود و این، یعنی کانون بزرگی از ریزگرد ایجاد می‌شود که کیلومترها را درمی‌نوردد. این شرایط با پسروی آب دریای خزر پیش خواهد آمد و بسیاری از تالاب‌هایی که از آب این دریاچه تغذیه می‌کنند، دچار وضعیت سختی می‌شوند.»

او از بی‌نتیجه ماندن طرح‌هایی برای نجات میانکاله اشاره کرده و گفته «شوری خاک اطراف تالاب بالاست. درختان نمی‌توانند آنجا رشد کنند. اطراف تالاب هم درختی نیست. لایروبی هم انجام دادند، اما چندان جواب نگرفتند. برداشت از آب چاه در سال‌های اخیر بسیار بالا بوده است و در نتیجه سطح آب جاری کمی هم داریم. حتی صحبت از پمپاژ آب دریا به میانکاله هم مطرح شده است، اما ممکن است نتیجه مطلوبی نداشته باشد.»

جواد یعقوب‌زاده کنشگر و فعال محیط زیست مازندران که ساکن بابل است نیز به آلودگی ایجاد شده از سوی معادن اشاره می‌کند: «معادنی که در جاده هراز وجود دارند، از جمله دیگر منابع داخلی گرد و غبار برای مازندران هستند؛ معادنی که هر کسی که از آن جاده عبور می‌کند با دریایی از گرد و خاک‌شان مواجه می‌شود. طبیعی است که آن دریای گردوخاک با بادهای درون دره هراز به‌سمت

اقتصاد ایران در بیم و امید مذاکرات و توافق



ایران در چنبره شبه دولتی‌ها و تفکرات دولتی و اقتصاد رانتی نفتی است و بخش خصوصی سهم و نقش و حضوری در صحنه اقتصادی ندارد، چنین اقتصادی به شدت به اخبار تحریمی و مسائل بین‌المللی وابسته است.»

اینهمه در حالیست که مشکلاتی چون کمبود شدید انرژی نیز بر کند شدن روند تجارت و تشدید رکود در اقتصاد ایران موثر است. بلافاصله پس از تعطیلات نوروز جیره‌بندی برق در بخش صنعت و کشاورزی آغاز شده و بسیاری از شهرک‌های صنعتی با قطع برق چند ساعت در روز روبرو هستند. حسین سلاح‌ورزی رئیس پیشین اتاق بازرگانی نیز با انتشار متنی در شبکه «ایکس» نوشته «بخشنامه شده که از هفته آینده برق شهرک‌های صنعتی دو روز در هفته و کارخانجات با مصرف بیش از سه مگاوات سه روز قطع و تعطیل خواهد بود.»

حسین سلاح‌ورزی افزوده «طنز ماجرا اینجاست که بدون اینکه خنده‌شان بگیرد، بالای سر برگ رسمی هم نوشته‌اند:

سال سرمایه‌گذاری در تولید!»

گفتنی است بر اساس ارزیابی جدید بانک جهانی، اقتصاد ایران در پایان امسال بار دیگر با رشد منفی روبرو می‌شود. بانک جهانی نرخ رشد اقتصادی ایران در پایان سال جاری را منفی ۱/۶ درصد تخمین زده است.

برآورد این بانک از نرخ رشد اقتصادی ایران در سال گذشته ۳ درصد است که شبیه به پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تازگی نرخ رشد اقتصادی ایران در سالی که گذشت را ۲/۸ درصد برآورد کرد، اگر این پیش‌بینی محقق شود، در واقع نرخ رشد اقتصادی پارسال حدود ۲/۲ واحد درصد کمتر از نرخ رشد سال ۱۴۰۲ بوده است.

در گزارش بانک جهانی، نرخ تورم در پایان سال جاری به ۴۲ درصد افزایش خواهد یافت و رکود تورمی در اقتصاد ایران شدت پیدا خواهد کرد.

صندوق بین‌المللی پول نیز پیشتر نرخ تورم در اقتصاد ایران، در پایان سال ۱۴۰۴ را ۴۳/۳ درصد پیش‌بینی کرده بود.

سال‌های اخیر دستخوش تکانه‌های شدید و پرنوسان شده است. تکانه‌های نفتی و تورمی و ارزی حاصل از تحریم‌های اقتصادی موجب شده اقتصاد کشور به شدت به مسائل بین‌المللی شرطی شود و با کوچکترین اخباری، بازارهای مختلف دستخوش نوسانات شدید می‌شود. همه این نوسانات خود گویای این واقعیت است که اقتصاد ایران به شدت از تاب‌آوری پایین رنج می‌برد.»

این اقتصاددان با اشاره به اینکه «اقتصاد کشور را، وقتی اینگونه شرطی شده، نمی‌توان به درستی اداره کرد» گفته «بدون تردید کمتر زمانی چون امروز اقتصاد تابع اتفاقات حوزه‌های دیگر بوده است. حتی در زمان احمدی‌نژاد نیز اقتصاد نسبت به تحریم یا تنش‌های بین‌المللی چنین شتاب‌برده عمل نمی‌کرد طوری که رئیس جمهوری وقت به خود اجازه می‌داد، تحریم‌ها را ورق پاره بخواند.»

وحید شقاقی شهری تأکید کرده که «نباید زندگی ایرانیان را اینبار به شنبه‌ها گره زد. طی ۱۴ سال گذشته و از زمان تحریم‌های اقتصادی، متوسط رشد اقتصادی کشور کمتر از ۱/۵ درصد بوده است. با تشدید ناترازی‌های کشور در سال‌های پیش رو، روند میان مدت رشد اقتصادی کاهنده و در حالت خوشبینانه، کمتر از ۲ درصد خواهد شد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی همچنین گفته «جبران استهلاک‌ها و فرسودگی‌ها و مهار ناترازی‌های اقتصادی بیش از تولید ناخالص داخلی فعلی کشور، منابع مالی نیاز دارد و با بهره‌وری منفی و صفر و صرفاً اتکا به منابع مالی اندک فعلی، امکان مهار ناترازی‌های اقتصادی ناممکن است.»

او تشدید ناترازی‌های اقتصاد کلان، در کنار ساختار دولت رانتی نفتی را مهمترین مشخصه تاب‌آوری پایین و گواهی بر شرطی‌سازی خطرناک اقتصاد ایران دانسته و تأکید کرده «هر تأخیر در اصلاحات ساختاری و نهادی و تعلل در تصمیمات سخت، شرایط پیش رو را پیچیده‌تر می‌کند و بر شرطی شدن اقتصاد ایران می‌افزاید. بنابراین با تدبیر و عقلانیت باید ریل اقتصادی را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و بهبود محیط کسب و کار تغییر داد و تا زمانی که اقتصاد

مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی: فضای بلامتکلیفی کنونی باعث شده است که هیچ تاجر و فعال اقتصادی کاری نکند و اقتصاد در حالت کما بسر برود. این حالت کما زمانی از بین می‌رود که همه چیز روشن شود.

جمال رازقی رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عمان نیز درباره فضای حاکم بر اقتصاد ایران گفته به دلیل انتظار ناشی از مذاکرات در اقتصاد، روند صادرات و واردات کند شده است.

وحید شقاقی شهری اقتصاددان: اقتصاد کشور به شدت به مسائل بین‌المللی شرطی شده و با کوچکترین اخباری، بازارهای مختلف دستخوش نوسانات شدید می‌شود. همه این نوسانات خود گویای این واقعیت است که اقتصاد ایران به شدت از تاب‌آوری پایین رنج می‌برد.

مشکلاتی چون کمبود شدید انرژی نیز بر کند شدن روند تجارت و تشدید رکود در اقتصاد ایران موثر است. دو عضو اتاق بازرگانی ایران می‌گویند فضای مذاکرات فعالیت اقتصادی تاجر را در حالت تعلیق نگه داشته و آنها منتظر نتیجه مذاکرات هستند.

مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی ایران گفته «نه فقط تاجر و فعالان اقتصادی بلکه مسافران خارج از کشور یا کسانی که تصمیم به خرید و فروش دلار دارند، همه در حالت صبر و انتظار قرار گرفته‌اند؛ بنابراین فضای بلامتکلیفی کنونی باعث شده است که هیچ تاجر و فعال اقتصادی کاری نکند و اقتصاد در حالت کما به سر برود. این حالت کما زمانی از بین می‌رود که همه چیز روشن شود.»

مسعود دانشمند توضیح داده «آنکسی که می‌خواهد واردات انجام دهد، نمی‌داند تکلیفش چه می‌شود. کسی هم که بخواهد صادرات کند، دلارش را با قیمت ۸۰، ۹۰ هزار تومان می‌خرد. فرض کنید صادرکننده فرش آن را بر مبنای دلار ۸۰ هزار تومان می‌خرد و ممکن است پس از صادر کردن، دلار ۷۰ هزار تومان شود؛ معلوم است که صبر می‌کند تا به یک ثبات برسد؛ بنابراین اگر توافق انجام و دولت قیمت دلار را ۷۰ هزار تومان کرد، باید فکری به حال صادرکنندگان کند.»

جمال رازقی رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عمان نیز درباره فضای حاکم بر اقتصاد ایران گفته به دلیل انتظار ناشی از مذاکرات در اقتصاد، روند صادرات و واردات کند شده است.

وی افزوده «مشکل اقتصاد ایران تنها با رفع تحریم حل نمی‌شود بلکه سیاست‌های کلان اقتصادی کشور می‌بایست دچار تغییرات اساسی شود. از جمله اینکه بساط رانت و فساد باید برچیده شود، اقتصاد به دست بخش خصوصی بیافتد، دولت و حاکمیت کنار بروند و اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار کنند و همچنین نظام بانکی کشور اصلاح شود. به هر حال حتی بعد از توافق هم مسیر طولانی در پیش داریم.»

نگاه ایدئولوژیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی اقتصاد ایران را از مسیر عادی منحرف کرده و شاخص‌هایی چون رشد اقتصادی را مشروط به مسائل سیاسی کرده است. بسیاری از اقتصاددانان تأکید دارند که «شرطی شدن» اقتصاد ایران در ارتباط با سیاست خارجی سبب ایجاد تنش‌های عمیق در آن شده است.

وحید شقاقی کارشناس اقتصاد کلان در اینباره گفته «اقتصاد ایران به دلیل تاب‌آوری پایین خود همواره طی

اجاره‌خانه‌های چند میلیون تومانی و حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی کارگران!

قرار دارند که مالک رقم ودیعه را ۳۰۰ میلیون تومان تعیین کرده و از مستاجر انتظار دارد ماهی ۲۰ تا ۳۵ میلیون تومان اجاره پرداخت کند.

وبسایت «فرارو» گزارش داده که اجاره آپارتمان در تهران امسال برای مستاجری که با ۳۰۰ میلیون پول پیش در مرکز شهر دنبال واحد معمولی و دوخوابه است، می‌تواند بیش از ۲۰ میلیون تومان در ماه هزینه داشته باشد. جدیدترین فایل‌های مسکونی که در املاک‌ها و پلتفرم‌های آنلاین عرضه شده، بخش دیگری از حقایق پیش‌روی مستاجران در آستانه فصل جابجایی به‌شمار می‌رود. واحدهای دوخوابه زیادی در محله‌هایی مثل میدان انقلاب، دانشگاه تهران، میدان فردوسی و میدان ولیعصر و بقیه محله‌های معروف مرکز شهر، در دسترس مستاجران قرار دارند که مالک رقم ودیعه را ۳۰۰ میلیون تومان تعیین کرده و از مستاجر انتظار دارد ماهی ۲۰ تا ۳۵ میلیون تومان اجاره پرداخت کند.

دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی طی ربع قرن گذشته چند پروژه مسکن‌سازی با ادعای ساخت مسکن ارزان‌قیمت برای خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد تدوین و اجرا کردند اما هیچ‌یک از این طرح‌ها بطور کامل اجرا نشد و نتوانست تأثیری بر خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد داشته باشد.

از سوی دیگر وام‌هایی نیز به عنوان تسهیلات حمایت از مستاجران معرفی شده است اما گزارش‌ها نشان می‌دهد بهره بالای اغلب این وام‌ها در کنار رقم بالای اقساط سبب می‌شود که مستاجران نتوانند از این وام‌ها استفاده کنند.

آخرین طرح وام برای حمایت از اقشار کم‌درآمد نیز وام ودیعه مسکن ۴۰۰ میلیون تومانی با سود ۵ درصد به دهک‌های پایین درآمدی و وام ۳۰۰ میلیون با سود ۱۸ درصد برای سایر دهک‌ها است.

محمدرضا رضایی کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در این‌باره گفته «در آستانه فصل جابجایی مستاجرین هستیم؛ اما افزایش بی رویه قیمت اجاره بها شرایط را برای مستاجران خصوصا دهک‌های آسیب‌پذیر بسیار سخت کرده است. ما تکالیفی را برای دولت در جهت حمایت از مستاجرین در قالب تسهیلات، مصوب کردیم که دولت اخیرا این قانون را اجرا کرده است.»

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزوده «بر اساس این قانون وام ودیعه مسکن برای دهک‌های پایین به مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان و برای دهک‌های بالاتر حدود ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود که سود این وام برای ۳ دهک پایین ۵ درصد و برای دهک‌های بالا، ۱۸ درصد خواهد بود؛ البته این اقدامات ما، مسکن و موقتی است و باید به سمت ساخت مسکن برویم.»

در هفته‌های گذشته و با موج تازه افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره، گزارش‌هایی نیز درباره بی‌خاصیت بودن وام‌های حمایتی دولت منتشر شده است.

از جمله روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی نوشته «اقشار محروم جامعه، وام‌پذیر نیستند به این معنا که توان پرداخت قسط بانکی را ندارند، اما انبوهی از «حفره‌های اقتصادی» در زندگی‌شان وجود دارد که حاضر می‌شوند، برای پر کردن آن، «امتیاز وام ارزان» را در بازار غیررسمی به «انبوه مشتریان وام کم‌بهره» بفروشند.»

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده «به این ترتیب، وام مسکن ویژه ندارها به داراها می‌رسد و آن گروه اصلی برای همیشه از تسهیلات مسکن حمایتی، محروم می‌ماند.»



حقوق کارگران امسال حدود ۴۰ درصد بوده، ولی بواسطه عدم تناسب حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۳ با شرایط اقتصادی سال گذشته، افزایش حقوق سال ۱۴۰۴، قبلا بابت کاهش ارزش ریال از قشر کارگر پس گرفته شد.»

آرمان حاجیان‌فرد همچنین به بی‌خاصیت بودن برنامه‌های حمایتی دولت اشاره کرده و گفته «در سال‌های اخیر، پرداخت و افزایش مبلغ تسهیلات خرید مسکن، یکی از برنامه‌های سالیانه دولت‌ها بوده است ولیکن این اقدام دولت‌ها اغلب نفاذی و فاقد قابلیت اجرایی می‌باشد، چرا که در زمان حاضر بابت خرید مسکن یک میلیارد تومان تسهیلات و ۲۸۰ میلیون تومان وام جعاله تعمیرات داده می‌شود که جمعاً برای وام‌گیرنده قسطی حدود ۲۹ میلیون تومان به ارمغان می‌آورد، این در صورتی است که به ندرت در کلان‌شهرها علی‌الخصوص تهران، خانه‌ای با این قیمت‌ها می‌توان جست.»

او افزوده «اغلب کارگران دریافتی‌های حداقلی دارند و با حقوق حدود ۱۵ میلیون تومان امرار معاش می‌نمایند و کل حقوق کارگران تکافوی خرید ۳۰ درصد مالکیت یک آپارتمان کوچک در کلان‌شهرها را نمی‌دهد.»

نگاهی به ارقام اجاره‌بها در تهران و شهرستان‌ها نشان می‌دهد برای اجاره یک آپارتمان دو خوابه در محله‌های غیر اعیان‌نشین باید چند ده میلیون تومان ودیعه و چند میلیون تومان اجاره پرداخت کرد.

وبسایت «فرارو» چند روز پیش گزارش داد که اجاره آپارتمان در تهران امسال برای مستاجری که با ۳۰۰ میلیون پول پیش در مرکز شهر دنبال واحد معمولی و دوخوابه است، می‌تواند بیش از ۲۰ میلیون تومان در ماه هزینه داشته باشد. جدیدترین فایل‌های مسکونی که در املاک‌ها و پلتفرم‌های آنلاین عرضه شده، بخش دیگری از حقایق پیش‌روی مستاجران در آستانه فصل جابجایی به‌شمار می‌رود.

واحدهای دوخوابه زیادی در محله‌هایی مثل میدان انقلاب، دانشگاه تهران، میدان فردوسی و میدان ولیعصر و بقیه محله‌های معروف مرکز شهر، در دسترس مستاجران

● مصوبه دستمزد کارگران در سال جدید رقم ۹۰۰ هزار تومان برای «حق مسکن» کارگران در نظر گرفته در حالی که خانوارهای کارگری چند میلیون تومان اجاره‌بها پرداخت می‌کنند.

● آرمان حاجیان‌فرد کارشناس اقتصادی با هشدار درباره سهم بالای اجاره خانه از درآمد حقوق‌بگیران گفته «حدود ۷۰ درصد درآمد کارگران و در برخی مواقع کارکنان دولت، صرف اجاره مسکن می‌گردد.»

● دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی چند پروژه مسکن‌سازی با ادعای ساخت مسکن ارزان‌قیمت برای خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد تدوین و اجرا کردند اما هیچ‌یک از این طرح‌ها بطور کامل اجرا نشد و نتوانست تأثیری بر خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد داشته باشد.

افزایش اجاره‌بهای مسکن در بهار امسال و همزمان با فصل جابجایی مستاجران، شوک بزرگی به اقشار حقوق‌بگیر وارد کرده است. مصوبه دستمزد کارگران در سال جدید رقم ۹۰۰ هزار تومان برای «حق مسکن» کارگران در نظر گرفته در حالی که خانوارهای کارگری چند میلیون تومان اجاره‌بها پرداخت می‌کنند.

خبرگزاری «ایبنا» در گزارشی به ناچیز بودن رقم «حق مسکن» در فیش حقوقی کارگران پرداخته و نوشته در ارتباط با حق مسکن کارگران که در شورای عالی کار مبلغ آن روی رقم ۹۰۰ هزار تومان ثابت مانده، بحث و گفتگوی بسیار درگرفته است؛ این ۹۰۰ هزار تومان، امروز یک سوم هزینه‌های اسباب‌کشی هم نیست، آنهم در حالیکه رکورد تاریخی تورم اجاره بها در سال ۱۴۰۳ شکسته شده است؛ چرا شورای عالی کار رقمی چنین پایین برای مولفه‌ای به نام حق مسکن کارگران تصویب و تأیید کرده است؟

به گفته نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، افزایش پایه مزد بیشتر به نفع کارگران است چون رقم پایه دستمزد در محاسبه پرداخت‌های مزدی مثل عیدی، سنوات، اضافه‌کاری و تعطیل‌کاری موثر است و برای کارگران منافعی دارد.

اصغر آهنی‌ها نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار در گفتگو با خبرگزاری «ایبنا» گفته ما موافق افزایش حق مسکن کارگران نیستیم و به آن اعتقادی نداریم. او توضیح داده که «در نشست‌های مزدی شورای عالی کار همه‌ی تلاش ما بر این بود که افزایش حقوق را روی پایه مزد اعمال کنیم. افزایش مولفه‌های مزدی دیگر مثل حق مسکن یا حق تاهل، آورده‌ای ندارد و افزایش آن حتی به میزان ۵۰ یا ۶۰ درصد، قرار است فقط ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان به صورت ثابت به حقوق کارگران اضافه کند؛ این افزایش چه فایده‌ای دارد؟!»

دولت در اقدامی «دستوری» رقم رسمی برای افزایش اجاره را ۲۵ درصد اعلام کرده اما بازار مسکن به نرخ‌گذاری دستوری دولت اعتنایی ندارد و بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی مسیر خود را پیش می‌رود.

نهاد‌های دولتی میزان تورم در بازار اجاره‌بها را ۴۰ درصد عنوان می‌کنند اما گزارش‌های میدانی حاکی از تورمی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد در شهرها و محله‌های مختلف است.

آرمان حاجیان‌فرد کارشناس اقتصادی با هشدار درباره سهم بالای اجاره خانه از درآمد حقوق‌بگیران گفته «حدود ۷۰ درصد درآمد کارگران و در برخی مواقع کارکنان دولت، صرف اجاره مسکن می‌گردد.»

این کارشناس اقتصادی افزوده «هر چند متوسط افزایش

موج جدید افزایش قیمت مواد خوراکی؛ یک دانه لوبیا ۱۷۵ تومان!

روغن نیز از دیگر اقلام خوراکی است که نه تنها افزایش قیمت آن ادامه دارد بلکه در روزهای گذشته در برخی فروشگاهها نایاب یا کمیاب شده است. تولیدکنندگان از نبود روغن خام (مواد اولیه) خبر می‌دهند. نوسان قیمت ارز، عدم تخصیص ارز مورد نیاز واردکنندگان و همچنین عدم ترخیص سریع دانه‌های روغنی وارداتی در گمرک از جمله دلایل دسترسی نداشتن کارخانه‌ها به مواد اولیه است.

کاوه زرگران رئیس انجمن غلات اما نقش سیاست‌های دولت در کمبود روغن را برجسته دانسته و گفته «دولت سیاست سهمیه‌بندی واردات کالاهای اساسی را پیش گرفته و این سیاست می‌تواند به کاهش عرضه برخی کالاهای مصرفی مردم بینجامد. نیاز به واردات گوشت گرم گوسفندی در سال گذشته و کاهش عرضه روغن خوراکی در سال جاری از پیامدهای این سیاست است.»

همچنین بحران کمبود انرژی سبب شده طی ماه‌های گذشته کارخانجات تولید روغن به علت قطع مکرر برق و گاز، نیمه‌تعطیل شده و با کمترین ظرفیت خود فعالیت کنند. این موضوع نیز بر کاهش سطح تولید روغن موثر بوده است.

از سوی دیگر چند ماه پیش شرکت عربستانی صافولا به عنوان بزرگترین سرمایه‌گذار در صنعت روغن‌سازی ایران از کشور خارج شد و دولت همچنین نتوانسته اثر خروج این شرکت را با وجود اینکه تنها سرمایه‌گذار صنعت روغن ایران نبوده جبران کند!

افزایش قیمت مواد خوراکی سبب تحمیل هزینه‌ها بیشتر به خانوارهای حقوق‌بگیری است که پیش از این نیز دستمزد آنها از میانگین هزینه زندگی در کشور کمتر بوده است! آلبرت بغزیان اقتصاددان نیز هشدار داده که دولت به جای در پیش گرفتن یک سیاست ضد تورم، اقدامات تورم‌زای متعددی را در دستور قرار داده که تبعات سنگینی را برای کشور می‌تواند به دنبال داشته باشد.

آلبرت بغزیان توضیح داده که «تقریباً همه کارشناسان باور دارند تورم چالش اصلی و اقتصاد کشور است، دولت از ارائه یک سیاست ضد تورمی عاجز است. در مقابل رویکرد حاکم بر دولت طوری است که به افزایش تورم دامن می‌زند. دولت چهاردهم اجازه افزایش قیمت هر کالایی را داده یا وعده داده که به زودی آنها را افزایش خواهد داد. از قیمت نان تا نرخ ارز را افزایش دادند و این روزها هم این طرف و آن طرف از افزایش قیمت انرژی و مخصوصاً بنزین هم چیزهایی شنیده می‌شود.»

این اقتصاددان افزوده «افزایش قیمت ارز یعنی تورم بالا خواهد رفت، فرقی ندارد دلار ۴۲۰۰ تومانی را حذف کنند و به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش دهند یا اجازه بدهند که هر دلار از ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان تا بیش از ۱۰۵ هزار تومان هم برود، در هر صورت تورم بزرگی در راه خواهد بود. متأسفانه دولتها تمایل به در پیش گرفتن سیاستهای تورم‌زا از این جنس را دارند. این در حالی است که گیریم بنزین را هم به قیمت یک دلار که نرخ خلیج فارس است، افزایش دهند با تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی دوباره باید پس از یک سال به اقتصاد شوک تازه‌ای داد که خود به خود تورم ایجاد خواهد کرد. تورم کسری بودجه و ارز را تشدید می‌کند و دوباره دولت با گرانفروشی زمینه ادامه این سیلکل تورم را فراهم می‌کند.»



داشت، جایگزین گوشت شده بود تا پروتئین مورد نیاز بدن را تأمین کند. اکنون حبوبات نیز از سفره این خانوارها حذف شده است.

در روزهای گذشته قیمت دیگر اقلام خوراکی پرمصرف نیز با افزایش روبرو شده است. برنج که به عنوان قوت غالب خانوارها به شمار می‌رود با افزایش قیمت قابل توجهی روبرو شده است.

بر اساس گزارش‌ها در حال حاضر هر کیلو برنج هاشمی که درجه یک عنوان می‌شود، با قیمت‌های حدود ۲۵۰ هزار تومان بدون بسته‌بندی مشخص فروخته می‌شود. برنج هاشمی در بسته‌بندی‌های شرکتی نیز با قیمت‌های هر کیلو دست‌کم ۲۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. هر کیلو برنج هندی بدون بسته‌بندی نیز ۷۷ هزار تومان در بازار قیمت دارد. برخی از انواع بسته‌بندی این نوع برنج با قیمتی نزدیک ۱۰۰ هزار تومان هم به فروش می‌رسند.

در همین حال به گفته برخی فعالان حوزه بازار، گران شدن برنج ایرانی، بازار تقلب در این حوزه را هم داغ کرده و فروش برنج‌های تقلبی در بازار افزایش یافته است. حسین فرهادی عضو هیأت مدیره و سخنگوی اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران در اینباره گفته «وقتی قیمت برنج ایرانی تا این حد بالا می‌رود پای سودجویان نیز به بازار باز می‌شود. رقم برنج پاکستانی به لحاظ پخت و ظاهر شبیه برنج ایرانی است و همین موضوع موجب می‌شود که در صورت مخلوط کردن آن با برنج ایرانی مانند هاشمی و فجر، مصرف‌کنندگان متوجه این موضوع نشوند.»

سخنگوی اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران افزوده «سودجویان این برنج را در حجم بالا با قیمت مثلاً ۸۰ هزار تومان خریداری می‌کنند که خرید این حجم برنج، قیمت برنج پاکستانی را هم در بازار افزایش می‌دهد.»

این فعال صنفی افزوده «سودجویان برنج پاکستانی را با برنج ایرانی در نسبت‌های مختلف مخلوط کرده و با عرضه آن در کیسه‌های برنج ایرانی و فروش آن با قیمتی کمتر از برنج‌های اصل ایرانی، سود زیادی به جیب می‌زنند که متأسفانه این نوع تخلف در حال حاضر زیاد شده است.»

● آلبرت بغزیان اقتصاددان هشدار داده که دولت بجای در پیش گرفتن یک سیاست ضد تورم، اقدامات تورم‌زای متعددی را در دستور قرار داده که تبعات سنگینی را برای کشور می‌تواند به دنبال داشته باشد.

● رضا پاشاییگی داریانی رئیس اتحادیه خواربار فروشان گفته وزن هزار دانه لوبیا در محاسبات علمی کشاورزی ۳۵۰ گرم است که قیمت یک عدد لوبیا ۱۷۵ تومان می‌شود! نوسان قیمت ارز، عدم تخصیص ارز مورد نیاز واردکنندگان و همچنین عدم ترخیص سریع دانه‌های روغنی وارداتی در گمرک از جمله دلایل دسترسی نداشتن کارخانه‌ها به مواد اولیه است.

● قیمت هر کیلو برنج مرغوب ایرانی به بیش از ۲۵۰ هزار تومان رسیده و به گفته برخی فعالان حوزه بازار، گران شدن برنج ایرانی، بازار تقلب در این حوزه را هم داغ کرده و فروش برنج‌های تقلبی در بازار افزایش یافته است.

قیمت مواد خوراکی در سومین هفته اردیبهشت‌ماه با موج دیگری از افزایش روبرو شده است. حبوبات، روغن و برنج از جمله مواد پرمصرف خوراکی هستند که در صدر جدول افزایش قیمت‌ها قرار گرفته‌اند.

قیمت حبوبات از سال گذشته تا کنون با چند مرحله افزایش قیمت روبرو شده اکنون و در روزهای گذشته قیمت هر کیلو لوبیا را با قیمت هر کیلو گوشت برابر کرده است. قیمت هر کیلو لوبیا به بیش از نیم میلیون تومان رسیده است. رضا پاشاییگی داریانی رئیس اتحادیه خواربار فروشان گفته وزن هزار دانه لوبیا در محاسبات علمی کشاورزی ۳۵۰ گرم است که قیمت یک عدد لوبیا ۱۷۵ تومان می‌شود!

رضا پاشاییگی داریانی افزوده «در حالی که یک سوم نیاز یک میلیون تنی حبوبات کشور از واردات تأمین می‌شود سال گذشته ۵ هزار تن لوبیا به دلیل مشکلات تخصیص ارز در گمرک باقی ماند افزایش قیمت جهانی و تغییر ارز از ترجیحی به نیمایی هم عاملی برای بر هم زدن تناسب عرضه و تقاضا و افزایش قیمت شد.»

او همچنین افزوده «سال گذشته حدود ۱۰۰ هزار تن لوبیا هم صادر شد که نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۱۰ برابر شده بود.»

به گفته رئیس اتحادیه خواربار فروشان، عرضه قطره چکانی لوبیا به بازار توسط واسطه‌ها و شرکت‌های بزرگ این روزها به تشدید مشکل عرضه در بازار افزوده و قیمت را بالا برده است.

دیگر اقلام حبوبات نیز با افزایش روبرو شده است. در اسفند سال ۱۴۰۳، قیمت نخود ۹۴ هزار تومان بود، اما حالا قیمت هر ۹۰۰ گرم آن با ۱۴۱ درصد افزایش به ۲۲۸ هزار تومان رسیده است.

قیمت لپه هم که در اسفند ۱۴۰۳ به ۱۰۵ هزار تومان رسیده بود، حالا با قیمت ۲۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد که این به‌معنای افزایش ۱۱۹ درصدی این محصول در دو ماه گذشته است.

عدهس ریز هم درحال حاضر ۱۸۰ هزار تومان قیمتگذاری شده، این در حالی است که این محصول با افزایش قیمت ۶۶ درصدی همراه بوده و الان با قیمت ۱۰۸ هزارتومان در بازار عرضه می‌شود

افزایش قیمت حبوبات در حالیکه در بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد حبوبات که قیمتی کمتر از گوشت

میانگین قیمت مسکن در تهران به ۱۱۴ میلیون تومان رسید؛ افزایش ۲۴۰۰ درصدی قیمت‌ها طی هشت سال

مستأجر با افزایش ۳۵ تا ۴۰ درصدی هزینه‌ها مواجه است و حقوقش تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش پیدا می‌کند، مجبور است به خانه‌ای کوچک‌تر یا ارزان‌تر نقل مکان کند. همین موضوع باعث مهاجرت از مناطق برخوردار به مناطق کمتر برخوردار یا حاشیه‌ای شده است، مجلس و دولت وعده پرداخت وام می‌دهند، اما دولت حتی در پرداخت‌های روزمره خود هم مشکل دارد، چه برسد به پرداخت تسهیلات مسکن. علیرضا سرحدی و دیگر کارشناسان در حالی «افزایش تولید و عرضه» در بازار مسکن را راهکار خروج بازار مسکن از رکود عمیق کنونی می‌دانند که در آنسو به نظر می‌رسد بسیاری از سازندگان مسکن هم به علت افزایش هزینه ساخت و رکودی که سبب می‌شود خانه‌های ساخته شده به فروش نروند تمایل به سرمایه‌گذاری در ساخت نیستند. فرشید پورحاجت دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان با اشاره به اینکه این روزها دست دستگاه‌های خدمات‌رسان در جیب مردم است و همین مسئله موجب افت تولید مسکن شده است گفته «متوسط هزینه هر مترمربع ساخت مسکن در سال گذشته ۱۴ میلیون تومان بود که امسال به ۲۵ میلیون تومان رسیده است.»

دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان تأکید کرده که «مجموعه عوامل دست به دست هم داد که صنعت ساختمان از سال ۹۲ به این سمت سیر نزولی شدیدی پیدا کند. البته بخشی از این موضوع به قوانین و مقررات و بخش دیگری هم به وضعیت اقتصاد کلان، رشد هزینه‌های تولید مسکن و بالا رفتن ریسک‌های سرمایه‌گذاری بازمی‌گردد.» فرشید پورحاجت تأکید کرده که «قوانین خلق الساعه مربوط به صنعت ساختمان باید اصلاح شود. چرا که ابزارهای نظارتی به جای حمایت از تولید مسکن بر عکس عمل کرده‌اند؛ لذا امروز دچار یک بروکراسی پیچیده دولتی و گرفتار ساختار معیوب مالیاتی و انحراف گسترده در حوزه تأمین نقدینگی هستیم.»

این فعال صنفی افزوده «دولت باید نسبت به تعیین تکلیف شرکت‌های توزیع برق، شرکت‌های آبفا و در کل دستگاه‌های خدمات‌رسان حساسیت بیشتری نشان دهد چرا که این شرکت‌ها به هیچ وجه خدماتی که ارائه نمی‌کنند بلکه در راستای ضربه به بخش مسکن گام برمی‌دارند. متأسفانه دستگاه‌های خدمات‌رسان دست در جیب مردم کرده‌اند.»

گفتنی است افزایش قیمت مسکن اثر مستقیمی بر افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره‌بها دارد. افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره‌بها امسال سبب تشدید بحران‌های اقتصادی در خانوارهای مستأجر شده است.

مستأجرانی حقوق‌بگیر در حالیکه ۷۰ درصد از درآمد خود را صرف پرداخت اجاره می‌کنند، در سال جدید با تورم ۵۰ تا حتی صد درصدی قیمت‌ها در بازار اجاره روبرو شده و برای تأمین هزینه اجاره‌بها دچار بحران هستند.

همانطور که کارشناسان تأکید می‌کنند بسیاری از مستأجران ناچار هستند به محله‌هایی حاشیه‌ای شهرها مهاجرت کنند تا از پس هزینه‌های اجاره‌بها بر بیایند. از سوی دیگر پدیده‌هایی مانند اجاره اشتراکی خانه نیز در ایران رواج یافته و دو خانواده به صورت اشتراکی یک آپارتمان کوچک را اجاره می‌کنند.



وام نهضت ملی دارد. اما با وام یک میلیارد و ۲۸۰ میلیون تومانی اوراق نیز تنها می‌توان ۱۱ متر مسکن در شهر تهران خریداری کرد. هر برگ ۵۰۰ هزار تومانی آن را هم باید بیش از ۱۰۰ هزار تومان خریداری کرد. از طرف دیگر اقساط این وام ماهیانه حدود ۲۷ میلیون تومان است که باعث شده بسیاری از خانوارها عطای دریافت این وام را لقایش ببخشند.»

از سوی دیگر کارشناسان از تشدید رکود در بازار مسکن خبر داده و می‌گویند بازار در شرایط متلاطمی قرار دارد و قفل شده است.

علیرضا سرحدی کارشناس بازار مسکن گفته «امسال نیز با رکود توری در بازار مسکن مواجه خواهیم بود و اگر تغییری در سیاست‌های اقتصادی ایجاد نشود، شرایط در اواخر بهار و اوایل تابستان بدتر خواهد شد. بازار قفل شده است؛ نه خریدار قدرت خرید دارد و نه فروشنده حاضر به کاهش قیمت است.»

به گفته این کارشناس «اگر دولت بتواند تورم را کنترل و درآمد مردم را افزایش دهد، بازار مسکن نیز به سمت رونق حرکت خواهد کرد. در غیر این صورت، رکود توری ادامه پیدا می‌کند.»

او همچنین گفته «اگر تولید افزایش و عرضه بیشتر شود قیمت‌ها پایین می‌آید. تا زمانی که درآمد افزایش نیافته، امکان پرداخت اقساط وجود ندارد. اگر وام بالا باشد، قسط سنگین خواهد بود و اگر وام پایین باشد، کارایی ندارد.»

مجلس و دولت وعده پرداخت وام می‌دهند، اما دولت حتی در پرداخت‌های روزمره خود هم مشکل دارد، چه برسد به پرداخت تسهیلات مسکن.»

علیرضا سرحدی افزوده «اگر دولت نرخ اجاره را محدود کند، موجر به تنظیم قرارداد غیررسمی روی می‌آورد تا اجاره بیشتری بگیرد و باعث بروز مشکلات حقوقی و قضائی شود.»

این کارشناس بازار مسکن تأکید کرده که «در شرایطی که

● کیانوش گودرزی رئیس اتحادیه مشاوران املاک گفته برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که هم‌اکنون قیمت مسکن در تهران به ۱۱۴ میلیون تومان در هر مترمربع رسیده و قیمت مسکن در پایتخت طی هشت سال گذشته ۲۴۰۰ درصد افزایش یافته است.

● افزایش قیمت نجومی مسکن در حالیست که نه تنها روند افزایش قیمت‌ها تناسبی با دستمزد ناچیز حقوق‌بگیران ندارد بلکه حتی دولت نتوانسته وام‌های مسکن را با هدف خانه‌دار کردن مستأجران، با ارقام قابل توجه و مؤثر ارائه دهد.

● کارشناسان در حالی «افزایش تولید و عرضه» در بازار مسکن را راهکار خروج بازار مسکن از رکود عمیق کنونی می‌دانند که در آنسو بسیاری از سازندگان مسکن به علت افزایش هزینه ساخت، قوانین بازدارنده و رکود عمیق در بازار مسکن حاضر به سرمایه‌گذاری در این بخش نیستند.

محاسبات نشان می‌دهد میانگین قیمت مسکن در تهران به ۱۱۴ میلیون تومان در هر متر رسیده و طی هشت سال گذشته قیمت مسکن در پایتخت ۲۴۰۰ درصد افزایش یافته است. فعالان بازار مسکن معتقدند در حال حاضر هیچ‌یک از وام‌های عرضه شده توسط نظام بانکی به خانه‌دار شدن متقاضیان خرید مسکن منجر نمی‌شود.

قیمت مسکن در ایران طی سال‌های گذشته با افزایش نجومی روبرو شده است. آمارهای دولتی نشان می‌دهد قیمت مسکن در هشت سال گذشته قیمت مسکن در تهران بیش از ۱۸۰۰ درصد افزایش داشته البته فعالان بازار مسکن این رقم را ۲۴۰۰ درصد برآورد می‌کنند.

اردیبهشت سال ۱۳۹۶ میانگین قیمت هر مترمربع خانه در تهران ۴/۵ میلیون تومان بوده است. هر چند آمارهای رسمی مدعی هستند قیمت هر مترمربع مسکن در پایتخت به قیمت میانگین ۸/۵ میلیون تومان رسیده اما کیانوش گودرزی رئیس اتحادیه مشاوران املاک گفته برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که هم‌اکنون قیمت مسکن در تهران به ۱۱۴ میلیون تومان در هر مترمربع رسیده است.

بر اساس آنچه کیانوش گودرزی گفته، قیمت مسکن در پایتخت طی هشت سال گذشته ۲۴۰۰ درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت نجومی مسکن در حالیست که نه تنها روند افزایش قیمت‌ها تناسبی با دستمزد ناچیز حقوق‌بگیران ندارد بلکه حتی دولت نتوانسته وام‌های مسکن را با هدف خانه‌دار کردن مستأجران، با ارقام قابل توجه و مؤثر ارائه دهد.

به همین دلیل کارشناسان و فعالان بازار مسکن می‌گویند وام‌های دولت بی‌خاصیت بوده و مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. از جمله کیانوش گودرزی گفته «در حال حاضر هیچ یک از وام‌های عرضه شده توسط نظام بانکی به خانه‌دار شدن متقاضیان خرید مسکن منجر نمی‌شود. عملاً زوجین خانه اولی نمی‌توانند از طریق تسهیلاتی مثل اوراق تسه، مسکن مورد نیاز خود را خریداری کنند.»

رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران درباره جزئیات وام‌های پرداختی در حوزه مسکن گفته «هم‌اکنون اوراق تسهیلات مسکن (تسه) بانک مسکن بالاترین سقف را در مقایسه با سایر تسهیلات مسکن مثل مسکن روستایی یا

باز هم افزایش قیمت دارو؛ حذف داروهای سرطانی و بیماری‌های خاص از فهرست بیمه‌های درمانی



● همایون سامه‌یج نجف‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: «متأسفانه بیماران برای برخی داروها مجبورند مبالغی هنگفت پرداخت کنند؛ داروهایی که روزانه باید چند عدد مصرف کنند و قیمت هر عدد آن بیش از یک میلیون تومان شده است.»

● داروهای بیماران خاص از جمله بیماران سرطانی طبق قانون باید تحت پوشش کامل بیمه باشد و اگر هم افزایش قیمتی رخ دهد بیمه‌ها باید ۱۰۰ درصد هزینه دارو را برای بیماران خاص پرداخت کنند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفته بیمه‌ها، داروهای سرطانی و بیماری‌های خاص را از لیست خود حذف کرده‌اند و بیماران باید هزینه‌های هنگفتی برای تهیه دارو بپردازند.

همایون سامه‌یج نجف‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» با اشاره به حذف داروهای درمان سرطان و دیگر بیماری‌های خاص از فهرست داروهای تحت پوشش بیمه گفته: «داروهای بیماران خاص از جمله بیماران سرطانی طبق قانون باید تحت پوشش کامل بیمه باشند. اگر هم افزایش قیمتی رخ داده، بیمه موظف است ۱۰۰ درصد آن را برای این بیماران خاص پرداخت کند.»

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده که «متأسفانه بیماران برای برخی داروها مجبورند مبالغی هنگفت پرداخت کنند؛ داروهایی که روزانه باید چند عدد مصرف کنند و قیمت هر عدد آن بیش از یک میلیون تومان شده است. این در حالی است که پیشتر تحت پوشش بیمه بوده‌اند.»

وی تأکید کرده که «سازمان غذا و دارو در زمینه افزایش قیمت داروها اقداماتی انجام داده که به نظر می‌رسد موجب فشار مضاعف به بیماران شده است. سازمان غذا و دارو عامل اصلی افزایش قیمت داروهاست.»

او البته به موارد دیگری نیز که در تشدید بحران افزایش قیمت و کمبود دارو در ایران نقش دارد اشاره کرده است: «تولیدکننده بخش خصوصی نمی‌تواند زیان تولید را جبران کند و مجبور به افزایش قیمت یا توقف تولید می‌شود، و از سوی دیگر بیمه‌ها نیز با محدودیت بودجه مواجه‌اند.»

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی معتقد است که بحران دارو «باید در سطوح بالاتر مدیریتی، از جمله در سطح دولت و ریاست جمهوری، حل و فصل شود.» همایون سامه‌یج نجف‌آبادی با اشاره به عوامل مؤثر بر گرانی داروها توضیح داده که «قیمت ارز نیمایی حدود ۷۰ هزار تومان است که نسبت به پارسال که ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی بود، افزایش چشمگیری داشته و همین باعث افزایش قیمت دارو شده است. همچنین باید توجه داشت که تولیدکننده‌ها به دلیل افزایش هزینه‌ها و تورم، انتظار سود دارند و صنعت دارو برای بقا ناگزیر به افزایش قیمت است.» حذف ارز ترجیحی برای واردات انواع دارو و تجهیزات پزشکی، و همچنین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های داروسازی از سال گذشته آغاز شد و در سال جدید ارز ترجیحی برای همه اقلام دارو و تجهیزات پزشکی حذف شد. قیمت بیش از ۹۰۰ اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی طی سال ۱۴۰۳ با افزایش ۱۰۰ تا ۶۰۰ درصدی روبرو شده است.

این در حالیست که بر اساس اعلام رئیس سازمان غذا و دارو، ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی از سال جدید حذف شده است؛ این خبر به معنای افزایش بیش از پیش قیمت دارو و تجهیزات پزشکی در هفته‌ها و ماه‌های آینده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در پی افزایش قیمت دارو بسیاری از مبتلایان به بیماری‌هایی چون سرطان ناچار شده‌اند روند درمانی خود را متوقف کنند. کارشناسان نسبت به افزایش مرگ و میر ناشی از عدم دسترسی به دارو در بیماران مختلف هشدار داده‌اند.

همچنین حذف ارز ترجیحی تجهیزات پزشکی نیز سبب شده بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ناچار به استفاده چندباره از تجهیزات یکبار مصرف شوند. از سوی دیگر بیماران نیز باید هزینه بسیاری از تجهیزات پزشکی را بپردازند.

این در حالیست که بسیاری از اقلام تجهیزات پزشکی مشمول بیمه‌های درمانی نیستند، شهروندان باید این اقلام را با قیمت آزاد تهیه کنند و همین موضوع نیز فشار مالی بر روی بیماران را افزایش داده است.

علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به نصرالله پژمانفر رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت دارو، نرخ ارز در بازار آزاد است.

علی خضریان در این نامه تأکید کرده که افزایش قیمت دارو نه تنها موجب ایجاد مشکل مادی و معنوی برای مردم می‌شود بلکه سبب شکل‌گیری رانت و فساد گسترده در برخی شرکت‌های دارویی و میان سهامداران خواهد شد.

در این نامه آمده که «مسئله دارو یکی از موضوعاتی است که ارکان نظام با حساسیت ویژه آن را رصد می‌کنند و به دلیل نقش بی‌بدیل آن در زندگی مردم، همواره مورد توجه خاص قرار گرفته است. متأسفانه سازمان غذا و دارو در سال ۱۴۰۳، بدون هرگونه تغییر در نرخ ارز اختصاص

یافته به این حوزه و تحت فضایی غیرواقعی، به بهانه افزایش نرخ ارز در بازار آزاد (که هیچ ارتباطی با حوزه دارو نداشت)، اقدام به افزایش قیمت دارو به صورت فراقانونی در قالب کمیسیون‌های ظاهراً قانونی نمود.»

در بخش دیگری از نامه آمده که «با وجود ادعای مسئولان مبنی بر «جلوگیری از کمبود دارو» و افزایش قیمت به این بهانه، طبق اعلام خودشان ۴۷۰ قلم دارو با کمبود مواجه شد! اظهارات تکان دهنده مدیر کل داروی سازمان غذا و دارو در یک سخنرانی عمومی که گفته است: «نظام کمبود دارو ایجاد کرده! اگر داروی ضدسرطان نباشد چه می‌شود؟ بیمار سرطانی می‌میرد و می‌گویند بهتر است یک غرغر کم شود؟!» نه تنها بیانگر بی‌تفاوتی نسبت به جان مردم است، بلکه اقدامی آشکار علیه امنیت ملی محسوب می‌شود.»

علی خضریان همچنین تأکید کرده که «پیش از هر گونه افزایش قیمت دارو، می‌بایست سازمان‌های بیمه‌گر مطلع شده و قیمت‌های جدید در سامانه‌های نرم افزاری آنها ثبت می‌شد؛ اما این اقدام به عمد نادیده گرفته شد. نتیجه این بی‌تدبیری، تحمیل کل هزینه افزایش قیمت داروها بر دوش مردم بود که دقیقاً در تقابل با سیاست‌های کلی سلامت و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر «عدم افزایش پرداختی از جیب مردم» قرار دارد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی به فساد جاری در ساختار تولید، تأمین و توزیع دارو اشاره کرده و نوشته «ریشه اصلی این فجایع، ارتباط مالی و مدیریتی مسئولان ارشد سازمان با شرکت‌های دارویی است. بسیاری از این افراد سهامدار، عضو هیئت مدیره، یا مؤسس شرکت‌هایی هستند که از رانت‌های اختصاصی (مانند مجوز واردات، قیمت‌گذاری، یا افزودن دارو به لیست کشوری) بهره‌مند شده‌اند.»

او تأکید کرده که «هنوه بارز این فساد، فوت ۷۲ بیمار دیالیزی به دلیل مصرف داروهای غیراستاندارد شرکت ثامن است که ریاست هیئت مدیره آن برعهده رئیس فعلی سازمان غذا و دارو بوده است!»

گفتگو با دکتر محمود کویر راوی «هزارداستان» از ایران باستان؛ «تاریخ زندان گذشته نیست، زهدان آینده است»



دکتر محمود کویر

تجربه و آزمایش اولین کاری که کردم به فرزندانم که در کار هنر هستند دادم که بخوانند. نخستین سخن آنها آن بود که باید این کتاب به انگلیسی ترجمه شود. لازم است که مردمان دیگر کشورها بدانند. یعنی می‌گفتند که ما فکر می‌کردیم که فقط شاهنامه و کلیله و دمنه داریم. نمی‌دانستیم که چنین داستان‌های شگفت‌انگیز و خیال‌انگیز وجود دارد که می‌توانند مواد لازم برای کارهای سینمایی و تلویزیونی باشند این است که باید ترجمه شوند. می‌دانید که داستان همیشه با انسان همراه بوده. انسان‌ها همیشه عاشق داستان بوده‌اند. ما اگر سینما و تئاتر می‌رویم دنبال داستان هستیم. وقتی زاده می‌شویم مادرمان از همان کودکی ما را با داستان آشنا می‌کند و همچنان ما با داستان‌ها زندگی می‌کنیم و آنها با ما همراه هستند. داستان‌ها آینده‌ی روان انسان‌ها و ما گنجی کم‌مانند از ادبیات داستانی باستانی داریم. گمشده و یا ناشناخته.

در نتیجه می‌بینیم که دنیا پر است از داستان. هرکسی داستانی دارد. ما گنجینه‌ای داریم که کمتر شناخته شده است.

● به نظر میرسد که رسانه‌های ایرانی بروفرز توجه لازم و شایسته را نسبت به این موضوع ندارند. یعنی بخش غیرخبری و غیرمستند توجه لازم را دریافت نمی‌کنند. در حالی که چنانکه شما می‌گویید فیلم‌های داستانی توجه زیادی را جلب می‌کنند.

-درست است. اگر شما به کتابفروشی‌های اروپا و آمریکا مراجعه کنید می‌بینید که بالاترین تیراژ کتاب‌ها مربوط به داستان‌ها و فیلم‌ها و ویدئوها و انیمیشن‌های داستانی است. ما در این زمینه حتی به شکل روخوانی غایبانه و رمان و قصه‌خوانی هم در رسانه‌های ایرانی نمی‌بینیم.

● شاید دلیل‌اش این باشد که خبر و گزارش در مقایسه با فیلم و انیمیشن سرمایه کمتری لازم دارد؛ آنهم با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران که به شدت سیاسی است...

-بله، من خودم در جاهای مختلف تلاش کردم و سریالی در ۱۲ قسمت راجع به کوروش ساخته‌ام هرچند که مواد کم بود. ما به این بخش گرانقدر فرهنگ و ادبیات خودمان توجه لازم را نکرده‌ایم. بخش‌های بزرگی از این گنجینه ما از بین رفته. فکر می‌کنم که دیگر وقتش رسیده که ما و دنیا توجه جدی به ادبیات داستانی ما بکنیم.

● قسمت دوم سخنان شما در این روغمایی مربوط به مرگ یزدگرد بود. لطفاً توضیحاتی بدهید.

-می‌دانیم که روایت‌های بسیار گوناگون و افسانه‌وار، حماسی و تاریخی از سقوط ساسانیان و تازش تازیان، به ویژه درباره‌ی مرگ یزدگرد داریم. ما آنقدر داستان، افسانه و حماسه درباره این شخصیت داریم که آدم حیران می‌ماند. برخی شخصیت نیمه‌مقدسی از یزدگرد درست می‌کنند و می‌گویند که نیای امام زمان است و دختر او هم همسر امام حسین است. از این رویکرد داریم تا برداشت‌هایی که درست نقطه مقابل اینهاست. یعنی از کسانی که ریختند و یزدگرد را کشتند و باعث

● دکتر محمود کویر در کتاب «هزار داستان» از ایران باستان، آنها را به زبانی ساده و امروزی برگردانده و سپس فرم داستانی امروزی به آنها داده تا یک جوان بتواند آنها را بخواند یا مادر و پدر بتوانند آنها را برای فرزندانشان بخوانند و روایت کنند.

● «داستان همیشه با انسان همراه بوده. انسان‌ها همیشه عاشق داستان بوده‌اند. ما اگر سینما و تئاتر می‌رویم دنبال داستان هستیم. وقتی زاده می‌شویم مادرمان از همان کودکی ما را با داستان آشنا می‌کند و همچنان ما با داستان‌ها زندگی می‌کنیم و آنها با ما همراه هستند. داستان‌ها آینده‌ی روان انسان‌ها و ما گنجی کم‌مانند از ادبیات داستانی باستانی داریم. گمشده و یا ناشناخته... اگر شما به کتابفروشی‌های اروپا و آمریکا مراجعه کنید می‌بینید که بالاترین تیراژ کتاب‌ها مربوط به داستان‌ها و فیلم‌ها و ویدئوها و انیمیشن‌های داستانی است.»

● «روزگار مناسبی است که نسل نوین ایرانی، آشنایی یابد با افسانه، تاریخ، اسطوره و حماسه‌های این سرزمین. اینها آینده‌ی فرهنگ ایرانی و بخش بزرگی از باورها و اخلاق ما هستند. بپذیریم که تاریخ اما زندان گذشته نیست، زهدان آینده است. بارها گفته‌ام که امروز نیز برای رفتن به سوی آینده‌ای روشن، نباید به تاریخ آویخت، باید از تاریخ آموخت.»

چندی پیش نشست روغمایی از کتاب جدید «هزار داستان» از ایران باستان نوشته‌ی دکتر محمود کویر پژوهشگر تاریخ و ادبیات در لندن برگزار شد. در ارتباط با این روغمایی گفتگویی با وی داشتیم.

● دکتر کویر، لطفاً در مورد این روغمایی توضیحاتی برای خوانندگان ما بدهید.

-برنامه‌ای که برگزار شد در دو بخش بود. در بخش نخست درباره‌ی این کتاب توضیحاتی دادم. من برآنم که ما در آستانه یک رستاخیز فرهنگی یا یک رنسانس ایستاده‌ایم و به بازشناسی، بازیابی و بازآفرینی دستاوردها و فرآورده‌های ادبی، هنری و علمی خودمان در گذشته و به ویژه در ایران باستان نیاز داریم. من نیز بدین میدان آدم، گرچه بسیار بزرگانی مانند بانو زهرا خانلری، خانم ژاله آموزگار، شروین وکیلی، مهرداد بهار و دیگران در این میدان کارها کرده‌اند کارستان.

من اما کارم را بر بنیادی دیگر گذاشتم. ما یک ادبیات داستانی داریم که تشکیل شده از بخش‌های اسطوره‌ای، حماسی و بخش‌های غنایی و یا ادبیات عشقی. یعنی ما یکسری داستان‌های تاریخی، پهلوانی و داستان‌های عشقی مربوط به ایران باستان تا زمان ساسانیان داریم. تقسیم‌بندی اینها هدف نخست من بود.

دوم اینکه اینها کجا بوده‌اند. آنها بیشتر در آثار نویسندگان یونانی، رومی، ارمنی، عربی و لابلای تاریخ‌های ایرانی پراکنده بودند. اینها ریشه‌ها و آبشخور کتاب بودند. رفتم سراغ این داستان‌ها و آنها را پیدا کردم؛ از دیدگاه تاریخی آنها را منظم کردم یعنی پرداختم به ادبیات ایلامی، ادبیات سغدی، ختنی، مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی. از نظر تاریخی این داستان‌ها را پیدا کردم و

● آیا در نظر دارید این کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کنید با توجه به اینکه نسل جوان بروفرز ایران کمتر به فارسی مسلط است؟
- راستش را بخواهید ابتدا در این فکر نبودم ولی برای

توجیه اهانت بدتر از اهانت است!

بیژن عبدالکریمی توجیه‌گر شر و مدافع جمهوری اسلامی در سخنانی برای رد ارتباط ایران و آمریکا در زمان شاه دست به اهانت مردم آبادان زده و گفته است که «آبادان فاحشه‌خانه سربازان آمریکایی بود». او پس از دیدن واکنش‌های عمومی به این اهانت آشکار، با انتشار ویدیویی دست به توجیه و فرافکنی و فرار به جلو زده است بدون آنکه مسئولیت مستقیم اهانت به مردم آبادان را بپذیرد!



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

مذاکره برای جلوگیری از جنگی که در عمل جریان دارد؟!!

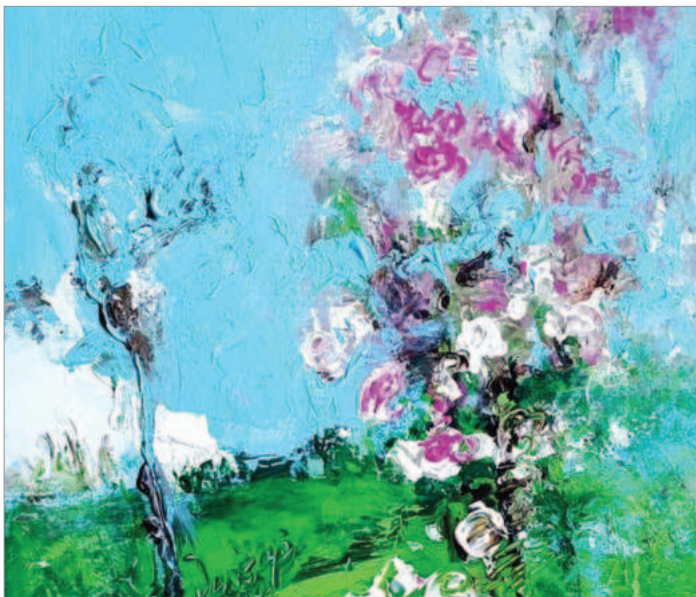


© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

➡ شکست ایران ساسانی شدند و از آنها قهرمانان طبقاتی و کاری می‌سازند و از یزدگرد یک هیولا! این دو سمت و دو سوی این داستان است. در این میان داستانی در آخر شاهنامه است که جالب است. آیا فردوسی که انسان بسیار دقیق و درست‌پندار، درست‌کردار و درست‌گفتار بود آنچه در مورد یزدگرد آورده، تاریخ است؟ درست است که شاهنامه بخش‌های اسطوره‌ای و حماسی و تاریخی دارد ولی این بخش‌ها در هم تنیده هستند یعنی در داستان بهرام گور ما اسطوره داریم. و یا بخش‌هایی از اساطیر به تاریخ بسیار نزدیک هستند. اینگونه نیست که اینها از هم بسیار جدا باشند. آدم‌ها و رویدادها در شاهنامه بین اسطوره و تاریخ در رفت و آمدند. خوب، بهرام گور یک شخصیت تاریخی است ولی بسیاری از روایت‌هایی که در مورد بهرام گور و یا اسکندر در شاهنامه آمده، داستان هستند و امکان ندارد که روی داده باشند. ولی شاهنامه بخش‌هایی مانند بخش اردشیر دارد که بی‌مانند است و سندیت تاریخی دارد. ولی این کتاب قرار نیست که کتاب تاریخی باشد. شاهنامه اثر حماسی ایرانیان است. کار ادبی و هنری است. حالا تاریخ نیز در آن است و تاریخ دقیق. ولی قرار بر این نبوده که کتاب تاریخ باشد. شاهنامه فردوسی چنین مجموعه‌ای است. حال آیا داستان تراژیک و اندوهبازی که در پایان شاهنامه در مورد یزدگرد آمده، تاریخ است؟ من بر این گمانم که این تاریخ نیست هرچند نشانه‌های زیادی از تاریخ دارد. آنچه در مورد یزدگرد آمده که یزدگرد به مرو فرار کرد و به دست آسیابان کشته شد و پیکرش را در توره آسیاب انداختند و کشیشان آمدند و او را پیدا کردند و به خاک سپردند، یک نمایشنامه پر قدرت از قلم توانایی یکی از شاعران بزرگ جهان و زاینده خیال اوست. یعنی محلی که در شاهنامه آمده که یزدگرد در آن کشته شده و مرو نامیده می‌شود درست نیست. مرو در آن زمان روستایی در نزدیک زبید بود. زبید هم محلی است در نزدیکی گناباد. و گمانی بر این است که داستان در آنجا روی داده. یعنی افسانه‌های زیادی به این رویداد اضافه شده است. سپس روبرو می‌شویم با سقوط ساسانیان. تاریخ در این مورد چه می‌گوید؟ ساسانیان که بوده‌اند؟ من بیشتر در مورد جنبه داستانی و افسانه‌ای و مقایسه آن با تاریخ سخن می‌گویم. چه اتفاقی افتاد که ساسانیان در اوج یکی از باشکوه‌ترین دوران تاریخ ایران سقوط کردند. تازیان که بودند و این داستان‌ها را از کجا آوردند؟ ما دچار یک تناقض شده‌ایم که اگر ساسانیان در اوج قدرت و عظمت خود بودند و اعراب دوران جاهلیت خود را می‌گذرانند، چنانکه خودشان نیز می‌گویند، پس چگونه شد این اقوام بدوی بیابان‌نشین این تمدن باشکوه را در هم شکستند؟! ما درباره نزدیک صد سال اول این رویداد، یعنی پس از سرنگونی ساسانیان و تازش تازیان بنچاک [سند] مهمی نداریم. بیشتر روایت هستند و سخت به اسطوره و افسانه آمیخته‌اند. در آن زمان تاریخ‌نگاران آنها را تاریخ انگاشتند و ما هم به پیروی آنها همه این داستان‌ها را تاریخ انگاشتیم. در این سخنانی من به روزگار ساسانی و تازش تازیان از این چشم‌انداز پرداختم. در پایان بگویم که من برآنم که روزگار مناسبی است که نسل نوین ایرانی، آشنایی یابد با افسانه، تاریخ، اسطوره و حماسه‌های این سرزمین. اینها آینده فرهنگ ایرانی و بخش بزرگی از باورها و اخلاق ما هستند. بپذیریم که تاریخ اما زندان گذشته نیست، زهدان آینده است. بارها گفته‌ام که امروز نیز برای رفتن به سوی آینده‌ای روشن، نباید به تاریخ آویخت، باید از تاریخ آموخت.

وانشا رودبارکی و نوروز در بهار پاریس:

هنر یک نوش دارو، یک نجات‌دهنده و برای من همه چیز است



وانشا رودبارکی در دوران پس از انقلاب ۵۷ و طی جنگ هشت ساله در ایران زندگی کرد و سپس با تصمیم خانواده و میل خود برای ادامه تحصیل عازم کشور فرانسه شد. در آن دوران وسایل ارتباط جمعی مانند امروز به آسانی در دسترس نبود و بر فاصله‌ها به راحتی غلبه کرد. یک نامه ساده حدود سه ماه طول می‌کشید تا به ایران برسد و پاسخ داده شود. او تصمیم گرفت با زندگی و مشکلات آن به تنهایی دست و پنجه نرم کند.

وانشا رودبارکی که در سال‌های نخست با شقایق‌هایش شناخته می‌شد، امروز هنرمندی سرشناس و موفق است. او در سال ۲۰۲۱ انجمن هنرمندان بین‌المللی AIA / Associ-ation International Artists را تأسیس کرد. هدف این انجمن ترویج تبادل فرهنگی میان هنرمندان و اندیشمندان در سراسر جهان است. ایده تشکیل این انجمن در دوران بیماری کووید ۱۹ برای کمک به هنرمندان داخل ایران شکل گرفت. وانشا رودبارکی می‌گوید: «خوشحالم که این انجمن را تأسیس کردم؛ فکر کردم با توجه به موقعیتی که دارم زمان آن است که از هنرمندان جوانتر پشتیبانی و حمایت کنم. ارتباطات و انتقال توانایی‌ها بین هنرمندان برای من بسیار مهم و ارزشمند است».

اولین نمایشگاه نقاشی هنرمندان ایرانی در چهارچوب سالن بین‌المللی شقایق با کوشش وانشا رودبارکی و پشتیبانی و حضور شهبانو فرح پهلوی در سال ۲۰۲۱ با موفقیت برگزار شد. این انجمن امروز ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و امسال پنجمین دوره خود را در ماه اکتبر برگزار می‌کند.

وانشا رودبارکی می‌گوید: «زمانی که به فرانسه رسیدم گویا به دنیایی دیگری پرت شدم و باید با زندگی و واقعیت‌های تازه‌ای روبرو می‌شدم. برای ادامه‌ی نقاشی به میدان نقاشان مونتمارت رفتم تا آنجا از مردم پرت‌تره بکشم. اما مافیایی که بر این میدان حاکم بود بسیار گسترده بود و باید برای گرفتن جای کوچکی با آنها می‌جنگیدم. پس از کشمکش بسیار سرانجام توانستم برای خودم حضوری در آنجا داشته باشم و شروع به کار کردم».

وانشا رودبارکی هنرمند نقاش ایرانی کارش را با پشتکار زیاد و فروتنی بسیار از میدان نقاشان در محله مونتمارت پاریس آغاز کرد و امروز هنرمندی شناخته شده در فرانسه است. او ۳۴ سال است که ساکن فرانسه است. این هنرمند در شهر رشت و در یک خانواده روشنفکر و مدرن متولد شد. از کودکی به هنر نقاشی علاقمند بود و توسط استاد نقاشی خود «سیاوش یحیی زاده» در رشت آموزش‌های اولیه و ساختار نقاشی را آموخت. از نوجوانی علاقه ویژه‌ای نیز به فلسفه داشت و در همان زمان با اشعار خیام نیز ارتباط عمیقی برقرار کرد و به واسطه خیام به ریاضیات علاقمند شد. او آنهمه زیبایی در اشعار را دور از منطق و ریاضی نمی‌دید و بدین ترتیب در رشته ریاضی در دانشگاه گیلان به تحصیل پرداخت.



وانشا رودبارکی

● وانشا رودبارکی که در سال‌های نخست با شقایق‌هایش شناخته می‌شد، امروز هنرمندی سرشناس و موفق است.

● اولین نمایشگاه نقاشی هنرمندان ایرانی با کوشش وانشا رودبارکی و پشتیبانی و حضور شهبانو فرح پهلوی در سال ۲۰۲۱ با موفقیت برگزار شد.

● وانشا رودبارکی: «ما همیشه یک نقطه آغاز داریم... آن نقطه آغازی که ما به خاطر می‌آوریم برای من «ایران» است و آنچه به یاد دارم برای همیشه در جان و روان من خواهد بود. اما از یک جایی به بعد انسانیت است که معنا پیدا می‌کند... اندیشه انسان باید آزاد باشد. در عین وفاداری به وطن می‌بایستی زندگی انسان‌ها و فرهنگ‌های دیگر هم برای ما مهم و قابل تأمل باشد... وطن مانند خانواده آدم است و من به خانواده‌ام و به انسانیت وفادار هستم».

● «با اینکه انسان وطن و زادگاهش را ابزار و سکوی پرش قرار بدهد، برای به چیزی یا به جایی رسیدن موافق نیستم و فکر می‌کنم زمانی که از هنر صحبت می‌کنیم بهتر است مرزها را نادیده بگیریم».

کتابیون حلاجان - پاریس هنرمندان بسیاری را طی قرن‌ها در خود پرورده است. نقاشان زیادی در این شهر حتی زمانی کوتاه هم که شده برای کسب تجربه زندگی کرده‌اند و از در دیوار و خیابان‌های این شهر، از کافه‌ها، رستوران‌ها، بارهای شبانه، روسپی‌خانه‌ها و مردم عادی کوچه و بازار نقاشی کرده‌اند. مردم فرانسه چشم‌هایشان با هنر عادت کرده و ذهن‌شان با آن عجین شده و هنوز ساعت‌ها برای دیدن آثار هنری و کشف هنرمندان جدید جلوی موزه‌ها و گالری‌ها صف می‌کشند. در این شهر هنرمند بودن هم دشوار و هم آسان است.

پاریس شهری است که این امکان را در اختیار شما می‌گذارد تا اگر سخت‌کوش و با استعداد باشید بتوانید هنر خود را به‌پروانید و ثمره کار خود را در زمان حیات خویش ببینید.

«پوران»؛ روایت‌های یک مددکار اجتماعی در آلمان؛ (بخش ۱) سرگذشت پناهجویانی که از جمهوری اسلامی فرار کرده‌اند



عکسی تزیینی است

با مخالفان فکر می‌کردم و اینکه ما ایرانیان چطور می‌توانیم از این رفتار و شیوه‌های دموکراتیک در احزاب کشورهای لیبرال بیاموزیم و در فردای آزادی ایران از آن بهره ببریم که زنگ تلفن همراهم به صدا در آمد. صدای تلویزیون را قطع کردم و به تلفن جواب دادم. صدای یک آقای آلمانی بود: هر چی دررر نیالاد.... (آقای حیدرنژاد). جواب دادم بله، خودم هستم. خودش را معرفی کرد، پرستار یک کلینیک اعصاب و روان LWL-Klinikum بود. پرسیدم چکار می‌توانم بکنم؟ جواب داد: یک بیمار ایرانی داریم. که الان چهار هفته است نزد ماست و نمی‌توانیم با او صحبت کنیم. تازه وارد آلمان شده و آلمانی بلد نیست. یکی از پزشکان کلینیک پیشنهاد کرد با شما تماس بگیریم. آیا وقت دارید اینجا بیایید و ترجمه کنید؟ و ادامه داد: حاضرم مبلغی هم به شما بپردازیم. توضیح دادم که من مترجم نیستم، بلکه مددکار اجتماعی و مشاور روحی- اجتماعی هستم و اضافه کردم که من در قبال پول کار نمی‌کنم. اما می‌توانم داوطلبانه آنجا بیایم و با آن شخص صحبت کنم و البته ترجمه هم خواهم کرد. قرار بر این شد که من اول با فرد مورد نظر که یک خانم ایرانی بود تلفنی صحبت کنم و اگر مخالفتی نداشت، به دیدنش بروم. با آن خانم دو بار تماس تلفنی داشتم. خودم را معرفی کردم و او کمی در مورد خودش با من صحبت کرد و موافقت کرد که به دیدنش بروم. در صحبت تلفنی، خودش را «پوران» معرفی کرد. خیلی خوشحال بود که بعد از ۲۷ روز که در کلینیک بستری است، بالاخره می‌تواند با یک نفر فارسی صحبت کند.

دو روز بعد، برای دیدن پوران به کلینیک روان و اعصاب رفتم. در بدو ورود به کلینیک، باید یکسری فرم‌های اداری را پُر و امضا می‌کردم. پوران هم باید وکالت می‌داد که پزشکان و روانشناسان اجازه دارند با من در مورد او صحبت

● آنچه در این مجموعه می‌خوانید، از سرنوشت‌های واقعی الهام گرفته شده و به منظور حفظ حریم خصوصی، نام‌ها و جزئیات قابل شناسایی، تغییر یافته‌اند.

● آقای آلمانی که تلفن زده بود گفت: «یک بیمار ایرانی داریم. که الان چهار هفته است نزد ماست و نمی‌توانیم با او صحبت کنیم. تازه وارد آلمان شده و آلمانی بلد نیست. یکی از پزشکان کلینیک پیشنهاد کرد با شما تماس بگیریم. آیا وقت دارید اینجا بیایید و ترجمه کنید؟»

● پایه اصلی کار من اعتماد به انسان‌هاست، این را به افرادی که پرونده آنها را دنبال می‌کنم می‌گویم و خواهش می‌کنم با من صادق باشند. به آنها تاکید می‌کنم که هرگاه دریابم دروغ می‌گویند، یا ناصداق هستند یا قصد دارند کار خودشان را به گردن من انداخته و از من سوء استفاده کنند، کارشان را دنبال نخواهم کرد. حسی درونی به من می‌گفت که پوران همه حقیقت را به من می‌گوید...

آنچه در این مجموعه می‌خوانید، از سرنوشت‌های واقعی الهام گرفته شده و به منظور حفظ حریم خصوصی، نام‌ها و جزئیات قابل شناسایی، تغییر یافته‌اند.
حنیف حیدرنژاد (قهرمان)

پوران

روز یکشنبه بود، شبکه تلویزیونی فونیکس آلمان بطور مستقیم کنگره یکی از احزاب آلمان را پخش می‌کرد. این شبکه رویدادهای سیاسی مثل کنگره احزاب بزرگ، کنفرانس‌های خبری، مباحث مهم در پارلمان آلمان یا رویدادهای مهم سیاسی- خبری را زنده پخش می‌کند و همزمان، با کارشناسان مهم در همان مورد گفتگو می‌شود. داشتم با دقت به حرف‌های موافقان و مخالفان و به نحوه رای‌گیری و برخورد

او ادامه می‌دهد: «شش سال در آنجا کار کردم و زندگی را می‌چرخاندم و همچنین به نقاشی رنگ و روغن ادامه می‌دادم و از درآمدی که داشتم نمایشگاه برگزار می‌کردم و گاهی آثار نقاشان دیگر را هم می‌خریدم. از همان ابتدا به کار سایر نقاشان علاقه داشتم و با آنها رابطه خوبی داشتم. اولین نمایشگاه نقاشی من با موضوع «زنان آبیست» بسیار موفقیت‌آمیز بود و نظر منتقدین را جلب کرد. این نمایشگاه در گالری مایتنز در پاریس پنجم برگزار شد. در ژانویه سال ۲۰۰۹ یکی از تابلوهای من در حراج «Drouot» بالاترین قیمت فروش آن روز را از آن خود کرد. این موضوع نظر منتقدان را به خود جلب کرد و باعث شد که کم‌کم راه من در میان هنرمندان حرفه‌ای باز شود.»

این هنرمند می‌افزاید: «از سال ۲۰۰۸ سفرهای من به چین آغاز شد و نمایشگاه‌های متعددی در آنجا برگزار کردم، تا امروز حدود ۲۰ نمایشگاه در چین گذاشته‌ام. در آمریکا هم وضع به همین منوال بود. کارهایم در نمایشگاه‌های زیادی شرکت کرده و به فروش رسیدند. بدین ترتیب من به صورت حرفه‌ای وارد عرصه نقاشی شدم.»

وانشا رودبارکی در پاسخ به این پرسش که نقاشی برای وی چه معنایی دارد، می‌گوید: «نقاشی یک زبان بُرا و تند است که در عرض چند ثانیه به اندازه یک کتاب و حتی به اندازه یک زندگی می‌تواند حرف بزند و پیام بدهد. من نسبت به آنچه می‌بینم بسیار حساس هستم و زبان نگاه را می‌فهمم. در هنر و خصوصا در نقاشی هر کس می‌تواند برداشت شخصی خودش را داشته باشد و فکر می‌کنم جذابیت هنر هم در همین است. از این رو نقاشی برای من یک نوش‌دارو است. یک نجات‌دهنده و برای من همه چیز است.»

وی سپس در پاسخ به این پرسش که جغرافیا در زندگی یک هنرمند چه نقشی دارد، چنین توضیح می‌دهد: «حافظه و ریشه‌های شما یک جایی در شما تاثیر می‌گذارد. مثلا من هنوز وقتی به جنگل فکر می‌کنم، جنگل‌های ایران، سیاهکل و دیلمان در نظرم می‌آیند. به آن رنگ‌های سبز و آن ارتفاعات فکر می‌کنم. ما همیشه یک نقطه آغاز داریم البته قبل و بعد از نقطه آغاز یک بی‌نهایت وجود دارد که ما آن را نمی‌شناسیم، فقط می‌دانیم که وجود دارد. نمی‌خواهم در این مجال اندک وارد این مقوله شوم. اما آن نقطه آغازی که ما به خاطر می‌آوریم برای من «ایران» است و آنچه به یاد دارم برای همیشه در جان و روان من خواهد بود. اما از یک جایی به بعد انسانیت است که معنا پیدا می‌کند. هنر به شما فرصت سفر کردن می‌دهد. چه به لحاظ خویشترگرایی و چه به لحاظ فیزیکی شما وارد یک جریان می‌شوید و در این جریان شما یک نقطه آغازی دارید، از آنجا شروع می‌شود اما اینکه به کجا می‌رود به کھکشان یا سیاره دیگری، نمی‌دانیم؛ تنها خود را به سفر می‌سپاریم. اندیشه انسان باید آزاد باشد. در عین وفاداری به وطن می‌بایستی زندگی انسان‌ها و فرهنگ‌های دیگر هم برای ما مهم و قابل تأمل باشد. روزی در یک دهکده کوچکی در چین یک راهب چینی، پس از دیدن یک پرفرنس نقاشی آبیسته من، واقعیتی را به من گفت که برای همیشه روی خودم و نقاشی‌هایم تاثیر گذاشت. وطن مانند خانواده آدم است؛ من به خانواده‌ام و همینطور به انسانیت وفادار هستم و هیچکدام دیگری را نقض نمی‌کنم و هر دو جای خودشان را دارند. با اینکه انسان وطن و زادگاهش را ابزار و سکوی پرش قرار بدهد، برای به چیزی یا به جایی رسیدن موافق نیستم و فکر می‌کنم زمانی که از هنر صحبت می‌کنیم بهتر است مرزها را نادیده بگیریم.»

نمایشگاهی از آثار وانشا رودبارکی از تاریخ ۶ مارس تا تاریخ ۶ ماه مه در میدان جمهوری پاریس برگزار شد.

→ کنند. روز اول به آشنائی اولیه و ترجمه برای پزشک و روانشناس و پرستاران بخش گذشت. نیم ساعتی را هم به حیاط کلینیک رفتیم و در هوای آزاد با هم صحبت کردیم. بار دوم که به دیدن پوران رفته با پزشک بخش صحبت کردم و پرسیدم آیا پوران می‌تواند تمام روز بیرون از کلینیک باشد. پزشک بخش توضیح داد که او از این نظر محدودیتی ندارد، اما تا قبل از ساعت ۱۸ باید به بیمارستان برگردد. با پوران به شهر رفتیم، ناهار را در یک رستوران خوردیم و چند ساعتی در پارک و بازار شهر قدم زدیم و صحبت کردیم. به کلینیک برگشتیم، با قسمت پرستاری بخش صحبت کردم و آدرس و تلفن یکی از دوستانم را که مترجم رسمی بود (ناصر ایرانپور که متأسفانه چند سالی است فوت کرده) در اختیارشان گذاشتم و راهنمایی کردم که چگونه بخش مددکاری کلینیک می‌تواند با وجود شرایط پوران که پناهجو است، هزینه مترجم را از اداره سوسیال (تامین اجتماعی) درخواست دهد. به پوران هم اطمینان دادم که آقای ایرانپور از بهترین مترجمان و کاملاً قابل اعتماد است.

پوران ترس داشت که اگر از خودش حرف بزند یا به پرسش‌های پزشک و روانشناس پاسخ دهد، این اطلاعات می‌تواند به جای دیگری منتقل شود و خواست بدانند آیا مترجم ممکن است این اطلاعات را به دیگران بدهد یا نه. به پرسش‌هایش پاسخ دادم و تأکید کردم می‌تواند وقتی پزشکان را روانشناسان با او صحبت می‌کنند، هر سوالی را پاسخ دهد و اگر هم نمی‌خواهد، می‌تواند راحت بگوید که مایل نیست به آن سوال پاسخ دهد.

پوران ۲۴ سال داشت، در بازار، در یک تولیدی پوشاک کار می‌کرد. کمتر از سه ماه بود که به آلمان آمده و درخواست پناهندگی داده بود. در همین فاصله دو بار او را از یک کمپ به کمپ دیگر فرستاده بودند تا اینکه بالاخره به این شهر منتقل شده بود. مصاحبه پناهندگی‌اش را انجام داده و منتظر جواب بود. پوران دلیل پناهندگی‌اش را بازداشت به خاطر «بدحجابی» اعلام کرده بود، می‌گفت دو شب در بازداشت نیروی انتظامی بوده و بعد از آن ایران را ترک کرده بود. توضیح بیشتری در مورد جزئیات موضوع نداد. من هم چیزی نپرسیدم.

آشنائی با خانواده ایرانی

پوران مایل بود هرچه زودتر از کلینیک مرخص شود. به او توضیح دادم که حداقل سه هفته دیگر باید آنجا بماند. گفتگوهای انجام شده با پزشک را یادآوری کردم و اینکه پزشک گفته بجز قرارهای مشخصی که باید در آن شرکت کند، می‌تواند بقیه روز بیرون از کلینیک باشد و آخر هفته‌ها هم می‌تواند خارج از کلینیک بسر آورد. اضافه کردم که در همین شهر یک خانواده ایرانی را می‌شناسم و می‌توانم با آنها صحبت کنم که اگر مایل باشند، او می‌تواند آخر هفته در خانه آنها باشد. خیلی خوشحال شد.

همان روز با آن خانواده ایرانی صحبت کردم. قرار شد با پوران به دیدن آن خانواده برویم تا بعد از آن دیدار، هم آن خانواده و هم پوران تصمیم بگیرند آیا «گروه خونی» شان به هم می‌خورد یا نه. آن خانواده یک خانواده نوکیش مسیحی بودند. یکی از دخترانشان هم سن و سال پوران بود. به گرمی از پوران استقبال کردند. در پایان دیدار، پذیرفتند که پوران هم می‌تواند در طول هفته به دیدن آنها برود و هم آخر هفته در خانه آنها بسر آورد. روز بعد، درباره این موضوع تلفنی با پزشک مسئول پوران صحبت کردم و مشخصات، شماره تلفن و آدرس آن خانواده را در پرونده او نوشتم.

در بازداشتگاه نیروی انتظامی

هفته دوم، به دیدن پوران در کلینیک رفته، آن روز باید تمام روز در کلینیک می‌ماند. در یکی از اتاق‌های خالی مخصوص ملاقات نشستیم و با هم حرف زدیم. اتاق، فضای آرامی داشت. با وسایل قدیمی خانگی تزئین شده بود. چند قاب عکس قدیمی، کمدی‌های چوبی قهوه‌ای با چند مجسمه کوچک و یک چراغ خواب بزرگ در گوشه‌ای. یک مبل قدیمی دو نفره در گوشه دیگر و دو تا مبل کوچک و نرم و خیلی راحت در گوشه دیگر با میز کوچک گرد در میان آنها. پوران ناآرام بود. شروع کرد از خودش حرف زدن.

بعد از اعتراضات «جنش سبز» نیروهای رژیم هر چیزی را بهانه می‌کردند تا افراد را در خیابان بازداشت و سرکوب کرده و به جو ترس و وحشت دامن بزنند. پوران سیاسی نبود و در تظاهرات «جنش سبز» هم شرکت نداشت. به عنوان یک دختر جوان دوست داشت آنطور که می‌خواهد لباس بپوشد و از آخوندها و پاسدارها و بسیجی‌ها خوشش نمی‌آمد. در میهمانی‌های مختلف شرکت می‌کرد. یک شب در بازگشت از یکی از این میهمانی‌ها، نیروی انتظامی جلوی ماشین‌اش را می‌گیرد و به خاطر لباس و آرایش به او و دوستش «بند کرده» و آنها را به پاسگاه نیروی انتظامی می‌برند و از هم جدایشان می‌کنند. پوران آنچه را که آن شب گذشت چنین شرح داد:

– اول منو به داخل یه اتاق در زیرزمین همون پاسگاه بردند. چندین زن و دختر دیگه هم بودند. ده یا دوازده نفر بودیم. کوچکترین نفر ۱۳ ساله بود و بزرگترین، یه خانم نزدیک ۵۵ ساله. تلفن و وسایل شخصی همه رو گرفته بودند. اجازه تماس با خانواده هم نداشتیم. گفتند که «خودمون با خانواده تماس می‌گیریم...» نگران بابام بودم که ناراحتی قلبی داشت و اینکه اگه اینها با بابام تماس بگیرند چی میگن و نکته برای بابا اتفاقی بیافته. این فکر آرومم نمیداشت. یه زن نیروی انتظامی که اندازه یه گاو بود، گاه و بیگاه میومد و یکی رو صدا می‌کرد و با خودش می‌برد. دو سه ساعتی گذشته بود تا نوبت به من رسید. منو بردند طبقه بالا تو یک اتاق. دو تا آقا بودند، لباس شخصی داشتند. اون خانم نیروی انتظامی هم تو اتاق بود، ولی بعدش رفت بیرون. یکی از اون مردها نزدیک ۳۰ سال داشت و اون یکی، که ریش داشت و رئیس بود، بالای ۴۰ سال. اون دو تا آقا یکسری سوال پرسیدند. حرف‌های زشت و فحش‌های جنسی می‌دادند. می‌گفتند: «اگه شوهر میخوای دیگه این همه ناز و آدا چیه و چرا خودت رو هفت قلم آرایش کردی. فکر کردی هیچ مردی پیدا میشه با یه سلیطه مثل تو ازدواج کنه؟ اینجوری که خودت رو تابلو کردی، یعنی داد میزنی که دلت ک... میخواد!»

پوران ادامه داد:

– من هم باهشون یکی به دو می‌کردم و جوابشون رو می‌دادم. اون آقاها که سنش بیشتر بود، گفت: «زبونت رو می‌رم تا دیگه اینطور بلبل‌زبونی نکنی...» بعد به اون آقا جوونه اشاره کرد و اون آستینم رو گرفت و بُرد به اتاق خالی در همون طبقه و در رو قفل کرد. چند ساعت بعد همون زن نیروی انتظامی اومد منو برد تو حیاط. اون آقاها کنار یه ماشین شخصی پژو ایستاده بودند. منو تحویل اونا داد. ساعت تقریباً یک یا دو نیمه شب بود. دستام رو بستند و به چشمم چشم بند زدند و منو بردند. نمیدونم کجا، ولی نزدیک یک ساعت یا کمتر توی راه بودیم. با ماشین رفتیم توی یه گاراژ. صدای باز و بسته شدن در بزرگ آهنی رو میتونستم خوب بشنوم. منو پیاده کردند، دستم رو باز کردند و چشم‌بند رو برداشتند و بردند داخل یه اتاق در زیرزمین. کفِ اتاق سیمانی بود، دو تا پتو یه گوشه افتاده بود، پنجره

نداشت، لامپ هم نداشت. درِ اتاق آهنی بود و بالای در، شبکه‌های فلزی بود و نور راهرو از اونجا اتاق رو کمی روشن می‌کرد، همه جا ساکت بود و هیچ صدائی نمی‌اومد، نیم ساعت یا بیشتر گذشته بود...

از آنجا که حدس می‌زدم که ادامه صحبت‌های پوران در مورد چه چیز خواهد بود حرفش را قطع کردم و به او گفتم بهتر است برویم بیرون در حیاط کلینیک قدم بزنیم. در جوابم گفت:

– خیلی حرف‌ها روی دلم سنگینی میکنه، شب‌ها بدون قرص خواب‌آور سنگین نمیتونم بخوابم، وقتی هم میخوابم کابوس می‌بینم. دکترها و روانشناس‌های کلینیک آدم‌های خوبی هستند، ولی هنوز نتونستم دلم رو اونطور که میخوام باز کنم و همه حرفهام رو بریزم بیرون، ولی پیش شما حس خوبی دارم.

و اضافه کرد:

– میشه یه بطری آب سرد از دستگاه اتومات بگیرید، آب بدون گاز باشه لطفاً.

به راهرو رفتم، دو بطری آب از دستگاه اتومات گرفتم و برگشتم. پوران پشت پنجره ایستاده بود و به بیرون خیره شده بود. هوا ابری بود و آسمان کاملاً خاکستری. گاهی کمی باران می‌بارید و می‌شد لغزش قطره‌های باران را روی پنجره دنبال کرد.

به پوران گفتم: بطری آب خیلی سرد نیست، ولی خنک است، به طرف من برگشت و یکی از بطری‌ها را به دستش داد. همینکه روی مبل نشستیم، پوران بطری آب را باز کرد و دو جرعه آب خورد و روایت‌اش را اینطور ادامه داد: – وقتی اون آقاها وارد اتاق شدند، در نیمه باز بود و نور چراغ راهرو، اتاق رو روشن کرده بود. هر دو شروع کردند به من فحش‌های جنسی دادن. از همون حرف‌ها که قبلاً به من گفته بودند، ترسیده بودم... باهاشون وارد دعوا نشدم. تا می‌خواستم چیزی بگم، با سلی می‌زدند توی صورتم... مسن‌تره گفت «ها، چی شده، دیگه بلبل‌زبونی نمیکنی...». جوابشون رو نمی‌دادم و فقط یه چیزهایی می‌گفتم که شاید دلشون به رحم بیاد. میگفتم بابام بیماری قلبی داره و الان نگرانه که چرا به خونه برنگشتم. بهم می‌گفتند «این موش‌مرده بازی‌ها رو بذار کنار... خدمت بابات هم میرسیم... نگران بابا جونت نباش...». همون آقا مسن‌تره گفت «کار من هر روز اینه که زن‌های کثافتی مثل تو رو آدم می‌کنم. توی فسقلی مادر ج... فکر کردی خیلی حاضرجوابی؟»

پوران مکث کرد و به نقطه ای خیره شد. سعی می‌کرد جلوی گریه‌اش را بگیرد، بطری آب را در دو دستش گرفته بود و فشار می‌داد، سرش رو آورد پایین، نفس عمیقی کشید و ادامه داد:

– اون جوان‌تره، از پشت بازوهام رو گرفت، با یه دست هم موهای سرم رو می‌کشید عقب، اون یکی اومد از جلو و شروع کرد لباس‌هام رو از تنم در بیاره، دست و پا می‌زد، داد می‌زد، جیغ می‌کشیدم، التماس می‌کردم، به جان مادر و خواهرشون قسم‌شون میدادم و اونا می‌خندیدند. بهم سلی می‌زدند یا تُف می‌انداختند توی صورتم. به خدا و پیغمبر قسم‌شون میدادم و میگفتم من باکره هستم. یه مرتبه همومن آقا مسن‌تره گفت «داری گد میدی که دوست داری از عقب ترتیب رو بدیم، چشم، همینکار رو می‌کنیم. اینقدر سلیطه‌های مثل تو پیش ما فیلم بازی کردند که درس‌های همه‌تون رو حفظ شدیم... از همون اول میگفتی سکس مقعدی دوست داری... دیگه اینهمه ناز و آدا درآوردن نداره!»

پوران چشم‌هایش را بست. اشک از لب‌های

متوجه نگرانی من شده بود دلیل را توضیح دادم. گفت جایی برای ناراحتی نیست. خواهش کردم وارد جزئیات نشود و در کلی ترین شکل حرف‌هایش را بزند و گفتم اگر لازم باشد بعدا وارد جزئیات می‌شویم. پوران گفت:

– باشه، اینطوری برای منم بهتره، ولی میخوام شما همه چیز رو بدونین تا راهنمایی کنین که توی دادگاه قاضی چه سوال‌هایی ممکن است پرسه.

– کاملاً درست میگی، اما تا اون موقع وقت داریم و میتونیم در جلسات دیگر در مورد جزئیات و سوالات احتمالی صحبت کنیم.

پوران روی مبلی که نشسته بود کمی جابجا شد و ادامه داد:

– اون روز جمعه، ساعت ۱۲ ظهر جلال با ماشین جلوی کمپ منتظر بود. کمی بعد از اینکه حرکت کردیم گفت چیزی رو جا گذاشته و باید سر راه بریم خونه او. جلوی خونه‌اش که رسیدیم گفت جمعه‌ها این ساعت اتوبان خیلی شلوغه اگر حالا برویم بطرف کلن، کلی اعصابهون خورد میشه؛ بیا بریم خونه یه چیز سبک بخوریم و ساعت ۲ یا ۳ حرکت کنیم، اینطوری بهتره. گفتم خوب این رو زودتر خبر می‌دادی که از همون اول، ساعت ۳ میومدی دنبالم. گفت «حالا پیش اومده، اشکالی نداره، اینقدر ناز نکن...»

پوران از روی مبل بلند شد. به طرف چراغ مطالعه بزرگ آنسوی اتاق رفت و روشن‌اش کرد و برگشت. پرسیدم:

– می‌خواهید که چراغ اتاق رو روشن کنم؟

– نه، حالا زوده، دوست داشتم این چراغ رو روشن کنم. اینطوری قشنگ‌تره... هروقت میام توی این اتاق اون رو روشن میکنم. مثل یه دوست شده برام...

و ادامه داد:

– یه حس عجیبی داشتم، با اکراه قبول کردم و با جلال وارد خونه‌اش شدم.

پوران مکث کرد. یکی دو جرعه آب خورد، به نقطه‌ای در دوردست خیره شد، نفس عمیقی کشید و ادامه داد:

– اول رفتیم توی اتاق نشیمن، جلال پرسید مشروب میخوری؟ گفتم، نه الان وقتش نیست. اگه تو مشروب بخوری دیگه نمیتونی رانندگی کنی. گفت باشه و دو تا قوطی نوشابه سرد از توی یخچال آورد.

پوران دوباره مکث کرد. بعد در حالی که بطری آب را از این دست به آن دست می‌داد حرفش را از سر گرفت:

– من احمق باز هم سادگی به خرج دادم. اینهمه میگن آدم مار گزیده از ریسمون سیاه و سفید می‌ترسه، یعنی باید بترسه... ولی من مثل اینکه تا سرم به سنگ نخوره، بیدار نمیشم، آدم نمیشم...

حرف پوران را قطع کردم، می‌دانستم در مورد چه چیز می‌خواهد صحبت کند. به او گفتم:

– لطفا خودتان را سرزنش نکنید...

تا خواستم ادامه بدهم گفت:

– خواهش می‌کنم چیزی نگوین.

ساکت شدم. پوران چند لحظه صبر کرد و ادامه داد:

– جلال به یه بهانه‌ای منو برد توی اتاق خواب‌اش. روی تخت نشست و منم روی تخت نشستم. صندلی یا چیز دیگری برای نشستن اونجا نبود. شروع کرد از یکسری مسائل سکسی حرف زدن. اینکه زن‌های آلمانی اینطور هستند و زن‌های ایرانی اونطور... نمیدونم چی شد که دستش رو بُرد توی موهام و منو نوازش کرد، من هم عکس‌العملی نشون ندادم و بعد همینطوری ادامه داد و یکمرتبه دیدم هر دو نیمه‌لخت روی تخت ولو هستیم. به جلال گفتم باید بریم کلن دیر میشه و جلال جواب داد نگران نباش من راه و چاره رو خوب بلدم. (ادامه در شماره آینده)

پوران فقط اجازه دارد با نفر همراه از کلینیک خارج شود و فقط هم اجازه دارد یک شب بیرون بماند و باید با یک نفر همراه به بخش برگردانده و تحویل داده شود و یکسری مقررات دیگر را توضیح داد. برای پوران ترجمه کردم. او و نیز خانواده ایرانی در موافقت با مقررات جدید نوشته‌ای را امضا کردند. پزشک پوران همچنین تاکید کرد که با توجه به در پیش بودن دادگاه و اینکه معلوم نیست دادگاه چه مدت طول می‌کشد، او باید تا پایان دادگاه در کلینیک بماند. این خبر خوشی برای پوران نبود.

سه هفته تا شروع اولین جلسه دادگاه فرصت بود. در یکی از روزها که به دیدن پوران رفتم، گفت مایل است در مورد جزئیات آنچه اتفاق افتاده، اینکه چرا به کلینیک منتقل شده و اینکه موضوع این دادگاه چیست و... با من صحبت کند و خواهش کرد در جلسات دادگاه او را همراهی کنم.

آشنائی با جلال

روز بعد به همان اتاق گرم و آرام ملاقات رفتم. هوا خوب بود و از لابلای درخت‌های بزرگی که از کنار پنجره اتاق خود را به بالا کشیده بودند، می‌شد آبی آسمان را دید. اینبار پوران خودش یک بطری آب با خودش آورده بود. در جای قبلی نشستیم و او روایت سرگذشت‌اش را چنین ادامه داد: – وقتی وارد کمپ پناهندگی این شهر شدم از ایرانی‌هایی که قبل از من آمده بودند سوال کردم که از چه طریق می‌توان از ایران پول دریافت کرد. یک کیوسک را در مرکز شهر به من معرفی کردند که صاحبش یک آقای ایرانی بود. گفتند او میتونه با فامیل من در ایران تماس بگیره و رابطی بهشون معرفی کنه تا پول را در ایران به او بدهند و بعد از دریافت پول توسط این رابط، صاحب کیوسک در اینجا به من معادل همان مبلغ، یورو پرداخت کند. پوران ادامه داد:

– سه روز بعد از اینکه وارد این شهر لعنتی شده بودم، رفتم مرکز شهر و اون کیوسک رو پیدا کردم. برخورد صاحب کیوسک خیلی خوب بود و همه صحبت‌ها برای این داد و ستد انجام شد. من با مادرم در ایران صحبت کردم و قرار شد رابط با او تماس بگیره. روز بعد به صاحب کیوسک مراجعه کردم و معادل یوروئی که قرار بود به من پرداخت کنه به من داد. همه چیز خوب و بدون هیچ مشکلی پیش رفت. در کیوسک یک آقای ایرانی دیگه هم بود که سر صحبت را با من باز کرد. سی و چند ساله به نظر می‌رسید. گفت تازه آمدم و این شهر را نمی‌شناسی، اگر مایل هستی شهر را نشانت بدهم، ماشین هم دارم و بعد از گردش در شهر، به کمپ خودت میرسوخت. اول گفتم نه، و بعد با اصرار دوباره او قبول کردم. آقای مهربانی به نظر می‌رسید. با صاحب کیوسک هم خیلی گرم و صمیمانه خداحافظی کرد و فکر کردم همدیگر را خوب می‌شناسند. همین باعث شد کمی به او اعتماد کنم. تقریباً یک ساعت در شهر با ماشین چرخیدیم و در یک کافه با هم بستی خوردیم و آخرسر من را به کمپ رساند. شماره تلفن رد و بدل کردیم. موقع خداحافظی پرسیدم چطور میشه از اینجا رفت کلن؟ اونجا به فامیل دارم و میخوام اونا رو ببینم. اون آقای ایرانی که اسمش «جلال» بود گفت: «تا کلن با قطار نزدیک دو ساعت میشه، ولی من میتونم خودم تو رو برونسوم. به من بگو کی میخوای پری، تا من هم برنامه‌ام رو جور کنم». همون شب به جلال زنگ زدم و گفتم با فامیلم صحبت کردم و فلان روز برای من خوبه که بریم کلن. قرار شد جلال همون روز با ماشین بیاد کمپ محل سکونت من و از اونجا با هم بریم کلن. نگران بودم که پوران دوباره از موضوعی صحبت کند که باعث فشار عصبی شده و حالش خراب شود. به او که

پلک‌های بسته‌اش سرازیر بود، خودش را به عقب کشید، پاهایش را توی شکم‌اش کشید، به مبل چسبید و ساکت شد. همانطور که نشسته بود، سرم را پائین اندختم و ساکت گریستم.

پوران به چشم‌هایم نگاه کرد و با لحنی سرد و بغض‌آلود ادامه داد:

– نمیدونم اون کثافت‌ها چند بار به من تجاوز کردند. فقط میدونم که بی‌حس شده بودم و دیگه هیچ صدائی رو نمی‌شنیدم، نه دست و پا می‌زد و نه جیغ می‌کشیدم. یه تیکه گوشت بودم و اونا هرچی دلشون میخواست با من کردند. من روی اون پتوهای کثیف افتاده بودم. فقط گاه و بیگاه نیم‌تنه‌ی لختشون رو میدیدم که از جلوی من رد می‌شدند و صداهای گنگ حرف زدن و خنده می‌شنیدم. تا وقتی که بیهوش شدم. بعدا فهمیدم بجز اون شب اول، یک شب دیگه هم اونجا بودم. شب دوم، نزدیک سحر، منو با ماشین بردند به گوشه شهر و از ماشین انداختنم بیرون رفتند.

پوران ساکت کرد. دقایقی را در سکوت گذراندم. از او تشکر کردم که به من اعتماد کرده و دردش را با من تقسیم کرده. پوران در حالی که ساکت و آرام اشک می‌ریخت و لب‌هایش می‌لرزید حرف‌اش را از سر گرفت:

– سه ماه توی خونه بودم و بیرون نرفتم. فقط با مادرم حرف زدم و سر بسته به چیزهائی بهش گفتم. اگه مامان نبود حتما خودکشی می‌کردم. چند بار دکتر رفتم و آخر سر مادرم طلاهاش رو فروخت و با هزار بدبختی خودم رو به آلمان رسوندم.

به پوران گفتم بهتر است آبی به سر و صورتش بزند و با اینکه هنوز کمی باران می‌بارد خوبست بیرون برویم و کمی قدم بزنیم.

دعوتنامه‌ی دادگاه

بعد از اینکه برگشتیم، پرستار بخش پاکت نامه‌ای را به پوران داد و خواهش کرد متن آن را برایش بخوانم. پوران برای حضور در یک دادگاه دعوت شده بود. وقتی این را شنید بهم ریخت. حالش خراب شد... پرستار بخش سریع یک صندلی چرخدار آورد، او را روی صندلی نشاند و به اتاق‌اش برد. از من خواست بیرون بمانم. پرستار دیگری پزشک بخش را صدا کرد و من بیرون اتاق منتظر ماندم. کمی بعد دکتر از اتاق بیرون آمد و گفت حالش خوب است و جای نگرانی نیست. گفت به او آرام‌بخش تزریق شده و به خواب رفته است.

روز بعد به کلینیک تلفن زدم؛ گفتند می‌توانم بروم و پوران را ببینم. با اطلاع به محل کارم، مرخصی گرفتم و به کلینیک رفتم.

وقتی به اتاق پوران وارد شدم، به وضوح دیدم که فشار روانی دیروز تا کجا او را خسته و بی‌رمق کرده است. نمی‌توانست از روی تخت پائین بیاید. بی‌حال بود و رنگ صورتش هنوز کمی سفید و چشمانش خسته بود. وقتی حرف می‌زد چشم‌ها را می‌بست. نیم ساعت در کنارش بودم. زیاد نمی‌توانست حرف بزند. قول دادم روز بعد به دیدارش خواهم رفت.

روز بعد، شنبه، به کلینیک رفتم. حال پوران بهتر شده بود. در ورودی کلینیک با همان خانواده ایرانی روی یک نیمکت نشسته و حرف می‌زدند و می‌خندیدند. خوشحال شدم که تنها نیست. خانواده ایرانی می‌خواستند پوران را نزد خود ببرند ولی پزشک بخش گفته بود لازم است در مورد چند موضوع صحبت کنند و باید منتظر باشند تا من بیایم. همه با هم نزد پزشک بخش رفتم. او گفت از این به بعد

حسن عبدالفتاح اصلیح خبرنگار- تروریست عضو حماس کشته شد

منابع اسرائیلی سه شنبه ۱۳ ماه مه (۲۳ اردیبهشت) گزارش دادند حسن عبدالفتاح محمد اصلیح که با پوشش روزنامه نگار و مدیر یک شرکت رسانه‌ای فعالیت می‌کرد، در حمله‌ای هدفمند از سوی ارتش اسرائیل در نزدیکی بیمارستان ناصر واقع در خان‌یونس کشته شد. اصلیح از اعضای تیپ خان‌یونس وابسته به گروه تروریستی حماس بوده و در حمله خونین هفتم اکتر مشارکت داشته است. گفته می‌شود او ضمن مستندسازی صحنه‌های غارت، آتش‌سوزی و خشونت، آنها را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرده است. این «فعال رسانه‌ای» با رهبران حماس از جمله یحیی سینیور که وی هم توسط اسرائیل هنگام فرار در تونل‌های زیرزمینی غزه به سوی رفح کشته شد، روابط نزدیک داشت.

نامه ۱۵۰ نماینده مجلس در مخالفت با تصویب لوایح پالرمو و CFT

میثم ظهوریان نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ مجلس با یک تذکر شفاهی گفت: «بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای، مخاطرات تصویب این لوایح و مخالفت خود را با آن اعلام کردند.» وی افزود: «رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام به این نامه اشاره و مخالفت نمایندگان با آن را مطرح کرده است.» نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی همچنین گفت: «در جلسه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، به آرای نمایندگان دو دوره قبل مجلس که این لوایح در آن زمان به تصویب رسیده بود، ارجاع شده است. آیا درست است که به آرای گذشته استناد و اعلام شود که مجلس با تصویب این دو کنوانسیون موافق است؟» بررسی تصویب دو لایحه پالرمو و CFT که مدت‌ها در مجمع تشخیص مصلحت نظام معلق مانده بود، طی



ماه‌های گذشته، با اصرار دولت مسعود پزشکیان و موافقت علی خامنه‌ای بار دیگر در دستور بررسی این مجمع قرار گرفت. عدم تصویب این دو لایحه سبب قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی جهت پیگرد پولشویی و تأمین تروریسم (FATF) شده و موانع زیادی بر سر راه تبادلات تجاری و مالی فعالان اقتصادی ایران با دیگر کشورها ایجاد کرده است.

کاشت نهال به یاد جانب‌اختگان راه آزادی ایران در هامبورگ

گروه ملی گرایان هامبورگ با حضور دو تن از مادران دادخواه، محبوبه رضانی مادر پژمان قلیپور و رحیمه یوسفی مادر نوید بهبودی، از جانب‌اختگان آبان ۹۸، به یاد همه جانب‌اختگان راه آزادی ایران نهال کاشتند. مسعود عزیزاده از زندانیان سیاسی کهریزک طی سخنانی گفت که این نهال به یاد کودکان نوجوانان و جوان‌هایی کاشته شده که در راه آزادی ایران، جان‌شان را از دست دادند. درختی برای زندگی، برای امید، برای فردا... این مراسم یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ در شهر هامبورگ آلمان برگزار شد.

تغییر ساعات مدارس در ایران؛ از ساعت شش صبح!

وزارت آموزش و پرورش روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ در اقدامی عجیب، از تغییر ساعت کار مدارس به شش صبح تا یک بعد از ظهر خبر داد! علت این تصمیم بحران کمبود برق در ایران است! وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده «طبق مصوبه هیئت وزیران برای اصلاح تغییر ساعت رسمی کشور و به منظور مدیریت بهینه مصرف انرژی و کاهش ناترازی موجود، ساعت آغاز کار ادارات آموزش و پرورش و مدارس تغییر کرد.» در ادامه آمده که «ساعت آغاز کار اداری از ۶ صبح الی ۱۳ خواهد بود و در صورت نیاز کسری ساعت موظف همکاران بر اساس مفاد آیین نامه دورکاری کار در خانه است.» این وزارتخانه تأکید کرده که «ساعت کار مدارس اعم از نوبت اول و دوم از ساعت ۶ صبح الی ۱۳ خواهد بود.»

قطع برق سبب گازگرفتگی ۱۳ زن در یک سالن زیبایی در اصفهان شد

روشن کردن موتور برق اضطراری در فضای بسته یک سالن زیبایی باعث گازگرفتگی ۱۳ زن شد. عباس عابدی سخنگوی اورژانس اصفهان گفته روشن



کردن موتور برق سبب انتشار گازهای سمی و بروز مسمومیت در ۱۳ خانم ۲۵ تا ۳۵ ساله شد. وی توضیح داد: «موتور برق برای استفاده از فضای باز است، زیرا موتور برق‌های کوچک با سوخت بنزین و موتور برق‌های بزرگتر با سوخت گازوئیل کار می‌کند، لذا این وسیله مناسب محیط و فضای بسته نیست و گاز انتشار شده حاصل از سوخت آن موجب مسمومیت و گازگرفتگی می‌شود.»

حذف ۴ صفر از پول ملی امسال عملی می‌شود

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده «امسال برنامه حذف چهار صفر از پول ملی را عملیاتی می‌کنیم.» وی با بیان اینکه «باید نگاه منفی به ریال ایران از بین برود» گفته «اگر این سیاست در موقع مناسب اجرا شود، سیاست خوبی است؛ این سیاست در ۷۰ کشور دنیا تجربه شده و موفق بوده است.»

توهین یک خودفیلسوف پندار به شهروندان آبادان

بیژن عبدالکریمی «دانشیار» گروه «فلسفه» دانشگاه آزاد اسلامی در یک مناظره ادعا کرده «آبادان قبل انقلاب فاحشه‌خانه آمریکایی‌ها بود.»

این توهین او به مردم آبادان با واکنش منفی زیادی از سوی کاربران روبرو شده است. عده‌ای او را خودفیلسوف پندار نامیده‌اند و برخی دیگر، «خودشیفته» و «بی‌مایه»‌ای که برای تحریف تاریخ و فرهنگ ایران، از گفتن هیچ دروغی پروا ندارد.

شاهزاده رضا پهلوی:

تنها مانع بین ملت ایران و آینده‌ای روشن، جمهوری اسلامی است!

دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا که در یک سفر سه روزه در کشورهای حاشیه خلیج فارس بسر می‌برد، روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ طی یک سخنرانی در ریاض بارها به جمهوری اسلامی و ناکارآمدی‌ها و خرابکارهای آن اشاره کرد و در مقایسه با وضعیت ایران پیش و پس از «۱۹۷۹» از جمله گفت: «من برای ارائه یک مسیر جدید به سوی آینده‌ای بسیار بهتر و امیدوارکننده‌تر به ایران اینجا هستم.»

شاهزاده رضا پهلوی ساعاتی بعد با اشاره به سخنان ترامپ درباره نقش ایران و اوضاع منطقه با تکرار مواضع خود در



رسانه‌های اجتماعی اعلام کرد:

«رئیس جمهور ترامپ درست می‌گوید: این رژیم، ایران و خاورمیانه را گروگان گرفته است. ایرانیان برای همان آینده‌ی روشنی مبارزه می‌کنند که او از آن صحبت می‌کند. تنها مانع بین ملت ایران و آن آینده، جمهوری اسلامی است. صلح پایدار تنها زمانی به منطقه‌ی ما خواهد آمد که این رژیم سرنگون شود.»

دستور ۵۹ ساعته قطع برق هفتگی به کارخانه‌ها!

محمد بحرینیان فعال صنعتی و پژوهشگر توسعه از دستور ۵۹ ساعته قطع برق در هفته به کارخانه‌ها خبر داده است.

این فعال صنعتی گفته «به واحدهای صنعتی اعلام شده که دو روز در هفته، روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۷ ساعت، یعنی از ساعت ۷ صبح تا ۲۴، باید ۹۰ درصد بار مصرفی خود را کاهش دهند. علاوه بر آن، از ۱۵ اردیبهشت تا اطلاع ثانوی، همه روزها از ساعت ۱۸ تا ۲۳ هم باید مصرفی نداشته باشیم و در غیر این صورت، با قطعی برق مواجه خواهیم شد.»

او تأکید کرده «تصمیم‌های غیرکارشناسی و ناتوانی در مدیریت بحران انرژی، باعث شده واحدهای تولیدی با سهمیه‌بندی‌های عجیب و قطعی‌های مکرر برق مواجه شوند و این یعنی ضربه مستقیم به قلب تولید، بدون اعلام رسمی تعطیلی، و مرگی خاموش برای صنعتی که قرار بود ستون فقرات اقتصاد و موتور محرک توسعه باشد.»

اعتراض رانندگان کمپرسی در کاشان

رانندگان کامیون‌های کمپرسی در کاشان روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در اعتراض به وضعیت توزیع گازوئیل در جاده کمربندی این شهر دست به اعتصاب زدند. گرانی سوخت و ناکافی بودن آن، گرانی قطعات و هزینه‌های جانبی حمل و نقل معیشت این رانندگان را نیز در وضعیت بسیار بدی قرار داده است.

مرگ ۶۸ قلاده یوز در ایران طی دو دهه!

شینا انصاری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در یادداشتی در کانال تلگرامی‌اش نوشته «از سال ۱۳۸۰ تا کنون، ۶۸ یوز تلف شده‌اند که ۸۵٪ آن ناشی از عوامل انسانی بوده است؛ یعنی بیشتر از طبیعت، ما عامل خطر



شده‌ایم...»

وی در این یادداشت تأکید کرده «کمبود نیروی انسانی و تجهیزات حفاظت، کاهش جمعیت طعمه‌های طبیعی، تصادف در جاده‌ها، حضور دام و شتر و سگ‌های گله، کمبود منابع آبی، و پروژه‌هایی که بدون ارزیابی محیط زیستی اجرا می‌شوند و در نهایت گستره زیستی یوز را چندپاره می‌کنند.»

مداح حسن نصرالله جاسوس اسرائیل از آب درآمد

کاربران لبنانی می‌گویند مداح حسن نصرالله به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت شده است. «هادی صالح» روز جمعه ۱۹ اردیبهشت بازداشت شد. گفته شده است که وی اطلاعات حساسی را به «دشمن» رسانده و به ارتش اسرائیل این امکان را داده است تا برخی رهبران حزب‌الله را ترور کند.

ادعای تهدیدآمیز رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: اگر حمله کنید، پایان درگیری با شما نیست با ماست!

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ در یک سخنرانی در حاشیه رزمایشی در جنوب ایران مدعی شد: «به لحاظ توان و آمادگی رزمی در بهترین وضعیت بسر می‌بریم.»

باقری در واکنش به احتمال حمله علیه جمهوری اسلامی اضافه کرد: «توصیه ما به دشمنانی که بعضاً تهدیداتی علیه نظام مطرح می‌کنند این است: ممکن است شما آغازگر یک درگیری با جمهوری اسلامی بر اساس خطای محاسباتی باشید، لکن خاتمه درگیری، نحوه درگیری، زمان، مکان درگیری و توسعه صحنه نبرد دیگر با شما نیست و این جمهوری اسلامی است که مشخص خواهد کرد.»

محمد اسلامی:

صنعت هسته‌ای قابل مذاکره و معامله نیست

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید: «ما برای دستیابی به علم هسته‌ای بهای سنگینی داده‌ایم و فناوری هسته‌ای کلید پیشرفت در تمامی علوم و



فنون است.»

اسلامی روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در یک سخنرانی ادعا کرد: «صنعت هسته‌ای نقطه ثروت و قوت ملت ایران است و قابل معامله و مذاکره نیست.» این در حالیست که مقامات آمریکایی گفته‌اند از شروط توافق با جمهوری اسلامی برچیده شدن کامل غنی‌سازی اورانیوم و تأسیسات مربوطه در ایران است.

اورشلیم‌پست:

ترامپ شاید به صورت مشروط یک کشور فلسطینی را به رسمیت بشناسد

روزنامه «اورشلیم‌پست» به نقل از یک منبع دیپلماتیک گزارش داد که دونالد ترامپ قصد دارد در نشست پیش رو در ریاض، تشکیل یک کشور فلسطینی بدون حضور حماس را به رسمیت بشناسد.

گفته می‌شود طی این دیدار قرار است چند توافق اقتصادی و نظامی امضاء شود و همکاری در زمینه توسعه انرژی هسته‌ای میان آمریکا و عربستان مورد بحث قرار گیرد. عربستان سعودی از سال ۲۰۱۰ برنامه‌ای برای توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز دارد و شرکت‌های بین‌المللی در حال رقابت برای اجرای این پروژه‌ها هستند.

این نشست در حالی برگزار می‌شود که ترامپ در دیدار اخیر خود با نخست‌وزیر کانادا از «یک اعلامیه بسیار مهم» در آینده نزدیک خبر داده بود. برخی تحلیلگران معتقدند که این اعلامیه ممکن است به موضوع فلسطین مربوط باشد؛ هرچند برخی دیگر با توجه به عدم دعوت از رهبران مصر و اردن، این احتمال را کم می‌دانند.

پرستار یا زندانبان؟

بازداشت پرستاران در کرج به خاطر فرار یک زندانی از بیمارستان!

محمد شریفی دبیرکل «خانه پرستار» اعلام کرده که کادر پرستاری یک بخش بیمارستانی در کرج به علت فرار یک زندانی بازداشت شدند! وی گفته «اواخر هفته گذشته، حین تغییر شیفت شب، یکی از بیماران زندانی، از بخش فرار کرد. روز بعد کادر پرستاری آن بخش را به همراه یک بیمار عادی به کلانتری منتقل و در آنجا بازداشت کردند. این افراد به اتهام تبانی در فراری دادن زندانی به مدت ۳ روز در بازداشت بسر بردند!» این فعال صنفی تأکید کرده «طبق مقررات، مسئولیت اصلی نگهداری و امنیت [این نوع]



بیماران بر عهده نیروی انتظامی و زندانبان‌هاست و پرستاران هیچگونه وظیفه‌ای در این خصوص ندارند.» دبیرکل «خانه پرستار» افزود: «بعد از نیروی انتظامی هم مسئولیت روی دوش حراست بیمارستان و در نهایت ریاست بیمارستان است و زندانبانی و مراقبت از زندانی‌ها هیچ ربطی به پرستاران ندارد. اما بجای اینکه این مسئولین را بازخواست کنند، پرستاران را بازخواست کرده‌اند.»

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
KAYHAN
www.kayhanlife.com



عکس هفته | بدون شرح

احمد الشرع (سوریه)، محمد بن سلمان (عربستان)، دونالد ترامپ (آمریکا) / ریاض / ۱۴ مه ۲۰۲۵ / رویترز